

## فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و سوم، دفتر چهارم، زمستان ۱۴۰۲  
شماره پیاپی ۱۳۲  
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲  
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی مطبوع آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره  
۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.  
و مطالعات آرشیوی

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد  
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیز [greazizi@gmail.com](mailto:greazizi@gmail.com)

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی [srezaei@alzahra.ac.ir](mailto:srezaei@alzahra.ac.ir)

### هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، استاد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی [m.sadat@yahoo.com](mailto:m.sadat@yahoo.com)

مترجم: دکتر ساناز باغستانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: [ganjineh.nlai.ir](http://ganjineh.nlai.ir)

پیام‌نگار: [ganjinehasnad@gmail.com](mailto:ganjinehasnad@gmail.com)

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۲۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

[www.ISC.gov.ir](http://www.ISC.gov.ir) | [www.sid.ir](http://www.sid.ir) | [www.ricest.ac.ir](http://www.ricest.ac.ir) | [www.researchgate.net](http://www.researchgate.net) | [www.scholar.google.com](http://www.scholar.google.com)



## فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۳، دفتر ۴، (زمستان ۱۴۰۲)

شماره پیاپی ۱۳۲

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

### تحقیقات تاریخی

اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ و اشغال کرمانشاه در جنگ جهانی اول / صباح خسروی زاده، صباح  
قنبری

۶-۳۱(۲۶)

تحلیل تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه نظام اجباری، اتحاد البسه، و کشف حجاب، در دوره پهلوی اول /  
سید محمود سادات بیدگلی، رضاییگدلو

۳۲-۵۴(۳۳)

تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل السلطان در اصفهان / سمیه بختیاری

۵۶-۹۴(۳۹)

خلع سلاح ایل جاف جوان‌رود (۱۳۲۰-۱۳۳۴ ش) // کیومرث میرزایی، مرتضی دهقان نژاد، مرتضی نورانی

۹۶-۱۲۰(۱۲۵)

### مطالعات آرشیوی

بررسی اعمال سلیقه مرمت‌گران و نظر مخاطبان بر موزون‌سازی نواحی فقدان تک‌نگاره جنگ  
دریایی اسکندر / اعظم سهیلی پور، صمد سامانیان

۱۲۲-۱۵۷(۳۶)

تنظیم اسناد دولتی متنی بر اساس استانداردهای بین‌المللی / آناهیتا نظری

۱۵۸-۲۰۱(۴۴)

## شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

## ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

## ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- مُتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- میس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

## کوتاه‌ت‌ها





# Hussein Rauf Bey's Ittihad Islamic Army and the occupation of Kermanshah in the First World War

Sabah Khosravizadeh<sup>1</sup> | Sabah Ghanbari<sup>2</sup>

## Abstract

**Purpose:** Part of the issue of Iran's occupation during World War I unfolded in Kermanshah, where clashes among Germany, the Ottoman Empire, Russia, and Britain took place. At a critical juncture when Britain threatened the regions of Basra and Baghdad in Iraq, the Ottoman government, by halting the mission of the expeditionary group to Afghanistan and establishing the Islamic Union Army, contemplated capturing Kermanshah through a Jihad strategy.

Thus, the purpose of the current research is not to delve into the group sent to Afghanistan and its disintegration, but to examine the shifts in Ottoman objectives for this group, the actions of the Islamic Union Army, and their consequences and outcomes.

**Method and Research Design:** The current research was conducted using a descriptive-analytical approach based on archival documents and library resources.

**Findings and Conclusion:** Anwar Pasha, the Ottoman Minister of War, and Hussein Raufbeyg, the commander of the Islamic Union Army, contrary to the Ottoman ambassador's stance in Tehran and the German government, an Ottoman ally in World War I, occupied Kermanshah. This event marked a significant repercussion in terms of discord within the Ottoman front and dealt a blow to the Jihad strategy of this last Islamic empire. Ultimately, due to these repercussions, alongside the opposition from the Iranian government and the extensive resistance of the people of Kermanshah under the leadership of the Sanjabi tribe, the occupation of Kermanshah, which commenced on 26 Jumada al-Awwal 1333 AH/11 April 1915 AD, concluded on 14 Dhu al-Qaidah 1333/23 September 1915

**Keywords:** Islamic Union Army; Hussein Raufbeyg; Ottoman; Germany; Kermanshah; Sanjabi Tribe.

**Citation:** khosravizadeh, S., & Ghanbari, S. (2023). Hussein Rauf Bey's Ittihad Islamic Army and the occupation of Kermanshah in the First World War. *Ganjine-ye Asnad*, 33(4), 6-31. doi: 10.30484/ganj.2023.3106

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD in History of Iran after Islam, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran, (Corresponding author) sabah.khosravi@gmail.com

2. PhD in Islamic History, University of Tehran, Tehran, Iran sabahgh62@gmail.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«132»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2023.3106

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.4, Winter 2024 | pp:6-31 (26) | Received: 15, Nov. 2023 | Accepted: 19, Dec. 2023

Historical research



# اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ و اشغال کرمانشاه در جنگ جهانی اول

صبح خسروی زاده<sup>۱</sup> | صباح قنبری<sup>۲</sup>



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

## چکیده

بخشی از قضیه اشغال ایران در طول جنگ جهانی اول، در کرمانشاه روی داد؛ جایی که با آغاز جنگ جهانی اول محل نزاع آلمان، عثمانی، روسیه و بریتانیا شده بود. درست زمانی که بریتانیا موقعیت دو ولایت بصره و بغداد عثمانی را به خطر انداخت، دولت عثمانی هم با لغو مأموریت گروه اعزامی به افغانستان و تشکیل اردوی اتحاد اسلامی به فکر افتاد که کرمانشاه را با راهبرد جهاد تصرف کند.

**هدف:** مذاقه درباره پیامدهای اشغال کرمانشاه به دست قوای اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ در جنگ جهانی اول و علل ناکامی آن.

**روش / رویکرد پژوهش:** پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** انورپاشا، وزیر جنگ عثمانی، و حسین رثوف بیگ، فرمانده اردوی اتحاد اسلامی، برخلاف نظر سفیر عثمانی در تهران، و هم‌چنین دولت آلمان-متحد عثمانی در جنگ جهانی- کرمانشاه را اشغال کردند که از جمله پیامدهای مهم آن ظهور اختلاف در جبهه عثمانی و ضربه به راهبرد جهاد این آخرین امپراتوری اسلامی بود. سرانجام، به دلیل همین پیامدها، و مخالفت دولت ایران و مقاومت گسترده ایلات کرمانشاه به رهبری ایل سنجابی، اشغال کرمانشاه که از ۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق/ ۱۱ آوریل ۱۹۱۵ م شروع شده بود در ۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۳/ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۵ م پایان یافت.

**کلیدواژه‌ها:** اردوی اتحاد اسلامی؛ حسین رثوف بیگ؛ عثمانی؛ آلمان؛ کرمانشاه؛ ایل سنجابی.

**استناد:** خسروی زاده، صباح و قنبری، صباح. (۱۴۰۲). اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ و اشغال کرمانشاه در جنگ جهانی اول. *گنجینه اسناد*، ۳۳(۴)، ۶-۳۱ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۱۰۶

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sabah.khosravi@gmail.com

۲. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران

sabahgh62@gmail.com



## گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۱۰۶

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۶-۳۱ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۸

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

ایران در جنگ جهانی اول اوضاع سیاسی آشفته‌ای داشت و خیلی زود عرصه رقابت و جنگ متفقین (روسیه و بریتانیا) و متحدین (آلمان و عثمانی) شد و بحران «اشغال ایران یا جبهه ایران»<sup>۱</sup> به وجود آمد. آلمان در پی آن بود که قوای عثمانی با اعلان جهاد در مصر، قفقاز و خاورمیانه، جبهه‌ای را علیه روسیه و بریتانیا باز کنند تا روسیه و بریتانیا از صحنه اصلی نبرد در اروپا دور شوند (شاو، ۱۳۷۰ ش، ص ۵۲۸). عثمانی، قدرتمندترین دولت اسلامی و همسایه ایران، هم با اعلان جهاد اکبر،<sup>۲</sup> یعنی فتوای خلیفه عثمانی دربارهٔ وجوب شرعی جنگ علیه متفقین، و شعار اتحاد اسلام،<sup>۳</sup> به دنبال بسیج عمومی مسلمانان علیه منافع روسیه و بریتانیا در سرزمین‌های اسلامی بود. مهم‌ترین طرح بلندپروازانه عثمانی و آلمان در این باره، اعزام گروهی مشترک به افغانستان از طریق خاک ایران و تهدید منافع بریتانیا بود. آن‌ها فکر می‌کردند می‌توانند با فتوای جهاد، مسلمانان افغانستان را علیه بریتانیا بشورانند؛ ولی مأموران آلمانی به دلیل ظهور اختلاف، قبل از رسیدن به بغداد این گروه را ترک کردند و مأموران عثمانی هم هدفشان را تغییر دادند و گروه تازه خود یعنی اردوی اتحاد اسلامی را برای اشغال کرمانشاه آماده کردند.

هدف پژوهش حاضر، بررسی گروه اعزامی به افغانستان و علل ازهم‌پاشیدگی آن نیست؛ بلکه مذاقه دربارهٔ پیامدهای اشغال کرمانشاه به دست قوای اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ در جنگ جهانی اول و علل ناکامی آن است. هم‌چنین این پژوهش دربارهٔ اشغال استان کردستان امروزی و نواحی کردنشین نواحی جنوبی آذربایجان (ساکما، ۲۴۰/۸۲۴۷؛ ۹۹۹/۴۷۳۹۲) و فعالیت عثمانی با شعار اتحاد اسلامی در آنجا نیست؛ بلکه مشخصاً دربارهٔ اقدامات اردوی اتحاد اسلامی زیر نظر حسین رثوف بیگ در کرمانشاه است که فعالیت آن با نواحی دیگر ارتباطی ندارد.<sup>۴</sup>

در همین راستا، نویسندگان مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

۱. چرا عثمانی اهداف گروه اعزامی به افغانستان را تغییر داد؟
۲. چرا اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ که با اعلان جهاد اکبر و شعار اتحاد اسلام تشکیل شده بود کرمانشاه را اشغال کرد؟!
۳. سیاست آلمان، متحد عثمانی در قبال اشغال کرمانشاه چه بود؟
۴. حامیان ایرانی جهاد اکبر و اندیشهٔ اتحاد اسلامی، در قبال اشغال کرمانشاه به دست قوای عثمانی چه واکنشی نشان دادند؟

1. The Persian campaign or invasion of Iran.

2. Jihad-ı Ekber.

3. İttihad-ı İslam.

۴. برای مطالعه دربارهٔ اقدامات عثمانی در استان کردستان امروزی و نواحی کردنشین آذربایجان که از نظر زمانی اغلب پس از تحولات اشغال کرمانشاه است، می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید: ۱. تیمورزاده، مصطفی. (۱۳۸۰ ش). وحشت در سقز: نگاهی به تحولات کردستان در فاصلهٔ جنگ جهانی اول تا اعادهٔ اقتدار دولت مرکزی. (شهباز حسینی، کوششگر). تهران: شیرازه؛ ضیائی، رثوف. (۱۳۴۷ ش). یادداشت‌هایی از کردستان: خاطرات شیخ رثوف ضیائی از وقایع حضور روسیه و بریتانیا و عثمانی و آشوب‌های محلی. ارومیه: مرکز نشر فرهنگ و ادبیات کردی؛ ویلانی، عزیز. (۱۳۹۷ ش). کاره‌سایگی میژوویی ۱۹۱۶: کوشناری خالکی کورد به دست سپای روسی تزاری. سقز: کوتار.



## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش مشترک اسرافیل کوردجبهه و مصطفی بالجی اوغلو<sup>۱</sup> اولین مقاله ترکی درباره گروه حسین رثوف بیگ و تأسیس، تدارک، اهداف و نتایج آن با استفاده از اسناد آرشیوی عثمانی است. نویسندگان با انتخاب عنوان «پروژه رمانتیک ترکی-آلمانی» به نوعی اساس این طرح را احساسی و خیال پردازانه تحلیل کرده اند و جاه طلبی ناسیونالیست های جمعیت «اتحاد و ترقی» در زمینه گروه اعزامی به افغانستان را نقد کرده اند؛ گروهی که با امید زیاد تشکیل شد ولی هیچ گاه به افغانستان نرسید و در کرمانشاه متوقف شد. مقاله زینا لونت<sup>۲</sup> نیز فعالیت های این گروه را از نظر تئوری جنگ های نامتعارف مدرن بررسی کرده است؛ گروهی که از همه نظر با واحدی متعارف تفاوت داشت و هر چند به افغانستان و هند نرسید، ولی با فعالیت های خود در ایران بر روند جنگ تأثیر زیادی گذاشت. لونت کاملاً برخلاف پژوهش کوردجبهه و بالجی اوغلو، نتیجه اقدامات این گروه را بسیار مؤثر دانسته است؛ تا آنجا که به نظر او بدون عملیات گروه حسین رثوف بیگ، جنگ جهانی اول برای امپراتوری عثمانی خیلی سریع تر و با فاجعه ای بزرگ تر پایان می پذیرفت. تألیف شاخص دیگر به زبان ترکی که ذیل موضوع اصلی خود - فعالیت های جهاد اکبر دولت عثمانی در ایران دوره جنگ جهانی اول - به گروه حسین رثوف بیگ نیز اشاره کرده است، پایان نامه رضوان آی آیدین<sup>۳</sup> است که متأثر از اسناد عثمانی، ایل سنجابی را عامل بریتانیا توصیف کرده و فعالیت روس ها علیه عثمانی در ایران را برجسته کرده است؛ گویی که عثمانی چاره ای جز حمله به ایران نداشته است.

هیچ نوشتاری به طور مستقل درباره اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ و اشغال کرمانشاه به زبان فارسی چاپ نشده است. مهم ترین اثر در این باره، کتاب اردشیر کشاورز<sup>۴</sup> است که از آغاز فصل دهم تا پایان فصل پانزدهم (صص ۵۶-۱۴۳)، مطالب پراکنده ای درباره تجاوز عثمانی به خاک کرمانشاه دارد که بیشتر بازنویسی دو منبع «اسناد وزارت خارجه» از کاوه بیات و «خاطرات سردار مقتدر سنجابی» از علی اکبر سنجابی است. برخی از اطلاعات تاریخی و تحلیل های این پژوهش درباره موضوع اردوی اتحاد اسلامی و اشغال کرمانشاه صحیح نیست؛ برای نمونه: معرفی حسین رثوف بیگ در مقام فرمانده نظامی عثمانی در خانقین (ص ۷۹)؛ توصیف تنش مختصر مرزی بین ایل سنجابی و گروهی کوچک از اردوی عثمانی با عبارت برخورد سنگین حسین رثوف بیگ با سنجابی ها و عقب نشینی او (ص ۷۹)؛ و اصرار حسین رثوف بیگ به آلمان برای کمک به متارکه جنگ کردند (ص ۱۲۵) که صحیح آن، سیاست فعال آلمان برای پایان دادن به این جنگ است. چهار صفحه از پایان نامه کارشناسی ارشد پیرحسین نظری<sup>۵</sup> درباره اشغال کرمانشاه است. او اقدامات اردوی حسین رثوف بیگ با هدف تصرف نقاط غربی ایران و الحاق آن به قلمرو عثمانی را تحلیل

1. Kurtcephe, İsrail & Balçioğlu, Mustafa. (1992). "BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞI BAŞLARINDA ROMANTİK BİR TÜRK-ALMAN PROJESİ - RAUF BEY MÜFREZESİ?". OTAM Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi, 3(3).

2. LEVENT, Zeynel. (15 Kasım 2020). "Binbaşı Hüseyin Rauf (Orbay) Müfrezesi'nin Faaliyetlerinin Modern Gayrinizami Harp Teorisi Açısından Değerlendirilmesi". Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi, Yıl 2020, Cilt 5, Sayı 2. <https://doi.org/10.31454/usb.775710>.

3. Ayaydın, Rıdvan. (2016). "BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞINDA OSMANLI DEVLETİ'NİN İRAN'DA CİHAD-İ EKBER FAALİYETLERİ". Tez Danışmanı: DOÇ.DR. İLYAS TOPSAKAL, İstanbul Üniversitesi / Sosyal Bilimler Enstitüsü / İslam Tarihi ve Sanatları Anabilim Dalı / İslam Tarihi Bilim Dalı.

۴. کشاورز، اردشیر. (۱۳۸۲ ش). *کرمانشاهان در جنگ جهانی اول (تشکیل دولت ایران آزاد)*. کرمانشاه: طاقستان.

۵. نظری، پیرحسین. (۱۳۹۲ ش). «ایل سنجابی و نقش آن در تحولات غرب کشور طی سال های ۱۲۹۳-۱۳۴۵ ق.». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، گرایش ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان.



کرده است (نظری، ۱۳۹۲ ش، صص ۱۰۰-۱۰۴). عزت‌اله شریفی و حجت‌اله کریمی در مقاله مشترک خود<sup>۱</sup> دربارهٔ اوضاع سیاسی کرمانشاه در جنگ جهانی اول، به اقدامات اردوی اتحاد اسلامی در کرمانشاه اشاره کرده‌اند. از نظر شریفی و کریمی، دولت عثمانی زیر نقاب اندیشهٔ اتحاد اسلامی، توسعهٔ ارضی خود و تصرف کامل ایران و الحاق آن به قلمرو عثمانی را دنبال می‌کرده است. این در حالی است که هیچ‌کدام از اسناد آرشیو ایران و یا عثمانی به هدف تصرف کامل ایران و الحاق آن به عثمانی اشاره نکرده‌اند.

ویژگی مشترک همهٔ پژوهش‌های ذکر شده، مسامحه در زمینهٔ منابع است. در تحقیقات چاپ شده به زبان فارسی، خاطرات حسین رئوف بیگ و حتی روزنامه‌های مهم نوبهار و بامداد روشن نادیده گرفته شده‌اند و پژوهش‌گران ترک از منابع مهمی مثل گزارش‌های رسمی ژاندارمری کرمانشاه و یا خاطرات سردار مقتدر سنجابی بهره‌ای نبرده‌اند. ویژگی مشابه دیگر این پژوهش‌ها، ناآگاهی یا بی‌توجهی به تغییر ماهیت و حتی تغییر نام «گروه اعزامی به افغانستان» به «اردوی اتحاد اسلامی» با هدف اشغال کرمانشاه است. برخی از پژوهش‌های به زبان فارسی، سیاست عثمانی و آلمان در اشغال کرمانشاه را یکسان دیده‌اند؛ در حالی که طبق اسناد و منابع، آلمان در قضیهٔ کرمانشاه کاملاً مخالف و مقابل عثمانی عمل کرده است. تحقیقات به زبان ترکی نیز مقاومت ایلات کرمانشاه و دولت ایران در برابر اشغال‌گری عثمانی را به نفوذ و توطئهٔ بریتانیا تقلیل داده‌اند و موضوع را تحریف کرده‌اند.

### ۳. معرفی حسین رئوف بیگ

حسین رئوف بیگ<sup>۲</sup> یکی از افراد مهم نظامی و سیاسی از اواخر دورهٔ عثمانی تا دورهٔ جمهوری خواهی در ترکیه است. آنچه موجب شهرت حسین رئوف بیگ شد، فرماندهی رزم‌ناو حمیدیه در دورهٔ جنگ‌های بالکان<sup>۳</sup> بود که او را در مقام «قهرمان حمیدیه»<sup>۴</sup> به مردم عثمانی معرفی کرد (HAÇİN, 2016, p54). او در آستانهٔ جنگ جهانی اول به فرماندهی بخشی از جبههٔ ایران برگزیده شد. او پس از پایان مأموریت اخیر، به استانبول برگشت و در مقام رئیس ستاد نیروی دریایی به خدمت خود ادامه داد تا این که در کابینهٔ احمد عزت‌پاشا، به‌ویژه برای بررسی شرایط آتش‌بس به وزارت نیروی دریایی منصوب شد و به‌نیابت از نیروهای متفقین در (۳۰ اکتبر ۱۹۱۸ م) متارکهٔ مودروس<sup>۵</sup> را با آدمیرال کالتروپ<sup>۶</sup> نمایندهٔ بریتانیا امضا کرد (Busch, 1976, p15) که به‌موجب آن ارتش عثمانی تسلیم شد و بندرها، راه‌آهن و سایر نقاط راهبردی عثمانی در دسترس متفقین قرار گرفت. حسین رئوف بیگ در فاصلهٔ (۱۲ ژوئیهٔ ۱۹۲۲ م-۴ اوت ۱۹۲۳ م) به مقام نخست‌وزیری ترکیه هم دست یافت. او سال (۱۹۴۲ م) سفیر ترکیه در انگلیس شد و سال (۱۹۴۴ م) از خدمات

۱. شریفی، عزت‌اله؛ کریمی، حجت‌اله. (۱۳۹۷ ش). «بررسی اوضاع کرمانشاه در جنگ جهانی اول از ورود نیروهای عثمانی تا تشکیل دولت موقت ملی». نشریهٔ روزگاران، س ۱۳، ش ۱۳، صص ۱-۲۰.

2. Hüseyin Rauf Orbay.

۳. به دو جنگ گفته می‌شود که در سال‌های (۱۹۱۲ م و ۱۹۱۳ م) در جنوب شرقی اروپا رخ داد.

4. Hamidiye Kahramanı.

5. Armistice of Mudros.

6. Calthorpe.



دولتی استعفا داد و تا زمانی که در سال (۱۹۶۴م) در استانبول درگذشت، زندگی خود را به سخنرانی و کنفرانس در دانشگاه‌ها و مسافرت صرف کرد (Alkan, 2004, p597). اسکار فن نیدرمایر، یکی از افسران آلمانی حاضر در گروه حسین رئوف بیگ برای رفتن به افغانستان، او را سیاست‌پیشه‌ای زیرک‌تر از هم‌ردیفان خود، مسلط به زبان انگلیسی و امور نظامی توصیف کرده‌است (نیدرمایر، ۱۳۶۳ش، ص ۳۵). حسین رئوف بیگ هر چند از طرف مادری، کُرد بود، ولی به گفته خودش در هیچ جنبش سیاسی کردی حضور نداشت (Cebesoy, 1957, p131)؛ او را باید ملی‌گرایی ترک به‌شمار آورد. این نکته بدین لحاظ اهمیت دارد که مأموریت او در ایران، در میان شهرها و قبایل کُرد کرمانشاه بود؛ باین حال هیچ نشانه‌ای از هویت کُردی خود نشان نداد.

#### ۴. معرفی گروه اعزامی به افغانستان

رقابت و تنش آلمان با بریتانیا در آستانه جنگ جهانی اول موجب اهمیت افغانستان شد؛ زیرا افغانستان راه زمینی ورود به هندوستان بود. رسیدن به افغانستان و شوراندن مردم مسلمان آنجا علیه منافع بریتانیا به‌تنهایی و بدون کمک دولت عثمانی دشوار بود؛ به‌همین دلیل توافق محرمانه‌ای بین مقامات آلمانی و عثمانی برای اعزام گروهی مشترک به افغانستان شکل گرفت. عثمانی نیز که قلمرو گسترده‌اش و به‌ویژه خاورمیانه، آماج تهدید جدی بریتانیا بود، برای دور کردن تمرکز دشمن خود از این منطقه، نیازمند سرگرم کردن بریتانیا در هندوستان بود (Çolak, 2008, p129; Adamec, 1967, p83). انورپاشا<sup>۲</sup> در حالی مسئولیت گروه اعزامی به افغانستان را به حسین رئوف بیگ سپرد که او برای پذیرش این «خدمت بسیار مهم ملی» تردید داشت و به‌قول خودش در آن لحظه نمی‌توانست موقعیت افغانستان را روی نقشه تجسم کند! و درک کند چگونه و چطوری باید به آنجا برسد؟ (Orbay, 1993, v1, p17).

تشکیل گروه اعزامی به افغانستان و تدارک آن، زیر نظر بخش شرقی وزارت جنگ عثمانی در استانبول و با تلاش سرگرد پیاده‌نظام، عمر فوزی بیگ<sup>۳</sup> - یکی از افسران عالی‌رتبه سازمان مخفی و جاسوسی «تشکیلات مخصوصه»<sup>۴</sup> - انجام شد (YÜKSEL, 2019, p95). او شخصاً با انورپاشا در تماس بود و کارش را چنان با دقت و پنهان‌کاری پیش بُرد که حتی افسرانی که برای گروه اعزامی برگزیده می‌شدند نام سایر اعضا و وظایف خود را نمی‌دانستند.<sup>۵</sup>

نیروهای آلمانی نیز در این عملیات شرکت داشتند؛ ویلهلم واسموس<sup>۶</sup>، ریاست نمایندگی دیپلماتیک و اسکار فن نیدرمایر، ریاست پرسنل نظامی نیروهای آلمانی را برعهده داشتند؛ دکتر فن هتینگ<sup>۷</sup>، دکتر شومایر<sup>۸</sup> و ماکس اتو شونمان<sup>۹</sup> - کنسول بعدی آلمان در

1. Oskar von Niedermayer.

2. Enver Pasha.

3. Ömer Fevzi Bey.

4. Teşkilât-ı Mahsusa.

۵. لیست کامل افسران گروه اعزامی به

افغانستان را می‌توانید در منابع زیر ببینید:

(Kurtcepe, & Balcioglu, 1992, pp

251-252; YÜKSEL, 2019, p95)

6. Wilhelm Wassmuss.

7. Doktor von Hentik.

8. Doktor Şumayer.

9. Max Otto Schönmann.



کرمانشاه- از دیگر اعضای برجسته بودند که به طور کلی شامل ۲۵ صاحب منصب آلمانی و ۱۵ نفر غیر نظامی می شدند (سپهر، ۱۳۳۶ ش، ص ۵۸؛ Balçoğlu, 2011, p72). گروه اعزامی پس از توقف حدود یک ماهه در هتل بارون<sup>۱</sup> حلب، (۲۹ ذی القعدة ۱۳۳۳ ق/ اکتبر ۱۹۱۵ م) عازم بغداد شد (Orbay, v1, 1993, p19). اولین مشکل گروه، نداشتن رهبری واحد بود. حسین رئوف بیگ، ویلهلم واسموس و اسکار فن نیدرمایر به اندازه هم رئیس بودند. هم سفری افسران آلمانی و عثمانی خیلی زود اختلافات آنها را نشان داد. در مسیر بغداد، تنش به حدی رسید که ادامه راه ممکن نبود. به همین دلیل ویلهلم واسموس پس از مشاجره با حسین رئوف بیگ، دستور داد افسران آلمانی به حلب برگردند؛ ولی اعضای عثمانی گروه در مندلی عراق اردو زدند (Kurtcepe & Balçoğlu, 1992, pp 254-256).

## ۵. تغییر اهداف گروه

گروه حسین رئوف بیگ که از استانبول با هدف عبور از ایران و رفتن به افغانستان حرکت کرده بود وقتی به مندلی عراق رسید دیگر نه افسران آلمانی را همراه داشت و نه به فکر رسیدن به افغانستان بود. حسین رئوف بیگ در خاطراتش به نامه خود به انور پاشا اشاره کرده که در آن برای وزیر جنگ عثمانی توضیح داده است که با توجه به نفوذ روسیه و بریتانیا در ایران، عبور گروهی عثمانی از این کشور به سمت افغانستان ممکن نیست (Orbay, 1993, v1, p21). هم زمان، سلیمان عسکری<sup>۲</sup> - رئیس تشکیلات مخصوصه عثمانی و فرمانده کل عراق - اشغال کرمانشاه را که عملاً پایگاه روسیه و بریتانیا علیه عثمانی شده بود ضروری دانست (Ayaydin, 2016, p186).

به همین دلیل و برای جلوگیری از امکان پشتیبانی نیروهای بریتانیایی حاضر در جبهه عراق، از سمت کرمانشاه، انور پاشا متقاعد شد که حکم تازه ای به حسین رئوف بیگ بدهد و او را به فرماندهی نیروهای عثمانی در جبهه کرمانشاه منصوب کند. حسین رئوف بیگ در دفاع از نتیجه عملیات خود در ایران، نوشته است تا زمانی که در کرمانشاه بودم از بغداد در برابر انگلیسی ها محافظت کردم (Orbay, 1993, v1, p21).

در حین درگیری مرزی ناخواسته بین پیش قراولان گروه حسین رئوف بیگ و سواران ایل سنجایی نامه ای محرمانه به دست سنجایی ها افتاد که مطابق آن به این فرمانده عثمانی دستور داده شده بود که تا سرمیل و کوند را در خاک ایران اشغال کند؛ از آن پس تصرف کرمانشاه و کوه بیستون را مدنظر قرار دهد؛ نفوذ مأموران سیاسی روس و انگلیس را در آن منطقه قطع کند و جمعیت اتحاد اسلامی را تشکیل دهد (روزنامه بامداد روشن، دوشنبه ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۳، س ۱، ش ۳۳، ص ۱؛ بهار، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۱۷؛ سنجایی،

1. Baron Hotel.  
2. Süleyman Askeri Bey.





۱۳۹۳ ش، صص ۲۴۱-۲۴۲). حسین رثوف بیگ در گفت‌وگو با فردریش ساره<sup>۱</sup> -مأمور تشویق او برای خروج از ایران- هدف اردوی خود را گسترش اندیشه اتحاد اسلامی در کرمانشاه و یافتن راهی برای ارسال اسلحه به افغانستان توضیح داد (گرکه، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۰۴). عثمانی‌ها در کرمانشاه این‌گونه تبلیغ می‌کردند که مقصود آن‌ها از آمدن به ایران خلاص کردن آن آب‌و خاک از ربه نظارت و اسارت روس و انگلیس است تا این دو مملکت اسلامی بتوانند اتحاد کنند و وظایف اسلامیت را به عمل بیاورند (روزنامه بامداد روشن، شنبه ۲۰ شعبان ۱۳۳۳، س ۱، ش ۶۱، ص ۱؛ ساکما، ۲۹۶۷/۲۴۳۱۴). آن‌ها به روحانیون موافق در کرمانشاه پول می‌دادند تا علیه روس و انگلیس سخنرانی کنند (ساکما، ۲۸۹۸/۲۹۳). هم‌چنین برخی از روزنامه‌های ایران هم علیه اتحاد روس و انگلیس در دشمنی با ایران، مطالبی نوشتند (روزنامه رستخیز، سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، س ۲، ش ۱۴، صص ۱ و ۲). با مشخص شدن اهداف جدید، بها سعید بیگ<sup>۲</sup> به نمایندگی از سوی گروه حسین رثوف بیگ چندبار به قصر شیرین آمد و با شیرخان صمصام‌الممالک (حاکم قصر شیرین و رئیس ایل سنجابی) ملاقات و مذاکره کرد و اجازه خواست که سربازان عثمانی وارد ایران شوند و از قصر [شیرین] تا کرمانشاه پست نظامی بگذارند که با پاسخ منفی صمصام‌الممالک (حاکم قصر شیرین) روبه‌رو شد (سنجابی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۴۰). در همین راستا، دولت عثمانی شیخ حسن واعظ کردستانی را با فتوایی با خط و مهر علمای عتبات و دستوراتی از سران دولت عثمانی به ایران فرستاد تا از شیرخان صمصام‌الممالک و امیرمفخم بختیاری (حاکم کرمانشاه) بخواهد که به اردوی مسلمان عثمانی اجازه دهد از کرمانشاه عبور کند تا برای جنگ با قوای «کافر روس» به قزوین برود (کتاب سبز، ۱۳۳۳ ش، صص ۹۹-۱۰۰): ولی سیاست رسمی دولت ایران در این زمان بی‌طرفی در جنگ بود (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۹۳۹) و امکان اجابت درخواست گروه حسین رثوف بیگ فراهم نبود. همین وضعیت باعث شد تا حسین رثوف بیگ ناچار شود با ایل سنجابی رویارو شود. بن‌بست سیاسی پیش‌روی گروه حسین رثوف بیگ را اتفاقی ناخواسته باز کرد؛ درگیری مرزی چند سوار عثمانی با یک سوار سنجابی بر سر آهویی شکار شده به سرعت آتش جنگ را گسترده کرد و موجب کشته شدن اسمعیل حقی بیگ<sup>۳</sup> شد که قرار بود به شه‌بندری<sup>۴</sup> عثمانی در کرمانشاه برود و گاردی ویژه را سازمان‌دهی کند (سنجابی، ۱۳۹۳ ش، ۲۴۱-۲۴۲؛ Orbay, 1993, v1, p21). حسین رثوف بیگ با بهانه کردن این واقعه و اصرار بر تحویل شیرخان صمصام‌الممالک و پسرش (سردار مقتدر سنجابی) به او برای مجازات (بهار، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۱۸)، پیشروی به داخل خاک ایران را شروع کرد.

۱. Friedrich Sarre؛ باستان‌شناس، مورخ هنر و افسر آلمانی در جنگ جهانی اول.

2. Baha Said Bey.

3. Ismail Hakki Bey.

۴. نمایندگی سیاسی، کنسول‌گری.



## ۶. اشغال کرمانشاه

حسین رئوف بیگ نیروهای خود را (۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق/ ۵ آوریل ۱۹۱۵ م) در اردوگاهی در شمال شرقی خانقین متمرکز کرد (Ayaydin, 2016, p188). شیرخان صمصام الممالک با ناامیدی، از دولت ایران کسب تکلیف کرد که به او دستور دادند به سرپل زهاب عقب‌نشینی کند و به اردوی امیرمفخم بختیاری بپیوندند (بهار، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۱۹؛ بیات، ۱۳۸۱ ش، صص ۱۱۴-۱۱۸، ۱۲۳-۱۲۴؛ به نقل از اسناد وزارت خارجه، کارتن ۴۰۷۵/۱۴). بدین ترتیب حسین رئوف بیگ (۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق/ ۱۱ آوریل ۱۹۱۵ م) از جانب قوره‌تو و کوه آق‌داغ و بها سعیدبیگ از سمت نفت‌شاه (نفت‌شهر) بدون هیچ مقاومتی وارد قصرشیرین شدند؛ درحالی‌که شیرخان صمصام الممالک با زن و بچه از آب الوند گذشت و از راه گاومیشان و جگرلو خود را به سرپل زهاب و اردوی امیرمفخم بختیاری رساند (سنجابی، ۱۳۹۳ ش، صص ۲۴۶-۲۴۷) که سریع به کرند، هارون‌آباد<sup>۱</sup> و سپس کرمانشاه عقب‌نشینی کردند. اردوی حسین رئوف بیگ پنج‌شنبه (۳۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق/ ۱۵ آوریل ۱۹۱۵ م)، سرپل زهاب (Ayaydin, 2016, p189) و شنبه (۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق/ ۱۷ آوریل ۱۹۱۵ م)، گردنه پاتاق و شنبه (۹ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق/ ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ م)، گردنه سرخه‌دیزه و سه‌شنبه (۴ رجب ۱۳۳۳ ق/ ۱۸ می ۱۹۱۵ م) کرند را اشغال کرد (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۹۳۹؛ بیات، ۱۳۸۱ ش، صص ۱۲۳-۱۲۴؛ به نقل از اسناد وزارت خارجه، کارتن ۴۰۸۵-۲۳/۳۲). طبق گزارش رسمی ژاندارمری کرمانشاه، اشغال این مناطق به‌دست حسین رئوف بیگ با غارت و آتش‌زدن مزارع این نواحی همراه بوده‌است (ساکما، ۲۹۳/۳۷۰۷).

او به تلاش خود برای همراهی ایالات ادامه داد و کوشید با جاسوسان ایرانی و عثمانی، ایالات و ساکنان کرمانشاه را از لحاظ مذهبی تحریک کند تا زمینه را برای پیشروی نیروهای خود فراهم سازد که البته ناکام ماند. مشکل دیگر حسین رئوف بیگ برای پیشروی به سمت کرمانشاه، نداشتن نیرو و تجهیزات کافی بود (Orbay, 1993, v1, p21; YÜKSEL, 2019, p98).

## ۷. پیامدهای اشغال کرمانشاه

### ۷.۱. شکست خوش‌بینی راهبرد اتحاد اسلامی

عثمانی که با اعلان جهاد اکبر و شعار اتحاد اسلام وارد جنگ جهانی اول شده بود امید داشت با استفاده از این میراث اسلامی، مجاهدان مسلمان را در همه قلمرو اسلامی، ذیل منافع دولت عثمانی گردآورد. حسین رئوف بیگ با شعار اتحاد اسلامی کرمانشاه را اشغال کرد (روزنامه رعد، یکشنبه ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، س ۷، ش ۳، ص ۳) و با همین تصور نامه‌های رسمی‌اش به سران ایالات کرمانشاه را با مقام «سردار کل اردوی اتحاد

۱. اسلام‌آباد غرب.



اسلامی» امضا می‌زد (بیات، ۱۳۸۱ش، صص ۱۰۸-۱۰۹؛ به نقل از اسناد وزارت خارجه، کارتن ۸۰/۴۰۸۵). روزنامه‌های ایران نیز او را «رئیس اردوی اتحاد اسلامی» می‌شناختند (روزنامه بامداد روشن، پنجشنبه ۳۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، س ۱، ش ۳۴، ص ۳). دولت عثمانی به حسین رئوف بیگ مأموریت داده بود تا ضمن اشغال کرمانشاه، «جمعیت اتحاد اسلامی» را در آنجا تشکیل دهد (ساکما، ۱۷۱-۱۷۲/۲۵/۲۹۳). به همین دلیل حسین رئوف بیگ معاهده‌نامه هشت ماده‌ای «اتفاق‌نامه اردوی اسلامی» را برای امضای بین دولت عثمانی با برخی از سران ایلات کرمانشاه آماده کرد که البته به دلیل مخالفت و مقاومت سران ایلات هیچ‌گاه امضا نشد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه، ۱۳۷۲ش، ج ۶، صص ۲۰۲-۲۰۵). کاربرد کلماتی مثل «حکومات اسلامی»، «قرآن عظیم‌الشان»، «حبل متین اسلامیت»، و «اتحاد اسلام» در این معاهده‌نامه، خوش‌بینی راهبرد اتحاد اسلامی مقامات عثمانی را نشان می‌دهد. مصطفی عاصم تورگوت<sup>۱</sup> -سفیر عثمانی در تهران- هم با انتشار نشریات مرتبط با جهاد، ایرانیان را تشویق می‌کرد. او اخبار مربوط به عثمانی را از روزنامه‌های طنین،<sup>۲</sup> صباح<sup>۳</sup> و آژانس عثمانی<sup>۴</sup> در اختیار روزنامه‌های ایرانی بامداد روشن، عصر انقلاب، رعد و اتحاد همدان قرار می‌داد و به جز سنجابی‌ها، از همه ایلات بین‌خانقین تا شهر کرمانشاه برای پیوستن به جهاد وعده گرفته بود (Ayaydin, 2016, p89, p119, p196). روزنامه رستخیز نیز که ابتدا در بغداد و سپس در کرمانشاه چاپ می‌شد و مورد حمایت آلمان بود حکم جهاد آیات عظام شیخ‌الشریعه اصفهانی، سیدمصطفی کاشانی، ملامحمدحسین قمشه و سیدعلی تبریزی را چاپ کرد (روزنامه رستخیز، دوشنبه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، س ۲، ش ۱۶، ص ۱).

از سوی دیگر، اشغال‌گری اردوی اتحاد اسلامی در کرمانشاه و اعمال خشونت‌آمیز حسین رئوف بیگ علیه ایل سنجابی و اقدامات خرابکارانه در شهر کرد (ساکما، ۲۴۰/۳۰۷۸؛ ۲۴۰/۱۰۸۵۳۵)، خیلی زود به خوش‌بینی راهبرد اتحاد اسلامی در ایران ضربه جدی زد. انتشار اخبار غارت‌گری اردوی حسین رئوف بیگ با تبلیغات عثمانی در زمینه جهاد و اخوت اسلامی همخوانی نداشت و در نهایت حتی موجب شک و تردید ایرانیان به درستی اعلان جهاد علمای شیعی عتبات عالیات شد (مابری، ۱۳۶۹ش، ص ۹۶).

شیرخان صمصام‌الممالک در عریضه خود به مجلس شورای ملی نوشت که عثمانی‌ها قتل و غارت مردم ایران را «اتحاد اسلام» اسم گذاشته‌اند (ساکما، ۲۹۳/۳۶۹۸). سردار مقتدر سنجابی، فرزند شیرخان، نیز به حامیان شعار اتحاد اسلامی کنایه زد که خشونت عثمانی در حق «برادران مسلمان» خود در کردند، روی روس‌ها را در آذربایجان سفید کرده‌است (سنجابی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۶۳). حامیان عثمانی در ایران برآشفتنند که چرا این دولت

1. Mustafa Asım Turgut.

2. Tanin.

3. Sabah.

4. Ajans Ottoman.

۵. مردم کرد بر دین یاری هستند؛ ولی سردارمقتدر سنجابی در اینجا آن‌ها را با اسلام برابر گرفته‌است و منظورش بیشتر کنایه به حامیان اتحاد اسلامی است و [بیان این‌که] دولت عثمانی با این شعار در سرزمین اسلامی ایران مردم را قتل‌عام می‌کند. همین‌طور نوشته‌های رسمی عثمانی، رؤسای گوران و قل‌خانی را «حامی ملت اسلام» عنوان کرده‌اند (بهار، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲۲).



تلاش‌های اتحاد اسلامی را با دست خود نابود می‌کند و اعلام کردند که دیگر نمی‌توانند پشتیبان عثمانی باشند

(Ayaydin, 2016, pp 190-191, p336). حزب دموکرات، قوی‌ترین جریان سیاسی حامی عثمانی در ایران، به کلی از عثمانی رنجید و به طرف آلمان رغبت کرد (ساسانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۷). روزنامه نوبهار، ناشر افکار حزب دموکرات ایران، در سرمقاله «ترک‌ها در کرمانشاهان»، مصطفی عاصم تورگوت را خطاب قرار داد که اشغال کرمانشاه ضربه و خیمی بر مناسبات رسمی دولت ایران و عثمانی وارد ساخته است و موجب نفرت ایرانیان از برادران مسلمان عثمانی خود شده است؛ همان «نوبهاری» که دیروز مثل یک نفر عثمانی از عالم خلافت دفاع می‌کرد، امروز می‌گوید که اشغال ایران و آنتریک بازی<sup>۱</sup> در کرمانشاهان، به سیاست اسلامی ضربه وارد خواهد کرد (روزنامه نوبهار، جمعه ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳، س ۴، ش ۱۹۴، ص ۱؛ روزنامه نوبهار، سه شنبه ۹ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۰۷، ص ۱). محمدتقی بهار، سردبیر روزنامه نوبهار، به همین دلیل رابطه دوستانه خود با سفیر عثمانی را قطع کرد (بهار، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۲۴). همین‌طور روزنامه بامداد روشن نیز که با شعار «طرفدار اتحاد اسلام و استقلال ایران» منتشر می‌شد، به تدریج علیه اشغال‌گری عثمانی موضع‌گیری کرد (روزنامه بامداد روشن، چهارشنبه ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۳، س ۱، ش ۹۵، ص ۳؛ شنبه ۲۸ ذی القعدة ۱۳۳۳، س ۱، ش ۹۹، ص ۳).

## ۷.۲. اختلاف در جبهه عثمانی

سفیر عثمانی در تهران با اشغال کرمانشاه موافق نبود و درباره پیامدهای آن نگرانی جدی داشت. او معترض بود که چرا باید خط‌مشی کلی اتحاد اسلامی برای موفقیتی کوچک -گرفتن چند شهر کرمانشاه و سرکوب ایل سنجابی- نادیده گرفته شود! (Ayaydin, 2016, pp 191-192). حسین رئوف بیگ دقیقاً برخلاف توصیه‌های مصطفی عاصم تورگوت با اعمال خشونت، قصر شیرین، سرپل زهاب و کرد را اشغال کرد و خود را در معرض مقابله ایلات مخالف قرار داد. این اقدامات خصمانه اردوی اتحاد اسلامی در کرمانشاه خیلی زود به ایجاد اختلاف بین وزارت جنگ عثمانی و سفارت‌خانه آن دولت در تهران منجر شد. در حالی که تحرکات جزئی گروه حسین رئوف بیگ از سوی سلیمان عسکری<sup>۲</sup> (فرمانده جبهه عراق) فعالیتی مهم برای کل منطقه تلقی می‌شد، مصطفی عاصم تورگوت آن را عملیاتی کور، بدون راهبرد مشخص و منشأ بحران‌های بزرگ سیاسی در ایران ارزیابی می‌کرد (Ayaydin, 2016, pp 190-191). از سوی دیگر و به نظر حسین رئوف بیگ، سفیر عثمانی در تهران متوجه شرایط نبود و برای ایفای نقش خود سردرگم بود (Orbay, 1993, v1, p22). مصطفی عاصم

۱. توطئه

2. Süleyman Askerî Bey.



تورگوت به ناچار اعتراض شدید خود را طی نامه‌ای به استانبول اعلام کرد و یادآور شد که حتی روزنامه‌های حامی عثمانی علیه ما موضع گرفته‌اند؛ اگر قرار است هر کس هر طوری که می‌داند عمل کند، دیگر چه نیازی به سفارت‌خانه است! با این وصف، فرمانده کل قوای عثمانی، حامی سرسخت گروه حسین رثوف بیگ بود و درباره همه این تحولات به سفارت تهران نامه نوشت که باید عملیات را گسترش دهیم و به حسین رثوف بیگ دستور داد طبق تشخیص خود، برای اجرای این دستور اقدام کند (Kurtcepe & Balçoğlu, 1992, pp 264-266). نتیجه حمایت قاطعانه انور پاشا از حسین رثوف بیگ تضعیف موقعیت سیاسی مصطفی عاصم تورگوت در ایران بود.

### ۷.۳. سقوط کابینه عبدالمجید عین‌الدوله

اشغال کرمانشاه با دوره سوم مجلس شورای ملی (۱۷ محرم ۱۳۳۳ق-۷ محرم ۱۳۳۴م) مصادف بود. در این مجلس، فراکسیون دموکرات‌ها با ۳۱ نماینده، در مقابل ۲۹ نماینده اعتدالی اکثریت را در دست داشتند. ریاست دموکرات‌ها با سلیمان میرزا بود. دموکرات‌ها برخلاف اعتدالیون حامی روس و انگلیس، طرفدار آلمان و عثمانی بودند. مهم‌ترین اقدام فراکسیون دموکرات مجلس درباره اشغال کرمانشاه، استیضاح عبدالحسین فرمان‌فرما، وزیر داخله بود که به نظر آن‌ها مقصر جنگ کرد و مصادمه بین حسین رثوف بیگ و عشایر ایرانی بود. جلسه استیضاح شنبه (۱۳ شعبان ۱۳۳۳ق ۲۶ ژوئن ۱۹۱۵م)، تنها چند روز پس از آتش‌بس جنگ کرد (۴ تا ۹ شعبان ۱۳۳۳ق)، برگزار شد که طی آن بیست نفر از نمایندگان فراکسیون اکثریت دموکرات و از جمله: سلیمان میرزا، و چهار نماینده کرمانشاه - حاج عز‌الممالک اردلان، سیدحسین کزازی، مرآت‌السلطان و میرزا حسین کرمانشاهی - وزیر داخله را استیضاح کردند (روزنامه نوبهار، جمعه ۱۹ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۰۹، ص ۱؛ سپهر، ۱۳۳۶ش، ص ۱۸۰). طبق نوشته عز‌الممالک اردلان مذاکرات طوری ترتیب داده شده بود که حتماً دولت سقوط کند و به همین دلیل از سیدحسین کزازی خواسته شد نطق تنیدی ایراد کند (اردلان، ۱۳۷۲ش، ص ۹۰). با اقدامات دموکرات‌ها، عبدالمجید عین‌الدوله، رئیس‌الوزرا نامه‌ای به رئیس مجلس، حسین پیرنیا، نوشت و استیضاح را متوجه تمام کابینه تفسیر کرد (روزنامه کاوه، دوشنبه ۶ شوال ۱۳۳۶، س ۳، ش ۲۹-۳۰، ص ۲). نمایندگان فراکسیون دموکرات، وزیر داخله را متهم کردند که به دلیل سابقه حکومتی در کرمانشاه و نفوذ میان رؤسای ایلات می‌توانسته است ضمن متوقف کردن اردوی عثمانی، از جنگ‌کنندگان جلوگیری کند؛ ولی عبدالحسین فرمان‌فرما با بیان اینکه «نفوذ من حد [ی] دارد» مسئولیتی در این باره نپذیرفت (روزنامه نوبهار، جمعه ۱۹ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۰۹، صص ۱-۵). کاوه بیات در نقد این استیضاح نوشته است که

درواقع برخلاف عبدالحسین فرمان فرما باید دموکرات‌ها و هواداران ائتلاف با عثمانی به دلیل نوع متحدی که برای ایران انتخاب کرده بودند، استیضاح می‌شدند (بهار، ۱۳۹۹ ش، صص ۲۴-۲۵، مقدمه کتاب تاریخچه سه‌سال و نیمه ما و جنگ، به قلم کاوه بیات).

به‌رحال استیضاح مجلس شورای ملی موجب شد تا کابینه عبدالمجید عین‌الدوله و وزیر داخله او برای خاتمه‌دادن به غائله کرمانشاه فعال‌تر شوند (روزنامه نوبهار، سه‌شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۱۰، ص ۴). تاریخ صلح خسروآباد (۱۶ شعبان)، تنها سه روز پس از جلسه استیضاح (۱۳ شعبان) است. رئیس‌الوزرا کوشش کرد تا مجلس را متقاعد کند که بدون تغییر در کابینه و یا با انتصاب عبدالحسین میرزا فرمان‌فرما به وزارت جنگ و سرپرستی خودش بر وزارت داخله، استیضاح را پس بگیرد (کحال‌زاده، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۸۱)؛ ولی دموکرات‌ها که علاوه بر مسئله جنگ کردند و اوضاع آشفته کرمانشاه، از دشمنی و خصومت فزاینده عبدالحسین فرمان‌فرما علیه حزب خود، قتل یارمحمدخان کرمانشاهی و روند برگزاری انتخابات مجلس سوم در کرمانشاه ناراضی بودند (اردلان، ۱۳۷۲ ش، ص ۸۴؛ خزایی، ۱۳۹۳ ش، ص ۸۱) بر استیضاح تأکید کردند و به‌همین دلیل (۲۷ شعبان ۱۳۳۳ ق/ ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۵ م)، کابینه عبدالمجید میرزا عین‌الدوله سقوط کرد (سنجایی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۷۷).

## ۸. علل ناکامی اشغال کرمانشاه

### ۸.۱. مخالفت آلمان

راهبرد آلمان تمرکز بر شوراندن ایلات و تحریک افکار عمومی مردم ایران، افغانستان و هندوستان علیه روسیه و بریتانیا بود. این دولت به‌خوبی می‌دانست که اشغال‌گری حسین رثوف‌بیگ در کرمانشاه، دیگر از صورت مشکل محلی ساده خارج شده و کل سیاست آلمان در ایران را با تردید روبه‌رو کرده‌است (گرکه، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۰۳). به‌همین دلیل نیدرمایر عملیات حسین رثوف‌بیگ را «ماجرایی بی‌معنی» توصیف کرده و تلاش آلمانی‌ها را در جهت «برسر عقل آوردن» او بیان کرده‌است (نیدرمایر، ۱۳۶۳ ش، ص ۷۷). کنت کانتیز<sup>۱</sup> آتاشه نظامی<sup>۲</sup> آلمان در ایران، فن وانگنهایم<sup>۳</sup>، سفیر آلمان در استانبول، هانس هومان<sup>۴</sup>، افسر نیروی دریایی و یکی از نمایندگان مهم آلمان در استانبول در طول جنگ جهانی اول، هر کدام جداگانه توقف عملیات حسین رثوف‌بیگ و برکناری او را از دولت عثمانی خواستار شدند (گرکه، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۱۹۱؛ YÜKSEL, 2019, p98; Ayaydin, 2016, p192) مخالفت آلمان در متوقف‌ساختن پیشروی اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف‌بیگ در کردن مؤثر بود (مایرلی، ۱۳۶۹ ش، ص ۹۷).

1. Count Kaunitz.

۲. وابسته نظامی.

3. von Wangenheim.

4. Hans Humann.



در سوی دیگر، عثمانی‌ها از اقدامات متحد خود در ایران رضایت نداشتند. حسین رئوف بیگ از مواضع آلمانی‌ها در کرمانشاه متعجب بود که چطور دنبال دراختیار گرفتن عثمانی و استفاده‌ی ابزاری از این کشور هستند. از نظر او آلمانی‌ها با تفرقه‌انداختن بین ایران و عثمانی، به دنبال سلطه‌ی جداگانه بر هر دو کشور مسلمان بودند (Orbay, 1993, v1, pp 21-22). حسین رئوف بیگ به دولت خود اعلام کرد که چون شونمان، کنسول آلمان در کرمانشاه، حامی ایل سنجابی است، سنجابی‌ها به دسته‌ی او حمله کرده‌اند. سفیر عثمانی در تهران نیز در گزارشی به استانبول مانند حسین رئوف بیگ اعلام کرد که فعالیت آلمانی‌ها علیه عثمانی‌ها بوده است. سپس با سفیر آلمان در ایران ملاقات کرد و از او خواست که شونمان را از کنسولگری کرمانشاه عزل کند؛ ولی آلمانی‌ها ضمن رد این درخواست پیشنهاد کردند که دولت عثمانی شخص دیگری را به جای حسین رئوف بیگ بفرستد. آن‌ها از تلاش علیه نیروهای عثمانی در ایران برای جانشینی حسین رئوف بیگ با کسی که می‌توانستند روی او تأثیر بگذارند، دریغ نکردند (YÜKSEL, 2019, pp 98-99). عثمانی‌ها فکر می‌کردند آلمانی‌ها قصد دارند ایران را کاملاً در سلطه‌ی خود نگه دارند. به همین دلیل و در مقابل، انورپاشا به سفارت آلمان در استانبول اخطار داد تا به مأموران آلمانی در ایران و به ویژه به شونمان کنسول آلمان در کرمانشاه هشدار بدهد (Ayaydin, 2016, p193).

اختلافات حسین رئوف بیگ و شونمان در قضیه‌ی کرمانشاه، وضعیت سفارت‌خانه‌های عثمانی و آلمان در تهران را دشوار کرده بود. کشاکش حسین رئوف بیگ و شونمان مثال بارزی از نتایج زیان‌بار اقدام‌های یک‌سویه‌ی آلمان و عملیات خودسرانه‌ی عثمانی‌ها در ایران بود (گرکه، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۰۵). از پیامدهای دیگر اختلاف آلمان و عثمانی در قضیه‌ی کرمانشاه، بی‌اعتمادی حداقل بخشی از افکار عمومی مردم ایران حتی به آلمان بود. از نظر نویسنده‌ی سرمقاله‌ی روزنامه‌ی نوبهار، «مأمورین آلمانی و عثمانی در شهر کرمانشاه جنگ زرگری پیش گرفته» بودند و هدف آن‌ها آماده‌کردن مقدمات سقوط شهر کرمانشاه بود (روزنامه‌ی نوبهار، جمعه ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، س ۴، ش ۱۹۴، ص ۱).

## ۸.۲. مقاومت ایران

### ۸.۲.۱. دولت

دولت ایران علاوه بر ناتوانی، به دلیل سیاست رسمی بی‌طرفی در جنگ و احتیاط برای جلوگیری از گسترده‌شدن جنگ جهانی به خاک ایران، در برابر اشغالگری روسیه، بریتانیا و عثمانی خویشتن‌داری زیادی نشان داد و همواره این ملاحظه را داشت که آشکارا در مقابل این نیروهای متجاوز وارد جنگ نشود. از آغاز اشغال قصر شیرین در کرمانشاه (۲۶ جمادی



الاول ۱۳۳۳ق/۱۱ آوریل ۱۹۱۵م) به دست قوای حسین رئوف بیگ تا خروج آنها از خاک ایران (۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۳ق/۲۳ سپتامبر ۱۹۱۵م)، سه دولت حسن مشیرالدوله، عبدالمجید عین الدوله و حسن مستوفی الممالک سر کار بودند که به نوعی آشفتگی سیاسی در ایران را نشان می دهد. کابینه حسن مشیرالدوله در برابر تجاوز عثمانی چندان فعال نبود و تنها به ارسال شکایت نامه کفایت کرد. وزارت خارجه ایران به تاریخ (۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ق/۱۰ آوریل ۱۹۱۵م) تلگرافی به سفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول، محمود علامیر معروف به احتشام السلطنه، ارسال کرد و تلاش برای بازگشت اردوی حسین رئوف بیگ را خواستار شد (بهار، ۱۳۹۹ش، صص ۱۲۱-۱۲۲). سفارت ایران هم طی نامه ای به تاریخ (۴ جمادی الثانی ۱۳۳۳ق/۱۹ آوریل ۱۹۱۵م)، تحریک آمیز بودن این اقدامات را به دولت عثمانی گوشزد کرد (LEVENT, 2020, p169). هم چنین وزارت خارجه به تاریخ های (۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۳ق/۱۲ آوریل ۱۹۱۵م) و (۸ جمادی الثانی ۱۳۳۳ق/۲۳ آوریل ۱۹۱۵م) به سفیر کبیر عثمانی در تهران اعتراض کرد و خواستار شد که حدود مرزی از قوای عثمانی تخلیه شود که با بی پاسخی سفارت کبری عثمانی و بی اعتنایی حسین رئوف بیگ نتیجه نداد (بهار، ۱۳۹۹ش، صص ۱۲۲، ۱۷۳، ۱۷۴). کابینه حسن مشیرالدوله با اصرار سفرای روس و بریتانیا (روزنامه رستخیز، شنبه ۲۶ رمضان ۱۳۳۳، س ۱، ش ۱، ص ۱) و متأثر از پیشروی قوای عثمانی، (۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۳ق/۲۶ آوریل ۱۹۱۵م) سقوط کرد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۳، جلسه ۲۸: صورت مشروح مجلس روز دوشنبه یازدهم شهر جمادی الثانی ۱۳۳۳؛ مابری، ۱۳۶۹ش، ص ۹۷).

عبدالمجید عین الدوله، نخست وزیر تازه ایران، که مورد حمایت روس و انگلیس بود (بهار، ۱۳۹۹ش، ص ۱۵۸) عده ای ژاندارم را به کرمانشاه اعزام کرد (روزنامه بامداد روشن، چهارشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۳۳، س ۱، ش ۳۴، ص ۴) و یادداشت های بسیار تندی درباره عملیات اشغال گرانه حسین رئوف بیگ به دولت عثمانی ارسال کرد (Ayaydin, 2016, pp 190-191) و عقب کشیدن نیروهای عثمانی از کرمانشاه را خواستار شد (ساکما، ۲۳۲/۳۰۶۹). نخست وزیر ایران، وزارت داخله کابینه را به عبدالحسین فرمان فرما سپرد که سیاست او مقتضی طرف شدن ایران با عثمانی بود و به قولی آرام نگرفت تا اسباب طرف شدن قوای ایلیاتی مجتمع شده در کرمانشاه و کرند با اردوی اتحاد اسلامی حسین رئوف بیگ را فراهم آورد (دولت آبادی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۲۸۷). عبدالمجید عین الدوله (۲۵ رجب ۱۳۳۳ق/۸ ژوئن ۱۹۱۵م)، پرنس رویس، سفیر آلمان در تهران، را به حضور پذیرفت و اعلام آمادگی ایران برای نزدیک شدن به آلمان را به عقب نشینی نیروهای حسین رئوف بیگ موکول کرد و پرنس رویس را تهدید کرد که ممکن است ایلات ایران به کمک

I. Prinz Reuß zu Köstritz.





روسیه و انگلیس به حسین رثوف بیگ حمله کنند (گرکه، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۰۳). نزدیکی ایلات ایران به متفقین نگرانی جدی آلمان در ایران بود و به همین دلیل تهدید نخست وزیر ایران به جا و در بهترین زمان ممکن بود که موجب تکاپوی جدی آلمانی ها برای رفع این مشکل شد. سفیر ایران در استانبول نیز موفق شد در این باره با انورپاشا ملاقات کند (بهار، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۱۷؛ ارباب، ۱۳۸۳ ش، ص ۹۰). کابینه عبدالمجید عین الدوله در صلح خسرو آباد و عقب نشینی متعاقب حسین رثوف بیگ نیز نقشی اساسی داشت. معاضد الملک، کفیل حکومت کرمانشاه، افسر سوئدی سونسون<sup>۱</sup>، رئیس ژاندارمری کرمانشاه، و دو نماینده رسمی دولت ایران در این جلسه صلح بودند (سنجابی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۷۱).

## ۲.۲.۸. ایلات کرمانشاه

کرمانشاه در اواخر دوره قاجار و آغاز جنگ جهانی اول ساختاری کاملاً ایلداری داشت و امور مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی آن متأثر از فعالیت های ایلات بود. هنگام اشغال کرمانشاه به دست قوای عثمانی، ایلات کرمانشاه به رهبری ایل سنجابی برای جنگ با اردوی اتحاد اسلامی حسین رثوف بیگ دو مانع داشتند: اول، طرفداران اعتدالیون در شهر کرمانشاه که حامی روس ها بودند و به سنجابی ها اعتماد نداشتند. دوم، ایل کلهر که متحد عثمانی و دشمن ایل سنجابی بود. سردار مقتدر سنجابی برای رفع این مشکلات تلاش تبلیغی و اقناع کننده زیادی را در شهر کرمانشاه انجام داد که نتیجه آن اتحاد همه گروه ها برای مقابله با پیشروی قوای عثمانی بود. ایل کلهر هر چند از ورود حسین رثوف بیگ به خاک ایران تا قبل از جنگ کرد، متحد عثمانی بود، ولی در مذاکره هارون آباد از حمایت قوای متجاوز دست کشید. در این جلسه که با وساطت چند تن از بزرگان اعتدالی کرمانشاه: سید حسن اجاق<sup>۲</sup> و علی خان اعظم زنگنه ملقب به امیر گل<sup>۳</sup>، خویشاوند کلهرها و نصیحت معاضد الملک، کارگزار کرمانشاه بین سردار مقتدر سنجابی با رؤسای ایل کلهر برگزار شد سلیمان خان کلهر و عباس خان کلهر قول دادند اردوی هارون آباد را که برای حمایت از حسین رثوف بیگ تدارک دیده بودند متفرق کنند. این کار موجب عصبانیت ابراهیم ادهم بیگ، نماینده اردوی اتحاد اسلامی میان کلهرها، شد (روزنامه بامداد روشن، دوشنبه اشعبان ۱۳۳۳ ق، س ۱، ش ۵۳، ص ۳؛ سنجابی، ۱۳۹۳ ش، صص ۲۵۹-۲۶۱).

1. Sonson.

۲. فرزند مرحوم آقاسید اسمعیل اجاق (صادق علی شاه)، از بزرگان و منتقدان کرمانشاه و نماینده دوره پنجم مجلس شورای ملی.  
۳. از خوانین برجسته ایل زنگنه و ملاکان معروف کرمانشاه.

از (۴ شعبان ۱۳۳۳ ق/ ۱۷ ژوئن ۱۹۱۵ م) تا (۹ شعبان ۱۳۳۳ ق/ ۲۲ ژوئن ۱۹۱۵ م) «جنگ کرد» بین ایلات سنجابی و گوران و اهالی کرد با قشون دولت عثمانی در گرفت. قشون عثمانی حدود ۳۰۰ نفر، گوران ها حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر و سنجابی ها نیز حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر کشته دادند (سنجابی، ۱۳۹۳ ش، صص ۲۶۲-۲۶۸). سرانجام با دخالت شویمان و گنت کانتیز،



مذاکرات صلح در ۱۶ شعبان ۱۳۳۳ ق/ ۲۹ ژوئن ۱۹۱۵ م در قریه خسروآباد کرد انجام شد و روز بعد، معاهده آن نیز بسته شد که طبق آن قشون عثمانی به سرپل زهاب عقب نشستند (بیات، ۱۳۸۱ ش، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ به نقل از اسناد وزارت خارجه، کارتن ۱۸/۴۰۸۵). ایلات کرمانشاه پس از جنگ کردند و توقف پیشروی اردوی اتحاد اسلامی از تلاش دست نکشیدند و خروج کامل قوای متجاوز از خاک ایران را خواستار شدند. شیرخان صمصام‌الممالک از طریق حاج عزالممالک، نماینده کرمانشاه نامه‌ای چهارصفحه‌ای به مجلس شورای ملی نوشت و ضمن شرح واقعه حسین رئوف‌بیگ، مقاومت ایل سنجابی و ضرر و زیان ناشی از آن، خواستار دادرسی شد. مجلس نیز نامه را (۳ شوال ۱۳۳۳ ق/ ۱۴ آگوست ۱۹۱۵ م)، به وزارت داخله ارجاع داد (بیات، ۱۳۸۱ ش، صص ۱۱۴-۱۱۸؛ به نقل از اسناد وزارت خارجه، کارتن ۱۴/۴۰۷۵)؛ ولی مشکل بزرگ‌تر برای عشایر، پایان فصل بیلاق و شروع فصل قشلاق بود. محل قشلاق در گرمسیر سرپل زهاب و قصر شیرین بود که در اشغال عثمانی قرار داشت و مرکز اردوی حسین رئوف‌بیگ، در شهر سرپل زهاب بود. به همین دلیل رؤسای ایلات کرمانشاه، به تاریخ (اذی‌القعدة ۱۳۳۳ ق/ ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۵ م) به مجلس شورای ملی، نامه نوشتند و مجلس نیز آن را به وزارت داخله ارجاع داد. رؤسای ایلات خروج کامل اردوی عثمانی از خاک ایران را خواستار بودند و حضور نیروهای بیگانه از قلعه سبزی قصر شیرین در مرز تا گردنه پاتاق سرپل زهاب را موجب خرابی و ناامنی اعلام کردند. در متن این عریضه، ناامیدی و بلا تکلیفی مشخص است (ساکما، ۲۹۳/۳۶۹۸). بدون تردید، درخواست و فشار ایلات کرمانشاه به مجلس شورای ملی در تصمیم و اقدام جدی‌تر مجلس برای پایان غائله اشغال کرمانشاه مؤثر بوده است. با مخالفت آلمان با اشغال کرمانشاه و مقاومت ایلات کرمانشاه و نرسیدن تدارکات لازم به اردوی اتحاد اسلامی، حسین رئوف‌بیگ مجبور شد تا در گزارش خود به انور پاشا بنویسد که نمی‌تواند جلوتر برود؛ «کوه‌ها را سوراخ و راه‌ها را باز کند» (Orbay, 1993, v1, p22). سرانجام اردوی حسین رئوف‌بیگ روز پنجشنبه (۱۴ اذی‌القعدة ۱۳۳۳ ق/ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۵ م) به دستور انور پاشا از سرپل زهاب و قصر شیرین به داخل مرز عثمانی عقب‌نشینی کرد (روزنامه عصر جدید، سه‌شنبه ۱۷ اذی‌القعدة ۱۳۳۳، س ۲، ش ۶، ص ۲؛ Ayaydin, 2016, pp 192-193).

## ۹. نتیجه‌گیری

دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، با اعلان جهاد اکبر و شعار اتحاد اسلامی، اقدامات خود را علیه روسیه و بریتانیا آغاز کرد که اعزام گروهی از افسران و جاسوسان زبده عثمانی-آلمانی، بخشی از این راهبرد برای شوراندن ملت مسلمان افغانستان - دروازه ورود زمینی



به هندوستان - بود. این گروه در عراق، کیلومترها دورتر از افغانستان، به دلیل اختلاف بین مأموران عثمانی و آلمانی از هم پاشید؛ ولی فعالیت‌های روسیه و بریتانیا علیه منافع عثمانی در کرمانشاه و استفاده از همسایگی کرمانشاه با ولایت بغداد برای عبور و مرور مأموران مخفی و ارسال تسلیحات و مهم‌تر از همه جذب ایلات کرمانشاه موجب شد تا انورپاشا، فرمانده کل قوای عثمانی، به حسین رئوف بیگ، فرمانده گروه اعزامی به افغانستان، دستور دهد تا استعداد و امکانات گروه خود را ذیل راهبرد جهاد اکبر برای اشغال کرمانشاه، جذب عشایر و قطع نفوذ روسیه و بریتانیا متمرکز کند. در همین راستا، حسین رئوف بیگ، گروه زبده خود را با فراخوان سربازان داوطلب و عشایر عرب و کرد اطراف بغداد و خانیقین به «اردوی اتحاد اسلامی» توسعه داد که استعداد آن حدود شش هزار نفر بود. پس از اشغال کرمانشاه، مخالفت دولت ایران و مقاومت ایلات کرمانشاه به رهبری ایل سنجابی موجب شد تا دولت آلمان از ترس نزدیکی دولت و ایلات کرمانشاه به روسیه و بریتانیا، به طور جدی با اشغال کرمانشاه مخالفت کند. همین‌طور مصطفی عاصم بیگ، سفیر عثمانی در تهران، با همین استدلال اقدامات اردوی حسین رئوف بیگ را عملیاتی کورکورانه توصیف کرد. افکار عمومی مردم ایران هم، متأثر از روزنامه‌هایی مثل «نوبهار» علیه این اشغال تحریک شد. حزب دموکرات نیز که حامی دولت عثمانی در ایران بود و فراکسیون اکثریت مجلس سوم شورای ملی را در اختیار داشت، ارتباطش را با این دولت کم کرد. با این علل و پیامدهای زیان‌بار، انورپاشا مجبور شد دستور پایان عملیات و خروج کامل اردوی اتحاد اسلامی حسین رئوف بیگ از ایران را صادر و شکست راهبرد جهاد اکبر را حداقل در کرمانشاه قبول کند.

## منبع

### اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما): شناسه سند:

۲۹۳/۲۸۹۸؛ ۲۹۳/۲۵/۱۷-۱۷۱؛ ۲۴۰/۱۰۸۵۳۵؛ ۲۴۰/۸۲۴۷؛ ۲۴۰/۳۰۷۸؛ ۲۳۲/۳۰۶۹؛ ۹۱/۲۸۰/۹۳۹  
۲۹۳/۳۳۹۸؛ ۲۹۳/۳۷۰۷؛ ۲۹۶/۲۴۳۱۴؛ ۹۹۹/۴۷۳۹۲

### کتاب

ارباب، معصومه. (۱۳۸۳ش). روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸م/۱۳۳۲-۱۳۳۶ق. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.  
اردلان، امان‌الله. (۱۳۷۲ش). خاطرات حاج‌عزالممالک اردلان: زندگی در دوران شش پادشاه. (باقر عاقلی، تنظیم‌کننده و حاشیه‌نویس). تهران: نامک.



- بهار، محمدتقی. (۱۳۹۹ش). تاریخچه سه سال و نیمه ما و جنگ (۱۹۱۴-۱۹۱۷) روس و انگلیس؛ آلمان، عثمانی و ایران. (کاوه بیات، کوشش گر). تهران: شیرازه کتاب ما.
- بیات، کاوه. (۱۳۸۱ش). ایران و جنگ جهانی اول (اسناد وزارت خارجه). (چ ۲). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۷۱ش). حیات یحیی. (چ ۳). تهران: عطار.
- ساسانی، خان ملک. (۱۳۸۶ش). یادبودهای سفارت استانبول. تهران: اساطیر.
- سپهر، احمدعلی (مورخ الدوله). (۱۳۳۶ش). ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- سنجابی، علی اکبر. (۱۳۹۳ش). ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران: خاطرات علی اکبرخان سنجابی، سردار مقتدر. (کریم سنجابی، محرر و حاشیه نویس). (چ ۳). تهران: پردیس دانش.
- شاو، استانفورد جی؛ شاو، ازل کورال. (۱۳۷۰ش). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. (چ ۲). (چ ۱). (محمود رمضان زاده، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
- کتاب سبز. (۱۳۶۳ش). مجموع اسناد تاریخ ایران. تهران: تاریخ ایران.
- کحل زاده، میرزا ابوالقاسم خان. (۱۳۶۳). دیده ها و شنیده ها: خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحل زاده. (چ ۱). (مرتضی کامران، کوشش گر). تهران: فرهنگ.
- کشاورز، اردشیر. (۱۳۸۲ش). کرمانشاهان در جنگ جهانی اول (تشکیل دولت ایران آزاد). کرمانشاه: طاقبستان.
- گرکه، اولریخ. (۱۳۷۷ش). پیش به سوی شرق: ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول. (چ ۱). (پرویز صدری، مترجم؛ کاوه بیات، ویراستار). تهران: کتاب سیامک.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه. (۱۳۷۲ش). (چ ۶). (واحد نشر اسناد [دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه]، گردآورنده). تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- مابری، فردریک جیمز. (۱۳۶۹ش). عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۹). (کاوه بیات، مترجم). تهران: رسا.
- نیدرمایر، اسکارفن. (۱۳۶۳ش). زیر آفتاب سوزان ایران. (کیکاوس جهاننداری، مترجم). تهران: تاریخ ایران.

## مقاله

- خرابی، شیرزاد. (۱۳۹۳ش). «حزب دموکرات و استیضاح فرمان فرما در مجلس سوم شورای ملی». مجله پژوهش های علوم تاریخی، دوره ۶، ش ۱، صص ۷۱-۸۴.
- شریفی، عزت اله؛ کریمی، حجت اله. (۱۳۹۷ش). «بررسی اوضاع کرمانشاه در جنگ جهانی اول: از ورود



نیروهای عثمانی تا تشکیل دولت موقت ملی». نشریه روزگاران، س ۱۳، ش ۱۳، صص ۱-۲۰.

### پایان نامه

نظری، پیرحسین. (۱۳۹۲ش). «ایل سنجابی و نقش آن در تحولات غرب کشور طی سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۴۵ق». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، گرایش ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان.

### روزنامه

بامداد روشن: (دوشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، س ۱، ش ۳۳)؛ (چهارشنبه ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، س ۱، ش ۳۴)؛ (پنج‌شنبه ۳۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، س ۱، ش ۳۴)؛ (دوشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۳۳ق، س ۱، ش ۵۳)؛ (شنبه ۲۰ شعبان ۱۳۳۳، س ۱، ش ۶۱)؛ (چهارشنبه ۱۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، س ۱، ش ۹۵)؛ (شنبه ۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، س ۱، ش ۹۹).

رعد: (یکشنبه ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، سال ۷، ش ۳).

رستخیز: (سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، س ۲، ش ۱۴)؛ (دوشنبه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، س ۲، ش ۱۶)؛ (شنبه ۲۶ رمضان ۱۳۳۳، س ۱، ش ۱).

عصر جدید: (سه‌شنبه ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، س ۲، ش ۶).

کاوه: (دوشنبه ۶ شوال ۱۳۳۶، س ۳، ش ۲۹-۳۰).

نوبهار: (جمعه ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، س ۴، ش ۱۹۴)؛ (سه‌شنبه ۹ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۰۷)؛

(جمعه ۱۹ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۰۹)؛ (سه‌شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۳۳، س ۴، ش ۲۱۰).

### لوح فشرده

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۳، جلسه ۲۸: صورت مشروح مجلس روز دوشنبه یازدهم شهر جمادی‌الثانی ۱۳۳۳.

### منابع لاتین

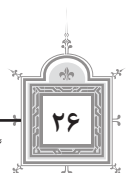
Adamec, Ludwig. (1967). *Afghanistan: A Diplomatic History*. Los Angeles: University of California Press.

Alkan, Mustafa. (2004). "Hüseyin Rauf Orbay'ın Hayatı (1880-1964)" *ATATÜRK ARAŞTIRMA MERKEZİ DERGİSİ*, Sayı 59, Cilt: XX.

Ayaydın, Rıdvan. (2016). "BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞINDA OSMANLI DEVLETİ'NİN



- İRAN’DA CİHAD-I EKBER FAALİYETLERİ”. Tez Danışmanı: DOÇ.DR. İLYAS TOPSAKAL, İstanbul Üniversitesi / Sosyal Bilimler Enstitüsü / İslam Tarihi ve Sanatları Anabilim Dalı / İslam Tarihi Bilim Dalı.
- Balcıoğlu, Mustafa. (2011). *Teşkilat-ı Mahsusa’dan Cumhuriyete*. Türkiye: Nobel Yayın Dağıtım.
- Busch, Briton Cooper. (1976). *Mudros to Lausanne: Britain’s frontier in West Asia, 1918-1923*. United States: State University of New York Press.
- Cebesoy, Ali Fuat. (1957). *Gl Ali Fuat Cebesoy’un siyasi hâtıraları*. Türkiye: “Vatan” Neşriyatı.
- Çolak, Mustafa. (2008). *Enver Paşa: Osmanlı-Alman ittifakı*. Volume 77 of Yeditepe Yayınevi. İstanbul: Yeditepe Yayınevi.
- HAÇİN, İlhan. (2016). “Hüseyin Rauf Orbay ve I. TBMM’deki Faaliyetleri (1920-1923)”. *Cumhuriyet Tarihi Araştırmaları Dergisi*, 12, no.23, pp 51– 85.
- Kurtcepe, İsrail & Balcıoğlu, Mustafa. (1992). “BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞI BAŞLARINDA ROMANTİK BİR TÜRK-ALMAN PROJESİ -RAUF BEY MÜFREZESİ-”. Ankara Üniversitesi OTAM (*Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi*), 3(3).
- LEVENT, Zeynel. (15 Kasım 2020). “Binbaşlı Hüseyin Rauf (Orbay) Müfrezesi’nin Faaliyetlerinin Modern Gayrinizami Harp Teorisi Açısından Değerlendirilmesi”. *Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*, Yıl 2020, Cilt 5, Sayı 2, <https://doi.org/10.31454/usb.775710>.
- Orbay, Rauf. (1993). *CEHENNEM DEĞİRMENİ: Siyasî Hatıralarım*. Volume 1, İSTANBUL: Emre Yayınları.
- YÜKSEL, Çağdaş. (2019). “BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞI YILLARINDA TEŞKİLAT-I MAHSUSA during the First World War”. Pamukkale Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doktora Tezi, Tarih Anabilim Dalı, Türkiye Cumhuriyeti Tarihi Programı.



## English Translation of References

### Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

91/280/939; 232/3069; 240/3078; 240/8247; 240/108535; 293/25/17-171; 293/2898; 293/3698; 293/3707; 296/24314; 999/47392. [Persian]

### Books

Adamec, Ludwig. (1967). *Afghanistan: A diplomatic history*. Los Angeles: University of California Press.

Arbab, Masoumeh. (1383/2004). “*Ravābet-e Irān va Ālmān dar jang-e jahāni-ye avval 1914 – 1918 AD / 1332 – 1336 AH*” (Relations between Iran and Germany in the First World War 1914-1918 AD/ 1332-1336 AH/ 1293-1297 SH). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHS). [Persian]

Ardalan, Amanollah. (1372/1993). “*Xāterāt-e Hāj ‘Ezz-ol-Mamālek-e Ardalān: Zendegi dar dōwrān-e šeš pādešāh*” (The Political memoirs of A. ARDALAN). Arranged and annotated by Bagher Agheli. Tehran: Nāmāk. [Persian]

Bahar. Mohammad Taghi. (1399/2020). “*Tārixče-ye se sāl-o-nime-ye mā va jang (1914 – 1917) Rus va Engelis; Ālmān, ‘Osmāni va Irān*” (The history of the war (1917-1914) between Russia and England; Germany, Ottoman and Iran). Edited by Kaveh Bayat. Tehran: Širāze-ye Ketāb-e Mā. [Persian]

Balcioğlu, Mustafa. (2011). *Teşkilat-ı Mahsusa’dan Cumhuriyete*. Türkiye: Nobel Yayın Dağıtım.

Bayat, Kaveh. (1381/2002). “*Irān va jang-e jahāni-ye avval (asnād-e Vezārat-e Xārejah)*” (Iran and the first world war documents of the Ministry of Interior (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]

Busch, Briton Cooper. (1976). *Mudros to Lausanne: Britain’s frontier in West Asia, 1918-1923*. United States: State University of New York Press.



- Cebesoy, Ali Fuat. (1957). *Gl Ali Fuat Cebesoy'un siyasi hâtiraları*. Türkiye: "Vatan" Neşriyatı.
- Çolak, Mustafa. (2008). *Enver Paşa: Osmanlı-Alman ittifakı*. Volume 77 of Yeditepe Yayınevi. İstanbul: Yeditepe Yayınevi.
- Dowlat Abadi, Yahya. (1371/1992). "*Hayāt-e Yahyā*" (Yahya's life) (vol. 3). Tehran: 'Attār. [Persian]
- Gehrke, Ulrich. (1377/1998). "*Piš be su-ye šarq: Irān dar siyāsāt-e šarqī-ye Ālmān dar jang-e jahāni-ye avval*" (Onwards to the East, Persia in Germanys oriental politics) (vol. 1). Translated by Parviz Sadri. Edited by Kaveh Bayat. Tehran: Ketāb-e Siyāmak. [Persian]
- "*Gozide-ye asnād-e siyāsi-ye Irān va 'Osmāni: Dowre-ye Qājāriyeh*" (Selection of Iranian and Ottoman political documents: Qajar period). (1372/1993). (vol. 6). Compiled by Vāhed-e Našr-e Asnād-e [Daftar-e Motāle'āt-e Siyāsi va Beinolmelali-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh] (Document Publishing Unit of the [Institute of Political and International Studies (IPIS)]). Tehran: Vezārat-e Omur-e Xārejeh, Mo'assese-ye Čāp va Enteshārāt (Ministry of Foreign Affairs, Publications). [Persian]
- Kahhalzadeh, Mirza Abolghasem Khan. (1363/1984). "*Dide-hā va šenide-hā: Xāterāt-e Mirzā Abolqāsem Xān-e Kahhālzādeh*" (The memoirs of Mirza Abu al-Qasim Khan Kahhalzadeh) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Morteza Kamran. Tehran: Farhang. [Persian]
- Keshavarz, Ardeshir. (1382/2003). "*Kermānšāhān dar jang-e jahāni-ye avval (Taškil-e dowlāt-e Irān-e āzād)*" (Kermanshah in the First World War (Formation of Iran Azad government)). Kermānšāh: Tāq-Bostān. [Persian]
- Ketāb-e Sabz. (1363/1984). "*Majmu'e asnād-e tārix-e Irān*" (A collection of Iranian history documents). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]
- Moberly, Frederick James. (1369/1990). "*Amaliāt dar Irān*" (Operations in Persia, 1914-1919). Translated by Kaveh Bayat. Tehran: Našr-e Rasā. [Persian]
- Niedermayer, Oskar von. (1363/1984). "*Zir-e āftāb-e suzān-e Irān*" (Unter der Glutsonne Irans: Kriegserlebnisse der deutschen Expedition nach Persien und Afgani-





- stan) [Under the burning sun of Iran: Experiences of the German Expedition to Persia and Afghanistan during the Great War]. Translated by Keykavous Jahandari. Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]
- Orbay, Rauf. (1993). *CEHENNEM DEĞİRMENİ: Siyasî Hatıralarım*. Volume 1, İSTANBUL: Emre Yayınları.
- Sanjabi, Ali Akbar. (1393/2014). “*Il-e Sanjābi va mojāhedat-e melli-ye Irān; Xāterāt-e Ali Akbar Xān-e Sanjābi, sardar-e moqtader*” (Sanjabi clan and Iran’s national struggle; Memories of Ali Akbar Khan Sanjabi). Edited and annotated by Karim Sanjabi. Tehran: Pardis-e Dāneš. [Persian]
- Sasani, Khan Malek. (1386/2007). “*Yādbud-hā-ye sefārat-e Estānbol*” (Memories de Khan Malek-e Sassani charge d’affaires d’Iran pres du gouveenement imperial ot-taman) [Memoirs of Khan Malek-e Sassani, charge d’affaires of Iran to the Imperial Ottoman government]. Tehran: Asātir. [Persian]
- Sepehr, Ahmad Ali (Movarrehk Al-Dowleh). (1336/1957). “*Irān dar jang-e bozorg 1914-1918*” (Iran in the big World War 1914-1918). Tehran: Čāpxāne-ye Bānk-e Melli-ye Irān. [Persian]
- Shaw, Stanford Jay; & Shaw, Azel Koral. (1370/1991). “*Tārix-e emperāturi-ye ‘Osmāni va Torkiye-ye jadid*” (History of the ottoman Empire and modern Turkey) (1<sup>st</sup> ed.) (vol. 2). Translated by Mahmoud Ramezanzadeh. Mašhad: Āstān-e Qods-e Razavi (Astan Quds Razavi). [Persian]

#### Articles

- Alkan, Mustafa. (2004). “Hüseyin Rauf Orbay’ın Hayatı (1880-1964)” *ATATÜRK ARAŞTIRMA MERKEZİ DERGİSİ*, Sayı 59, Cilt: XX.
- HAÇİN, İlhan. (2016). “Hüseyin Rauf Orbay ve I. TBMM’deki Faaliyetleri (1920-1923)”. *Cumhuriyet Tarihi Araştırmaları Dergisi*, 12, no.23, pp 51– 85.
- Khazaei, Shirzad. (1393/2014). “Hezb-e demokrāt va estizāh-e Farmān-farmā dar Majles-e sevvom-e Šorā-ye Melli” (Democrat Party and Farmanfarma’s impeachment in third national parliament). *Majalle-ye Pažuheš-hā-ye ‘Olum-e Tārixī* (Historical Sciences Studies), 6(1), pp. 71-84. [Persian]



- Kurtcephe, İsrail; & Balcıoğlu, Mustafa. (1992). "BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞI BAŞLARINDA ROMANTİK BİR TÜRK-ALMAN PROJESİ -RAUF BEY MÜFREZESİ-". Ankara Üniversitesi OTAM (*Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi*), 3(3).
- LEVENT, Zeynel. (15 Kasım 2020). "Binbaşı Hüseyin Rauf (Orbay) Müfrezesinin Faaliyetlerinin Modern Gayrinizami Harp Teorisi Açısından Değerlendirilmesi". *Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*, Yıl 2020, Cilt 5, Sayı 2, <https://doi.org/10.31454/usb.775710>.
- Sharifi, Ezzatollah; & Karimi, Hojjatollah. (1397/2018). "Barresi-ye owzā'-e Kermānšāh dar jang-e jahāni-ye avval: Az vorud-e niru-hā-ye 'Osmāni tā taškil-e dowlat-e movaqqat-e melli" (Investigating the situation in Kermanshah during the First World War: From the arrival of the Ottoman forces to the formation of the provisional national government). *Naşriye-ye Ruzegārān*, 13(13), pp. 1-20. [Persian]

#### Dissertations

- Ayaydın, Rıdvan. (2016). "**BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞI'NDA OSMANLI DEVLETİ'NİN İRAN'DA CİHAD-I EKBER FAALİYETLERİ**". Tez Danışmanı: DOÇ.DR. İLYAS TOPSAKAL, İstanbul Üniversitesi / Sosyal Bilimler Enstitüsü / İslam Tarihi ve Sanatları Anabilim Dalı / İslam Tarihi Bilim Dalı.
- Nazari, Pirhossein. (1392/2013). "**İl-e Sanjābi va naqş-e ān dar tahavvolāt-e qarb-e keşvar tey-ye sāl-hā-ye 1293 -1345 AH**" (Sanjabi clan and its role in the developments in the west of the country during the years 1345-1293 AH). [Master's thesis in History, Academic orientation: Iran during the Islamic period]. Goruh-e Tārix, Dāneşkade-ye Adabiyāt va 'Olum-e Ensāni, Dāneşgāh-e Lorestān (Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University). [Persian]
- YÜKSEL, Çağdaş. (2019). "**BİRİNCİ DÜNYA SAVAŞI YILLARINDA TEŞKİLAT-I MAHSUSA during the First World War**". Pamukkale Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doktora Tezi, Tarih Anabilim Dalı, Türkiye Cumhuriyeti Tarihi Programı.



### Newspapers

**‘Asr-e Jadid:** (Tuesday 17 Dū al-Qa’ dah 1333 AH / 26 September 1915 AD, year 2, issue 6). [Persian]

**Bāmdād-e Rošan:** (Monday 11 Jumadi al-Thani 1333 AH / 26 April 1915 AD, year 1, issue 33); (Wednesday 13 Jumadi al-Thani 1333 AH / 28 April 1915 AD, year 1, issue 34); (Thursday 30 Jumadi al-Thani 1333 AH / 15 May 1915 AD, year 1, issue 33); (Monday 1 Sha’bān 1333 AH / 14 June 1915 AD, year 1, issue 53); (Saturday 20 Sha’bān 1333 AH / 3 July 1915 AD, year 1, issue 61); (Wednesday 18 Dū al-Qa’ dah 1333 AH / 27 September 1915 AD, year 1, issue 95); (Saturday 28 Dū al-Qa’ dah 1333 AH / 7 October 1915 AD, year 1, issue 99). [Persian]

**Kāveh** (Kaveh Magazine): (Monday 6 Shawwāl 1336 AH / 15 July 1918 AD, year 3, issue 29-30). [Persian]

**Now-Bahār:** (Friday 22 Jumadi al-Thani 1333 AH / 7 May 1915 AD, year 4, issue 194); (Tuesday 9 Sha’bān 1333 AH / 22 June 1915 AD, year 4, issue 207); (Friday 19 Sha’bān 1333 AH / 2 July 1915 AD, year 4, issue 209); (Tuesday 23 Sha’bān 1333 AH / 6 July 1915 AD, year 4, issue 210). [Persian]

**Ra’d:** (Sunday 17 Dū al-Qa’ dah 1333 AH / 26 September 1915 AD, year 7, issue 3). [Persian]

**Rastxiz:** (Tuesday 12 Rabī’ al-’ Awwal 1334 AH / 18 January 1916 AD, year 2, issue 14); (Monday 18 Rabī’ al-’ Awwal 1334 AH / 24 January 1916 AD, year 2, issue 16); (Saturday 26 Ramaḍān 1333 AH / 7 August 1915 AD, year 1, issue 1). [Persian]

### Compact disk

“Mašruh-e mozākerāt-e Majles-e Melli, dowre-ye 3, Jalase-ye 28” (Annotated deliberations of the National Parliament, term 3, session 28): Annotated form of the parliament on Monday, 11th of Jumadi al-Thani 1333 AH / 26 April 1915 AD. [Persian]



# Analysis of the Deportation of the Opponents of the triple Politics of the Conscription, the Unity of Clothes and the Unveiling in the first Pahlavi era

Seyyed Mohammad Sadat Bidgoli<sup>1</sup> | Reza Bigdeloo<sup>2</sup>

## Abstract

**Purpose:** The purpose of this study was to recognize the characteristics of the exile of the opponents of the triple policies of of the Conscription, the Unity of Clothes and the Unveiling during the first Pahlavi era, including the choice of the exile place of exile and the recognition of the social groups of the exiles.

**Method and Research Design:** This research is based on a descriptive-analytical method and with the help of archival documents and archival sources.

**Findings and Conclusions:** During the first Pahlavi era, the criteria of differences in climate, religion and beliefs and the type of exile activity were considered for the choice of exile. But in the case of exiles who oppose the Conscription, the union of clothing and the Unveiling, these criteria have not been observed. This kind of exile has a punitive and warning aspect. Its duration was short, and exile with exile remorse ends. Journalists, Communist Activists, landlords, tribes and nomads accepted the Unity of Clothes and the Unveiling. The unity of clothing and the Unveiling was not a problem for the tribes during this period, But it was the local people's problem, especially the inhabitants of the religious cities, and for this reason the most exiles were from the cities of Khorasan, Qom, Yazd and Kerman. The results of this research Demonstrates that the reaction of opponents to the policies of modernization towards exile does not show the same pattern; some of the popular groups ended their exile by writing a reprimand, But there is no sign of remorse among the exiled clerics who were "imprisoned in exile" during the reaction to the the Unity of Clothes in Tehran. The analysis of the content of these people's exiled writings, in the form of poetry, prose and memorials on the walls of the Prison of the remaining palaces, tells about the comparison of their prison with the prison of Imam Musa bin Ja'far, and there is no sign of regret from their actions. Finally, it can be concluded that the government, using the means of exile, was able to pursue these policies and, therefore, the deportation tools were effective in implementing these policies, in contrast to the exile of the tribes and nomads.

**Keywords:** Exile, Reza shah, Forced labor law, Unity of clothing, Discovery of hijab, Political opponents.

**Citation:** Sadat Bidgoli, S., & Bigdeloo, R. (2023). Analysis of the Deportation of the Opponents of the triple Politics of the Conscription, the Unity of Clothes and the Unveiling in the first Pahlavi era. *Ganjine-ye Asnad*, 33(4), 32-54 | doi: 10.30484/ganj.2023.3103

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, (Corresponding author)

sadat@ri-khomeini.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Social, Police Science and Social Studies Research Institute, Tehran, Iran

bigdeloo@gmail.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«132»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2023.3103

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.4, Winter 2024 | pp: 32-54 (23) | Received: 2, Jun. 2022 | Accepted: 11, Sep. 2023

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

# تحلیل تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه نظام اجباری، اتحاد البسه، و کشف حجاب، در دوره پهلوی اول

سید محمود سادات بیدگلی | رضا بیگدلو<sup>۱</sup>

چکیده

**هدف:** شناخت ویژگی‌های تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه نظام اجباری، اتحاد البسه، و کشف حجاب، در دوره پهلوی اول شامل انتخاب محل تبعیدگاه، مدت تبعید، و شناخت گروه‌های اجتماعی تبعیدیان.

**روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با کمک اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی تنظیم شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در دوره پهلوی اول برای انتخاب تبعیدگاه معیارهای تفاوت اقلیم، مذهب و عقاید، و شغل تبعیدی مدنظر بوده است؛ ولی درباره تبعیدیان مخالف نظام اجباری، اتحاد البسه و کشف حجاب این معیارها رعایت نشده است. تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه جنبه تنبیهی و تنبیهی داشت. مدت زمان آن کوتاه بود و با اظهار ندامت تبعیدی، تبعید به پایان می‌رسید. روزنامه‌نگاران، فعالان کمونیست، ملاکان و ایلات و عشایر، اتحاد البسه و کشف حجاب را پذیرفتند. در این دوره اتحاد البسه و کشف حجاب مسئله عشایر نبود تا با آن مقابله کنند؛ ولی مسئله مردم محلی بود و بدین سبب است که بیشترین تبعیدی از شهرهای استان خراسان و نیز شهرهای قم، یزد و کرمان است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که واکنش مخالفان سیاست‌های نوسازی در قبال تبعید، رویه یکسانی را نشان نمی‌دهد. برخی از گروه‌های مردمی با نوشتن ندامت‌نامه به تبعید خود خاتمه دادند؛ ولی در بین روحانیون تبعیدی که در جریان واکنش به اتحاد البسه در تهران «حبس در تبعید» شده بودند نشانه‌ای از ندامت دیده نمی‌شود. تحلیل محتوای تبعیدنوشته‌های این افراد که در قالب شعر، نثر و یادگاری بر دیوارهای زندان قصر باقی مانده است از قیاس زندان آن‌ها با زندان امام موسی‌بن جعفر حکایت دارد و نشانه‌ای از تأسف از عملکرد در این تبعیدنوشته‌ها دیده نمی‌شود. درنهایت می‌توان به این جمع‌بندی رسید که حکومت با استفاده از ابزار تبعید توانست که این سیاست‌های سه‌گانه را به پیش ببرد و از این جهت ابزار تبعید برای اجرای این سیاست‌ها برخلاف تبعید ایلات و عشایر کارآمد بود.

**کلیدواژه‌ها:** تبعید؛ رضاشاه؛ تبعیدگاه؛ قانون نظام اجباری؛ اتحاد البسه؛ کشف حجاب؛ مخالفان سیاسی.

**استناد:** سادات بیدگلی، سید محمود، بیگدلو، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه نظام اجباری، اتحاد البسه، و کشف حجاب، در دوره پهلوی اول. *گنجینه اسناد*، ۳۳(۴)، ۵۴-۳۲ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۱۰۳

۱. استادیار، گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران  
sadati@i-khomeini.ac.ir
۲. دانشیار، گروه اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران  
bigdelor@gmail.com



## گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۱۰۳

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۳۲-۵۴(۳۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

از نظر حقوقی کیفر تبعید مجازاتی میانه است؛ چون ویژگی‌های کیفر حبس (سالب آزادی) را ندارد و فقط کاهنده آزادی است. در این کیفر با کنترل تبعیدی در تبعیدگاه، او از گردونه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خارج می‌شود و هدف حکومت که کنترل اعمال و رفتار تبعیدی است محقق می‌شود؛ ضمن آنکه تبعات منفی کیفر قتل و حبس نیز در کیفر تبعید کمتر است؛ بدین لحاظ است که از تبعید زیاد استفاده شده است. حکومت‌های استبدادی از حذف فیزیکی مخالفان (قتل) به عنوان بهترین راهکار برای غلبه بر آنان سود می‌جویند؛ ولی حکومت‌های دیکتاتوری‌ای که ظواهری از دموکراسی مانند مجلس و قانون را دارا هستند مخالفان را نه با حذف فیزیکی بلکه با تبعید از گردونه قدرت خارج می‌کنند.

اجرای سیاست‌های اصلاحات از بالای حکومت رضاشاه، واکنش بعضی از گروه‌ها را برانگیخت. سیاست اسکان و نیز تبعید عشایر متمرّد، تبعید ملاکان و تصرف زمین‌های آنان و نیز تبعید کمونیست‌ها، شامل گروه‌های محدودی از مردم می‌شد؛ ولی حکومت با اجرای سیاست‌های اصلاحی سه‌گانه قانون نظام اجباری، اتحاد البسه، و کشف حجاب همه مردم کشور را درگیر اصلاحات از بالای خود کرد. کشاورزی خرده‌مالکی در کشور مبتنی بر کار فرزندان ذکور در مزارع بود و با قانون نظام اجباری این افراد به یک‌باره از خانواده جدا می‌شدند و معیشت خانواده با مشکل مواجه می‌شد؛ بنابراین کشاورزان به اجرای این سیاست واکنش نشان دادند. هم‌چنین اتحاد البسه برای جامعه‌ای که درگیر اقتصاد و تأمین معاش خود بود نتیجه‌ای جز اصلاح ظاهر اجتماع و واکنش مردم به این قانون را دربر نداشت. جامعه مذهبی که به پوشش زنان خود حساس بود به یک‌باره با اصلاحی مواجه شد که تحمل آن برایش گران آمد؛ بنابراین از هر راهی واکنش خود را نشان داد. حکومت برای پیشبرد اصلاحات خود و کنترل جامعه، مجازات تبعید را برای تنبیه مخالفان برگزید. حکومت در قبال واکنش مخالفان این سیاست‌ها، به هدف دور کردن آن‌ها از شهرشان به تبعید آنان روی آورد. این پژوهش به دنبال شناخت مؤلفه‌های تبعید مخالفان سیاست‌های اصلاحی سه‌گانه دوره رضاشاه از نظر نوع تبعیدگاه افراد، گروه اجتماعی تبعیدیان، و نیز مدت‌زمان تبعید آنان است و در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا تبعید ابزاری مناسب برای حکومت در اجرای سیاست‌های اصلاحی سه‌گانه بوده است؟

در این پژوهش ضمن تشریح این سیاست‌ها به بررسی و تحلیل تبعیدیان سیاست‌های نوسازی پرداخته می‌شود.



## ۲. تبعیدیان قانون نظام اجباری

اولین تصادم حکومت رضاشاه با برخی از مردم بر سر تصویب و اجرای قانون نظام اجباری و برقراری سربازگیری به وجود آمد. قانون ۳۶ ماده‌ای نظام اجباری در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ ش/ ۶ ژوئن ۱۹۲۵ م با هدف گسترش ارتش ملی تصویب شد و اجرای آن در سال ۱۳۰۶ آغاز شد (صفائی، ۲۵۳۵، ص ۱۱). اولین مجلس سربازگیری تهران در ۱۵ آبان ۱۳۰۵ ش/ ۷ نوامبر ۱۹۲۶ م در تکیه دولت افتتاح شد (کتاب پهلوی، بی تا، ص ۹۱).

روحانیون در اجرای این قانون استثنائات و امتیازاتی را خواستار شدند که از سوی حکومت پذیرفته نشد. قمی از علمای این دوره در نامه‌ای به تیمورتاش درخواست کرد که شهر مشهد به احترام وجود آستانه برای همیشه از قانون نظام اجباری معاف باشد که تیمورتاش نپذیرفت (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، صص ۲۳۵ و ۲۳۷).

برخی از افرادی که در اثر این قانون باید به سربازی می‌رفتند و استنکاف می‌کردند و تبعید می‌شدند، نیروی انسانی بخش کشاورزی بودند. بنابراین، اسناد، شکایت عمده کشاورزان را از اجرای این قانون گزارش می‌کند. به‌ویژه این شکایت‌ها در سال اول اجرای این قانون بیشتر است؛ چون در وسط فصل زراعت، کشاورزان را از نیروی کار محروم کرده بود (متما، ۲۶-۵۰۸-۱۴ م).

برای بسترسازی برای اجرای قانون نظام وظیفه در رشت تعدادی از متنفذان محلی تبعید شدند. «برای جلوگیری از تظاهرات، خروج اشخاص ذیل را در موقع شروع ماجرای قانون نظام اجباری لازم می‌داند: ۱. شیخ باقر رسولی؛ ۲. شیخ علی فومنی؛ ۳. آقا سید عبدالوهاب؛ ۴. شیخ ابوالقاسم خورگامی (این شخص قاضی عدلیه است ممکن است از طرف وزارت عدلیه احضار شود)؛ ۵. شیخ محمد وحید (برادر شیخ ابوالقاسم قاضی عدلیه)؛ ۶. داورزاده مستاجر لشت نشاء امین‌الدوله که از تجار و ملاکان رشت است؛ ۷. معدل نماینده بلدیة رشت؛ ۸. حاج سید محمود مجتهدزاده اگرچه جزء موافقین دولت راپورت می‌دهد، مع هذا معتقد است در این موقع در رشت نباشد اصلح است» (مپس، ۳۰۰۹، ۱۸/۷/۱۳۰۶).

در سبزواریس رئیس اداره نظام اجباری شرق (خراسان) در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۰۶ ش/ ۲۰ اکتبر ۱۹۲۷ م خواستار تبعید سیدالعراقین (از علمای تهران) از سبزواریس شد. او به تازگی از تهران به سبزواریس آمده بود و به مخالفت با این قانون شهرت داشت؛ بنابراین برای اجرای قانون و برای جلوگیری از مخالفت در سبزواریس، تبعید شد.

اصرار دولت بر اجرای قانون باعث بسته شدن بازارهای اصفهان و خوی شد. یکی از روحانیون فعال در زمینه مخالفت با نظام اجباری میرزا صادق آقا بود که به دستور او بازار تبریز در اعتراض به ورود هیئت سربازگیری از تهران بسته شد. تجار با تهدید اسلحه،



مغازه‌های خود را باز کردند و میرزا صادق آقا و آیت‌الله انگجی به دلیل مخالفت با نظام اجباری و همچنین مخالفت با اتحاد البسه دستگیر و به سردشت کردستان تبعید شدند (نخجوانی، ۱۳۸۳، صص ۱۸۶-۱۸۷).

یکی از علل مهم خودتبعیدی در این دوره، اجرای قانون نظام اجباری بود. ایرانیانی که سال‌ها در قفقاز کار می‌کردند و بین ایران و شوروی در حال رفت‌وآمد بودند به دلیل ترس از اعزام به سربازی مجبور شدند تا در آنجا بمانند. در یک مورد ۴۰۰ خانوار از ایرانی‌های مقیم قفقاز خواستار مستثناس شدن از رفتن به خدمت اجباری بودند (طاهر احمدی، ۱۳۷۴، صص ۲۱۳-۲۱۴) که این تقاضا از سوی دولت رد شد.



**نقشه شماره ۱**  
زادگاه و تبعیدگاه تبعیدیان قانون نظام اجباری  
مأخذ زادگاه و تبعیدگاه: آمار برگرفته از اسناد پایگاه‌های ساکما و ساکمانخ.  
مأخذ نقشه خام: <http://www.iranatlas.info/main/region15.htm>

● زادگاه  
● تبعیدگاه



نقشه شماره ۱ نشان می‌دهد که مخالفت با قانون نظام اجباری گسترده نبوده است که شاید علت آن، اجرای آهسته این قانون در کشور بوده است؛ تاجایی که تا نیمه حکومت پهلوی اول افراد با پرداخت اندک مبلغی به کدخدایان توانستند به سربازی نروند. هم‌چنین واگذاری دادن سرباز، به رؤسای ایلات و عشایر باعث شد تا عشایر درمقابل این قانون سرسختانه مخالفت نکنند.

### ۳. تبعیدیان اتحاد البسه

رضاشاه با هدف هماهنگ کردن لباس همه ایرانیان دستور داد تا قانونی به نام اتحاد البسه تهیه کنند که همه مردم از یک نوع لباس استفاده کنند. این لباس که به لباس پهلوی مشهور شد عبارت بود از: کلاه پهلوی؛ اقسام لباس کوتاه اعم از نیم‌تنه (یقه‌عربی یا یقه‌برگردان)؛ و پیراهن و شلوار اعم از بلند یا کوتاه (منظورالاجداد، ۱۳۸۰، ص ۵). این قانون در روز ۶ دی ۱۳۰۷ از تصویب مجلس گذشت. طبق ماده ۴، این قانون در شهرها و روستاها از ۱ فروردین ۱۳۰۸ ش/ ۲۱ مارس ۱۹۲۹ م، و در خارج از شهرها تا فروردین ۱۳۰۹ ش/ مارس ۱۹۳۰ م بایستی اجرا می‌شد (روزنامه ناهید، ۸ دی ۱۳۰۷، ۸ (۴۶)، ص ۲). فقط مجتهدان، علمای بزرگ، مفتیان اهل سنت و پیش‌نمازان دارای محراب، محدثان و طلاب شاغل به فقه و اصول و روحانیون ایرانی غیرمسلمان از این قانون مستثنا شناخته شده بودند که طبق ماده ۱۸ مقرر بود حکام یا مأموران نظمیه مدارک این افراد را بررسی و آنها را مستثنا کنند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ص ۲۲). طبق ماده ۳ از متخلفان این قانون از یک تا پنج تومان جریمه گرفته می‌شد (منظورالاجداد، ۱۳۸۰، ص ۴).

در ابتدا، اجرای این قانون جدی گرفته نمی‌شد؛ ولی با نزدیک شدن به موعد اجرای آن بر سختگیری‌ها افزوده شد. استارک درباره اجرای این قانون در میان عشایر لری می‌نویسد: «مسئله‌ای که ذهن آنها را به خود مشغول کرده است موضوع تغییر لباس است. یک سال قبل به آنها مهلت داده شده بود که کت و شلوار اروپائی و کلاه پهلوی تهیه کنند و هیچ‌کس به فکر انجام این موضوع نیفتاده بود [...] اینک از تهران بخشنامه‌ای صادر شده است که باید ظرف پنج روز مردم لرستان به لباس‌های تازه ملبس [شوند] و ریش‌ها را تراشیده باشند [...] تهیه یک دست لباس شهری در مدت پنج روز آن‌هم در بیابان‌های لرستان کاری دشوار است» (استارک، ۱۳۶۴، صص ۱۵-۱۶).

مسئله‌ای که کمتر به آن پرداخته شده است ناتوانی مالی مردم در تهیه یک دست کت و شلوار و کلاه پهلوی بوده است. لباس ایرانی برای بسیاری از خانواده‌ها نوعی ستارالعیوب بود و فقر خانواده را می‌پوشاند و حافظ شخصیت پدر به‌عنوان نان‌آور خانواده

بود (حجتی، ۱۳۷۷، صص ۱۷۱-۱۷۴). دولت دستور داد که از افروردین ۱۳۱۰ش/ ۲۲ مارس ۱۹۳۱م از البسه ساخت داخل استفاده شود (ساکمانخ، ۶۷۳۲۶).

اجرای این قانون واکنش‌هایی را برانگیخت و نظرات گوناگونی درباره آن ابراز شد. هاکس از سیاحان اروپائی استفاده اجباری از کلاه پهلوی را برای کاستن از اهمیت مذهب دانسته است (هاکس، ۱۳۶۸، ص ۱۹۴). بولارد و اسکرین درباره پذیرفتن این قانون از سوی مردم می‌نویسند: «... هیچ‌کس از مردم روستانشین احساس نمی‌کردند که اگر لباس‌های محلی و سنتی خود را مثلاً با یک دست کت و شلوار دست‌دوم خارجی بی‌قواره تعویض کنند مقامشان بالاتر رفته است و یا بر شخصیتشان افزوده است» (بولارد و اسکرین، ۱۳۶۲، ص ۲۲). در اسناد فرانسه نیز آمده است که شاه پهلوی با تحمیل آداب و رسوم اروپائی به افراد ملتش تصور کرد می‌تواند آن‌ها را به غرب نزدیک کند (پورشالچی، ۱۳۸۴، ص ۶۴۶). در میان رجال ایرانی برخی مانند کسروی به استقبال این قانون رفتند (کسروی، ۱۳۳۵، ص ۲۷۳)؛ برخی مانند هدایت آن را با اکراه پذیرفتند (هدایت، ۱۳۶۳، صص ۲۸۲-۲۸۳) و برخی مانند نخجوانی انتخاب لباس ایرانی برگرفته از سنت‌های ایرانی را به جای لباس فرنگی خواستار بودند (نخجوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸). میرزاده عشقی هم تغییر لباس را برای جامعه ایران زود می‌دانست. او در مقاله‌ای با عنوان «اول کله مردم را عوض کنید بعد کلاه آن‌ها را» نظر خود را بیان کرده است (روزنامه سیاست شمال، ۱۳۴۲ق، ۲ (۲۹)، ص ۷).

روحانیون با وجود استثنا شدن از این قانون، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. سید ابوالحسن اصفهانی به تندی واکنش نشان داد (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، صص ۱۶۰-۱۶۱). یکی از توجیهاتی که حکومت برای جا انداختن این قانون آورده بود لزوم تمایز روحانیون واقعی و غیر واقعی از طریق برگزاری امتحان و دادن جواز به روحانیون واقعی بود که با این توجیهات علمایی مانند شیخ عبدالکریم حائری در قم و بحر العلوم در نجف از این قانون استقبال کردند (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، صص ۳۴۷-۳۴۸)؛ ولی با اجرایی شدن این قانون، هم حائری و هم حوزه علمیه نجف در صدور جواز گشاده دستی کردند. به ویژه حائری به هر کسی که جواز درخواست می‌کرد جواز می‌داد تا از پوشیدن لباس مستثنا شود که این امر نقض غرض حکومت بود و تیمورتاش به آن اعتراض کرد (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، صص ۳۴۹-۳۵۰). عبدالله بهرامی در نامه‌ای به تیمورتاش درباره دادن جواز از سوی علمای نجف می‌نویسد: «... شاید متجاوز از ده هزار جواز از طرف آن‌ها همین‌طور بدون آنکه صاحبش را بشناسند داده شده؛ از آن جمله دسته‌های جوازی است که به وسیله اعتماد (روضه‌خوان تهرانی) به ایران رسید و تقسیم شد» (زارعی و مختاری اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). با وجود استثنا شدن روحانیون از قانون اتحاد البسه، ملبس شدن مقلدان آن‌ها به

لباس کفار صورت خوشی برای آن‌ها نداشت؛ بنابراین واکنش‌هایی در برابر این قانون ایجاد شد که مهم‌ترین آن حادثه مسجد گوهرشاد در مشهد بود.

تبریز یکی از شهرهایی بود که کمی قبل از واقعه مسجد گوهرشاد، در برابر اتحاد البسه از خود واکنش نشان داد. میرزا صادق آقا و ابوالحسن انگجی<sup>۱</sup> از روحانیون مخالف اتحاد البسه بودند. اینان اهالی را در مسجدی در تبریز جمع و علیه این قانون سخنرانی کردند. در ادامه بازار تعطیل شد و مردم در منزل روحانیون جمع شدند. نظامیان اعزامی به تبریز منزل این دو نفر را محاصره کردند و آن‌ها را به همراه ۳۸ نفر دیگر دستگیر کردند. نظامیان تعدادی از تجار را به همراه سیدهاشم خوئی به تهران تبعید کردند و رؤسای دسته‌ها و چند نفر از روضه‌خوان‌ها را به اردبیل و میرزا صادق آقا و میرزا ابوالحسن انگجی را به کردستان تبعید کردند (نخجوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰). تبعیدیان تدریجاً تا اردیبهشت ۱۳۰۸ ش / آوریل ۱۹۲۹ م آزاد شدند. انگجی از کردستان به تبریز بازگشت؛ ولی میرزا صادق آقا از راه همدان به قم رفت و تا پایان عمر در قم ماند. میرزا باقر قاضی طباطبائی از دیگر علمای تبعیدی بود که همراه خانواده‌اش دستگیر و به تهران تبعید شد. شرح حال این مسافرت را آقاعلی قاضی در کتابی با عنوان سفرنامه بافت نوشته است. آغاز تبعید آنان در ۱۲ جمادی الاول ۱۳۴۷ ق / ۵ آبان ۱۳۰۷ ش / ۲۷ اکتبر ۱۹۲۸ م بود. قاضی در تبعیدگاه تهران برای مدتی در منزلی ساکن شد که نمایندگان آذربایجان برای او فراهم کرده بودند؛ ولی شهربانی منزل آنان را زیر نظر گرفت و حتی فرزندان او هم باید همراه با مأمور به خرید می‌رفتند (نخجوانی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۹-۱۸۰).

نقشه شماره ۲ نشان می‌دهد که تبعیدگاه مخالفان اتحاد البسه تقریباً در تمام کشور بوده است؛ جاهایی هم مانند جنوب و غرب کشور که از سنن ایلی و قومی قوی برخوردار بودند خودشان به صورت خودتبعیدی به آن سوی مرز رفتند.

۱. انگجی: یکی از محله‌های قدیمی شهر تبریز



## نقشه شماره ۲

زادگاه و تبعیدگاه تبعیدیان اتحاد البسه  
 مأخذ زادگاه و تبعیدگاه و خودتبعیدگاه:  
 آمار برگرفته از اسناد پایگاه‌های ساکما و  
 ساکماخ  
 مأخذ نقشه خام: <http://www.iranatlas.info/main/region15.htm>

● زادگاه  
 ○/ تبعیدگاه

### ۳.۱. تبعیدیان حادثه مسجد گوهرشاد

در شهر مشهد بین اسدی (متولی آستان قدس) و شهربانی مشهد اختلافاتی وجود داشت و اجرای قانون اتحاد البسه، ابزاری برای فشار شهربانی به تولیت آستان شد. گزارش‌های شهربانی مشهد به تهران از استفاده نکردن مستخدمان آستان قدس از لباس در موقع خدمت خبر می‌دهند (منظورالاجداد، ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۶۰). به تهران گزارش شد که تولیت آستان مخالف اتحاد البسه است و همین امر دستور برخورد شدید از سوی شاه را به دنبال داشت (شوشتری، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳). در درگیری مأموران با مردم متحصن در صحن مسجد گوهرشاد ۱۲۸ نفر کشته و حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر مجروح و حدود ۵۰۰ نفر دستگیر شدند (مجدد، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸).



بعد از حادثه مسجد گوهرشاد اسدی تیرباران شد و با دستور رسیده از تهران شهربانی رسماً توقیف و تبعید افراد را بدون محاکمه شروع کرد (شوشتری، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹). اولین تبعیدی حادثه مشهد حاج آقا حسین قمی بود که در ۱۰ تیر ۱۳۱۴ ش/ ۲ جولای ۱۹۳۵ م برای مذاکره با شاه به تهران سفر کرد و در باغ سراج‌الملک شهرری سکونت کرد تا اجازه ملاقات با شاه را بیابد؛ ولی مأموران شهربانی باغ را محاصره کردند و او را به عتبات تبعید کردند (مکی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۵۳). هنگامی که حاج آقا حسین قمی در تهران محصور شد و تحت نظر قرار گرفت، رؤسای اصناف مشهد به تهران تلگراف کردند و بازگشت او را تقاضا کردند؛ ولی شهربانی مشهد تلگراف‌کنندگان را توقیف کرد (کشتار مسجد گوهرشاد، ۱۳۹۰، صص ۲۰۳-۲۱۲). حاج آقا حسین و سیدیونس اردبیلی و آقازاده فرزند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه) جزء مخالفان اصلی اتحاد البسه بودند.

محمد رفیع نوایی رئیس شهربانی مشهد در آبان ۱۳۱۴ ش/ نوامبر ۱۹۳۵ م آقازاده را دستگیر و به یزد تبعید کرد؛ ولی چهار ماه بعد او را از تبعیدگاه یزد به مشهد بازگرداند و با پرونده تهیه‌شده به تهران فرستاد. آقازاده در تهران ابتدا به اعدام محکوم شد که با فعالیت برادرش در نجف حکم اعدام او به تبعید در تهران تغییر کرد. او در خانه‌ای در خیابان ری در تبعید بود تا اینکه در آذر ۱۳۱۶ ش/ دسامبر ۱۹۳۷ م فوت کرد (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، صص ۲۲۶-۲۲۷ پاورقی).

سیدیونس اردبیلی، شیخ آقابزرگ شاه‌رودی، علی‌اکبر خوئی، میرزا حبیب‌الله ملکی، هاشم نجف‌آبادی، عبدالله شیرازی، خلیل تبریزی، محمد صاحب‌الزمانی، عبدالعظیم مسئله‌گو، زین‌العابدین سیستانی، شیخ سیف‌الله، بحر العلوم قزوینی، نواب احتشام رضوی، محمدحسین اصفهانی و علی اردکانی، از مشهد دستگیر و به تهران تبعید شدند (شوشتری، ۱۳۷۹، ص ۱۸۷؛ ساکمانخ، ۶۰۱۵۱). تبعیدیان اتحاد البسه در تبعیدگاه تهران، ابتدا به صورت حبس در تبعید بودند و در زندان قصر به سر می‌بردند و در ادامه آزاد شدند، ولی به اقامت اجباری در تهران محکوم شدند. سختی‌های تبعید در تهران برای روحانیون قابل تحمل بود، ولی برای خانواده‌هایشان سخت بود. شیخ خلیل تبریزی از این افراد پس از آزادی از زندان به سمنان تبعید شد (اباذری، ۱۳۹۱، ص ۳۵). تبعیدیان در زندان قصر مرثیه‌هایی در شرح حال خود و مسائل زندان سروده‌اند که تحلیل محتوای این اشعار از شبیه‌سازی اسارت این افراد با اسارت و زندان ائمه شیعه نشان دارد. این افراد تا شهریور ۱۳۲۰ ش/ اوت ۱۹۴۱ م تحت نظر بودند و بعد آزاد شدند. در جریان اعتراض به اتحاد البسه و حادثه مشهد عده‌ای از کارکنان آستان قدس هم دستگیر و تبعید شدند که به دلیل بی‌گناهی در ۱۳ آذر ۱۳۱۵ ش/ ۲۴ نوامبر ۱۹۳۶ م آزاد شدند (ساکمانخ، ۶۰۰۰۶).

از جمله تبعیدیان حادثه مسجد گوهرشاد بربری‌های ساکن در اطراف شهر مشهد بودند که در اصل از اتباع افغانستان بودند. در پی توافق دو کشور در سال ۱۳۰۰ ش/۱۹۲۱ م قرار شد که بربری‌هایی ساکن در ایران تبعه ایران شناخته شوند. چندی بعد دو دولت توافق کردند که نام این گروه قومی به تشخیص ایران تغییر کند (متما، ۱۳۵۳۲، ۱۳۵۳۳). رضاشاه نیز نام هزاره‌ها را از بربری به خاوری تبدیل کرد. این افراد هم از تبعیدیان اتحاد البسه بودند که دوران تبعید خود را در خوار ورامین گذراندند (ساکما، ۷۴۷۲-۲۹۰؛ شوشتری، ۱۳۷۹، صص ۱۴۵-۱۴۶). حدود ۲۰۰ نفر از خاوری‌ها از مشهد و اطراف آن به سایر نقاط کشور تبعید شدند. این افراد رعایای دهات آستانه بودند که به تحریک برخی اشخاص وارد شهر مشهد شده بودند و به متحصنان پیوسته بودند (گلشائیان، ۱۳۷۷، ص ۲۹۹). نوایی رئیس شهربانی مشهد شش نفر از رعایای فریمان را که از بربری‌ها بودند به شهر آورد تا علیه اسدی شهادت دهند (کشتار مسجد گوهرشاد، ۱۳۹۰، تلخیص از صفحات ۲۰۳-۲۱۲).

احمد بهار هم از تبعیدیان اتحاد البسه در مشهد بود که بعد از ۱۶ ماه تبعید آزاد شد (ساکمانخ، ۶۰۰۰۶). سمنان هم یکی از تبعیدگاه‌های واقعه مسجد گوهرشاد و مخالفت با اتحاد البسه بود (ساکما، ۸۸۴۰-۲۹۳). محسن، سلمان، و علی اکبر اسدی و نیز محمد تقی نوربخش از بستگان اسدی از دیگر تبعیدیان واقعه مسجد گوهرشاد بودند که از مشهد به بیرجند تبعید شدند. آنان در تبعیدگاه با مشکل تأمین معاش روبه‌رو شدند و نامه‌ای خطاب به رئیس‌الوزرا نوشتند و کار تقاضا کردند. شاه با دادن شغل به آنان متنها در تبعیدگاه موافقت کرد. محسن اسدی در فرهنگ بیرجند به‌عنوان دبیر به کار مشغول شد. به سلمان اسدی شغل دولتی داده نشد، زیرا مختار رئیس کل شهربانی اعلام کرد که او در شهربانی پرونده دارد؛ بنابراین اجازه یافت که در تبعیدگاه به کشاورزی بپردازد. علی اکبر اسدی و محمد تقی نوربخش نیز به‌عنوان محاسب و منشی علم (وزیر پست و تلگراف) در بیرجند به کار مشغول شدند تا بتوانند زندگی خود را بگذرانند (ساکمانخ، ۶۰۱۵۴).

حادثه مسجد گوهرشاد اولین رویارویی بزرگ مردم و حکومت بود. بعد از این واقعه متمردان از این قانون، مخالفان حکومت و شاه به حساب می‌آمدند و بلافاصله تبعید می‌شدند؛ بنابراین جمعیت تبعیدی‌ها بعد از حادثه مسجد رو به افزایش گذاشت و تبعید که تا قبل از این حادثه خاص عده‌ای از برگزیدگان جامعه بود به عموم مردم تسری یافت. وجود اسناد فراوان از تبعید افراد به دلیل مخالفت با کلاه پهلوی و اتحاد البسه، به علت گسترش شمول استفاده از مجازات تبعید است (ساکما، ۸۳۵۶-۲۹۰؛ ساکمانخ، ۶۰۱۲۹). به جز افراد و گروه‌های اجتماعی که در برابر قانون اتحاد البسه مقاومت کردند و تبعید شدند، افراد و گروه‌هایی هم بودند که واکنش علنی نشان ندادند؛ ولی راه‌حل تن‌ندادن به



قانون اتحاد البسه را در خود تبعیدی یافتند و به ناچار دیار خود را ترک کردند. این گروه‌ها عمدتاً گروه‌هایی بودند که از سنن قومی قوی‌تری برخوردار بودند و به هیچ‌وجه حاضر نبودند لباس خود را ازدست بدهند و برای حفظ آبروی خود با خانواده از منطقه خود به مناطق دیگر به خود تبعیدی رفتند. صدر اصفهانی از علمای اصفهان به دلیل آنکه مجبور شده بود لباس خود را تغییر بدهد به صورت خود تبعیدی از اصفهان به بوشهر رفت تا اهالی اصفهان او را با شکل و شمایل تغییر یافته نبینند (ساکما، ۲۹۰-۸۳۵۲). جالب است که شهربانی بوشهر کمی بعد به دنبال آن بود تا او را رسماً جزء تبعیدی‌های مخالف حکومت درآورد.

در دوره رضاشاه عده‌ای از اعراب ساکن در حاشیه شمالی خلیج فارس به حاشیه جنوبی آن کوچ کردند. سنن قومی برخی از اعراب این منطقه به حدی قوی بود که اگر فردی از خانواده‌ای لباس خود را با لباس پهلوی عوض می‌کرد او را از فرزندی خود خارج می‌کردند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ص ۴۴)؛ بنابراین این افراد برای مقابله با اتحاد البسه به خود تبعیدی رو آوردند.

#### ۴. تبعیدیان کشف حجاب

اجرای قانون اتحاد البسه عده‌ای را به این فکر انداخت که در مرحله بعدی نوبت کشف حجاب بانوان است. رضاشاه پس از اجرای قانون اتحاد البسه، قانون کشف حجاب بانوان را در ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش/ ۸ ژانویه ۱۹۳۶ م به اجرا درآورد. طبق این قانون بانوان حق نداشتند در بیرون از فضای خانه از چادر و روسری استفاده کنند.

با اجباری شدن این قانون دولت سعی کرد تا با برپایی جشن‌هایی، کشف حجاب را در جامعه جا بیندازد و این کار را از مستخدمان دولتی شروع کرد. کارکنان دولت موظف شدند با خانم‌هایشان در این جشن‌ها شرکت کنند و مجازات شرکت نکردن در این جشن‌ها تبعید بود. شدت اجرای قانون از طرف دولت و شدت مقاومت مردم از طرف دیگر باعث ازدیاد جمعیت تبعیدی‌ها شد. دولت با تلگراف به شهرهای کشور بر تبعید شرکت‌نیافتگان در این جشن‌ها و نیز کسانی که مجالس جشن تشکیل نداده بودند تأکید می‌کرد (ساکما، ۲۳۳۰-۲۹۰).

در برخی از مناطق سنتی افراد برای تن‌دادن به این قانون و تحمل نکردن تبعید ناشی از اجرا نکردن قانون، همان‌طور که در اتحاد البسه هم اتفاق افتاد به خود تبعیدی رفتند و از کشور خارج شدند (مکی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۷۶؛ سنجر، ۱۳۷۰، صص ۴۲-۴۳)؛ که از جمله می‌توان به مهاجرت اجباری گسترده و از سر ناچاری از سواحل شمال خلیج فارس به



کویت و مسقط اشاره کرد (ادیبی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸). مهاجرت و خودتبعیدی برای تن ندادن به کشف حجاب بیشتر در مناطق مرزی اتفاق می افتاد؛ چون امکان جابه جایی به آن سوی مرز فراهم بود. والی خراسان در سال ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۷ م به اداره امنیه شرق دستور داد تا با زنان ساکن در سرحدات ایران با افغانستان مانند خواف در زمینه اجرای کشف حجاب با خشونت رفتار نکند (متما، ۳۷۸-۴۳۹-۳ م)؛ چون آنان از نظر مذهبی سنی بودند و با روستاهای افغانستان هم قرابت مذهبی و مراوده داشتند، بنابراین امکان داشت که برای همیشه به آن سوی مرز مهاجرت کنند.

با گزارش شهربانی هر محل علیه فردی که در جشن شرکت نمی کرد و یا علیه این قانون حرف می زد فرد بلافاصله تبعید می شد (متما، ۱۷-۶۴۹-۳ م). دامنه این تبعیدها به شهر مذهبی قم هم کشیده شد. سرپاس مختار در نامه مورخ ۲۱ بهمن ۱۳۱۶ ش/ ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ م برای ۱۵ نفر از افرادی که در جشن حضور نداشتند تبعید از قم را درخواست کرد: «برای تنبیه عده مزبور که صورت آن به پیوست تقدیم می شود به مدت معینی از قم تبعید شوند» (حکیمیون، ۱۳۸۶، صص ۱۷۳-۱۷۴). از این ۱۵ نفر ۱۰ نفر تاجر، ۴ نفر کشاورز و یک نفر پزشک بودند. شهربانی به شدت جلسات کشف حجاب را رصد می کرد و اگر جلسه کشف حجاب به بحث درباره کشف حجاب و به ضد خودش تبعید می شد، بی شک صاحب جلسه تبعید می شد که چرا مجمع ضد قانون کشف حجاب تشکیل داده است (سالور، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۷۷۰۴). خود شاه هم به قانون کشف حجاب حساسیتی ویژه داشت و خواستار اشد مجازات برای متخلفان بود. فردی به علت اخلاف در اجرای قانون کشف حجاب دو ماه از سبزواری تبعید شد؛ ولی شاه دستور داد که «باید اساساً او را از آنجا بیرون کنند و دیگر هیچ وقت او را به آنجا راه ندهند» (ساکمانخ، ۱۰۱۵۱). تبعید این فرد به علت اظهار نظر درباره این قانون تا شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م طول کشید. بررسی اسناد و مدارک تبعیدیان کشف حجاب نشان می دهد که تأکید حکومت بر اجرای این قانون در شهرهای مذهبی کشور بیشتر بوده است. خراسان و قم دو جایی بودند که بیشترین تبعیدیان کشف حجاب را داشتند.<sup>۱</sup>

به جز خراسان و قم، افرادی هم از کرمان به یزد، و افرادی هم از رفسنجان به کرمان تبعید شدند (ساکما ۲۳۳۰-۲۹۰؛ متما، ۹۷-۴۴-۳؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ص ۸۵). در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۱۵ ش/ ۱۷ اوت ۱۹۳۶ م سید محمد دعایی زارچی واعظ پس از اینکه در بالای منبر گفت: «زن ها روبندها را پایین بیندازید»، تعقیب شد و از یزد به کرمان تبعید شد. در گزارش همایون سیاح (از وزارت داخله) برای نخست وزیر در ۳ شهریور ۱۳۱۵ ش/ ۲۵ اوت ۱۹۳۶ م فهرست اسامی افرادی که در موضوع کلاه و کشف

۱. برای بررسی گوشه ای از اسناد  
رک: ساکما ۸۸۲۲-۲۹۴-۲۹۰-۳۳۹۵؛  
ساکمانخ، ۶۰۱۰۱، ۶۰۱۵۱، ۶۰۲۳۰؛ متما،  
۳-۶۴۹-۱۷ م.





حجاب بانوان از شهرهای خود تبعید شده‌اند، به همراه محل تبعید آن‌ها ذکر شده است: ۱. سید محمد دعائی زارچی از یزد به کرمان؛ ۲. شیخ عباس افتخاری از رفسنجان به کرمان؛ ۳. سیدابراهیم مساوات از برازجان به کرمان؛ ۴. شیخ محمود شریعت از مشهد به طبس؛ ۵. سیدصادق خطیب از مشهد به نیشابور؛ ۶. میرزامسیح از مشهد به میامی؛ ۷. سیدحسام فال اسیری از شیراز به مشهد؛ ۸. شیخ حسین ناطق (در شهربانی مشهد توقیف) (خسونت و فرهنگ...، ۱۳۷۱، ص ۳۰).

در تلگراف رئیس شهربانی و کفیل حکومت هنگام (در جنوب کشور) به حکمران بنادر جنوب در ۲۲ دی ۱۳۱۴ ش / ۱۳ ژانویه ۱۹۳۶ م درباره خودداری موسی حیدری رئیس پست و عبدالعباس کپتان‌زاده مدیر گمرک از کشف حجاب خانواده‌هایشان، پیشنهاد شده که برای عبرت سایر اهالی هم که شده است این دو نفر به محل دیگری تبعید شوند تا سایر مأموران دولت هم به وظایف خود آشنا شوند (خسونت و فرهنگ...، ۱۳۷۱، ص ۷۹).

گروه اجتماعی این تبعیدیان را روحانیون، پیش‌نمازان مساجد، سادات محل و تجار تشکیل می‌دادند. تبعیدگاه این افراد عمدتاً شهرهای مجاور بود؛ یعنی تبعیدیان خراسانی عمدتاً از شهرهای خراسان به دیگر شهرهای خراسان و یا افراد یزدی و کرمانی به شهرهای اطراف تبعید شده‌اند. این تبعید حالت تنبیهی داشت و به جهت دور کردن فرد مخالف از محل سکونتش انجام می‌شد. مدت این نوع تبعید به جز موارد معدود کمتر از یک سال بوده است و با نوشتن نامه‌ای مبنی بر اظهار پشیمانی، معمولاً به تبعید فرد پایان داده می‌شده است.

بیشتر تبعیدیان کشف حجاب بدون خانواده تبعید می‌شدند؛ بنابراین در دوران تبعید مشکلات معیشتی برای خانواده این افراد به وجود می‌آمد. در اسناد گزارشی از پرداخت حقوق و مستمری از طرف دولت به تبعیدیان کشف حجاب یافت نشد؛ در حالی که اسناد فراوانی درباره پرداخت حقوق و مستمری به تبعیدیان ایلات و عشایر و ملاکان وجود دارد. تبعیدیان کشف حجاب را در مقایسه با تبعیدیان ایلات و عشایر می‌توان تبعیدیان محلی نامید؛ زیرا در محل خود یا به شهرهای مجاور تبعید می‌شده‌اند؛ ولی تبعیدگاه ایلات و عشایر با زادگاه آن‌ها فاصله زیادی داشته است و بیشتر رؤسای آن‌ها در پایتخت در تبعید بوده‌اند. تفاوت دیگر این دو نوع تبعید در مدت زمان تبعید است که در تبعیدیان کشف حجاب عمدتاً زیر یک سال است. تحلیل اسناد و مدارک این دو نوع تبعید نشان می‌دهد که موضوع عمده مکاتبات تبعیدیان کشف حجاب با دولت در زمینه پایان دادن به تبعید و ابراز ندامت و نگرانی آن‌ها از خانواده‌شان بوده است. ولی در تبعیدیان ایلات و عشایر و ملاکان عمده نامه‌ها، درخواست رسیدگی به املاک و اراضی، درخواست شهریه و خرج

تحصیل فرزندان است. درزمینه تبعیدیان کشف حجاب بیشتر جنبه تنبیهی مدنظر بوده؛ ولی درباره تبعیدیان ایلات و عشایر جنبه دور کردن فرد متنفذ از محل و تحت نظر بودن او مدنظر بوده است.



### نقشه شماره ۳

زادگاه و تبعیدگاه تبعیدیان کشف حجاب  
مأخذ زادگاه و تبعیدگاه: آمار برگرفته از اسناد  
پایگاه‌های ساکها و ساکمانخ  
مأخذ نقشه خام: <http://www.iranatlas.com/info/main/region15.htm>

● زادگاه  
○/ تبعیدگاه

بررسی اسناد و مدارک فراوان کشف حجاب نشان می‌دهد که در جوامع ایلی که بیشتر در غرب کشور به سر می‌برده‌اند کشف حجاب مسئله نبوده است؛ زیرا حجاب در بین زنان ایلی مسئله نیست و قرن‌هاست که زنان ایلات و عشایر و نیز زنان روستاها پایه‌پای مردان در اقتصاد خانواده سهیم هستند و بیش از آن که حجاب آن‌ها مهم باشد مشارکت آن‌ها در اقتصاد خانواده و خانه‌داری‌شان اهمیت دارد. بنابراین نقشه شماره ۳ هم نشان می‌دهد که کشف حجاب مسئله غرب کشور نبوده و بیشتر شرق و مرکز کشور که شهرهای مذهبی داشتند در مقابل این قانون ایستادگی کرده‌اند.



## ۵. نتیجه

تعداد تبعیدی‌ها با شروع اصلاحات از طرف حکومت رضاشاه و مقاومت گروه‌هایی از مردم افزایش یافت و بین ازدیاد جمعیت تبعیدی‌ها و اجرای سیاست‌های سه‌گانه ارتباطی مستقیم و معنادار دیده می‌شود. تبعیدیان سیاست‌های اصلاحی گروه‌هایی از مردم با پایگاه مذهبی بودند که این اصلاحات را در راستای تضعیف مبانی دینی می‌دیدند و با آن مخالفت می‌کردند. روزنامه‌نگاران، فعالان کمونیست، ملاکان و ایلات و عشایر، اتحاد البسه و کشف حجاب را پذیرفتند. اتحاد البسه و کشف حجاب در این دوره مسئله عشایر نبود تا با آن مقابله کنند؛ ولی مسئله مردم محلی به‌ویژه ساکنان شهرهای مذهبی بود و بدین سبب است که بیشترین تبعیدی از شهرهای استان خراسان و نیز شهرهای قم، یزد و کرمان است.

در دوره پهلوی اول معیارهای تفاوت اقلیم، مذهب و عقاید و نوع فعالیت تبعیدی برای انتخاب تبعیدگاه مدنظر بود؛ ولی درباره تبعیدیان مخالف نظام اجباری، اتحاد البسه و کشف حجاب این معیارها رعایت نشده‌است. تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه، جنبه تنبیهی و تنبیهی داشته‌است؛ مدت‌زمان آن‌ها کوتاه بوده و با اظهار ندامت تبعیدی، تبعید به‌پایان می‌رسیده‌است.

در زمینه تبعید زنان به‌تنهایی و بدون حضور خانواده در دوره پهلوی به‌جز دو مورد مدارک دیگری به‌دست نیامد؛ چون هنوز صحنه اجتماع برای ورود زنان آن‌گونه فراهم نبود که اقدامی درخور تبعید از آنان سر بزنند. گروه‌هایی از زنان هم که به اجتماع وارد شده بودند مبلغان سیاست‌های اصلاحی حکومت بودند نه مخالف آن؛ ولی بعضی زنان مشمول عوارض مجازات تبعید همسر یا فرزند ذکور خود شده‌اند. بیشترین عریضه‌ها را در اعتراض به وضعیت تبعید، زنان نوشته‌اند و یا از زبان زنان به مجلس نوشته شده‌است. تبعید مخالفان سیاست‌های اصلاحی به‌صورت مجردی انجام می‌شد و خانواده همراه تبعیدی نبودند؛ بنابراین دوری از خانواده و فشار اقتصادی و روانی به تبعیدی باعث می‌شد که بسیاری از آنان اظهار ندامت کنند و تبعید آنان با اظهار ندامت به‌پایان برسد. به تبعیدیان مخالف سیاست‌های نوسازی مواجب یا کمک‌هزینه پرداخت نمی‌شد؛ درحالی‌که به تبعیدیان ایلات و عشایر و ملاکان مواجب پرداخت می‌شد. تبعید مخالفان سیاست‌های سه‌گانه جنبه پیشگیرانه داشته و هدف آن اجرای سیاست‌های اصلاحی دولت بوده‌است؛ ولی با این حال همه این مخالفان مخالفت خود را اظهار کرده‌اند و بعد تبعید شده‌اند و مانند تبعیدیان انتخاباتی در دوره رضاشاه نبوده‌اند که بدون هیچ مخالفتی و با هدف برگزاری انتخابات از محل دور شده باشند و از این جهت با آن‌ها تفاوت دارند. در بین تبعیدیان

سیاست‌های اصلاحی سه‌گانه بیشترین سختگیری به تبعیدیان روحانی و مخالف اتحاد البسه در مشهد انجام شده‌است و تنها گروه اجتماعی که در دوره رضاشاه به صورت دسته‌جمعی «حبس در تبعید» بوده‌اند این افراد هستند که در زندان قصر تهران تبعید خود را گذرانده‌اند.

حکومت با تبعید مخالفان سیاست‌های اصلاحی بستر را برای اجرای این اصلاحات فراهم آورد. کوتاه‌بودن مدت تبعید، انتخاب محل تبعیدگاه در نزدیکی محل سکونت تبعیدی و نیز تبعید افراد بدون خانواده و تأمین نکردن معاش تبعیدی سیاستی بود که حکومت دنبال می‌کرد. حکومت به دنبال آن بود که تبعیدی متنبه شود تا حکومت بتواند سیاست‌هایش را اجرا کند.

واکنش مخالفان سیاست‌های نوسازی در قبال تبعید رویه یکسانی را نشان نمی‌دهد. برخی از گروه‌های مردمی با نوشتن ندامت‌نامه به تبعید خود خاتمه دادند؛ ولی روحانیون تبعیدی در جریان واکنش به اتحاد البسه، در تهران «حبس در تبعید» شدند. تحلیل محتوای تبعیدنوشته‌های این افراد که در قالب شعر، نثر و یادگاری بر دیوارهای زندان قصر باقی مانده‌است از قیاس زندان این افراد با زندان امام موسی بن جعفر حکایت دارد و نشانه‌ای از تأسف و ندامت از عملشان دیده نمی‌شود. در نهایت می‌توان به این جمع‌بندی رسید که حکومت با استفاده از ابزار تبعید توانست که سیاست‌های سه‌گانه را به پیش ببرد و برخلاف تبعید ایلات و عشایر ابزار تبعید برای اجرای این سیاست‌ها کارآمد بود.

#### منبع

##### اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

شماره سند: ۲۳۳۰-۲۹۰؛ ۳۲۹۵-۲۹۰؛ ۷۴۷۲-۲۹۰؛ ۸۳۵۲-۲۹۰؛ ۸۱۳۲-۲۹۳؛ ۸۱۴۰-۲۹۳.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری (ساکمانخ):

شماره سند: ۶۰۰۰۶؛ ۶۰۰۱۰؛ ۶۰۱۲۹؛ ۶۰۱۵۱؛ ۶۰۱۵۴؛ ۶۰۳۲۰؛ ۶۷۳۲۶.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما):

شماره سند: ۱۳۵۳۲؛ ۱۳۵۳۳؛ ۳۷۸-۴۳۹-۳؛ ۱۷-۶۴۹-۳؛ ۲۶-۵۰۸-۱۴؛ ۹۷-۴۴-۳.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس): شماره سند: ۱۳۰۶۷۸/۱۸، ۳۰۰۹.

##### کتاب

اباذری، علی‌رضا. (۱۳۹۱). *مرثیه‌های زندان قصر*. تهران: موزه عبرت ایران.



- ادیبی، صادق. (۱۳۸۵). *سی سال با رضاشاه در قزاق‌خانه و قشون* (خاطرات صادق کج کلاه، زنجیر طلا یک سرباز حرفه‌ای). (خسرو معتضد، کوشش گر). تهران: البرز.
- استارک، فریا. (۱۳۶۴). *سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام*. (علی محمد ساکی، مترجم). تهران: علمی.
- بولارد، ریدر؛ اسکراین، کلارمونت. (۱۳۶۲). *شترها باید بروند*. (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: نشر نو.
- پورشال چی، محمود. (۱۳۸۴). *قزاق: عصر رضاشاه پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه*. تهران: نشر فیروزه.
- حجتی، ابوالمجد. (۱۳۷۷). *عبور از عهد پهلوی: در گیرودار دو فرهنگ، مشاهدات و خاطرات پرفسور ابوالمجد حجتی*. بی‌جا: محسن.
- حکیم‌یون، اقبال. (۱۳۸۶). *سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران تا پایان دوره رضاشاه*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- خسونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۳-۱۳۲۲ ش)*. (۱۳۷۱). (مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش سازمان اسناد، کوشش گر). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- زارعی، مجتبی؛ مختاری اصفهانی، رضا. (۱۳۸۸). *پهلویسم یا شبه‌مدرنیسم در ایران: نوسازی فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی به روایت اسناد رژیم پهلوی*. تهران: خانه کتاب.
- سالور، قهرمان‌میرزا (عین السلطنه). (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. (مسعود سالور و ایرج افشار، مصححان). تهران: اساطیر.
- سنجر، فریدون. (۱۳۷۰). *حاصل چهل سال خدمت*. تهران: پروین.
- شوشتری، محمدعلی. (۱۳۷۹). *خاطرات سیاسی سیدمحمدعلی شوشتری خفیه‌نویس رضاشاه پهلوی*. (غلام‌حسین میرزاصالح، کوشش گر). تهران: کویر.
- صفائی، ابراهیم. (۲۵۳۵). *بنیادهای ملی در شهریاری رضاشاه کبیر*. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- طاهراحمدی، محمود. (۱۳۷۴). *اسناد روابط ایران و شوروی (در دوره رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۱۸ ش)*. تهران: پژوهش کده اسناد سازمان اسناد ملی ایران.
- کتاب پهلوی*. (بی‌تا). نشریه مخصوص مؤسسه اطلاعات به مناسبت تاج‌گذاری شاهنشاه آریامهر. تهران: مؤسسه اطلاعات.
- کسروی، احمد. (۱۳۳۵). *زندگانی من*. (دوره کامل). تهران: انتشارات بنیاد.
- کشتار مسجد گوهرشاد*. (۱۳۹۰). (عبدالحسین طالعی، کوشش گر). چاپ شده در کتاب: *عطارد دانش (جشن‌نامه عزیزالله عطاردی)*. (چند رساله در یک مجلد). (عبدالحسین طالعی، کوشش گر). تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. صص ۲۰۳-۲۱۲.
- گلشائیان، عباس‌قلی. (۱۳۷۷). *خاطرات من یا مجموعه گذشته‌ها و اندیشه‌ها*. تهران: انیشتین.

- مجدد، محمدقلی. (۱۳۸۹). *رضاشاه و بریتانیا: براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا*. (مصطفی امیری، مترجم). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۷۸). *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مکی، حسین. (۱۳۶۲). *تاریخ بیست‌ساله ایران*. (ج ۶). تهران: نشر ناشر.
- منظورالاجداد، محمدحسین. (۱۳۷۹). *مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست: اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، قمی، حائری و بروجردی ۱۲۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی*. تهران: شیرازه.
- منظورالاجداد، محمدحسین. (۱۳۸۰). *سیاست و لباس (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه) (۱۳۰۷-۱۳۱۸)*. تهران: پژوهش‌کده اسناد سازمان اسناد ملی ایران.
- هاکس، مریت. (۱۳۶۸). *ایران افسانه و واقعیت: خاطرات سفر به ایران*. (محمدحسین نظری‌نژاد، محمدتقی اکبری و احمد نمایی، مترجمان). مشهد: آستان قدس رضوی.
- هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۶۳). *خاطرات و خطرات*. (ج ۴). تهران: زوار.

### مطبوعات

روزنامه سیاست شمال، ۱۳۴۲ق، ۲(۲۹).

روزنامه ناهید، ۱۳۰۷، ۸(۴۶).

### منابع آن‌لاین

<http://www.iranatlas.info/main/region15.htm>

## English Translation of References

### Documents

Mo'assese-ye Motāle'āt-e Tāriḫ-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) ([www.IIchs.org](http://www.IIchs.org)):

Document number: 13532; 13533; 3-44-97م، متما، 14-508-26م; 3-649-17م; 3-439-378م.

[Persian]

Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Maps) (Political Studies and Research Institute).

Document number: 3009, 1306/8/18ش. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Ar-



chives Organization of Iran):

Document number: 290-2330; 290-3295; 290-7472; 290-8352; 293-8832; 293-8840.

[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān, Asnād-e noxost-vaziri (Sākmānx) (National Library and Archives Organization of Iran):

Document number: 60006; 60010; 60129; 60151; 60154; 60320; 67326. [Persian]

### Books

Abazari, Alireza. (1391/2012). "*Marsiye-hā-ye Zendān-e Qasr*" (Qasr prison laments).

Tehran: Muze-ye 'Ebrat-e Irān (Ebrat Museum of Iran). [Persian]

Adibi, Sadegh. (1385/2006). "*Sī sāl bā Rezā Šāh dar qazzāq-xāneh va qoşun (Xāterāt-e*

*Sādeq-e Kaj-Kolāh, Zanjir-talā yek sarbāz-e herfe-ee*") (Thirty years with Reza Shah in the barracks and army (Memoirs of Sadegh Kajkolah, Zanjirtala, a professional soldier)). Edited by Khosro Motazed. Tehran: Alborz. [Persian]

Bullard, Reader; & Skrine, Clarmont. (1362/1983). "*Šotor-hā bāyad beravand*" (The camels must go). Translated by Hossein Aboutorabian. Tehran: Našr-e no. [Persian]

Golshayan, Abbasgholi. (1377/1998). "*Xāterāt-e man yā majmu'e-ye gozašte-hā va andiše-hā*" (My memories or a collection of past memories and thoughts). Tehran: Aništain. [Persian]

Hakimioun, Eghbal. (1386/2007). "*Sāzmān-hā-ye ettelā'āti va amniyati-ye Irān tā pāyān-e dowre-ye Rezā Šāh*" (Iran's intelligence and security organizations until the end of Reza Shah's term). Tehran: Mo'assese-ye Motālē'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.Ich.org). [Persian]

Hawkes, Merritt. (1368/1989). "*Irān afsāneh va vāqe'eeyat: Xāterāt-e safar be Irān*" (Persia: Romance and reality). Translated by Mohammad Hossein Nazarinejad, Mohammad Taghi Akbari & Ahmad Namayi. Mašhad: āstān-e Qods-e Razavi (Astan Quds Razavi). [Persian]

Hedayat, Mehdi Gholi. (1363/1984). "*Xāterāt o xatarāt*" (Memries and dangers) (vol. 4). Tehran: Zovvār. [Persian]



- Hojjati, Abolmajd. (1377/1998). *“Obur az ‘ahd-e Pahlavi: Dar gir-o-dār-e do farhang, mošāhedāt va xāterāt-e Porofesor Abol-Majd-e Hojjati”* (Passing the Pahlavi era: In the crossroads of two cultures, Professor Abol Majid Hojjati’s observations and memoirs). [n. p.]: Mohsen. [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1335/1956). *“Zendegāni-ye man”* (My life). (Full account). Tehran: Enteshārāt-e Bonyād. [Persian]
- “Ketāb-e Pahlavi”* (Pahlavi book). (n. d.). “Našriye-ye maxsus-e Mo’assese-ye Ettelā’āt be monāsebat-e tāj-gozāri-yr Šāhanšāh-e Āriyāmeh” (The special issue of the Ettelā’at Institute on the occasion of the coronation of the emperor Ariyamehr). Tehran: Mo’assese-ye Ettelā’āt. [Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1389/2010). *“Rezā Šāh va Britāniyā: Bar asās-e asnād-e Vezārat-e Xāreje-ye Āmrikā”* (Reza Shah and Britain: Based on the documents of the US State Department). Translated by Mostafa Amiri. Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Makki, Hossein. (1362/1983). *“Tārix-e bist-sāle-ye Irān”* (The twenty-year history of Iran) (vol. 2). Tehran: Našr-e Nāšer. [Persian]
- Manzour Al-Ajdad, Mohammad Hossein. (1379/2000). *“Marja’eeyat dar ‘arse-ye ejetmā’ va siyāsāt: Asnād va gozāreš-hā-yi az āyāt-e ‘ezām Nāeeni, Qomi, Hā’eri va Borujerdi 1292 tā 1339 šamsi”* (Authority in the field of society and politics: Documents and reports of Ayatollahs Naini, Qomi, Haeri and Borujerdi from 1292 to 1339 SH / 1913 to 1960 AD). Tehran: Širāzeh. [Persian]
- Manzour Al-Ajdad, Mohammad Hossein. (1380/2001). *“Siyāsāt va lebās (Gozide-ye asnād-e mottahed-oš-šekl šodan-e albasseh) (1307 – 1318)”* (Politics and clothing (1307-1318 SH / 1928-1939 AD)). Tehran: Pažuheškade-ye Asnād-e Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Iranian Research Institute for Information Science and Technology) (IranDoc). [Persian]
- Marja’eeyat dar ‘arse-ye ejetmā’ va siyāsāt: Asnād va gozāreš-hā-yi az āyāt-e ‘ezām Nāeeni, Qomi, Hā’eri va Borujerdi 1292 tā 1339 šamsi” (). Tehran: Širāzeh. [Persian]



- Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā'āt (The Center of Historical Documents Survey). (1378/1999). *“Taқыr-e lebās va kašf-e hejāb be ravāyat-e asnād”* (Changing clothes and uncovering hijab according to documents). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā'āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]
- Pourshalchi, Mahmoud. (1384/2005). *“Qazzāq: ‘Asr-e Rezā Šāh-e Pahlavi bar asās-e asnād-e Vezārat-e Xāreje-ye Farānseh”* (Kazakh: Reza Shah Pahlavi era based on the documents of the France Ministry of Foreign Affairs). Tehran: Našr-e Firuzeh. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (2535/1956). *“Bonyād-hā-ye melli dar šahriyāri-ye Rezā Šāh-e kabir”* (National foundations under the reign of Reza Shah Kabir). Tehran: Ed. Koll-ye Negāreš-e Vezārat-e Farhang va Honar. [Persian]
- Salour, Ghahreman Mirza. (1374/1995). *“Ruznāme-ye xāterāt-e ‘Eynossaltaneh”* (The daily memoirs of Eyn Al-Saltaneh). Edited by Masoud Salour & Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Sanjar, Fereydoun. (1370/1991). *“Hāsel-e čehel sāl xedmat”* (The result of forty years of service). Tehran: Parvin. [Persian]
- Shoushtari, Mohammad Ali. (1379/2000). *“Xāterāt-e siyāsi-ye Seyyed Mohammad Ali-ye Šuštari xofye-nevis-e Rezā Šāh-e Pahlavi”* (The Political memoirs of Seyyed Mohammad Ali Shushtri). Edited by Gholamhossein Mirza Saleh. Tehran: Kavir. [Persian]
- Stark, Freya. (1364/1985). *“Safari be diyār-e Alamut, Loreštān va Ilām”* (The valleys of the assassins: and other Persian travels). Translated by Ali Mohammad Saki. Tehran: ‘Elmi. [Persian]
- Tāher Ahmadi, Mahmoud. (1374/1995). *“Asnād-e ravābet-e Irān va Šoravi (Dar dowre-ye Rezā Šāh 1304 – 1318 SH)”* (Documents of Iranian-Soviet relations (during the period of Reza Shah 1304-1318 SH / 1925-1939 AD)). Tehran: Pažuheškade-ye Asnād-e Sāzmān-e Melli-ye Irān (Iranian Research Institute for Information Science and Technology) (IranDoc). [Persian]
- “Xošunāt va farhang: Asnād-e mahramāne-ye kašf-e hejāb (1313 – 1322 SH)”*

(Violence and culture: The secret documents of Kashf Hijab (1313-1322 SH / 1934 – 1943 AD).). (1371/1992). Edited by Modiriyat-e Pažuheš, Entesārāt va āmuzeš-e Sāzmān-e Asnād. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]

Zareei, Mojtaba; & Mokhtari Esfahani, Reza. (1388/2009). “*Pahlavism yā šebh-e modernism dar Irān: Nosāzi-ye farhang va hoviyat-e Irāni-Eslāmi be ravāyat-e asnād-e režim-e Pahlavi*” (Pahlavism or pseudo-modernism in Iran: Modernization of Iranian-Islamic culture and identity according to Pahlavi regime documents). Tehran: Xāne-ye Ketāb. [Persian]

#### Articles

“Koštār-e Masjed-e Goharšād” (Goharshad Mosque massacre). (1390/2011). Edited by Abdolhossein Taleei. In “*Atārod-e dāneš (Jašn-nāme-ye Azizollāh-e ‘Atārodi)*” (In memoir of Azizullah Atarodi) (pp. 203 – 212). [Several treatises in one volume]. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

#### Press

Ruznāme-ye *Siyāsāt-e Šomāl*, 1342 AH / 1924 AD, 2(29). [Persian]

Ruznāme-ye *Nāhid*, 8 Dey 1307 / 29 December 1928, 8(46). [Persian]

#### Online sources

<http://www.iranatlas.info/main/region15.htm> [Persian]





# Zel al-Sultan Military Formations and Barracks in Isfahan

Somaye Bakhtiyari<sup>1</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract

**Purpose:** To investigate the position of Zel al-Sultan's military organization and how to develop his military facilities with a case study of Isfahan barracks.

**Method and Research Design:** This research was written with a descriptive and analytical approach using the historical and content analysis method based on manuscripts, internal and external archival documents and images, and library and field studies.

**Findings and conclusion:** The findings of the research indicate that Zel al-Sultan from 1878AD/1296 AH to 1887AD/1305 AH, built and equipped four barracks, two infantry artillery, and several warehouses of military weapons in Isfahan. He had a well-trained army of around 21,000 soldiers, who were trained in modern military techniques. Zel al-Sultan's success in forming a regular corps was due to the timely payment of dues to officials and soldiers, and the provision of necessary military equipment and training. Mustafa Qolikhhan Farashbashi was responsible for the construction and alteration of Chahar Hawz, Naqsh-e Jahan, Fethiyeh, and Naseri barracks in accordance with Zel al-Sultan's orders.

**Keywords:** Zel al-Sultan;'Mustafa Qolikhhan Farashbashi';'Barracks';'Isfahan';'Qajar.

**Citation:** Bakhtiyari, S. (2023). Zel al-Sultan Military Formations and Barracks in Isfahan. *Ganjine-ye Asnad*, 33(4), 56-94 | doi: 10.30484/ganj.2023.3094

1. PhD of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran  
sbakhtiyari88@yahoo.com  
Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«132»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3094

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.4, Winter 2024 | pp: 56-94 (39) | Received: 14, Oct. 2023 | Accepted: 15, Dec. 2023

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

# تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل‌السلطان در اصفهان

سمیه بختیاری<sup>۱</sup>

## چکیده

**هدف:** بررسی جایگاه تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و چگونگی توسعه تأسیسات نظامی او با مطالعه موردی سربازخانه‌های اصفهان.

**روش/رویکرد پژوهش:** این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی به روش تحلیل تاریخی و محتوایی براساس نسخه‌های خطی، اسناد و تصاویر آرشئولوژی داخلی و خارجی و مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نگاشته شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** ظل‌السلطان در دوره اقتدارش از سال ۱۲۹۶ق-۱۳۰۵ق/۱۸۷۸م-۱۸۸۷م تشکیلات و زیرساخت‌های نظامی گسترده‌ای شامل چهار سربازخانه، دو توپخانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی در اصفهان ایجاد و تجهیز کرد. او ارتشی کوچک و مجهز با حدود بیست و یک هزار سرباز براساس آموزش فنون نظامی نوین داشت. مصطفی‌قلی‌خان فراش‌باشی بنابه دستور ظل‌السلطان، کاربری میدان چهارحوض و نقش جهان و کاروان‌سرای مادرشاه را به سربازخانه تغییر داد و سربازخانه‌ای برای سوارهای فتحیه روبه‌روی کاروان‌سرای مادرشاه ساخت. او هم‌چنین در کنار میدان چهارحوض، سربازخانه ناصری را احداث کرد که پس از عمارت مسعودی، باشکوه‌ترین بنایی بود که به دستور ظل‌السلطان ساخته شده بود. توجه مستمر ظل‌السلطان به آموزش و تربیت نیروی نظامی، پرداخت به موقع مواجب شش‌ماهه و سالیانه صاحب‌منصبان، سربازان، سواران و توپ‌چیان و تهیه تجهیزات نظامی و وسایل موردنیاز برای مشق قشون، دلیل موفقیت او در تشکیل قشون منظم بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** ظل‌السلطان؛ مصطفی‌قلی‌خان فراش‌باشی؛ سربازخانه؛ اصفهان؛ قاجار.

**استناد:** بختیاری، سمیه. (۱۴۰۲). تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل‌السلطان در اصفهان. *گنجینه اسناد*، ۳۳(۴).

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۹۴ | ۹۴-۵۶

۱. دکتری تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

sbakhtiar88@yahoo.com

## گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۹۴

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۵۶-۹۴ (۳۹)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۴

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

مسعود میرزا (۱۲۶۶-۱۳۳۶ق/۱۸۵۰-۱۹۱۸م) ملقب به ظل‌السلطان پسر ارشد ناصرالدین‌شاه، تنها شاه‌زاده بدون تاج ایران بود که تجربه حکومت بر حدود دوسوم مملکت ایران را در دوره قاجار داشت. او به مدت بیش از سی و سه سال بر اصفهان و ولایات تابعه اصفهان حکومت کرد. شرح اهتمام او در از بین بردن آثار هنری اصفهان و ویران کردن بیش از چهل عمارت و بنای تاریخی عصر صفوی مانند عمارت هفت دست، قصر نمک‌دان، آینه‌خانه و جهان‌نما، و فساد و تباهی، فسق و فجور، گروگان‌گیری و مصادره اموال مردم زبان‌زد خاص و عام است و بیشتر نویسندگان و محققان دوره قاجار و حتی خانواده او نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند. گویی نام او با ویرانی و ظلم عجیب شده است و نمی‌توان از او عمران و آبادانی و اقدامات عام‌المنفعه انتظار داشت. در این مقاله به بُعد دیگری از نحوه حکمرانی ظل‌السلطان در دوره اقتدارش (۱۲۹۶ق-جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ق/۱۸۷۸م-فوریه ۱۸۸۸م) پرداخته شده است. مسعود میرزا در آن مقطع زمانی، افزون بر مرمت و بازسازی برخی از بناهای تاریخی و تأسیس مدرسه همایونی، دارالشفاء، دیوان‌خانه، مدرسه نظام و انجمن معارف و انتشار روزنامه فرهنگ، فوج‌ها و دسته‌های نظامی منظمی را هم در ایالات و ولایات تحت حکومت خود تشکیل داد. امور نظامی و مالی قشون او متمرکز بود. او در تهیه تجهیزات نظامی، وسایل مورد نیاز برای مشق قشون و ادوات جنگی مانند اسلحه و توپ نیز عملکرد موفقی داشت. او در اصفهان و سایر مناطق تحت حکومت خود، سربازخانه و انبار ذخیره تسلیحات نظامی برای فوج‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه ساخته بود. مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. تشکیلات نظامی ظل‌السلطان چه جایگاهی داشت؟

۲. ظل‌السلطان زیرساخت‌های نظامی مناطق تحت حکومت خود را چگونه توسعه

داد؟

تشکیلات نظامی ظل‌السلطان اعم از آموزش فنون نظامی، مشق قشون و تجهیزات نفری سربازان قشون اصفهان در سراسر مملکت کم‌نظیر بود. او برای توسعه و تجهیز زیرساخت‌های نظامی مناطق تحت حکومت خود، چند سربازخانه ساخت؛ از جمله سربازخانه چهارحوض، فتحیه و ناصری،

هدف از پژوهش حاضر روشن کردن جایگاه تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و چگونگی توسعه یکی از زیرساخت‌های نظامی اش (سربازخانه) است.

پس با چنین رویکردی در این مقاله وضعیت تشکیلات نظامی ایران در دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه به‌طور مختصر بررسی می‌شود و پس از آن تشکیلات



نظامی ظل‌السلطان و چگونگی توسعه سربازخانه‌های او در اصفهان بررسی می‌شود. گفتنی است، ظل‌السلطان پس از سقوط از اریکه قدرت و برکناری از حکومت ایالات و ولایات به‌جز حکومت اصفهان، نیروی نظامی خود را از دست داد و تعداد سربازانش به پانصد نفر کاهش یافت. به‌همین دلیل به‌مرور زمان کاربری سربازخانه‌ها، توپ‌خانه‌ها و انبارهای تسلیحات نظامی اصفهان تغییر یافت و یا ظل‌السلطان آن ساختمان‌ها را ویران کرد. لذا دوره مورد مطالعه تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و سربازخانه‌های او از آغاز حکومتش بر اصفهان در ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ م تا برکناری‌اش از سریر قدرت در ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۸۷ م است و تشکیلات نظامی دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه بررسی شده‌است.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره تشکیلات نظامی دوره قاجار نسخه‌های خطی و اسناد فراوانی موجود است. بسیاری از سیاحان خارجی که در آن دوره از ایران دیدن کرده‌اند در گزارش‌های خود به وضعیت سپاه، تأسیسات و تجهیزات نظامی ایران پرداخته‌اند. هم‌چنین کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره تشکیلات نظامی ایران در دوره قاجار نگاشته شده‌است که یکی از قدیمی‌ترین آن‌ها، کتاب «تحولات سیاسی نظام ایران» نوشته جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۲۶) است؛ ولی درباره تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و سربازخانه‌های او در اصفهان و جانمایی محل دقیق آن‌ها تحقیق و پژوهش متمرکز انجام نشده‌است. پژوهش زیر به‌روش تحلیل تاریخی و محتوایی با رویکرد توصیفی و تحلیلی براساس نسخه‌های خطی، اسناد و تصاویر آرشیوی و مطالعات میدانی و کتاب‌خانه‌ای نگاشته شده‌است.

### ۲.۱. تشکیلات نظامی ایران در دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه

آقامحمدشاه، مؤسس حکومت قاجار شیفته سپاه‌سالاری و لشکرکشی بود. او شانزده سال بی‌وقفه برای دستیابی به قدرت تلاش کرد. حتی پس از مغلوب کردن خاندان زند، تاج‌گذاری نکرد و به قفقازیه لشکرکشی کرد. او با سپاه فرمان‌بردارش در سراسر مملکت تاخت و «سرهای پرغرور را از پای» انداخت تا برادرزاده‌اش به‌آرامی سلطنت کند (ملکم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۴۶). فتح‌علی‌شاه، نبوغ نظامی و جنگاوری عمویش را نداشت. اگرچه او در مدت کوتاهی توانست کشمکش‌های داخلی را فرونشاند، ولی هیمنه قدرت نظامی سپاهش با تلنگری از سپاه روس فروریخت. رؤیای عباس‌میرزا ولی‌عهد و والی آذربایجان، تشکیل ارتشی قدرتمند و متمرکز به‌سبک فنون نظامی نوین بود. او که خود در کنار سپاهش به مشق و تمرین فنون نظامی می‌پرداخت، استخدام مستشاران نظامی مجرب

خارجی را تنها مانع پیشروی سپاه روس به خاک کشور می‌دانست. به همین دلیل نخستین هیئت نظامی فرانسوی به سرپرستی سرتیپ گاردان<sup>۱</sup> به ایران وارد شد و پس از آن تعلیم سپاه ایران توسط افسران کشورهای اروپایی به ویژه انگلیس، روسیه و اتریش تا پایان حکومت قاجار ادامه یافت؛ ولی تشکیلات نظامی ایران چندان توسعه‌ای نیافت. با همه اشتیاقی که عباس میرزا در اصلاح قشون داشت، تقویت و بازسازی سپاه پس از عهدنامه ترکمن‌چای پیگیری نشد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۷۳۰-۷۳۵). بنابه گزارش موسیو ژوبر<sup>۲</sup> سفیر ناپلئون بناپارت<sup>۳</sup> در عثمانی و ایران، تشکیلات نظامی ایران در دوره فتح‌علی‌شاه شامل نگهبانان شاه و شاهزادگان، دسته‌های ایلات، سربازان داوطلب و چندین رسته پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه بود. او در گزارش خود می‌نویسد: «ایرانیان هیچ تصویری از هنر جنگیدن ندارند؛ ترفند جنگی آن‌ها شکست دادن دشمن در نخستین برخورد و یا گریختن از میدان نبرد است» (ژوبر، ۱۳۴۷، صص ۲۱۴-۲۱۵).

محمدشاه، نظم قشون را به توانایی سرتیپ‌ها و سرهنگ‌ها منوط می‌دانست و از «سوار بی‌نظام و اردوبازاری پدرسوخته که دائم فریاد بی‌جهت می‌کنند» بیزار بود و می‌خواست که سرکرده‌ها مسئولیت‌پذیر و «در بند نظم تابین<sup>۴</sup>» باشند (اسناد تاریخی خاندان غفاری، ج ۲، ۱۳۸۵، سند ۱۳). باین‌حال، وضعیت سپاه در زمان او به دلیل بی‌کفایتی حاج میرزا آقاسی و وزیر جنگ فلاکت‌بار بود (قائم‌مقامی، ۱۳۲۶، ص ۶۸). در ذی‌الحجه ۱۲۵۱ق/آوریل ۱۸۳۶م، حدود یک‌سال و نیم پس از آغاز پادشاهی محمدشاه، کلنل استودارت<sup>۵</sup> یکی از افسران انگلیسی سفارت بریتانیا در تهران، تعداد سربازان ایرانی را یک‌صد هزار و هفت‌صد و پنجاه نفر برآورد کرد که بیشتر آن‌ها غیرثابت و اسمی بودند. او در گزارش دقیق خود به بی‌نظمی سپاه، ناآگاهی سرکردگان نظام از مشق و فنون نظامی و مجهز نبودن سربازان به اسلحه، لباس و تجهیزات اشاره کرده است. براساس این گزارش باروت موردنیاز سپاه از کارخانه تبریز و کارخانه جدید در حال ساختی در تهران تأمین می‌شده و کارخانه توپ‌ریزی و عراده‌سازی مخصوص حمل توپ در نزدیکی تبریز قرار داشته است (استودارت، ۱۳۴۹، صص ۱۲۸-۱۳۱). پس برخلاف دیدگاه برخی از محققان، در دوره حاج میرزا آقاسی در کنار تولید مضحک کفش آهنین برای شتران، بنیان برخی از کارخانه‌جات توپ‌ریزی و تولید باروت هم گذاشته شده و در دوره صدارت امیرکبیر کارخانه‌ها توسعه یافته و کارآمد شده است.

در قرن سیزدهم هجری/نوزدهم میلادی اقدامات بسیاری در زمینه تبدیل قشون چریک و غیرمنظم ایران به ارتش ثابت یا نیمه‌دائم با انضباط و شکل اروپایی و اصلاح آموزش فنون نظامی انجام شد. امیرکبیر نخستین صدراعظم ناصرالدین‌شاه که خود در میان قشون

1. Claude-Matthieu Comte de Gardane.

2. Pierre Amédée Emilien Probe Jaubert.

3. Napoleon Bonaparte.

۴. تابین: سربازی که درجه ندارد؛ زیردست.

5. Colonel Stoddart





بالیده بود، بر اصلاح تشکیلات نظامی کشور سعی داشت. او دارالفنون و کارخانه‌های باروت‌سازی، توپ‌ریزی، اسلحه‌سازی و دیگر دست‌افزارهای نظامی را در تهران، مشهد، تبریز و اصفهان بنیان نهاد و یا توسعه داد و قوانینی در امر سربازگیری و تأمین موجب قشون تنظیم کرد؛ ولی سقوط او از اریکه قدرت، از برقراری و پایداری اصلاحاتش مانع شد. دو دهه پس از او، ناصرالدین‌شاه، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله را به سپه‌سالاری منصوب کرد و به او در امور نظامی اختیارات کامل داد. او نه سال وزیر جنگ بود و در طول این مدت در صدد تمرکز امور نظامی و مالی ارتش برآمد. پس از آن ارتش ایران در آخرین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه شامل قشون طرح اتریشی، سواره قزاق، قشون متحرک و قشون متوقف یا سربازان ذخیره می‌شد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۶، صص ۷۶-۷۷).

در اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه، مجدالملک یکی از دولت‌مردان قاجار «طبقه سپاهی ایران را از جمیع مخلوق عالم مظلوم‌تر» دانست؛ زیرا قشون ایران از روزی که به نوکری مجبور می‌شد، بیم نان داشت و همیشه دچار گرسنگی و عربانی بود (نسخه خطی رساله مجدیّه، کمام، برگ ۲۹). موجب سپاه از دوره فتح‌علی‌شاه تا پیش از انقلاب مشروطه سالیانه بین شش تا هفت تومان بود (ژوبر، ۱۳۴۷، ص ۲۱۵؛ صفائی، ۱۳۴۹، سند ۵؛ Sheil, 1856, p385) که به موقع پرداخت نمی‌شد و سرباز مجبور بود برای گذران زندگی به تکدی‌گری (نسخه خطی رساله مجدیّه، برگ ۳۰ و ۳۱) و یا کسب و کار روی بیاورد «و از مشق و خدمت طفره بزند» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، نقل از رساله میرزا محمدحسین‌خان دبیرالملک فراهانی، ص ۴۳۴). بسیاری از سربازها از گرسنگی می‌مردند و یا دچار بیماری می‌شدند و هلاک می‌شدند (نسخه خطی رساله طبری، کمام، ۳-۹۷). بی‌نظمی در امور مالی قشون و حرص و طمع سرکردگان تشکیلات نظامی مهم‌ترین دلیل پرداخت کم و دیر هنگام موجب قشون بود.

در سندی منحصر به فرد، میرزا حسین‌خان سپه‌سالار بودجه قشون ایران در سال دوم حکومت ناصرالدین‌شاه را با بودجه قشون در سال بیست و هفتم پادشاهی او مقایسه کرده است. براساس این گزارش، در دوره صدارت امیرکبیر در ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م بودجه موجب قشون بدون تدارکات و دیگر هزینه‌های تشکیلات نظامی یک میلیون و پانصد و هشتاد هزار تومان بوده است؛ در حالی که در ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م به نه صد هزار تومان کاهش یافته است. در ادامه سپه‌سالار کاهش مخارج قشون را ممکن و سهل دانسته است و سه راه کم کردن تعداد قشون و پیش‌کارها؛ کسر کردن مخارج نفری قشون و موجب پیش‌کارها؛ و کاهش تعداد قورخانه‌ها و دیگر تدارکات مانند پوشاک سربازان را پیش‌روی شاه قرار داده است. شاه که همواره به دوره طلایی اصلاحات امیرکبیر در فنون و امور نظامی،

نیم‌نگاهی داشت در پاسخ نوشت که قصد ندارد تعداد سپاه و مخارج آن را کاهش دهد؛ بلکه می‌خواهد تعداد قشون به دوره امیرکبیر برسد (صفائی، ۱۳۴۹، سند ۵). گفتنی است، مری شیل<sup>۱</sup> همسر سفیر انگلستان، چهل سال پس از ژوبر و یک سال پس از آغاز صدارت امیرکبیر به مدت چهار سال در ایران زندگی کرد. شیل هم‌چنان مانند ژوبر ارتش ایران را بدون نظم داخلی و بر روی کاغذ صد هزار نفر می‌دانست. او معتقد بود که با احتساب هنگ‌های ناقص و سربازانی که به مرخصی می‌روند و هرگز باز نمی‌گردند، ایران کمتر از هفتاد هزار نفر سپاه دارد که حدود بیست و پنج هزار سرباز آن از آذربایجان است (Sheil, 1856, p384). به نظر می‌رسد اقدامات امیرکبیر بیش از اجرایی شدن طرح‌ها و اندیشه‌هایش به دلیل اوج بی‌نظمی قشون در اواخر دوره محمدشاه، مورد توجه ناصرالدین شاه و محققان آن دوره و پس از آن قرار گرفته است. در هر حال، سپه سالار یک سال پس از آن نامه، توانست تعداد قشون کشور را به بیش از یک صد هزار نفر برساند (صفائی، ۲۵۳۵، سند ۹). با این حال قشون مملکتی که ترفیع مقام افسران بنابه رشوه و تعارف و یا وراثت بود (Sheil, 1856, p383) و حتی کودکی به سرکردگی فوجی می‌رسید،<sup>۲</sup> قدرت نظامی آن با افزایش تعداد قشون، وجود افسران اروپایی در برخی هنگ‌ها، آموزش مشق نظامی به سبک نوین و فراهم کردن تجهیزات اروپایی پیشرفت نمی‌کرد؛ چون خدمت و رشادت و شایستگی سپاه در ارتقاء مقام افراد نقش مؤثری نداشت.

### ۳. درآمدی بر حکومت ظل‌السلطان

مسعود میرزا در سن دوازده سالگی به حکومت مازندران، ترکمن صحرا، سمنان و دامغان رسید و پس از آن به فرمان‌فرمایی فارس و سپس به حکومت اصفهان منصوب شد. او تا ۱۲۹۲ق/۱۸۷۵م چندبار حاکم اصفهان و فارس شد. از آن پس تا ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م که به خواست مردم اصفهان عزل شد، حدود سی و سه سال حاکم بلامنازع اصفهان بود. حکومت بروجرد، گلپایگان، خوانسار، یزد، عراق (اراک امروزی)، لرستان، عربستان (خوزستان)، ایالت فارس، کرمانشاه، کردستان، محلات و درجزین با فوج‌های عراق، اصفهان، کردستان و درجزین به تدریج ضمیمه حکومت اصفهان شد (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲، صص ۱۹-۲۰؛ روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۰۵ق، نمره ۵۳۷). او در آغاز قرن چهاردهم هجری قدرتمندترین و ثروتمندترین شخص پس از ناصرالدین شاه بود و آن قدر به جایگاه خود دل‌گرم بود که در ۱۳۰۰ق/۱۸۸۳م به شاه پیشنهاد کرد که در مقابل پیشکشی میلیونی، او را به ولی‌عهدی انتخاب کند. ظل‌السلطان در جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م زمانی که در اوج شوکت و اقتدار در مقر خود در دارالسلطنه اصفهان حکومت می‌کرد و خود را

1. Mary Sheil.

۲. می‌توان به امیرتومانی ملیجک در یازده سالگی اشاره کرد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۷۶۷، ۷۶۸).



میرقلیچ<sup>۱</sup> دولت می دانست<sup>۲</sup>، به‌دستور پدر تاجدارش از حکومت تمامی ولایات و قشون به‌جز اصفهان استعفا داد و حدود یک سال در تهران بیکار بود و تنها عنوان حکومت اصفهان را داشت؛ به‌طوری‌که اطرافیانش درباره او می‌گفتند که «او بر روی قالی راحت نشسته و چپق فکر می‌کشد» (ویلسن، ۱۳۶۶، صص ۶۴-۶۵). از آن‌پس به‌جز دل‌جویی گاه‌وبی‌گاه شاه از فرزندش در انتصاب کوتاه‌مدت او بر ولایاتی چون گلپایگان، خوانسار و کمره و گاهی عراق، دیگر از آن اقتدار پیشین خبری نبود.

دوران طلایی حکومت ظل‌السلطان از ۱۲۹۶ق/۱۸۷۹م آغاز شد و در جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م پایان یافت. هنگامی‌که او حکومت اصفهان «ویران و مخروبه» را تحویل گرفت، به‌مدت سیزده سال به آبادانی اصفهان و متعلقات دیوانی آن پرداخت (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۵). میدان نقش‌جهان، پل‌ها، کاخ‌های صفوی، کاروان‌سراها و حتی مغازه‌های مردم را که به‌مرور زمان از بین رفته بود تعمیر و بازسازی کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۳ جمادی‌الآخر ۱۲۹۷ق، نمره ۴۶ و ۳ محرم ۱۳۰۲ق، نمره ۲۷۸). او در اصفهان نخستین مدرسه همایونی، دیوان‌خانه برای دادرسی، مجلس تجار، انجمن معارف و مدرسه نظام را تأسیس کرد (شیبانی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۲؛ روزنامه فرهنگ اصفهان، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۹۶ق، نمره ۲ و ۲۵ صفر ۱۲۹۸ق، نمره ۸۳؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۸). هم‌چنین برای فقرا و سربازان دارالشفاء ساخت (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ صفر ۱۲۹۸ق، نمره ۸۳) و پزشکان معتبر داخلی و خارجی را به اصفهان فراخواند تا در انجمن طبیه اصفهان همکاری کنند. او نخستین روزنامه اصفهان را با عنوان «فرهنگ اصفهان» منتشر کرد که در شهرهای ایران و خارج از کشور توزیع می‌شد و ناصرالدین‌شاه، شخص اول مملکت یکی از خوانندگان آن بود (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ صفر ۱۳۰۲ق، نمره ۲۸۶). ظل‌السلطان به‌کمک نیروی نظامی و نخبگان تحت امرش به‌خوبی توانست بر نیمی از کشور حکومت کند. البته ناگفته نماند که او در طول دوره حکمرانی‌اش افزون‌بر سیاست‌مداری و دوران‌دیشی به دغل‌بازی سیاسی، مجازات‌های سنگین مجرمان و سخت‌گوشی متهمان نیز شهرت داشت (Benjamin, 1886, p64). حسین‌قلی خان ایل‌خان بختیاری یکی از مشهورترین افرادی است که در دوران قدرت‌یابی ظل‌السلطان به‌دست او قربانی شد. ظل‌السلطان، پس از آن‌که از حکومت تمامی ایالات و ولایات عزل شد و خانه‌نشین شد، چاپ و انتشار روزنامه را متوقف کرد و کاخ‌ها و بناهای صفوی را ویران کرد. انگار که به‌قول جابری انصاری به او این‌گونه فهمانیده بودند که «باید اصفهان را ویرانه نمایش داد تا دیگری طمع فرمانداری و ربودنش [را] ننماید» (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

۱. قلیچ: شمشیر.

۲. در ۱۳۰۴ق/۱۸۸۷م ظل‌السلطان در گزارشی به ناصرالدین‌شاه خود را میرقلیچ دولت خواند که «می‌خواهد دو نفر خان بختیاری را زیر اطاعت بیاورد نمی‌شود» (صفائی، ۱۳۵۰، سند ۳).



#### ۴. تشکیلات نظامی ظل السلطان در اصفهان

زمانی که صدای ضعیف طبل و شیپور نشانه وزین حیات توپچی و سرباز در مملکت بود و صاحب‌منصبان نظام از واهمه متهم شدن به شورش و تحریک سپاه «خود را از تنظیمات قشون کنار گذاشته» بودند (نسخه خطی رساله مجدیّه، برگ ۲۹)، ظل السلطان بی‌محابا نیروی نظامی قدرتمندی تشکیل داد و شکوه و جلال آن را به نمایش گذاشت. او که سالانه درآمدی معادل دو میلیون تومان داشت، برای خود ارتشی کوچک و مجهز متشکل از بیست و یک هزار سرباز ترتیب داد که شامل هفت هزار سوار و ده آتشبار توپ می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲، صص ۲۹۰-۲۹۱). ظل السلطان همانند عباس میرزا جد پدری خود به تشکیل قشون منظم براساس آموزش فنون نظامی نوین اهمیت بسیاری می‌داد و کارآموزی آن‌ها را با شوق و علاقه پیگیری می‌کرد (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۳). نسخه خطی منحصربه‌فرد «کتابچه اسامی مشخصات صاحب‌منصبان و سربازان فوج جلالی» نشان‌دهنده سطح بالاتر تشکیلات نظامی ظل السلطان از پایتخت و دارالسلطنه تبریز است. این نسخه حاوی اطلاعاتی درباره نام، نام پدر، تعداد خانوار، محل سکونت، سن، اندازه قد، چهره و سیمای فوج جلالی است که به توشیح ابوالفتح خان صارم‌الدوله داماد ناصرالدین شاه، مشیرالملک، لشکرنویس باشی و میرزا فضل‌الله سرتیپ رسیده است (نسخه خطی کتابچه اسامی مشخصات صاحب‌منصبان و سربازان فوج جلالی، کمام، برگ ۵-۵۴).

ناصرالدین شاه در کنار حکومت ایالات و ولایاتی که به ظل السلطان می‌سپرد، حکم سرپرستی فوج‌های آن منطقه و یا مناطق دیگر را نیز برای او صادر می‌کرد؛ به طوری که یکی از سه هنگ سواران نیمه‌منظم کشور به سبک اروپایی به نام «فوج هنگ ناصری اصفهان» تحت سرپرستی ظل السلطان بود. این هنگ شش ماه در سال خدمت می‌کرد و فقط بابت همان مدت، مواجب و جیره دریافت می‌کرد. به جز اسب که خود افسران و سربازان فراهم می‌کردند، تأمین محل اسکان، مواجب طبیب، تجهیزات و اسلحه به خرج دولت بود (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۷۵۲-۷۵۴). براساس اسناد، ظل السلطان در سال ۱۲۹۸ ق/۱۸۸۰ م به جز افواج ثلاثه اصفهان که شامل فوج جلالی، فریدن و چهارمحالی بود، شش فوج ملایر، اسدابادی، نهاوند، خلیج، درجزین و شقاقی را هم داشت و در نوروز ۱۲۹۹ ق/۱۸۸۱ م فوج عراق و کمره نیز به او واگذار شد (صفائی، ۱۳۴۹، سند ۱۸). قشون و افواج جمعی ظل السلطان پیش از برکناری از قدرت، شامل افواج ثلاثه اصفهان، افواج خمسۀ عراق، افواج اربعۀ کرمانشاهان، فوج کمره، فوج سیلاخور، فوج گلپایگان، فوج امرایی و فوج پشت‌کوهی بود که شامل دوهزاروپانصد نفر سواره بختیاری اصفهان،



ایلات فارس، ایلات بروجرد، ایلات کرمانشاهان و لرستانی بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۲۱۴۳-۲۱۴۴). به جز این، او در ولایات تحت حکومت خود نیز فوج نظامی تشکیل می‌داد و اهتمامشان در مشق نظامی را رصد می‌کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۳ ربیع‌الاول ۱۳۰۴ق، نمره ۴۰۷). حتی جوانان آرامنه جولاهه<sup>۱</sup> به سواره‌نظام او پیوسته بودند (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۴ صفر ۱۳۰۵ق، نمره ۵۰۶). به نظر می‌رسد، پرداخت به موقع و بدون کسر و نقصان موجب شش ماهه و سالیانه صاحب‌منصبان، سربازان، سواران و توپ‌چیان (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۹) دلیل موفقیت ظل‌السلطان در تشکیل قشون منظم و مجاب‌کردن شاه در سپردن بخشی از مهم‌ترین بازوی قدرت در کشور به او تا جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷م به‌شمار می‌رفته‌است. درحالی‌که حاکمان دیگر ولایات زیر بار پرداخت موجب فوج‌ها نمی‌رفتند و آن را به حاکم دیگری حواله می‌کردند (صفایی، ۱۳۵۲، سند ۴۵)، ظل‌السلطان بدون آن‌که خود را متحمل مخارج سپاه کند، نایب‌الحکومه‌هایی بر سر کار گذاشته بود که موظف بودند موجب سپاه را پرداخت کنند و او این مبالغ را به‌خرج محل می‌نوشت و از مالیات کسر می‌کرد.

کتابچه‌های مالی بسیاری دربارهٔ موجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان در مراکز آرشویی موجود است که تعداد نفر هر فوج و محل پرداخت موجب آن‌ها به‌طور دقیق در آن‌ها شرح داده شده‌است.<sup>۲</sup> برای نمونه از سال ۱۳۰۰ق/۱۸۸۳م پنج نسخه خطی دربارهٔ مخارج قشون در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی وجود دارد. در نسخه خطی «موجب و سیورسات افواج ولایت در ادارهٔ ظل‌السلطان قوی‌ئیل ۱۳۰۰» پانزده فوج موجب و جیره سالیانه و دو فوج موجب شش ماهه به‌خرج محل دریافت می‌کرده‌اند که می‌توان به فوج درجزینی، فوج پانصدنفری ظفر به‌خرج کردستان، افواج ثلاثه هشت‌صدنفری اصفهان، افواج هشت‌صدنفری عراق (بزچلو، فراهان، کزاز، سربند و خلج قم)، فوج هشت‌صدنفری گلپایگان، فوج هزارنفری سیلاخوری، فوج هشت‌صدنفری کمره، افواج امرائی هزارنفری، فوج پشت‌کوهی هشت‌صدنفری، افواج کرمانشاهی هشت‌صدنفری (کرنندی، کوران، قلعه‌زنجیری، زنگنه و کلهر) اشاره کرد (نسخه خطی موجب و سیورسات افواج ولایت در ادارهٔ ظل‌السلطان قوی‌ئیل ۱۳۰۰، کمام، برگ ۶ تا ۱۱). شرح مبسوط مخارج قشون در سال مذکور در کتابچه دیگری با عنوان «تشخیص مخارج قشون نصرت‌نمون که به‌خرج ولایات ادارهٔ حضرت اشرف امجد اسعد والا ظل‌السلطان روحنا فداه منظور شده ازبابت هذمه سنه قوی‌ئیل ۱۳۰۰» آمده‌است. در هامش یکی از صفحات، در دستورالعمل دیوان اعلیٰ موجب توپ‌چیان جدید و قدیم نفری دوازده تومان به‌خرج نوشته‌اند. در این نسخه به‌طور صریح آمده‌است

۱. جلفا.

۲. البته نباید فراموش کرد، در بسیاری از رساله‌های سیاسی و انتقادی دوره ناصرالدین‌شاه مانند «رساله تنظیمات قشون ملکم»، «رساله مجدیه» و «رساله میرزا محمدحسین‌خان دبیرالملک فراهانی» به‌طور ضمنی به کارسازی و جعل مدارک و اسناد کتابچه‌های مالی قشون اشاره شده‌است (نسخه خطی قوانین تنظیمات ایران، کمام، برگ ۱۱۱-۱۱۹؛ نسخه خطی رساله مجدیه، کمام، برگ ۲۹-۳۳؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، نقل از رساله میرزا محمدحسین‌خان دبیرالملک فراهانی، صص ۴۲۴-۴۲۶).



که این مخارج سوای مواجب و سیورسات کارمندان مریض‌خانه قشون است (نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان و دستورالعمل درباره افواج و سوارها، کِمَام، برگ ۷ و ۹). در نسخه خطی «مواجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان و دستورالعمل درباره فوج سواری سنه ۱۳۰۰» تمامی مخارج قشون که حدود ۲۳۳ هزار تومان بوده است به صورت نقد و جنس (غله و کاه) آمده است. هم‌چنین مواجب توپ‌چیان قدیم و جدید به ده تومان در سال کاهش یافته است (نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان و دستورالعمل درباره فوج سواری سنه ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۵). در نسخه خطی «مواجب و سیورسات اطباء و جراحان افواج در قوی‌ئیل ۱۳۰۰» قیمت دارو، انعام و مواجب و سیورسات چهار طبیب و دو جراح قشون و دیگر کارمندان دارالشفای قشون به خرج اصفهان آمده است (نسخه خطی مواجب و سیورسات اطباء و جراحان افواج در قوی‌ئیل ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۲-۶). در آخر در کتابچه «مواجب و سیورسات سوار و قراسوران مستحفظین ظل‌السلطان در سنه ۱۳۰۰» مواجب و جیره قراسوران و مستحفظین بین راه‌ها به خرج دستورالعمل هر ولایت آمده و به‌طور دقیق مشخص شده است که قراسوران اصفهان، عرب ناصری، جماعت بختیاری، عرب اردستانی و یا سوار کرد و سگ‌وند مواجب و سیورسات خود را از کدام محل بگیرند (نسخه خطی مواجب و سیورسات سوار و قراسوران مستحفظین ظل‌السلطان در سنه ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۳-۷). پس از آن‌که ظل‌السلطان از سرپرستی فوج‌های نظامی‌اش عزل شد، جیره و مواجب سربازهای باقی‌مانده را به‌ندرت پرداخت می‌کرد؛ به‌طوری‌که سربازان فوج فتحیه برای گرم کردن قرارگاه خود مجبور بودند درختان چهارباغ را ببرند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۸).



### تصویر ۱

سربازان فوج دوم جلالی در سربازخانه چهارحوض (ساکه، ۱۳۱۹/۲۵/۹۹۹)



ظل‌السلطان تا پیش از برکناری از قدرت، نه تنها در انتظام امور مالی قشون، بلکه در تهیه تجهیزات نظامی، وسایل موردنیاز برای مشق قشون و ادوات جنگی مانند اسلحه و توپ نیز موفق بود. او برای هر فوج پیاده و سواره و توپ‌خانه چند انبار ذخیره مخصوص همان فوج با هدف رفع نیاز روزانه قشون در سطح شهر اصفهان و دیگر ولایات تحت حکومت خود داشت. هم‌چنین در انبارها، ملزومات نظامی و لباس مخصوص هر فوج برای هشت‌هزار نفر موجود بود. سربازان از تفنگ دهن‌پر پستانک‌دار قدیمی استفاده می‌کردند و تفنگ‌های ورنیدل جدید در انبار ذخیره نگهداری می‌شد (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۱۳). ظل‌السلطان با هدف حمایت از کالای ایرانی، لباس تابستانی و زمستانی سربازان تحت حکومتش را از منسوجات ایرانی به‌طور خاص از تولیدات صنعتگران و هنرمندان اصفهان تهیه می‌کرد (شیبانی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۴) و چکمه و نیمه‌چکمه‌های آن‌ها را از جماعت کفش‌دوز اصفهان خریداری می‌کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ صفر ۱۳۰۲ ق، نمره ۲۸۶) و برای ساخت ابزار نظامی بین صنعتگران اصفهان مناقصه می‌گذاشت (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۴ رمضان ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۳). در هر سربازخانه و در هر قسمت قشون، استادان و کارگران برای دوختن و پینه‌دوزی لباس‌ها، کفش‌ها و مرمت سلاح‌ها، لوازم اسب‌ها و دیگر تجهیزات صاحب‌منصبان و سربازان و سواران و توپ‌چیان به کار مشغول بودند (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۷).

## ۵. سربازخانه‌های اصفهان

براساس گزارش ژوبر، در دهه اول حکومت فتح‌علی‌شاه، سربازخانه و خسته‌خانه نظامی ثابت و انبار آذوقه‌گیری ارتش در ایران وجود نداشته‌است (ژوبر، ۱۳۴۷، ص ۲۱۵). به‌نظر می‌رسد که در آن زمان بیشتر از فضای کاروان‌سراها و قلعه‌ها برای استراحت سربازان و یا انبار تجهیزات نظامی استفاده می‌کرده‌اند. در دوره ناصرالدین‌شاه، سربازخانه‌های بسیاری در سراسر کشور ساخته و مرمت شد. دولت سربازخانه‌ها را همانند طرح کاروان‌سرا به‌شکل مستطیل و یا مربع با اتاق‌هایی کوچک بدون پنجره و امکانات خاص می‌ساخت (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۵۶). هم‌چنین در این دوره بسیاری از کاروان‌سراهای قدیمی و بایر به تأسیسات نظامی به‌ویژه سربازخانه و محل اسکان صاحب‌منصبان نظامی تبدیل شدند.

نوبیوشی فورو کاوا، یکی از اعضای هیئتی ژاپنی بود که در دوره ناصرالدین‌شاه در ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م از ایران دیدن کرد. او سربازخانه را محوطه‌ای مستطیلی به‌طول و



عرض تقریبی ۱۴ در ۶ متر و ارتفاعی حدود ۵ متر گزارش کرده که دروازه‌ای در میانش قرار داشته‌است و دورتادور آن، اتاق‌هایی با مساحت حدود ۳ متر در ۹ متر برای اسکان سربازان ساخته بودند. هر اتاق دو پنجره کوچک داشت که به‌سختی باز می‌شد و به‌ندرت هوای مطبوع در اتاق‌ها جریان داشت. کف‌پوش اتاق‌ها آجر بود و تخت‌خواب نداشت. بستر سربازان حصیر بود و لباس‌هایشان را درون بقچه می‌پیچیدند و روی سکوی اتاق می‌گذاشتند. در هر اتاق بین ۶ تا ۱۲ سرباز زندگی می‌کرد. فضای میان ساختمان، میدان مشق بود و در وسط آن سکویی به‌بلندی یک تا دو متر و طول حدود ۸ متر قرار داشت که زیر آن را آب‌انبار ساخته بودند. در گوشه زمین مشق، ابزار ورزش و تمرین نظامی تعبیه کرده بودند (فورو کاوا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰).

ظل السلطان در دهه اول حکومتش در اصفهان و دیگر ولایات تحت حکومتش به ساخت و تجهیز تأسیسات نظامی پرداخت؛ زیرا امکان فرماندهی و انتظام امور چندهزار سربازی که شاه، مسئولیت آن‌ها را -به‌ویژه پرداخت مواجیشان را- به او سپرده بود، با اسکان موقت آن‌ها در کاروان‌سراهای بازار و بدون داشتن اردوگاه و محل استقرار مناسب فراهم نمی‌شد (Walcher, 2008, p81)؛ بنابراین او چهار سربازخانه، دو توپ‌خانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی در محدوده اصفهان دایر کرد. براساس گزارش واگنر<sup>۱</sup>، فوج‌های پیاده‌نظام، سواره و توپ‌خانه هرکدام سربازخانه مخصوص با میدان وسیع برای مشق نظام داشتند. در آن سربازخانه‌ها، نهرهای آب جاری بود و اتاق‌های سربازان، سواران و توپ‌چیان نور کافی و طاقچه برای گذاشتن اسلحه و لباس داشت و برای هر سرباز وسایل استراحت مخصوص آن فرد مهیا بود. صاحب‌منصبان از فرمانده به پایین با هدف برقراری نظم در امور قشون در سربازخانه‌ها مسکن داشتند. در هر سربازخانه وسایل موردنیاز برای مشق و فنون نظامی موجود بود و هر یک از فوج‌های پیاده‌نظام و توپ‌خانه در سربازخانه خود ژیمناستیک<sup>۲</sup> مشق می‌کردند. هم‌چنین در هر سربازخانه طبیب و پرستاران به کار مشغول بودند و سربازان بیمار در اتاق‌های دیگری به‌غیر از محل استراحت خود پرستاری و مداوا می‌شدند. به‌هنگام اردو کشی و مشق‌های جنگی، مریض‌خانه‌های متحرک هر قشون را بار قاطر می‌کردند تا به‌همراه پیاده‌نظام و یا واحد توپ‌خانه حرکت کند. واگنر در این گزارش به کم‌بودن تعداد ارابه‌های توپ و کهنه‌بودن وسایل توپ‌کشی همانند سراسر ایران اشاره کرده‌است. کودکان سربازان، توپ‌چیان و سواران در رده سنی بین شش تا چهارده سال همانند پدرانشان در مدرسه‌ای با هزینه شخصی ظل السلطان، خواندن و نوشتن، ریاضی، مشق نظام و ژیمناستیک می‌آموختند (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۷-۱۵). به تصویر (۱) نگاه کنید، کودکی اسلحه‌به‌دست در کنار دیگر

1. Wagner.

۲. در فرهنگستان، معادل واژه فرانسوی

gymnastic، کلمه چم‌ورزی است!





سربازان دیده می‌شود. این کودک در تصویر (۴) کنار توپ ایستاده است. در تصویر (۷) بیش از سی کودک با لباس نظامی در کنار سربازان ژیمناستیک فوج جلالی دیده می‌شوند که نشان‌دهنده آموزش فنون نظامی به کودکان است.

سربازخانه‌های چهارحوض، نقش جهان، فتحیه و ناصری جزو تأسیسات نظامی‌ای بودند که ظل السلطان به ترتیب با گسترده‌تر شدن قشونش ایجاد کرد و یا بنای آن‌ها را مطابق با سربازخانه مرمت کرد که در ادامه به هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود. گفتنی است، براساس گزارشی، ظل السلطان در ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م سربازخانه بزرگی هم در چهارباغ ساخته است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۲۰۴۰؛ شبیانی، ۱۳۶۶، صص ۲۲۶-۲۲۷)؛ ولی پس از آن گزارش، از وضعیت آن سربازخانه در اسناد، نسخه‌های خطی و گزارش‌های آن دوره خبری نیست.

### ۵.۱. سربازخانه چهارحوض

یکی از ورودی‌های میدان نقش جهان، دروازه‌ای در ضلع غربی این میدان، در نزدیکی عمارت عالی‌قاپو است که در زمان ظل السلطان به نام دروازه توپ‌خانه شناخته می‌شد و به سازه توپ‌خانه پیاده قشون او می‌رسید. او دو ستون دیده‌بانی در سردر این توپ‌خانه رو به میدان نقش جهان ساخته بود که در دوره رضاشاه تخریب شد و آن قسمت به شکل دوره صفوی برگردانده شد. در تصویر (۲) که هارولد اف وستون<sup>۱</sup> جهانگرد آمریکایی بین سال‌های ۱۳۳۶ق-۱۳۳۷ق/۱۹۱۸-۱۹۱۹م گرفته است، دروازه توپ‌خانه و برج دیده‌بانی دیده می‌شود.



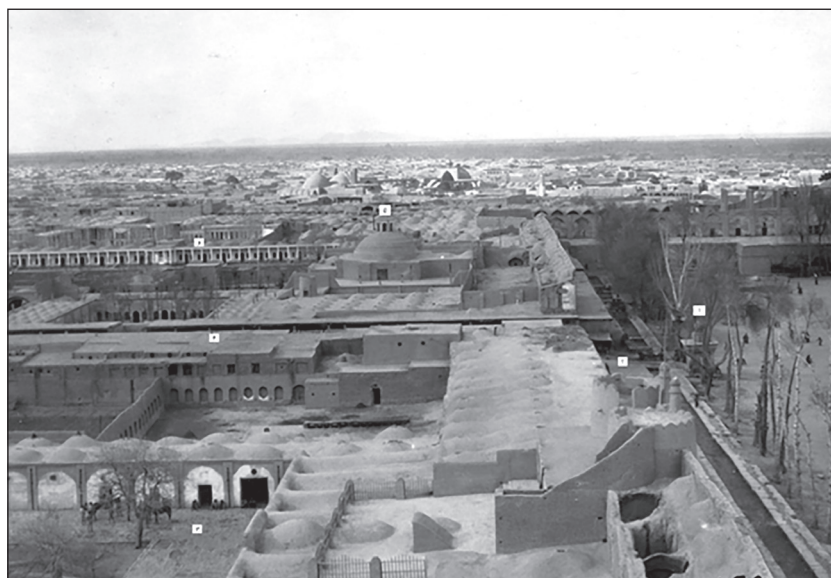
۱. Harold F. Weston.

#### تصویر ۲

دروازه توپ‌خانه و برج دیده‌بانی  
The National Geographic Maga-  
(zine, 1921, p89)



زمان گزارش شاردن، حوض‌ها را پر کرده بوده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۴۶۳). والتر میتل هولتسر<sup>۱</sup> در ۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م، تصویر (۳) را از بالای عمارت عالی قاپو به سمت شمال گرفته‌است. سقاخانه در گوشه سمت راست با شماره (۱) و برج دیده‌بانی با شماره (۲) دیده می‌شود. روبه‌روی آن، ورودی بازار مسگرها و سربازخانه چهارحوض است که با شماره (۴) و محل توپ‌خانه سابق با شماره (۳) مشخص شده‌است که در آن مقطع زمانی محل اداره‌های دولتی از جمله شهربانی و شعبه انحصار دخانیات بوده‌است. گفتنی است، سقاخانه، دروازه توپ‌خانه و برج دیده‌بانی چون از ملحقات پس از دوره صفوی بوده، در دهه اول حکومت پهلوی برجیده شده‌است.



### تصویر ۳

سقاخانه، بخشی از محل توپ‌خانه  
و سربازخانه چهارحوض  
(ETH Library Zurich,  
LBS\_MH02-02-0158-AL-FL)

یکی از درهای ورودی به میدان چهارحوض در سمت شمال کاخ عالی قاپو قرار داشت که سلطان محمد میرزا فرزند فتح‌علی شاه ملقب به سیف‌الدوله برای آن سردر ساخته بود. او یک دهه در دوره حکومت پدرش، حاکم اصفهان بود. در دیگری در سمت راست سرای کاخ سلطنتی و جنوب غربی میدان چهارحوض قرار داشت که به کاخ چهل ستون باز می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۴۵۶، ص ۱۴۶۳). به نظر می‌رسد، این همان دری است که محمود افغان و سپاهیانش الله‌گویان از آن وارد کاخ چهل ستون شدند (گیلانتر، ۱۳۷۱، ص ۷۳) و اشرف هم برای کشتن محمود از آن در وارد کاخ شد (آصف، ۲۵۳۷، ص ۱۶۴). دروازه سوم از طرف شمال میدان چهارحوض،

1. Walter Mittelholzer.



روبه‌روی در حمام خسروآقا بود (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۷۹). پس در سمت شمال میدان چهارحوض، حمام خسروآقا، در سمت جنوب آن کاخ عالی قاپو و توحیدخانه، در سمت شرق آن میدان نقش جهان و در سمت غرب آن تالار تیموری (موزه تاریخ طبیعی اصفهان) قرار داشته‌است. در تصویر (۴) فرماندهان و سربازان فوج جلالی، توپ‌ها و گلوله‌های توپ دیده می‌شود.

۱. این حمام که در دوره شاه‌سلطان‌حسین، آخرین پادشاه صفوی ساخته شده بود، در ۱۲۵۳ ش/۱۹۷۴ م در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید؛ ولی در پی هم‌گذاری و تخریب عده‌ای، ویران شد و در بخشی از آن خیابان حکیم به خیابان عبدالرزاق کشیده شد.

۲. چال‌حوض یکی از عناصر قدیمی حمام‌ها بوده‌است که در کنار خزینه و چال آب سرد برای ذخیره آب و شنا به‌کار می‌رفته‌است. با توجه به گزارش‌های موجود از عصر صفوی در این‌که حوض‌های بزرگ و عمیقی در میدان چهارحوض بوده‌است، شکی نیست، ولی چال‌حوض در سازه سرپوشیده حمام‌ها ساخته می‌شد و گزارشی از سرپوشیده‌بودن میدان و یا بخشی از آن در منابع دوره صفوی نیست. پس به‌نظر می‌رسد، واژه چال‌حوض در پی تبدیل حرف ر به حرف لام یعنی چهارحوض (چارحوض) به چال‌حوض شکل گرفته‌است (مصاحبه با محمود زارعی، ۱۳۹۹).



## تصویر ۴

توپ‌خانه ظل‌السلطان  
(ساکما، ۱۳۴۵/۲۵/۹۹۹)

عکس‌هایی از سربازخانه‌های ظل‌السلطان در آرشیوها موجود است که بیشتر آن از سربازخانه چهارحوض است. «آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و شکارگاه‌های ظل‌السلطان» دو عکس از سربازخانه چهارحوض دارد. به تصویر (۵) نگاه کنید؛ ظل‌السلطان زیر آن نوشته‌است: «این سربازخانه چال‌حوض<sup>۲</sup> است. میرزا فضل‌الله خان سرتیپ و صاحب‌منصبان و سربازها و عبارت آخری گارد مخصوص ماست». به‌جز ظاهر سربازان و تفنگ‌های آن‌ها، دروازه چوبی و سردر با نقش دو شیر که تاج پادشاهی را بالا گرفته‌اند و طاق‌نماها در تصویر دیده می‌شود.



### تصویر ۵

سربازخانه چهارحوض  
نسخه خطی آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و  
(شکارگاه‌های ظل‌السلطان، کام، شماره ۹)

مشابه این طاق‌نماها را در تصویر (۶) هم می‌بینید که آنتوان سوروگین<sup>۱</sup> در دوره حکومت ظل‌السلطان گرفته و تنها زیر تصویر نوشته «اصفهان» و مکان دقیق آن را مشخص نکرده است. با توجه به سردر معروف سیف‌الدوله و طاق‌نماها به نظر می‌رسد این عکس متعلق به سربازخانه چهارحوض است. در این تصویر سربازان فوج جلالی در حال تمرین ورزش ژیمناستیک هستند و بر روی لباس سربازان حمایلی دیده می‌شود که بر روی آن نوشته است: «ظل‌السلطان به سلامت باشد».



1. Antoin Sevrugin.

### تصویر ۶

سربازان ژیمناستیک فوج جلالی در  
سربازخانه چهارحوض  
(ساکم، ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۶)



براساس گزارش میرزا حسین تحویلدار که کتاب خود را در بازه زمانی ۱۲۹۲-۱۲۹۴ق/۱۸۷۵-۱۸۷۷م نوشته است، حجره‌های میدان چهارحوض در ابتدای حکومت ظل السلطان، محل اسکان سربازان بوده است (تحویلدار، ۱۳۴۲، ص ۲۳). پس از او محمدمهدی اصفهانی ملقب به ارباب نوشته است که ظل السلطان میدان چهارحوض را که رو به ویرانی بود بازسازی کرد و محل اسکان و مشق سربازان قرار داد و به جای حوض‌ها، چهار باغچه در چهار طرف سازه ایجاد کرد (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۴۰).



### تصویر ۷

سربازان ژیمناستیک فوج جلالی در  
سربازخانه چهارحوض  
(ساکما، ۱۳۴۱/۲۵/۹۹۹)

بنابه گزارش‌های موجود در روزنامه فرهنگ اصفهان، ظل السلطان در بازه زمانی انتشار آن روزنامه، چندبار میدان چهارحوض را تعمیر و مرمت کرده است. از آنجاکه این میدان در کنار عمارات دولتی قرار داشت، ظل السلطان در اواسط شعبان ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م درصد تعمیر و بازسازی دوباره آن برآمد. او سطح میدان را از بناها و سکوه‌های بیهوده صاف و سنگ‌فرش کرد. باغچه‌های آن را مرزبندی و ریگریزی کرد و حوض وسط میدان را دوباره ساخت و رشته‌قنات مخصوص میدان را لایروبی و احیا کرد. حجره‌های اطراف، بالاخانه‌ها و سردرهای آن را تعمیر، سفیدکاری و نقاشی کرد. ایوان بزرگ باشکوه میدان را مرمت و با آجر فرش کرد. پله‌هایش را سنگ‌تراشی و سقف و دیوارهای آن را سفید و نقاشی کرد. اتاق‌های بسیار بزرگ میدان با تزیینات مقرنس‌کاری را که مدت‌ها مخروبه بود، مرمت و نقاشی کرد. هم‌چنین در انبار خاکروبه و زباله پشت میدان، عمارتی با اتاق‌های

بزرگ رو به میدان برای اسکان صاحب‌منصبان نظامی ساخت. در یکی از باغچه‌های بزرگ میدان، اسباب و لوازم ژیمناستیک نصب کرد و حجره‌های اطراف میدان را محل اسکان فوج جلالی که فوج مخصوص قراولی بیوتات دولتی و ادارات حکومتی بود، قرار داد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۶ شوال ۱۲۹۹ق، نمره ۱۶۶ و ۳ محرم ۱۳۰۲ق، نمره ۲۷۸). هم‌چنین چند اتاق سربازخانه را به‌عنوان مریض‌خانه و دواخانه در نظر گرفت (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۱ رمضان ۱۳۰۳ق، نمره ۳۶۴). در گزارش دیگری، مصطفی قلی خان فراش‌باشی بار دیگر سربازخانه چهارحوض را هم‌زمان با ساخت سربازخانه ناصری و مرمت بسیاری از بناهای اصفهان مانند عمارت‌های چهل‌ستون، رکیب‌خانه، کاج و هفت‌دست، تکیه دولت و امام‌زاده احمد، قورخانه، مریض‌خانه و پل‌های خواجو، سی‌وسه‌پل و مارنان تعمیر کرد که شرح مخارج آن در نسخه خطی «کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات» آمده است (نسخه خطی کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات، کمام، برگ ۶-۵۰). مصطفی قلی خان فراش‌باشی کارگزار اجرایی طرح‌های عمرانی مصوب انجمن معارف بود و به‌جز برقراری نظم و امنیت در اصفهان و خواباندن غائله کردستان، نایب‌الحکومه خوانسار، کمره، ابرقوه، برزرو، جولاهه، کرمانشاهان، سمیرم، نجف‌آباد و توابع آن بود (بختیاری، ۱۳۹۸، صص ۳۹-۴۰). او کارگزار عمرانی و مباشر چهار سربازخانه ظل‌السلطان در اصفهان بوده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. در دهه اول حکومت پهلوی، گنبد توحیدخانه زندان شد و قسمتی از سربازخانه، اداره شهربانی، دایره انحصار تریاک و شعبه انحصار دخانیات شد (جابری انصاری، ۱۳۷۸، صص ۱۴۹-۱۵۰).

## ۵.۲. سربازخانه میدان نقش جهان

میدان نقش جهان، محل ملاقات شاه با مردم و سفیران و عرصه نمایش‌های درباری عصر صفوی بود (Stevens, 1964, p193). شاه‌عباس اول این میدان مستطیل شکل را به طول ۵۶۰ متر و عرض ۱۶۰ متر با چهار اثر تاریخی عمارت عالی‌قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ‌لطف‌الله و بازار قیصریه و حدود دویست حجره دوطبقه در چهار ضلع آن ساخت. اوژن فلاندن در ۱۲۵۶ق/۱۸۴۰م تقریباً چهار دهه پیش از حکومت ظل‌السلطان، از میدان نقش جهان دیدن کرده و بخشی از میدان را بایر و رو به ویرانی توصیف کرده است (فلاندن، ۲۵۳۶، صص ۱۵۸). در دوره ظل‌السلطان دست‌فروشان و دوره‌گردان میدان را احاطه و از هر سو چادرها و بازاری برپا کرده بودند. ظل‌السلطان پس از آن‌که فوج‌های سده، چهارمجال، فریدن و سیلاخور مأمور اصفهان شدند، برای مشق هرروزه آن‌ها در میدان و «انتظام سرباز

۱. این بنا یکی از عمارات دولت‌خانه صفوی بوده که در دوره شاه‌عباس اول احداث شده است و امروزه به نام «موزه هنرهای تزئینی اصفهان» نیز شناخته می‌شود. این عمارت برای مدتی محل سکونت ظل‌السلطان بوده است.



و سوار و مزید بر امانت و رفاه عامه مردم و تربیت قورخانه و سربازخانه مرکزی ایالات مفاوضه به خود» و در دسترس بودن «قشون احتیاطی و ذخیره برای زمان لزوم مأموریت به ایالات متبوعه سرکاری مانند عربستان و لرستان»، طرح تعمیر و بازسازی مغازه‌های اطراف میدان نقش جهان و انتقال کسبه به دکان‌های روبه‌روی کاروان‌سرای بیگدلی تا درب مسجد شیخ لطف‌الله و از آنجا به چهارسوق مقصود و ممانعت از فعالیت دست‌فروشان در میدان را در انجمن معارف مطرح کرد. این طرح به دلیل قرار داشتن حجره‌ها و مغازه‌ها در حوزه نفوذ شیخ‌الاسلام محمدتقی نجفی اصفهانی (۱۲۶۲-۱۳۳۲ق/۱۸۴۶-۱۹۱۴م) ملقب به آقانجفی، قدرتمندترین روحانی شیعه اصفهان در آن دوره، یکی از طرح‌های پرحاشیه انجمن بود که پس از تصویب انجمن و کسب اجازه از شاه، به صحنه و تأیید حاجی شیخ‌محمدباقر (۱۲۳۴-۱۳۰۱ق/۱۸۱۸-۱۸۸۳م) پدر آقانجفی رسید.



## تصویر ۸

نمای جنوب غربی میدان نقش جهان  
(ETH Library Zurich, LBS.)  
(MH02-02-0160-AL-FL)

دکان‌ها و بازارهای پشت میدان که بیش از صد مغازه بود، با نظارت و اهتمام مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی به مدت دو ماه در ۱۲۹۸ق/۱۸۸۱م مرمت و بازسازی شد. برخی از حجره‌های رو به میدان با هدف اسکان سربازان و انبار تسلیحات نظامی مسدود و با گچ سفید پوشانده شد و تعدادی دیگر به عنوان آشپزخانه سربازان و اسطبل چهارپایان استفاده شدند. محوطه وسیع و باشکوه میدان نیز به محل مشق پیاده‌نظام شاهزاده تبدیل



شد. هم‌چنین در انجمن مصوب کردند که پس از تعمیر نهرهای دور میدان، در کنار آن‌ها درخت‌های چنار، بید، صنوبر و گل سرخ کاشته شود (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ صفر ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۳ و ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۸). بنابه گزارشی که هانری رونه دالمانی از وضعیت میدان در دو دهه پس از آن ارائه داده است، نهرها خالی و بیشتر حجره‌ها خراب و متروک بوده است و از درختان و فضای فرح‌بخش میدان اثری نبوده است (دالمانی، ۱۳۳۵، صص ۹۲۶-۹۲۷). به تصویر (۸) نگاه کنید. این عکس را هم هولتسر از فراز کاخ عالی قاپو گرفته است؛ باین که چند دهه از دوره اقتدار ظل‌السلطان و سربازخانه بودن میدان می‌گذرد، حجره‌های رو به میدان هم‌چنان مسدود است.

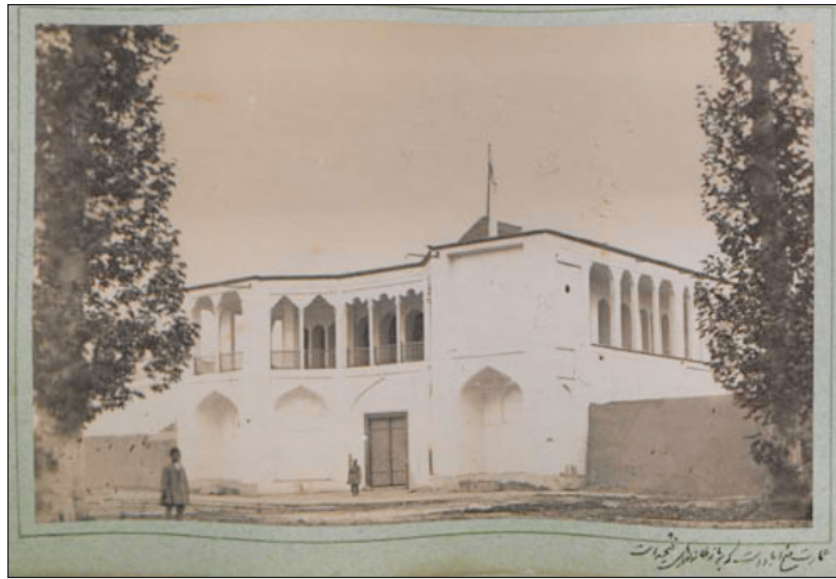
### ۳. ۵. سربازخانه فتحیه

کاروان‌سرای بازارچه بلند یا مادرشاه و بازارچه کنار آن که در ۱۱۲۶ ق/۱۷۱۴ م توسط شاه‌سلطان‌حسین، آخرین پادشاه صفوی بین عمارت هشت‌بهشت و مدرسه چهارباغ ساخته شده بود، بنابه گزارش روزنامه فرهنگ پس از حمله افغان‌ها سال‌ها «متروکه و مقرر و پناهگاه الواط و اشرار شده بود». در ۱۳۰۱ ق/۱۸۸۳ م به دستور ظل‌السلطان این کاروان‌سرا و بازارچه را «معماران و بناهای کارآموده و مباشران کاردان» تعمیر و مرمت کردند. آن‌ها سنگ‌های اِزاره را از زیر خاک بیرون آوردند و در جای خود نصب کردند. اتاق‌های مقرنس را از نو ساختند و تعمیر کردند و بسیاری از کاشی‌ها و سنگ‌های نفیسی را که در نهر آب وسط کاروان‌سرا ریخته بود، در جای خود نصب کردند (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۰۱ ق، نمره ۲۷۳). ولی با وجود این اقدامات هم‌چنان این بنا «در ظاهر یکی از خرابه‌های هولناک و جاهای سهمناک اصفهان» بوده و سنگ و آجر و کاشی آن به یغما برده می‌شده است. به همین دلیل در ۱۳۰۳ ق/۱۸۸۵ م ظل‌السلطان طرح تبدیل این کاروان‌سرا به محل اسکان صاحب‌منصبان سواره‌نظام و انبار تسلیحات نظامی را پیاده کرد. هم‌چنین از بازارچه آن به عنوان اسطبل اسب‌های صاحب‌منصبان و گارد مخصوص بهره جست و از فضای روبه‌روی کاروان‌سرا به عنوان میدان مشق سربازان سواره‌نظام استفاده کرد. مصطفی‌قلی‌خان فراش‌باشی با نظارت کریم‌خان میرپنج فرمانده سواره‌نظام، به انجام طرح مزبور مأمور شد. آن کاروان‌سرا پس از تغییر کاربری، سربازخانه فتح‌آباد خوانده شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۰؛ الاصفهانی، ۱۳۳۸، ص ۵۰). در گزارش روزنامه فرهنگ به ترتیب و تنظیم قصری دلگشا ناظر به چهارباغ در سازه سربازخانه اشاره شده است (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۰) که آن را در تصویر (۹) می‌بینید. ظل‌السلطان در هامش عکس نوشته است: «[این] عمارت





فتح‌آباد است که سربازخانه سوارهای فتحیه است». از آنجاکه این ساختمان به کاروان‌سرای بازارچه بلند که امروزه «مهمان‌سرای عباسی» است شباهتی ندارد، پس همان قصری است که روزنامه فرهنگ نوشته است.



## تصویر ۹

سربازخانه سوار فتح‌آباد  
(نسخه خطی آلبوم عکس ابنیه قدیمی  
اصفهان و شکارگاه‌های ظل‌السلطان،  
شماره ۲۸)

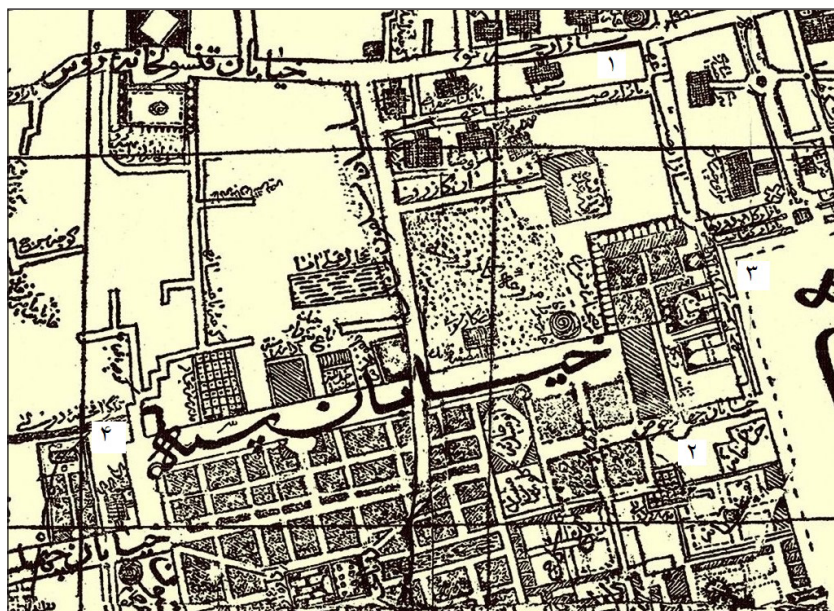
### ۴.۵. سربازخانه ناصری

سربازخانه ناصری که نامش «محض تییمن به نام نامی اعلی حضرت اقدس همایونی» گذارده شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۱ صفر ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۴)، پس از عمارت مسعودی ظل‌السلطان در تهران، باشکوه‌ترین بنایی بود که به دستور ظل‌السلطان ساخته شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۱). ظل‌السلطان سنگ بنای این سربازخانه را در روز عید فطر ۱۳۰۳ ق/۱۸۸۶ م در حضور امام‌جمعه، ملاباشی و منجم‌باشی و دیگر صاحب‌منصبان و بزرگان شهر اصفهان گذاشت و گفت: «من نیز تابع سنت حضرت رسول و پیرو اثر حکمت‌نمر پدر بزرگوام گشته و از ملل متمدنه اقتباس این اصول خیریت‌شمول را نموده خود را مفتخر می‌شمارم که اول‌خشت این بنا را که برای استراحت و آسودگی مستحفظین ناموس دین و دولت برپا می‌شود به دست خودم وضع می‌کنم» و اظهار امیدواری کرد که هم‌قطارانش از «این شیوه مرضیه و قاعده پسندیده» پیروی کنند (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۵ شوال ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۶).

نقشه اولیه سربازخانه را «مقرب‌الخاقان سرتیپ علی‌خان» از تحصیل کرده‌های پاریس



طراحی کرد. پس از آن «مقرب الحضرة حسین قلی خان سرهنگ مهندس» طبق دستورالعمل و طرح ظل السلطان تغییراتی اعمال کرد. بار دیگر مصطفی قلی خان فرارش باشی به عنوان مباشر و کارپرداز عمرانی ساخت سربازخانه منصوب شد. او به همراه «حاجی میرزا حبیب الله معمارباشی» سربازخانه را به مدت چهار ماه ساخت. بنابه روایت محمدمهدی ارباب سربازخانه را بر روی سازه ویران کاروانسرای نقش جهان که در جهت شمال غربی میدان نقش جهان قرار داشت، ساختند. کاروانسرای مذکور دارای صحنی وسیع، دو طبقه حجره‌های بزرگ، چهار دروازه و دهلیز و دو تیمچه ویران بود (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۷۸، ص ۷۹)؛ ولی روزنامه فرهنگ که ساخت سربازخانه را به طور مرتب برپایه گزارش‌های مصطفی قلی خان فرارش باشی - که «از اصدقای دولت خواه و چاکران مؤتمن حضرت ولی نعمت زاده مفخم معظم والا» بود - رصد می‌کرد، اشاره‌ای به این کاروانسرا نکرده است. حتی شاردن هم به این سازه در دوره صفوی اشاره‌ای نداشته است. با این حال نمی‌توان روایت محمدمهدی ارباب را که در دوره ظل السلطان کتابش را نوشته است، نادیده گرفت. به هر روی، در هر دو گزارش، محدوده مکان سربازخانه سمت شمال غربی میدان نقش جهان است. سربازخانه از سمت شمال به بازار صباغان (شماره ۱)، از جنوب به میدان چهارحوض و بازار مسگرها (شماره ۲)، از شرق به سربازخانه نقش جهان (شماره ۳) و از غرب به عمارت بادامستان که محل تلگرافخانه دولتی بود (شماره ۴)، محدود می‌شد. به تصویر (۱۰) نگاه کنید.



## تصویر ۱۰

نقشه تاریخی دارالسلطنه اصفهان  
(کتابخانه بهروز نوری خواجوی)



این تصویر قسمتی از نقشه سیدرضاخان یکی از کارمندان بلدیة است که در ۱۳۰۲ ش/۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م از خیابان‌ها و محلات شهر اصفهان کشیده‌است. همان‌طور که می‌دانید بازار قیصریه سمت شمال میدان نقش جهان است. پس بازار صباغ‌ها به موازات آن در سمت شمال و میدان چهارحوض و بازار مسگرها در غرب میدان نقش جهان بر روی نقشه در محدوده جبه‌خانه دیده می‌شود. هم‌چنین تلگراف‌خانه دولتی در جنوب سربازخانه، محدوده سربازخانه ناصری را بر روی نقشه به ما می‌نمایاند. همان‌طور که در تصویر دیده می‌شود، بر روی سازه پیشین سربازخانه، بانک شاهی، مریش‌خانه قشون، اداره عدلیه، اداره امنیه، تلفن‌خانه و دیگر تأسیسات دولتی ساخته شده‌است.

سربازخانه ناصری بنایی مستطیل‌شکل با هفتادوشش اتاق بزرگ بود که در طول بیست اتاق و در عرض هجده اتاق داشت و در وسط هر یک راهرویی وسیع بود. هر اتاق سه بخاری، یک در بزرگ و ده پنجره هلالی با قابلیت بازوبسته شدن داشت. نهر فدا از وسط این سربازخانه می‌گذشت. در یکی از زوایای رو به باغ سربازخانه، بیمارخانه و دواخانه نظامی ساخته شد. براساس گزارش روزنامه، گنبدی وسیع و مرتفع بر جای مانده از بنایی قدیمی را به‌عنوان انبار تجهیزات نظامی و اسلحه‌خانه تعیین کردند و در دو طرف گنبد «دو باب خلوت مخصوص نشیمن صاحب‌منصبان» ساختند. به نظر می‌رسد گنبد مذکور از بقایای کاروان‌سرای نقش جهان باشد که محمد مهدی ارباب به آن اشاره کرده بود. به‌جز چند باب بالاخانه در سردر دروازه رو به باغ برای اسکان سرهنگ‌ها، در جلوخان این سربازخانه دو باب خلوت شامل سی‌ودو اتاق بزرگ برای فوج جلالی ساخته شد. در وسط هر یک از خلوت‌ها خیابان وسیعی هم برای عبور و مرور سربازان در هنگام مشق احداث شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ق، نمره ۳۸۱). به تصویر (۳) نگاه کنید. به نظر می‌رسد شماره (۵) محل انبار تجهیزات نظامی و اسلحه‌خانه و دو باب آن محل استراحت صاحب‌منصبان سربازخانه ناصری است و آن ردیف اتاق‌های سفید با پنجره‌های هلالی شکل (شماره ۶) بیمارخانه و دواخانه سربازخانه است. هم‌چنین با توجه به طاق‌نماها و پنجره‌های هلالی شکل تصویر (۱۱) نیز به نظر می‌رسد که این مکان سربازخانه ناصری باشد.



## تصویر ۱۱

سربازان فوج جلالی در سربازخانه ناصری  
(ساکنه، ۱۳۲۷/۲۵/۹۹۹)

هزینه ساخت این سربازخانه که با هدف اسکان فوج چهارمحال ساخته شد، در ابتدا به جز موجودی انبار دیوان، هفده هزار تومان تخمین زده شد؛ ولی با تغییر نقشه بنا و افزودن بناهای دیگر به سربازخانه به بیش از چهل و دو هزار تومان رسید (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۵ شوال ۱۳۰۳ق، نمره ۳۶۶ و ۲۱ صفر ۱۳۰۴ق، نمره ۴۰۴). در نسخه خطی «کتابچه مخارج بنائی سنه ماضیه ایتیل سربازخانه جدیدالبناء و سایر عمارات مبارکات» که توسط «معمدا الخاقان مصطفی قلی خان فراش باشی» تهیه شده است، ابتدا مخارج کلی سربازخانه و عمارات به صورت جداگانه آمده است و پس از آن، هر یک به صورت جزئی و ریز حساب به صورت روزانه نوشته شده است. تمامی صفحات کتابچه را مصطفی قلی خان مهر کرده و مقرب الخاقان میرزا حسین خان مستوفی بر محتوای آن در حاشیه برگ هفتم کتابچه در شوال ۱۳۰۴ق/جولای ۱۸۸۷م صحنه گذاشته و تأکید کرده است که «اسناد خرج از قبیل روزنامهچه، مقاطعه نامهچه و قبوضات موجود است» (نسخه خطی کتابچه مخارج بنائی سربازخانه و سایر عمارات، برگ ۱۰).<sup>۱</sup> در ربیع الثانی ۱۳۰۶ق/ژانویه ۱۸۸۹م نزدیک به دو سال پس از آن، صحنه دیگری بر حاشیه صفحه آغازین متن کتابچه دیده می شود که نشان دهنده بررسی دوباره اسناد مالی مصطفی قلی خان پس از برکناری اش از منصب فراش باشی و حکومت عراق است (بختیاری، ۱۴۰۲، صص ۵-۶).

۱. عنوان برخی از نسخه های خطی با عنوان ثبت شده در آرشیوها متفاوت است. در این نسخه خطی نیز عنوانی که محرر نسخه نوشته است با عنوانی که در آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ثبت شده است، متفاوت است.



ظل‌السلطان، جزئی‌ترین امور مربوط به این سربازخانه را به‌شخصه رسیدگی می‌کرد و چنانچه گفته شد، تغییراتی در نقشه بنا برای توسعه تشکیلات نظامی خود اعمال کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ق، نمره ۳۸۱). او در اواسط صفر ۱۳۰۴ق/ نوامبر ۱۸۸۶م مراسم افتتاحیه بزرگی «با حضور جمیع اصحاب مناصب مملکتی و لشکری و شاهزادگان عظام و امیرزادگان و جمعی از اعظام و اعیان فوج‌های جلالی و چهارمحل<sup>۱</sup>» برگزار کرد و به مصطفی قلی‌خان و مهندس سربازخانه خلعت پوشانید و از همه سربازان پذیرایی کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۱ صفر ۱۳۰۴ق، نمره ۴۰۴). سرتیپ واگنر در گزارش خود درباره سربازخانه ناصری نگاشته‌است: «سربازخانه فوج چهارمحالی به‌طرز خوش و وضع دلکشی تازه بنیاد و تمام شده‌است» (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۱۵). یک‌سال و نیم پس از افتتاح این سربازخانه، ظل‌السلطان از اریکه حکومت بر بیش از نیمی از کشور به زیر کشیده شد. او که در مراسم کلنگ‌زنی سربازخانه، هم‌قطاران خود را به تأسیس بناهای عام‌المنفعه فرامی‌خواند، نتوانست موقعیت خود را حفظ کند و تعداد سربازانش از بیست و یک‌هزار نفر به پانصد تن رسید که برای حفاظت از عمارت‌های دولتی هم کافی نبود. وجود سربازخانه‌ها و انبارهای تسلیحات نظامی که گمان می‌کرد توجه شاه را به استعداد لشکرپروری‌اش جلب می‌کند، تنها موجب «حسرت و مُنافی به پلتیک دولتش» شد و «در پیشگاه همایونی مبالغاتی به استعداد و استبداد عساکر تابعه [اش]» کردند (نسخه خطی یادداشت‌های جابری انصاری، کمام، برگ ۸) که نگرانی و وحشت پدر تاجدارش را در پی داشت (شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء، ۱۳۶۱، صص ۱۷۱-۱۷۲). ظل‌السلطان هم پس از آن‌که اطمینان حاصل کرد که دیگر به سریر قدرت باز نمی‌گردد، سربازخانه ناصری را که بارها شکوه و عظمت و سبک معماری آن را ستوده بود، خراب کرد و مصالح آن را فروخت.

## ۶. نتیجه‌گیری

ظل‌السلطان، فرزند ناصرالدین‌شاه بیش از سه دهه حکومت اصفهان را در دست داشت. او در دهه اول حکومت خود در اصفهان، تشکیلات نظامی گسترده‌ای شامل چهار سربازخانه، دو توپخانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی بنیان نهاد. ظل‌السلطان در کنار حکم سرپرستی فوج‌هایی که شاه به او می‌سپرد، در مناطق تحت حکومت خود هم، فوج نظامی مجهز تشکیل می‌داد؛ به طوری که حدود بیست و یک‌هزار سرباز شامل افواج ثلاثه اصفهان، افواج خمسه عراق، افواج اربعه کرمانشاهان، فوج کمره، فوج سیلاخور، فوج گلپایگان، فوج امرایی، فوج پشت‌کوهی و سواره بختیاری، فارس، بروجرد، کرمانشاهان<sup>۱</sup> چهارمحل.





و لرستان در خدمت او بودند. طبق محتوای کتابچه‌های مالی مواجب و سیورسات قشونِ ظل‌السلطان و گزارش‌های روزنامه فرهنگ اصفهان به نظر می‌رسد که دلیل موفقیت ظل‌السلطان در تشکیل قشون منظم، توجه مستمر او به آموزش و تربیت نیروی نظامی، پرداخت به موقع مواجب شش ماهه و سالیانه صاحب‌منصبان، سربازان، سواران و توپ‌چیان و تهیه تجهیزات نظامی و وسایل موردنیاز برای مشق قشون بوده است.

ظل‌السلطان برای هر فوج پیاده‌نظام و سواره و توپ‌خانه، سربازخانه مخصوص با میدان وسیع برای مشق نظام ساخته بود و چند انبار ذخیره برای رفع نیاز روزانه هر فوج در سطح شهر اصفهان و دیگر ولایات تحت حکومتش داشت. در سربازخانه‌های اصفهان، نهرهای آب جاری بود و اتاق‌های سربازان، سواران و توپ‌چیان، نور کافی، جای اسلحه و لباس و وسایل استراحت مناسب داشت. در هر سربازخانه اسباب و لوازم موردنیاز برای مشق و فنون نظامی موجود بود و هریک از فوج‌های پیاده‌نظام و توپ‌خانه در سربازخانه خود مشق ژیمناستیک می‌کردند. هم‌چنین هر سربازخانه، به مریض‌خانه برای سربازان مجهز بود. کودکان سربازان، توپ‌چیان و سواران در رده سنی بین شش تا چهارده سال همانند پدرانشان در مدرسه‌ای با هزینه شخصی ظل‌السلطان، خواندن و نوشتن، ریاضی، مشق نظام و ژیمناستیک می‌آموختند.

سربازخانه‌های چهارحوض، نقش جهان، فتحیه و ناصری جزو تأسیسات نظامی‌ای بودند که ظل‌السلطان با گسترده‌تر شدن قشونش ساخت و یا بنای آن‌ها را مطابق با سربازخانه مرمت کرد. براساس اسناد و مدارک، مباشر و کارپرداز عمرانی ساخت سربازخانه‌ها، مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی بوده است. سربازخانه چهارحوض نخستین بنایی بود که مصطفی‌قلی خان به دستور ظل‌السلطان با هدف اسکان سربازان و صاحب‌منصبان و پادگان مشق سربازان بازسازی و مرمت کرد. پس از آن حجره‌ها و فضای میدان نقش جهان را متناسب با کاربری انبار تسلیحات نظامی، اسکان سربازان و محل مشق نظامی و رژه سربازان به مدت دو ماه مرمت کرد. هم‌چنین او به دستور ظل‌السلطان کاروان‌سرای مادرشاه و بازارچه کنار آن را با هدف تغییر کاربری به انبار تسلیحات نظامی و سربازخانه سواره فتحیه، بازسازی و مرمت کرد. براساس گزارش روزنامه فرهنگ و تصویری که در «آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و شکارگاه‌های ظل‌السلطان» موجود است، روبه‌روی این کاروان‌سرا ساختمانی هم برای اسکان صاحب‌منصبان سواره‌نظام ساخته شد.

سربازخانه ناصری پس از عمارت مسعودی ظل‌السلطان در تهران، یکی از باشکوه‌ترین بناهایی بود که به دستور ظل‌السلطان در مدت چهار ماه ساخته شد. مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی، مباشر و کارپرداز عمرانی این بنا در نسخه خطی «کتابچه مخارج بنایی



سربازخانه و سایر عمارات»، شرح ریز مخارج ساخت سربازخانه را نگاشته است. این سربازخانه که در ابتدا با هدف محل اسکان فوج چهارم محال ساخته شده بود، به تدریج با تغییراتی که ظل السلطان در نقشه بنا ایجاد کرد، به محلی برای توسعه تشکیلات نظامی او تبدیل شد. پس از برکناری ظل السلطان از قدرت و کاهش تعداد سپاهیان به پانصد نفر، وجود سربازخانه‌ها به ویژه سربازخانه ناصری و انبارهای تسلیحات نظامی همچون خاری در چشم ناامید او بود؛ به همین دلیل او در کنار تعطیلی روزنامه فرهنگ اصفهان و تخریب بسیاری از بناهای تاریخی اصفهان، سربازخانه ناصری را نیز ویران کرد.

### منابع

#### نسخه‌های خطی

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کِمام)  
نسخه خطی آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و شکارگاه‌های ظل السلطان. شماره مدرک ۱۱۷۷۲.  
نسخه خطی رساله طبّی. شماره مدرک ۱۸۵۶۹-۱۰.  
نسخه خطی رساله مجددیه. شماره مدرک ۱۸۶۶۲.  
نسخه خطی قوانین تنظیمات ایران، شماره مدرک ۱۰۳۸۶۶۹.  
نسخه خطی کتابچه اسامی مشخصات صاحب منصبان و سربازان فوج جلالی. شماره مدرک ۲۹۲۸۷-۱۰.  
نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان. شماره مدرک ۷۶۹۱.  
نسخه خطی کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات. شماره مدرک ۲۹۱۷۷-۱۰.  
نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل السلطان و دستورالعمل درباره افواج و سوارها در قوی ئیل ۱۳۰۰. شماره مدرک ۲۹۲۶۳-۱۰.  
نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل السلطان و دستورالعمل درباره فوج سواری سنه ۱۳۰۰. شماره مدرک س ۱۰۳۲.  
نسخه خطی مواجب و سیورسات اطباء و جراحان افواج در قوی ئیل ۱۳۰۰. شماره مدرک ۲۹۶۳۸-۱۰.  
نسخه خطی مواجب و سیورسات افواج ولایت در اداره ظل السلطان قوی ئیل ۱۳۰۰. شماره بازیابی ۲۹۶۵۲-۱۰.  
نسخه خطی مواجب و سیورسات سوار و قراسوران مستحفظین ظل السلطان در سنه ۱۳۰۰. شماره مدرک س ۱۱۵۵/۷۵.  
نسخه خطی یادداشت‌های جابری انصاری. شماره مدرک ۱۳۵۸۸.

## اسناد منتشر نشده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۹۹۹/۲۵/۷۳۱۹؛ ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۱؛ ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۶؛ ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۷؛ ۹۹۹/۲۵/۷۴۱۵

کتابخانه بهروز نوری خواجهی: نقشه تاریخی دارالسلطنه اصفهان.

## اسناد منتشر شده

اسناد تاریخی خاندان غفاری. (ج ۲). (۱۳۸۵). (کریم اصفهانیان و بهرام غفاری و علی اصغر عمران، کوشش گران). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

صفائی، ابراهیم. (۱۳۴۹). اسناد نویافته. تهران: بابک.

صفائی، ابراهیم. (۱۳۵۰). اسناد برگزیده از سپه سالار، ظل السلطان، دبیر الملک. تهران: باشگاه ادبیات.

صفائی، ابراهیم. (۱۳۵۲). یک صد سند تاریخی. تهران: چاپخانه شرق.

صفائی، ابراهیم. (۲۵۳۵). برگ های تاریخ دوران قاجاریه. تهران: بابک.

## کتاب

آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما. (۲۵۳۶). افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. تهران: آگاه.

آصف، محمد هاشم. (۲۵۳۷). رستم التواریخ. (ج ۳). (محمد مشیری، مصحح و حاشیه نویس). تهران: امیر کبیر. الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف الاصفهان. (منوچهر ستوده، مصحح و حاشیه نویس). تهران: امیر کبیر.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. (ج ۳). (محمد اسماعیل رضوانی، محقق و مصحح). تهران: دنیای کتاب.

اوین، اوژن. (۱۳۶۲). ایران امروز. (علی اصغر سعیدی، مترجم و کوشش گر). تهران: زوآر.

تحویلدار، میرزا حسین خان. (۱۳۴۲). اصفهان. (محمد ستوده، کوشش گر). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات جغرافیایی.

جابری انصاری، میرزا حسن خان. (۱۳۷۸). تاریخ اصفهان. (جمشید مظاهری، کوشش گر). اصفهان: مشعل.

دالمانی، هانری رونه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. (محمد علی فره وشی، مترجم). تهران: امیر کبیر.

ژوبر، پیر آمده. (۱۳۴۷). مسافرت در ایران و ارمنستان. (علی قلی اعتمادمقدم، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

شاردن، ژان. (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. (ج ۴). (اقبال یغمایی، مترجم). تهران: توس.

شرح حال عباس میرزا ملک آراء. (۱۳۶۱). (عبدالحسین نوائی، کوشش گر). تهران: بابک.





- شیبانی، میرزا ابراهیم. (۱۳۶۶). *منتخب التواریخ*. تهران: محمدعلی علمی.
- ظل السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۲). *تاریخ سرگذشت مسعودی: زندگی‌نامه و خاطرات ظل السلطان همراه با سفرنامه فرنگستان*. تهران: بابک.
- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (ج ۳). (حسین نورصادقی، مترجم). تهران: اشراقی.
- فورو کاوا، نوبیوشی. (۱۳۸۴). *سفرنامه فورو کاوا*. (هاشم رجب‌زاده و کینیچی ئه اورا، مترجمان). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۲۶). *تحولات سیاسی نظام ایران*. تهران: کتاب‌خانه‌ی علی‌اکبر علمی و شرکاء.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱، ج ۲). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- گیلاتنز، پطرس دی سرکیس. (۱۳۷۱). *سقوط اصفهان*. (ج ۲). (محمد مهریار، مترجم). اصفهان: گل‌ها.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران*. (ج ۱). (ج ۲). (ایرج افشار، محقق و مصحح). تهران: اساطیر.
- ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. (ج ۲). (میرزا اسماعیل حیرت، مترجم). تهران: افسون.
- ویلسن، چارلز جیمز. (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. (ج ۲). (سید عبدالله، مترجم؛ جمشید دودانگه و مهرداد نیک‌نام، کوشش‌گران). تهران: طلوع.

## مقاله

- استودارت، کلنل. (۱۳۴۹). «گزارشی درباره ارتش ایران در زمان محمدشاه قاجار». (احسان‌الله اشراقی، مترجم). *بررسی‌های تاریخی*، ۵(۲)، صص ۱۲۳-۱۳۴.
- بختیاری، سمیه. (۱۳۹۸). «عراق در دوره حکومت مصطفی قلی خان فرّاش‌باشی». *گنجینه اسناد*، ۲۹(۲)، صص ۳۲-۷۱.
- بختیاری، سمیه. (۱۴۰۲). «مصطفی قلی خان، فرّاش‌باشی ظل السلطان در آیین اسناد و نسخه‌های خطی». *پژوهش‌نامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، [زودآیند].
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۶). «ورقی از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازگیری در ایران». *بررسی‌های تاریخی*، ۲(۲)، صص ۶۴-۹۲.

## مطبوعات

- روزنامه فرهنگ اصفهان، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۹۶ ق، نمره ۲.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، ۳ جمادی‌الآخر ۱۲۹۷ ق، نمره ۴۶.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ صفر ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۳.



- روزنامه فرهنگ اصفهان ۳ ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۸.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۱۶ شوال ۱۲۹۹ ق، نمره ۱۶۶.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۷ ذی قعدة ۱۳۰۱ ق، نمره ۲۷۳.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۳ محرم ۱۳۰۲ ق، نمره ۲۷۸.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۹ صفر ۱۳۰۲ ق، نمره ۲۸۶.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۱۴ رمضان ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۳.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۱ رمضان ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۴.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۵ شوال ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۶.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۵ ذی قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۰.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۹ ذی قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۱.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۱ صفر ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۴.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۳ ربیع الاول ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۷.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۴ صفر ۱۳۰۵ ق، نمره ۵۰۶.  
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۰۵ ق، نمره ۵۳۷.

#### مصاحبه منتشر نشده

زارعی، محمود. (۱۳۹۹). بازنستته آموزش و پرورش و اصفهان شناس (۵۶ ساله). موضوع مصاحبه: «اصفهان در دوره حکومت ظل السلطان». مصاحبه کننده: نگارنده. محل مصاحبه: میدان نقش جهان. آرشیو شخصی.

#### منابع لاتین

##### Photographic documents

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS\_MH02-02-0158-AL-FL / Public Domain Mark.  
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274607>

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS\_MH02-02-0160-AL-FL / Public Domain Mark.  
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274609>



### Book

Sheil, Lady. (1856). *Glimpses of Life and Manners in Persia*. London: William Clowes and Sons.

Stevens, Roger. (1964). *La Persia: The Land of the Great Sophy*. Milano: Officine Grafiche Garzanti.

*The National Geographic Magazine*. (1921). Washington: The National Geographic Society.

Walcher, Heidi A. (2008). *In the Shadow of the King: Zill al-Sultān and Isfahān under the Qājārs*, London: I.B Tauris & Co Ltd.

### Article

Benjamin, S. G. W. (1886). "Persia and the Persians". *Journal of the American Geographical Society of New York*, Vol. 18, pp 27-66, p64.

### English Translation of References

#### Manuscripts

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

"*Nosxe-ye xatti-ye ālbom-e 'ax-e abniye-ye qadimi-ye Esfahān va šekārgāh-hā-ye Zell-os-Soltān*" (The manuscript of the photo album of the old building of Isfahan and the hunting grounds of Zell al-Sultan). Document number 11772. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye tebbi*" (Manuscript of a medical treatise). Document number 10-18569. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye resāle-ye Majdiyyeh*" (Manuscript of Majdiyyeh treatise). Document number 18662. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye qavānin-e Tanzimāt-e Irān*" (Manuscript of Iran's regulations). Document number 1038669. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye ketābče-ye asāmi-ye mošaxxasāt-e sāheb-mansabān va sarbāzān-e foj-e Jalāli*" (Manuscript of the booklet of the names of the officers



and soldiers of the Jalali Regiment). Document number 10-29287. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye rāport-e nezāmi-ye Esfahān”** (Manuscript of Isfahan military report booklet). Document number 7691. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye maxārej-e bannāyi-ye sarbāz-xāneh va sāyer ‘emārāt”** (Manuscript of the booklet of construction expenses for barracks and other buildings). Document number 10-29177. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye mavājeb va siyursāt-e qoṣun-e Zell-os-Soltān va dastur-ol-‘amal darbāre-ye avfāj va savār-hā dar quy-il 1300”** (Manuscript of the salary and provisions booklet of Zell al-Sultan’s army and instructions on the troops and cavalry in the sheep year 1300 SH / 1921 AD). Document number 10-29263. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye mavājeb va siyursāt-e qoṣun-e Zell-os-Soltān va dastur-ol-‘amal darbāre-ye fowj-e savāri sane-ye 1300”** (The manuscript of the salary and provisions book of Zell al-Sultan’s army and the instructions on the cavalry in the year 1300 SH / 1921 AD). Document number 1032س. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye mavājeb va siyursāt-e atebbā’ va jarrāhān-e avfāj dar qoy-il 1300”** (Manuscript of salaries and supplies of army doctors and surgeons in the sheep year 1300 SH / 1921 AD). Document number 10-29638. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye mavājeb va siyursāt-e avfāj-e velāyat dar edāre-ye Zell-os-Soltān qoy-il 1300”** (Manuscript of wages and provisions of the provincial forces in Zell al-Sultan administration in sheep year 1300 SH / 1921 AD). Retrieval number 10-29263. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye mavājeb va siyursāt-e savār va qarāsūrān-e mostahfezin-e Zell-os-Soltān dar sane-ye 1300”** (The manuscript of the salaries and provisions of Zell al-Sultan’s guards and roadmen in the year 1300 SH / 1921 AD). Document number 1155/75س. [Persian]

**“Nosxe-ye xatti-ye yāddāšt-hā-ye Jāberī-ye Ansāri”** (Manuscript of Jaberi Ansari’s notes). Document number 13588. [Persian]



### Unpublished documents

Ketāb-xāne-ye Behruz-e Nuri-ye Xājavi: *“Naqše-ye Dār-os-saltane-ye Esfahān”* (Historical map of Isfahan as the capital of the Kingdom). [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 999/25/7319; 999/25/7321; 999/25/7326; 999/25/7327; 999/25/7415. [Persian]

### Published documents

*“Asnād-e tārixi-ye Xāndān-e Qaffāri”* (Historical documents of Ghaffari family) (vol. 2). (1385/2006). Edited by Karim Esfahanian, Bahram Ghaffari, & Ali Asghar Omran. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]

Safayi, Ebrahim. (1350/1971). *“Asnād-e bargozide az sepehsalar, Zell-os-Soltān, Dabir-ol-Molk”* (Selected documents from Sepehsalar, Zell al-Sultan, Dabir al-Mulk). Tehran: Bāšgāh-e Adabiyāt. [Persian]

Safayi, Ebrahim. (1349/1970). *“Asnād-e no-yāfteh”* (Newly-found documents). Tehran: Bābak. [Persian]

Safayi, Ebrahim. (1352/1973). *“Yeksad sanad-e tārixi”* (One hundred historical documents). Tehran: Čāpxāne-ye Šarq. [Persian]

Safayi, Ebrahim. (2535/1956). *“Barg-hā-ye tārixi-e dōwrān-e Qājāriyeh”* (The pages of the history of Qajar period). Tehran: Bābak. [Persian]

### Books

Adamiat, Fereidoun; & Nategh, Homa. (2536/1957). *“Afkār-e ejtemā’ee, siyāsi va eqtesādi dar āsār-e montašer-našode-ye dōwrān-e Qājār”* (Social, political and economic thoughts in the unpublished works of the Qajar era). Tehran: Āgāh. [Persian]

Al-Esfahani, Mohammad Mahdi Ibn Mohammadreza. (1368/1989). *“Nesf-e jahān fi ta’rif-el-Esfahān”* (Half of the world as a definition of Isfahan). Edited and annotated by Manouchehr Sotoudeh. Tehran: Amir Kabir. [Persian]



- Asef, Mohammad Hashem. (2537/1958). *“Rostam-ot-tavārix”* (Rostam al-Tavarikh) (3rd ed.). Edited and annotated by Mohammad Moshiri. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz (1906-1907)”* (La Perse d’aujourd’hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia]. Translated and edited by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Chardin, Jean. (1372/1993). *“Safar-nāme-ye Šārden”* (Voyages en Perse) [Trips in Iran]. (vol. 4). Translated by Eghbal Yaghmayi. Tehran: Tus. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1380/2000). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question). (vols. 1 & 2). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi va Farhangi. [Persian]
- D’Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). *“Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri”* (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: Three months of travel in Persia]. Translated by Mohammad Ali Farahvashi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1367/1988). *“Tārix-e montazam-e Nāseri”* (Naseri history in verse) (vol. 3). Researched and edited by Mohammad Esmael Rezvani. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Flandin, Eugene. (2536/1957). *“Safarnāme-ye Ožen Flanden be Irān”* (Voyage en Perse 1840 – 1841) [Travel to Iran 1840 – 1841] (3rd ed.). Translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Ešrāqi. [Persian]
- Furukawa, Nobuyoshi. (1384/2005). *“Safarnāme-ye Forukāvā”* (Travels of Nobuyoshi Furukawa member of the general staff the deputy of and first embassy of Japan to Persian). Translated by Hashem Rajabzadeh, & Kinji Eura. Tehran: Anjoman-e Āsār va Mafāxer-e Farhangi (Society for the National Heritage of Iran). [Persian]
- Ghaem Maghami, Jahangir. (1326/1947). *“Tahavvolāt-e siyāsi-ye nezām-e Irān”* (Political developments of the Iranian system). Tehran: Ketābxāne-ye ‘Ali Akbar-e ‘Elmi va Šorakā. [Persian]
- Gilantz, Peter D. Serkis. (1371/1992). *“Soqut-e Esfahān”* (Fall of Isfahan) (2nd ed.). Translated by Mohammad Mehryar. Esfahān: Golhā. [Persian]



- Jaberi Ansari, Mirza Hasan Khan. (1378/1999). *“Tārix-e Esfahān”* (The history of Isfahan). Edited by Jamshid Mazaheri. Esfahān: Maš'al. [Persian]
- Jaubert, Pierre Amedee. (1347/1968). *“Mosāferat dar Irān va Armanestān”* (Voyage en Armenie et en perse, fait dans les annees 1805 et 1806) [Travel to Armenia and Persia in the years 1805 and 1806]. Translated by Aligholi Etemad Moghaddam. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1374/1995). *“Čehel sāl tārix-e Irān”* (Forty years of Iranian history in Naser Al- Din Shah era) (vol. 1) (2nd ed.). Researched and edited by Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Malcolm, Sir John. (1380/2001). *“Tārix-e kāmel-e Irān”* (The history of Persia: From the most early period to the present time) (vol. 2). Translated by Mirza Esmaeel Heyrat. Tehran: Afsun. [Persian]
- “Šarh-e hāl-e Abbās Mirzā Molk-ārā”* (The biography of Abbas Mirza Molkara). (1361/1982). Edited by Abdolhossein Navaee. Tehran: Bābak. [Persian]
- Sheibani, Mirza Ebrahim (Sediq Al-Molk). (1366/1987). *“Montaxab ot-tavārix”* (The selection of histories). Tehran: Mohammad Ali 'Elmi. [Persian]
- Sheil, Lady. (1856). *Glimpses of life and manners in Persia*. London: William Clowes and Sons.
- Stevens, Roger. (1964). *La Persia: The land of the Great Sophy*. Milano: Officine Grafiche Garzanti.
- Tahvildar, Mirza Hossein Khan. (1342/1963). *“Esfahān”* (Geography of Isfahan: Natural and human geography and statistics and guilds of the city). Edited by Mohammad Sotoudeh. Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Tahqiqnāt-e Joqrāfiyāyi. [Persian]
- The National Geographic Magazine*. (1921). Washington: The National Geographic Society.
- Walcher, Heidi A. (2008). *In the shadow of the king: Zill al-Sultān and Isfahān under the Qājārs*, London: I.B Tauris & Co Ltd.
- Wilson, Charles James. (1366/1987). *“Tārix-e ejtemā'ee-ye Irān dar 'ahd-e Qājāriyeh”* (Social history of Iran in the Qajar era) (2nd ed.). Translate by Jamshid Dodangeh



and Mehrdad Niknam. Tehran: Tolu'. [Persian]

Zell Al-Soltan, Masoud Mirza. (1362/1983). "*Tārix-e sargozašt-e Mas'udi: Zendegi-nāmeḥ va xāterāt-e Zell-os-Soltān hamrāḥ bā safarnāme-ye Farangestān*" (Memoirs of Zell al-Sultan). Tehran: Bābak. [Persian]

### Articles

Bakhtiari, Somayyeh. (1398/2019). "Arāq dar dowre-ye hokumat-e Mostafā Qoli Xān Farrāš-Bāši" (Iraq (Region of Iran) under the rule of Mustafā Quli Khan (May 1887-January 1888)). *Ganjine-ye Asnād*, 29(2), pp. 32-71. [Persian]

Bakhtiari, Somayyeh. (1402/2023). "Mostafā Qoli Xān, Farrāš-Bāši-ye Zell-os-Soltān dar āyine-ye asnād va nosxe-hā-ye xatti" (Mostafā Qoli Khān, Farrāshbāshi of Zell-e Soltān in the mirror of documents and manuscripts). *Pažuheš-nāme-ye Motāle'āt-e Asnādi va Āršivi* (Documentary and Archival Studies Research), forthcoming. [Persian]

Benjamin, S. G. W. (1886). "Persia and the Persians". *Journal of the American Geographical Society of New York*, Vol. 18, pp 27-66, p64.

Ghaem Maghami, Jahangir. (1346/1967). "Varaqi az tārix-e arteš-e Irān: Tārixče-ye sarbāzgeri dar Irān" (A page from the history of the Iranian army: The history of enlistment in Iran). *Barresi-hā-ye Tārixī*, 2(2), pp. 64-92. [Persian]

Stadart, Colonel. (1349/1970). "Gozāreši darbāre-ye arteš-e Irān dar zaman-e Mohammad Šāh Qājār" (A report on the Iranian army during the time of Mohammad Shah Qajar). Translated by Ehsanollah Eshraghi. *Barresi-hā-ye Tārixī*, 5(2), pp. 123-134. [Persian]

### Press

Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 9 Jumada Al-Awwal 1296 AH / 1 May 1879, issue 2. [Persian]

Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Jumada Al-Thani 1297 AH / 13 May 1880, issue 46. [Persian]

Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 25 Safar 1298 AH / 27 January





- 1881, issue 83. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Rabi Al-Thani 1298 AH / 5 March 1881, issue 88. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 16 Shawwal 1299 AH / 31 August 1882, issue 166. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 27 Dhul Qadah 1301 AH / 18 September 1884, issue 273. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Muharram 1302 AH / 23 October 1884, issue 278. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 29 Safar 1302 AH / 18 December 1884, issue 286. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 14 Ramadan 1303 AH / 16 June 1886, issue 363. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 21 Ramadan 1303 AH / 23 June 1886, issue 364. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 5 Shawwal 1303 AH / 7 July 1886, issue 366. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 25 Dhul Qadah 1303 AH / 25 August 1886, issue 380. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 29 Dhul Qadah 1303 AH / 29 August 1886, issue 381. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 21 Safar 1304 AH / 19 November 1886, issue 404. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Rabi Al- Awwal 1304 AH / 30 November 1886, issue 407. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 24 Safar 1305 AH / 11 November 1887, issue 506. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 14 Jumada Al-Thani 1305 AH / 27 February 1888, issue 537. [Persian]



### Unpublished interview

Zareei, Mahmoud. (1399/2020). "Bāznešaste-ye Āmuzeš va Parvareš va Esfahān-šenās"  
(Retired teacher of the Ministry of Education and Esfahan expert) (56 years old).  
Interview subject: "Esfahān dar dowre-ye hokumat-e Zell-os-Soltān" (Isfahan during the reign of Zell al-Sultan). Interviewer: Author. Place of interview: Meydān-e Naqš-e Jahān (Naqsh-e Jahan Square). Personal archive. [Persian]

### Photographic documents

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS\_MH02-02-0158-AL-FL / Public Domain Mark.  
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274607>

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS\_MH02-02-0160-AL-FL / Public Domain Mark.  
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274609>







# Analyzing and investigating the disarmament of Javanrud's Jaf tribes (1941-1955)

Kayomarth Mirzaei<sup>1</sup> | Morteza Dehghannezhad<sup>2</sup> | Morteza Nouraei<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract

**Purpose:** Examining the rearmament of the Jaf Javanrud's Jaf tribes in 1320 SH/1941 AD, their refusal to disarm during the reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi, and the reasons for their disarmament by the central government in 1334 SH/1955 AD.

**Method and Research Design:** This research was conducted in a descriptive-analytical manner, relying on primary sources such as published documents, interviews, and library resources.

**Findings and Conclusion:** The findings of this research show that the Javanrud's Jaf tribes, due to the armed nature of Iranian and Iraqi tribes in proximity and fear of encroachment and looting of their territories by these tribes, was unwilling to accept disarmament. The central government, as the leaders of this tribe had repossessed their agricultural fields and former grazing lands, and were levying customs duties on imports and exports of goods in their border regions with Iraq, ultimately leading to their autonomy, decided to disarm this tribe.

**Keywords:** Javanrud's Jaf tribe; disarming; Pahlavi II; tribal autonomy.

**Citation:** Mirzaei, K., Dehghannejad, M., & Nouraei, M. (2023). Analyzing and investigating the disarmament of Javanrud's Jaf tribes (1955-1941). *Ganjine-ye Asnad*, 33(4), 96-120 | doi: 10.30484/ganj.2023.3095

1. Ph.D. Student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities,

University of Isfahan, Isfahan, Iran  
kayomarth1353@gmail.com

2. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (Corresponding author)

mdehqannejad@yahoo.com

3. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«132»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3095

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.4, Winter 2024 | pp: 96 - 120 (25) | Received: 5, Mar. 2019 | Accepted: 7, Jun. 2020

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

## خلع سلاح ایل جاف جوان رود (۱۳۲۰-۱۳۳۴ ش)

کیومرث میرزایی<sup>۱</sup> | مرتضی دهقان نژاد<sup>۲</sup> | مرتضی نورائی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** بررسی مسلح شدن دوباره ایل جاف جوان رود در سال ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م، نپذیرفتن خلع سلاح در دوره محمدرضا شاه و دلایل خلع سلاح آن به دست حکومت مرکزی در سال ۱۳۳۴ ش/۱۹۵۵ م.  
**روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش، به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع اولیه، همچون اسناد انتشارنیافته، مصاحبه و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** ایل جاف جوان رود به دلیل مسلح بودن ایلات ایرانی و عراقی هم‌جوارش و بیم از تجاوز و غارت قلمروش توسط آن ایلات حاضر نبود خلع سلاح را بپذیرد. حکومت مرکزی نیز چون سران این ایل مجدداً املاک مزروعی و چراگاه‌های سابق این ایل را تصرف کرده بودند و از واردات و صادرات کالاها در مناطق مرزی قلمرو ایلیاتی‌شان با عراق حقوق گمرکی می‌گرفتند که در نهایت به خودمختاری‌شان منجر شده بود تصمیم گرفت این ایل را خلع سلاح کند.

**کلیدواژه‌ها:** ایل جاف جوان رود؛ خلع سلاح؛ پهلوی دوم؛ خودمختاری ایلی.

**استناد:** میرزایی، کیومرث، دهقان نژاد، مرتضی، نورائی، مرتضی. (۱۴۰۲). خلع سلاح ایل جاف جوان رود (۱۳۲۰-۱۳۳۴ ش). گنجینه اسناد، ۳۳(۴)، ۹۶-۱۲۰ | ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۹۵ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۹۵

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
kayomarth@gmail.com | ۱۳۵۲
۲. استاد، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)  
mdehqannejad@yahoo.com
۳. استاد، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
m.nouraei@ltr.ui.ac.ir



### گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۹۵

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۹۶ - ۱۲۰ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۸

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

در زمان به قدرت رسیدن حکومت پهلوی در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۶م، حدود یک سوم جمعیت ایران را ایلات و عشایر تشکیل می داد. جامعه ایلی در ایران تا روزگار معاصر نقشی تعیین کننده در ساختار حکومت ها و در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا می کرد. ایلات در حوادث و رویدادهای متعددی که در آن بیم تجاوز بیگانگان به ایران می رفت در دفاع از استقلال کشور به مبارزه برمی خاستند و در این منازعات، وزنه ای سنگین و تعیین کننده بودند.

بیشتر سلسله های حاکم بر ایران تا قبل از دوره پهلوی، پیشینه ایلی داشتند و با پشتیبانی ایلات به قدرت می رسیدند. این حکومت ها ماهیتی غیر متمرکز داشتند و ارکان قدرتش، میان دولت مرکزی و رؤسای ایلات تقسیم شده بود. خود حکومت هم، خواستار حفظ این تقسیم قدرت بود؛ زیرا این رؤسای محلی، علاوه بر گردآوری مالیات های ایلی، وظیفه برقراری نظم و امنیت و اجرای قانون را نیز برعهده داشتند.

ضعف قدرت مرکزی در اواخر دوره قاجار و تشدید آن به علت جنگ جهانی اول و آشوب ها، ناامنی ها و هرج و مرج هایی که ایلات در مناطق مختلف به وجود آورده بودند، زمینه ساز پیدایش حکومتی شد که ساختار کثرت گرا و غیر متمرکز حکومت را به ساختاری اتوکراتیک و متمرکز تبدیل کرد. روند رویارویی حکومت پهلوی اول با ایلات و عشایر و حوادث پس از ورود نیروهای متفقین به ایران و سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ش/ سپتامبر ۱۹۴۱م نشان داد که آنچه ایلات را برای مدت کوتاهی مطیع حکومت مرکزی کرده بود فقط برتری نظامی خشونت بار ارتش بوده است و در این وضعیت جدید، ایلات دوباره مسلح شدند و کوچ روی خود را از سر گرفتند.

یکی از ایلاتی که در حکومت پهلوی اول در بهمن ۱۳۱۰ش/ فوریه ۱۹۳۲م خلع سلاح شده بود و سران آن تبعید و زندانی شده بودند ایل جاف جوان رود بود. این ایل با اشغال ایران توسط متفقین و سقوط رضاشاه و با بازگشت رؤسای عشایر از زندان ها و یا از تبعیدگاه های شان به قلمرو سابق خود، در صدد برآمد جایگاه ایلداری خود را بازسازی کند و با مسلح شدن دوباره، به روند سابق ایلداری خود برگشت. این ایل حدود ۱۵ سال در دوره پهلوی دوم خلع سلاح را نپذیرفت و آخرین تبلور جدی خود مختاری ایلی را از خود نشان داد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چرا ایل جاف جوان رود حاضر نبود خلع سلاح را بپذیرد؟



## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره خلع سلاح ایل جاف جوان رود، پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ ولی در قالب تحقیقات و کتاب‌هایی با عناوین کلی‌تر، اشاراتی به این موضوع شده است؛ از جمله: جلد دوم کتاب «جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان» اثر محمدعلی سلطانی (۱۳۷۲) و کتاب «جوان رود در گذر تاریخ» که شامل ۱۵ مقاله در ارتباط با مسائل متنوع شهر جوان رود از نویسندگان مختلف است و توسط فریدون میراحمدی گردآوری شده است. یکی دیگر از این کتاب‌ها، «دیوانی ناغا عینیه» مجموعه اشعار آقاعنایت، از سران عشایر جوان رود، است که چگونگی وقایع خلع سلاح عشایر در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۲ م و سال‌هایی را که خودش در زندان بود به صورت شعر درآورده است. کتاب دیگر «میثروی هوزی جاف» اثر خسرو جاف به زبان کردی است که در شهر اربیل در اقلیم کردستان عراق به چاپ رسیده است و اطلاعات تاریخی زیادی دارد. نقطه ضعف اصلی این کتاب، مستند نبودن آن است؛ ولی به دلیل حضور خود نویسنده در حوادث مرتبط، تا حدودی می‌تواند قابل استناد باشد. هم‌چنین کتاب «جاف جوان رود» اثر محی‌الدین صالحی (۱۳۹۷) نیز چون نویسنده، معاصر دوره پهلوی دوم بوده و در بعضی از رویدادها حضور داشته است، حائز اهمیت است.

## ۳. ایل جاف جوان رود از ابتدا تا پایان دوره قاجار

سکونتگاه اصلی ایل بزرگ جاف منطقه جوان رود است (مینورسکی، ۱۳۷۱، ص ۷۵۹، ص ۷۶۰؛ نیکیتین، ۱۳۷۸، ص ۳۵۰)؛ بنابراین در بسیاری از اسناد و مکاتبات از این ایل به نام ایل جوان رود نیز یاد شده است. در گذشته زندگی اصلی این ایل برپایه گله‌داری در مناطق مرزی ایران و عراق استوار بود (صالح، ۲۰۰۴، ص ۱۰۹). اهالی این ایل باتوجه به ویژگی‌های زندگی عشایری، کم‌وبیش تبعیت از قانون را نمی‌پذیرفتند (عبدالوحید، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹). طایفه بیگزادگان جوان رود از قدرتمندترین طوایف جوان رود بود. به رئیس این طایفه «وکیل» می‌گفتند که یکی از مناصب دستگاه والیان کردستان بود (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۱۵). در منابع، درباره ایل جاف تا پیش از دوران صفوی اطلاعات چندانی نیست و تنها به صورت پراکنده به آن‌ها در نواحی غربی ایران اشارتی شده است. شاه اسماعیل صفوی در زمان به قدرت رسیدن بسیاری از رؤسای کرد را خلع کرد و به جایشان، نزدیکان خود را به حکومت گماشت (بروینسن، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹). سلطان سلیم عثمانی نیز سعی کرد میان رؤسای قبایل کرد و به ویژه جاف‌ها با حکومت صفوی اختلاف ایجاد کند (بدلیسی، ۱۳۷۷، صص ۵۳۷-۵۳۹)؛ بنابراین برای تحقیر کلمه «پادشاه»، عنوان «پاشا» را به رؤسای

ایلات از جمله سران عشایر جاف دادند. از دوره شاه عباس اول، پادشاهان صفوی از تعداد محدودی از خاندان‌های کرد برای بازداشتن سلاطین عثمانی از دست‌اندازی بر زاگرس، حمایت کردند (مک‌داول، ۱۳۸۳، ص ۸۵). شاه‌عباس نیز برای تحقیر واژه «سلطان»، این عنوان را به برخی از رؤسای ایلات کرد جوان‌رود و گوران داد که به‌زبان کردی سلطان را «سان» می‌گفتند (بروینسن، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸).

قلعه جوان‌رود به دستور امان‌الله‌خان اردلان، والی کردستان، در سال ۱۲۶۱ق/۱۲۲۴ش ساخته شد. او بزرگان طوایف جاف را از مناطق اطراف جمع کرد و در اطراف قلعه اسکان داد. از این زمان، اداره جوان‌رود تحت نظارت مستقیم اردلان‌ها درآمد (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، صص ۷۰۱-۷۰۳؛ وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱، صص ۵۰-۵۱).

در دوران مشروطیت و در بلوای ایجادشده توسط سالارالدوله علیه حکومت مشروطه، اکثر ایلات کرد به دلیل ناآگاهی از اوضاع کشور و درک نادرست از حکومت مشروطه و نیز رقابت و اختلاف با حاکمان محلی و ایلات هم‌جوار، از بحران‌آفرینی سالارالدوله حمایت کردند که یکی از این ایلات ایل جاف جوان‌رود بود (کمام، م ۲، ک ۱۴۶، ج ۲/۱۵، ۳۵د). ولی بعد از این واقعه، ایل جاف جوان‌رود با قریب پانصد سوار تفنگچی در حمایت از مشروطه‌خواهی با هدف تسخیر شهر کرمانشاه به یارمحمدخان کرمانشاهی پیوست که این شهر در آن زمان تحت حاکمیت فرمان‌فرما، عموی شاه قاجار، بود. در این نبرد یارمحمدخان کرمانشاهی و عبدالکریم‌بیگ وکیل، هر دو، کشته شدند (سنجابی، ۱۳۸۰، صص ۲۱۴؛ صالحی، ۱۳۹۷، ص ۳۸۹). در این دو واقعه ایل جاف جوان‌رود بار اول از سالارالدوله حمایت کرد که خواستار به‌دست‌آوردن تاج و تخت بود و از مخالفان مشروطه به حساب می‌آمد و بار دوم به همراه یارمحمدخان مشروطه‌خواه به جنگ با فرمان‌فرمای مستبد پرداخت. از این موضوع چنین می‌توان نتیجه گرفت که این ایل به دلیل اختلاف با حکومت مرکزی و حاکمانی که برای مناطق غربی کشور تعیین می‌شدند، برای رسیدن به خواسته‌های خود از هر گروه یا شخصی که علیه حکومت مرکزی یا حاکمان تابع آن‌ها به شورش دست می‌زد حمایت می‌کردند.

در جریان جنگ جهانی اول و هنگام تشکیل دولت موقت در کرمانشاه هم، ایل جاف جوان‌رود حمایت خود را از این دولت اعلام کرد و به جنگ با ارتش روسیه پرداخت (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲) که یکی از درگیری‌های مشهور آن در سال ۱۳۳۴ق/۱۲۹۵ش بود که سپاه روس به سرکردگی مامانوف از نیروهای این ایل در منطقه جوان‌رود به‌سختی شکست خورد (مردوخ روحانی، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۵۶۱-۵۶۷). با انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش) نیروهای روس که دستور عقب‌نشینی و ترک ایران به آن‌ها داده شده





بود، در اطراف دشت حر در منطقه ثلاث باباجانی، با کمین عشایر ایل جاف جوانرود مواجه شدند و یکصد نفرشان کشته شدند و بقیه نیز با به زمین گذاشتن سلاح‌های خود فرار کردند (سنجایی، ۱۳۸۰، صص ۴۰۵-۴۰۶).

در سال ۱۳۰۳ش به دلیل اختلافاتی که میان عشایر جاف و اردلانی‌ها پیش آمد، حبیب‌الله‌خان باباجانی (نظام‌الایاله) توانست اتحادیه‌ای از طوایف جاف تشکیل دهد و منطقه جوانرود را از تابعیت اردلان‌ها خارج کند و مستقل کند (وقایع‌نگار کردستان، ۱۳۸۱، صص ۲۶۰-۲۶۶؛ سنندجی، ۱۳۷۵، صص ۳۸۴).

#### ۴. پهلوی اول و ایلات

در دوران پیش از حکومت پهلوی، نفوذ و قدرت ایلات و عشایر به اندازه‌ای بود که دولت‌های خارجی صاحب منافع در ایران را وادار می‌کرد که علاوه بر ارتباط با دولت مرکزی با سران عشایر نیز رابطه برقرار سازند و دولت‌های خارجی نمی‌توانستند این وزنه پر قدرت را در معادلات سیاسی ایران نادیده بگیرند (لنچافسکی، ۱۳۵۱، صص ۳۱۲).

در اولین سال‌های حکومت رضاشاه، اقداماتی برای کنترل اقوام و اسکان و خلع سلاح ایلات به عمل آمد. هدف اصلی این کار از میان برداشتن مراکز قدرتی بود که روزی امکان داشت قدرت مرکزی را تهدید کنند. رضاشاه از سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م، یعنی در دورانی که وزیر جنگ بود، این کشمکش را آغاز کرد و تا پایان سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۲م ساختارهای سیاسی ایلات را از بین برد؛ رهبران آن‌ها را اعدام و یا زندانی کرد؛ زمین‌ها و چراگاه‌هایشان را مصادره کرد و ضمن اسکان اجباری ایلات، به صورت مستقیم آن‌ها را تحت کنترل خود درآورد و به این ترتیب قدرت سیاسی و نظامی ایلات را نابود کرد (Garthwaite, 1983, p159). برای بعضی از ایلاتی که رهبران‌شان زندانی، اعدام و یا تبعید شده بودند رهبرانی از میان ارتشیان انتخاب شد (امان‌اللهی، ۱۳۳۸، صص ۲۴۲). از کوچ ایلات جلوگیری می‌شد و معمولاً برای اسکان آن‌ها، مناطق مناسب در نظر گرفته نمی‌شد؛ آموزش، امکانات و ادوات کشاورزی به ایلات داده نمی‌شد و املاک اشخاص تبعیدی غصب می‌شد (لمبتون، ۱۳۴۵، صص ۴۲۹). چون برنامه اسکان عشایر بدون ارائه راه حل مناسب اقتصادی انجام شد، راه امرارمعاش مناسبی در مقابل ایلات اسکان یافته قرار نداشت و اکثر آن‌ها زندگی سختی را می‌گذراندند (کدی، ۱۳۸۵، صص ۱۸۶). شیوه خشن و به‌دوراز موازین انسانی در مهار عشایر به بیگانگی مردم با حکومت منجر شد که این نارضایتی در مناطق غیرفارس‌زبان بیشتر شدت داشت (کاتم، ۱۳۷۱، صص ۸۹-۱۰۷).



فرایند تمرکزگرایی حکومت پهلوی اول، حکومت و ایلات را به عنوان دو قدرت در برابر یکدیگر قرار داد. حکومت، ایلات خودمختار را سدی در برابر مدرنیزه کردن ایران می دانست و رؤسای ایلات نیز توسعه تسلط حکومت را تهدیدی برای حاکمیت محلی خود می دانستند و به همین دلیل در برابر آن قد علم کردند.

یکی از ایلاتی که رضاخان، در دوره‌ای که وزیر جنگ بود تصمیم گرفت آن را خلع سلاح کند ایل جاف جوانرود بود. این ایل در اواخر دوران قاجار مشکلاتی را برای حکومت مرکزی پیش آورده بود که از جمله آن‌ها به شکایاتی از این ایل درباره غارت و تجاوز به مناطق دیگر (کمام، م، ۲، ک، ۱۵۶، ج، ۲۵، د، ۴) و اشکال تراشی‌هایی برای نپرداختن مالیات می توان اشاره کرد (کمام، م، ۲، ک، ۱۵۶، ج، ۲۵، د، ۲). در ۱۳۰۳ ش/۱۹۲۴ م ارتش با نیرویی به فرماندهی گریش خان به جوانرود حمله کرد و عشایر آنجا را خلع سلاح کرد و در قلعه جوانرود استقرار یافت. رفتار گریش خان در منطقه در تضاد با اعتقادات دینی و بافت عشایری مردم بود و عبدالرحمان بیگ، وکیل جوانرود، با توجه به این امر، در سال ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م عشایر را علیه او شوراند و پادگان قلعه محاصره شد. علاوه بر این، وکیل از جعفرسان، رئیس عشایر اورامان لهنون که باهم نسبت خانوادگی داشتند، کمک درخواست کرد و با پیوستن نیروهای کمکی جعفرسان حلقه محاصره تنگ تر شد و گریش خان با لباس مبدل فرار کرد و نیروهای ارتشی قلعه مجبور شدند تسلیم شوند (استادوخ، ۶-۴۹-۱۳۰۵) و تمامی تجهیزات آن‌ها به دست عشایر جوانرودی افتاد (رزم‌آرا، ۱۳۹۵ ص ۱۱). با به قدرت رسیدن حکومت پهلوی، طرح خلع سلاح عشایر جوانرود در سال ۱۳۰۵ ش/۱۹۲۶ م دوباره کلید خورد. در آغاز سعی شد از طریق مذاکره و با استفاده از نفوذ علمای دینی، این برنامه اجرا شود؛ ولی چون این تلاش‌ها مثمر واقع نشد در مرحله بعد از قوه قهریه استفاده شد (مؤمنی، ۱۳۵۸، ص ۲۶). از این زمان تا پایان سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۲ م مأموران حکومتی اعم از کشوری و لشکری نتوانستند به جوانرود برگردند و عبدالرحمان بیگ، وکیل جوانرود، این منطقه را اداره می کرد (سلطانی، ۱۳۷۲، صص ۲۰۴-۲۰۵). در این مدت عشایر جاف با شیخ محمود که در کردستان عراق جنبشی استقلال طلبانه را به راه انداخته بود، در ارتباط نزدیک بودند (بارل، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۲۴۴). در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۱ م رضاشاه برای پیشبرد روند خلع سلاح عشایر جوانرود و پاوه به کرمانشاه سفر کرد و در آنجا به رزم‌آرا برای عملیات نظامی برای سرکوب عشایر آن مناطق دستور داد. جعفرسان، رئیس ایل اورامان لهنون، به عناصر دولتی اجازه نمی داد به مناطق پاوه و جوانرود نفوذ کنند و چندین بار نیروهای نظامی را خلع سلاح کرده بود (استادوخ، ۱۳-۲۲-۱۳۱۰). با شروع این عملیات به فرماندهی رزم‌آرا، جعفرسان به



کردستان عراق فرار کرد و روند خلع سلاح سرعت یافت (ساکما، ۲۹۶/۲۵۸/۴۸؛ رزم آرا، ۱۳۸۲، صص ۸۲-۱۰۰) و عشایر جوان رود پس از یک ماه مقاومت سلاح‌های خود را تحویل دادند (هاشمی، ۱۳۷۸، صص ۲۶-۲۷).

پس از تسلط دولت بر این مناطق، در بهمن ماه ۱۳۱۰ ش/فوریه ۱۹۳۲ م ظرف چند روز از مریوان تا قصرشیرین اکثر سران عشایر را بازداشت کرد. حکومت در جوان رود نیز در روز ۲۸ بهمن ۱۳۱۰ ش/۱۸ فوریه ۱۹۳۲ م سران عشایر را احضار و سپس همه آنها را دستگیر کرد (هاشمی، ۱۳۷۸، صص ۲۶-۲۹) و پس از چند روز بازداشت، در روزی برفی، در مسیری پر از گل ولای، در حالی که دست‌های آنها را به هم بسته بود، با پای پیاده به کرمانشاه و سپس به تهران انتقال داد (هاشمی، ۱۳۷۸، صص ۲۸-۳۷؛ سلطانی، ۱۳۷۲، صص ۲۴۷-۲۷۵). با به بند کشیده شدن سران ایل جاف جوان رود، مراتع آنها به ایلات هم‌جوار واگذار شد و املاک مزروعی این ایل جزء املاک خصوصی رضاشاه درآمد (گروه جامی، ۱۳۷۱، ص ۵۳۹) و در نتیجه خانواده‌های آنها در فقر و تنگدستی، زندگی بسیار سختی را سپری می‌کردند (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۳۶۳). بزرگان ایل نیز از پنج تا ده سال به حبس محکوم شدند و در زندان‌های تهران، اصفهان، کاشان و قم دوران محکومیت خود را در وضعیت اسفناکی می‌گذراندند (هاشمی، ۱۳۷۸، صص ۳۸-۳۹) و تعدادی از آنها در زندان مردند که از جمله می‌توان به عبدالرحمان بیگ وکیل، رئیس ایل جاف جوان رود، اشاره کرد که به ده سال زندان محکوم شد (ساکما، ۲۰۸ و ۲۹۴/۵۵۱/۲۰۷) و پس از گذراندن ۸ سال از محکومیتش، در زندان قصر قجر تهران به طرز مشکوکی جان خود را از دست داد (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۳۶۵).

## ۵. دوره عدم تسلط دولت بر ایلات و عشایر (۱۳۲۰-۱۳۲۴ ش/۱۹۴۱-۱۹۴۵ م)

با اشغال مناطق غربی ایران توسط ارتش متفقین و از هم پاشیدن ارتش ایران و خروج کامل آن از این مناطق و بعد از آن سقوط پهلوی اول، رؤسای عشایر از زندان‌ها و یا از تبعیدگاه‌هایشان به منطقه ایلپاتی خود بازگشتند و در صدد برآمدن تا سازمان ایل و جایگاه ایلپاتی خود را تجدید کنند (فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۹۲). فرزندان و بستگان رؤسای ایل‌هایی که اعدام شده بودند و یا در زندان‌ها جان خود را از دست داده بودند، رهبری ایل خود را برعهده گرفتند (Beck, 1986, p189). در این دوره القابی مانند خان، سلطان (سان) و بیگ که در دوره رضاشاه به کاربردن آن الغاء شده بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۸) دوباره رواج یافت و حتی در مکاتبات رسمی حکومت نیز از آن استفاده می‌شد (ساکما،



۱۰/۱۷۹۹/۲۹۳). می‌توان دوره (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۱-۱۹۴۵م) را دوره عدم استیلای دولت بر ایلات و عشایر دانست که در آن عشایر به استبداد رضاشاهی واکنش نشان دادند (کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۲، ص ۷۹۹).

یکی از ایلاتی که پس از سقوط پهلوی اول سازمان ایلی خود را تجدید کرد، ایل جاف جوانرود بود. با توجه به مرگ عبدالرحمان بیگ، وکیل و رئیس ایل جاف جوانرود، براساس سنت عشایری پسر بزرگش، محمدبیگ، به مقام وکالت می‌رسید؛ ولی چون او هنوز در زندان بود، قادریگ، برادر کوچک‌تر او، به نیابت وکیل، اداره امور ایل را برعهده گرفت. در این دوره حکومت سعی کرد با تشکیل هنگ‌های ژاندارمری بومی توسط عشایر، امنیت مناطق را تأمین کند و در جوانرود نیز با دادن درجه ستوان‌سومی افتخاری به قادریگ، فرماندهی این هنگ را به او واگذار کرد (صالحی، ۱۳۹۷، صص ۳۶۵-۳۶۶). در این مدت ۵ سال تمامی مناطق و چراگاه‌هایی که قبلاً در اختیار ایل جاف جوانرود بود و در دوره پهلوی اول از کنترل آن‌ها خارج شده بود دوباره به تصرفشان درآمد. آن‌ها برای به دست آوردن این چراگاه‌ها و مناطق بیلافی خود، درگیری‌هایی هم با ایل‌های مجاور خود داشتند؛ مثلاً در شمال جوانرود، با تصرف روستاهای اطراف پاوه، محور مواصلاتی پاوه به باینگان و روانسر را قطع کردند و این شهر را به محاصره درآوردند (ساکما، ۱۸۰۲/۱۱/۲۹۳). آن‌ها با تصرف چراگاه‌های سابق خود در جنوب جوانرود باعث شکایت طوایف باباجانی و قبادی شدند (ساکما، ۱۸۰۲/۴/۲۹۳). وزیر کشور نیز به ریاست ژاندارمری کل، دستور سرکوب ایل جاف جوانرود و برقراری مجدد امنیت در منطقه را صادر کرد (ساکما، ۱۸۰۲/۹/۲۹۳) و به همین منظور، هنگی به فرماندهی سرهنگ بیگدلی به مناطق بین جوانرود و روانسر اعزام شد که با پرواز هواپیماها و شلیک توپ، باعث واهمه عشایر جوانرود شدند و آن‌ها را به عقب‌نشینی به مناطق اصلی خود وادار کردند. با فعالیت کنسول انگلیس در کرمانشاه، اکثر ایلات منطقه علیه ایل جاف باهم متحد شده بودند (کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۷۹، صص ۳۴۹)؛ ولی ایل جاف جوانرود با سیاست‌های انگلیس در منطقه مخالف بود. جنگ ایلات دیگر علیه ایل جاف به تشویق کنسول‌گری انگلیس در کرمانشاه بود و سرهنگ فلیچر، فرمانده نیروهای نظامی انگلیس در کرمانشاه، نیرویی را برای کمک به نیروهای ارتش ایران، برای وادار کردن جوانرودی‌ها به عقب‌نشینی از پاوه، فرستاد که این نیرو در مسیر بین روانسر و جوانرود مستقر شدند. سرهنگ بیگدلی با فرستادن پیک‌هایی همچون غلام‌حسین خان اردلان، رؤسای عشایر جوانرود را به صلح ترغیب کرد و بدین‌گونه دوباره امنیت در منطقه برقرار شد (صالحی، ۱۳۹۷، صص ۳۶۸-۳۷۱).



## ۶. دوره تلاش دوباره دولت برای تسلط بر عشایر (۱۳۲۵-۱۳۳۱ ش/۱۹۴۶-۱۹۵۲ م)

در سال ۱۳۲۴ ش/۱۹۴۵ ش ایل جاف جوانرود دوباره با به تصرف در آوردن مناطق بیلاقی اطراف پاوه باعث شکایت بخشدار پاوه - که خود از بزرگان ایل اورامان لهن بود - به فرمانداری کردستان از تجاوزهای متعدد ایل جاف جوانرود شد (ساکما، ۲۹۳/۱۸۰۲/۷). فرمانداری کردستان نیز طی نامه‌ای به وزارت کشور و بیان اینکه چون ایل جاف جوانرود خود را تابع فرمانداری کردستان نمی‌داند، خواستار توجه ویژه دولت برای رفع تعدی و جلوگیری از زیاده‌روی‌های آن‌ها شد (ساکما، ۲۹۳/۱۸۰۲/۵). به همین منظور، در سال ۱۳۲۵ ش/۱۹۴۶ م ارتش با دادن اطلاعیه‌ها و اخطارهای متعدد به ایل جاف جوانرود، خلع سلاح آن‌ها را خواستار شد و با پذیرفتن این امر از طرف رؤسای ایل، نیرویی را به منطقه فرستاد. عشایر جوانرود نیز با فرستادن خانواده‌های خود به نقاط کوهستانی، تصمیم گرفتند مقابله کنند که این بار ارتش به دادن اخطارهایی مبنی بر عدم مبارزه مسلحانه عشایر با دولت و پذیرفتن آن توسط آن‌ها اکتفا کرد و نیروهای خود را به کرمانشاه برگرداند (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۱).

پس از تأسیس جمهوری کردستان در مهاباد به رهبری قاضی محمد، اکثر عشایر کردستان به حمایت از آن پرداختند. در منطقه جوانرود و پاوه نیز کمیسیونی متشکل از بیگزادگان جوانرود و لهن تشکیل شد (ساکما، ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۱۵) و شایعات حاکی از آن بود که سلاح و مهمات، بین افرادی از آن منطقه که علیه دولت اقدام می‌کردند توزیع شده است. مقداری از این سلاح و مهمات از طریق رودبار به منطقه منتقل شده بود (ساکما، ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۱۷؛ ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۱۹؛ ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۲۱). در جلسات بعدی کمیسیون برای تشویق بیگزادگان منطقه برای حمایت از جمهوری کردستان، افسری روسی با لباس کردی که هویت آن مشخص نیست در مذاکرات آن‌ها حضور داشت. پس از اتمام مذاکرات، میرزا محمد محمودی (افواهی) که سخنگویی توانا بود و در جوانرود شغل معلمی داشت (غفوری، مصاحبه، ۹۷/۱۰/۱۸) در رأس هیئتی به نمایندگی از سران عشایر جوانرود همراه با آن افسر روسی عازم تبریز شد و در آنجا با پیشه‌وری ملاقات کرد و سپس به مهاباد رفت (ساکما، ۲۹۳/۲۱۹۴/۴؛ ۲۹۳/۲۱۹۴/۵؛ ۲۹۳/۲۱۹۴/۱۲) و ضمن شرکت و سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مهاباد، با قاضی محمد دیدار کرد و به نمایندگی از محمدبیگ وکیل، حمایت ایل جاف جوانرود را از آن جمهوری اعلام کرد و قاضی محمد این حمایت را موهبتی برای جمهوری دانست. بعد از این ملاقات، یک صد و پنجاه سوار جنگجو از عشایر ایل جاف جوانرود به ارتش جمهوری کردستان

پیوستند (صالحی، ۱۳۹۷، صص ۳۷۵-۳۷۷). رزم آرا به صراحت از پیوستن عشایر ایل جاف به جمهوری کردستان ابراز نگرانی کرد (رزم آرا، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰). پس از سقوط جمهوری کردستان، حکومت با اطلاعات دقیقی که از ارتباط سران عشایر جوانرود با آن جمهوری داشت، دوباره سرکوب عشایر جوانرود را در برنامه خود قرار داد و به همین منظور در سال ۱۳۲۷ش/۱۹۴۸م ضمن اعزام تیپ مستقل کرمانشاه به طرف جوانرود، به رؤسای عشایر آنجا پیام خلع سلاح داد (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۲). محمدبیگ، وکیل جوانرود، نیز که از مذاکرات با تیپ کرمانشاه مبنی بر نگهداری مقداری از سلاح‌های خود به نتیجه نرسیده بود، به نیابت از ایل خود، از مجلس شورای ملی درخواست کرد که نیمی از سلاح‌هایشان را تحویل دولت دهند و نیمی دیگر از سلاح‌ها را به دلیل هم‌جواری با عشایر مسلح عراق و نیز دفاع در برابر راهزنان و دیگر عشایر اطراف خود نگهدارند (کمام، ۲۰۱۱ج ۶-۷د ۲۸) که این درخواست پذیرفته نشد و دولت با هواپیما اعلامیه‌هایی را در مناطق مرزی مبنی بر درخواست جدی از عشایر ایل جاف جوانرود برای تحویل سلاح‌های خود و تشویق آن‌ها به این امر پخش کرد (ساکما، ۲۹۰/۷۱۹۱/۱).

این بار دولت با تطمیع ایلات سنجابی، قل‌خانی و گوران، این ایلات را با خود هماهنگ کرد و آن‌ها نیز نیروهای مسلح خود را به سمت جوانرود حرکت دادند و با نیروهای ارتش همکاری کردند. قوای دولتی از ارتفاعات پشت روستاهای شرق جوانرود، قلعه جوانرود را با توپ و خمپاره هدف قرار داد و هواپیماها نیز ضمن بمباران منطقه و روستاهای اطراف آن، سعی کردند عشایر جوانرود را به تسلیم وادار کنند. ولی با صدور فتوای جهاد مردم جوانرود توسط یکی از مفتی‌های بزرگ منطقه به نام علامه ملاعبدالمجید موحد علیه نیروهای دولتی و علیه عشایر هم‌جوار ایل جاف جوانرود که با دولت همراه شده بودند و بسیج اکثر عشایر ایل جاف جوانرود، نیروهای دولتی و عشایر متحد آن‌ها نتوانستند به پیشروی بپردازند و ادامه جنگ برای آن‌ها سخت شد و به ناچار عقب‌نشینی کردند (موحد، مصاحبه، ۱۳۹۸/۳/۹). درحین عقب‌نشینی، عشایر گوران، قل‌خانی و سنجابی، روستاها و مزارع و علفزارهای مناطق شرق جوانرود را آتش زدند و به تلی از خاکستر مبدل کردند که مالکان تعدادی از این روستاها همانند «ترکیان»، «کلی»، «خوش‌مکان علیا»، «خوش‌مکان سفلی» و «تپه‌ور» که پیش از آغاز جنگ، ضمن اعلام براءت از همراهی با عشایر جوانرود، تمامی سلاح‌های خود را به ارتش تحویل داده بودند و خلع سلاح را پذیرفته بودند به این کار اعتراض کردند (کمام، ۲۰۱۱ج ۶-۷د ۲۸). در این جنگ، تعدادی از سران عشایر جوانرود و نیروهای دولتی و عشایر متحد دولت کشته شدند. پیامد این نبرد این بود که دولت، دسته ژاندارمری افتخاری جوانرود را که



از افراد بومی تشکیل شده بود، منحل اعلام کرد و رئیس دسته، قادریبگ رستمی را خلع درجه کرد (صالحی، ۱۳۹۷، صص ۳۷۱-۳۷۴). با این اقدام، کانال ارتباطی دولت با منطقه جوانرود به طور کامل مسدود شد.

تلاش دولت برای خلع سلاح ایل جاف جوانرود در اواخر اسفند ۱۳۲۸ (اطلاعات، شماره ۷۲۱۸، ۱۳ شهریور ۱۳۲۹) و سال ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۵۰ م دوباره از سر گرفته شد (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۷). دولت علاوه بر آن، املاک مزروعی جوانرود را جزو املاک خصوصی شاه ایران در آورد و بدین ترتیب مالکان علاوه بر پرداخت مالیات معمول که به صورت جنس بود بایستی نیمی از محصول را هم به عنوان بهره مالکانه املاک اختصاصی شاه تحویل می دادند که سرپیچی ایل جاف جوانرود را به دنبال داشت (گروه جامی، ۱۳۷۱، ص ۵۳۹). در تابستان ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۵۰ م بار دیگر ارتش، تیپ مستقل کرمانشاهان را با همکاری نیروهایی از تیپ های لرستان و کردستان، برای تسخیر جوانرود و خلع سلاح عشایر آنجا اعزام کرد و آن ها را به سوی گردنه پلنگانه، واقع در ۵ کیلومتری شمال جوانرود، حرکت داد و در اختاریه هایی که با هواپیما بر روی قلعه جوانرود و روستاهای اطراف پخش کرد به عشایر منطقه دستور داد که خلع سلاح را بپذیرند که این درخواست از سوی عشایر رد شد (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۷). در این جنگ نیز عشایر هم جوار ایل جاف جوانرود به ویژه ایل اورامان لهون با ارتش همراهی کردند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۴). هنگامی که نیروهای دولتی به گردنه رسیدند، جنگ شدیدی بین دو طرف در گرفت که باتوجه به آمادگی عشایر جوانرود و سنگر بندی هایی که از قبل در این گردنه و در مسیرهای نرسیده به گردنه کرده بودند و آشنایی کاملی که از موقعیت جغرافیایی منطقه داشتند نیروهای دولتی تلفات سنگینی دادند و با به آتش کشیده شدن علفزارهای اطراف روستای بُنچله به دست نیروهای ایل جاف تعدادی از تانک ها و خودروهای دولتی در آتش سوختند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۱). دو فروند هواپیمای دولتی هم مورد اصابت قرار گرفت و سرنگون شد (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۷) که ارتش در یکی از گزارش های خود به اصابت قرار گرفتن یکی از این هواپیماها اشاره کرده است (ساکما، ۸۹ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۸).

در بعضی از اسناد این دوره، همچون اعلامیه تیپ کرمانشاه درباره خلع سلاح عشایر (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۶۴۵) و نامه عدم ارسال مرسولات پستی پاوه و نوسود به علت شروع جنگ نیروهای دولتی با ایل جاف جوانرود (ساکما، ۷۹ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۸)، تاریخ شروع درگیری ها ۱۱ شهریور ۱۳۲۹ ش/ ۲ سپتامبر ۱۹۵۰ م ذکر شده است. در این درگیری ها که در تاریخ سیزدهم و چهاردهم شهریور/چهارم و پنجم سپتامبر ۱۹۵۰ م با شدت بیشتری در منطقه مله پلنگانه ادامه داشت تعداد زیادی از درجه داران و سربازان و عشایر طرفدار

دولت کشته و زخمی شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۶؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۹۰) که مجروحان برای مداوای اولیه به وسیله کامیون به روانسر منتقل می شدند و سپس در بیمارستان تیپ ارتش و بیمارستان آمریکایی ها در کرمانشاه بستری می شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۸؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۴). در این دو روز هواپیماهای بمب افکن قریب شش بار خانه های مسکونی مردم را بمباران کردند (اطلاعات، شماره ۷۲۱۸، ۱۳ شهریور ۱۳۲۹).

نیروهای ارتش که در سرکوب ایل جاف جوانرود پیشرفت چشمگیری نداشتند، از مرکز به منطقه درگیری نیروهای کمکی اعزام کردند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۲) و با مسلح کردن ایل های هم جوار جوانرود سعی کردند حلقه محاصره را تنگ تر کنند که در مرحله اول ۵۰۰ نفر از ایل گوران و قل خانی و ۵۰۰ نفر از ایل سنجایی توسط تیپ کرمانشاه مسلح شدند و به کمک نظامیان آمدند (ساکما، ۸۹ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۸). علاوه بر آن، طایفه اللهیارخانی که یکی از طوایف ایل سنجایی بود، «با ۱۳۸ قبضه تفنگ برنو و ۲۵ قبضه تفنگ طیاره شکن تجهیز شدند و به سمت جوانرود حرکت کردند» (ساکما، ۹۸ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۹۷؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۶۰۲؛ ۲۹۳/۲۲۲۶/۹۱). علاوه بر ۴ فروند هواپیمای تیپ کرمانشاه، ۷ فروند هواپیمای دیگر از مرکز اعزام شدند و در این عملیات شرکت داشتند (ساکما، ۸۹ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۸). فرماندهان لشکر نیز به همراه افسری آمریکایی، با هدف بررسی اوضاع، وارد منطقه شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۴؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۳). عشایر جوانرود نیز سلاح های مورد نیاز خود را به صورت قاچاق از عراق (غفوری، مصاحبه، ۹۷/۱۰/۱۸) و یا از رابطین خود در کرمانشاه، مانند خانواده معین، مدیر داروخانه صحت، تهیه کردند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۶؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۰؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۱۱؛ ۲۹۳/۲۲۲۶/۹۱) و استحکامات خود را تقویت کردند. هزینه تهیه تجهیزات و مهمات عشایر مسلح ایل جاف جوانرود از درآمد گمرکی ای به دست می آمد که سران عشایر از واردات و صادرات کالاها در منطقه مرزی با عراق و نیز در مرکز تجاری ساروخان می گرفتند (رستمی، اسفندیاری بیگ، مصاحبه، ۹۸/۳/۸؛ رستمی، فتحی بیگ، مصاحبه، ۹۸/۳/۱۰).

با رسیدن قوای کمکی ارتش و به ویژه نیروی هوایی حملات شدیدتر شد. در اثر بمباران روستاهای شمشیر، زردوئی، دودان، ساتیاری، بله ای و مزیری (مزیدی) عده ای کشته شدند که بسیاری از کشته شدگان، زنان و بچه ها بودند. شاید علت بمباران روستاهای مذکور، حضور عشایر مسلح ایل جاف جوانرود در این روستاها بوده باشد که تفنگچیان طرفدار دولت را دستگیر، خلع سلاح و زندانی کرده بودند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۰). هم زمان با این درگیری، عشایر لهونی نیز که در این برهه طرفدار دولت بودند وارد جنگ شدیدی با عشایر متمرّد جاف شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۶) و دولت نیز مهمات





موردنیاز عشایر لهونی را با هواپیما و به وسیله چتر در پناه به آن‌ها رساند (ساکما، ۸۱ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۰) و زخمی‌های عشایر طرفدار دولت را به بیمارستان‌های کرمانشاه انتقال داد (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۴۵). در نتیجه حملات قوای نظامی و بمباران‌های شدید از طرف هواپیماهای دولتی، قلعه جوانرود و اکثر روستاهای اطراف از نیروهای عشایر مخالف پذیرش خلع سلاح تخلیه شد و جوانرودی‌ها به ارتفاعات مرزهای غربی منطقه پناه بردند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۵؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۴۲؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۲؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۵۲۴) که حدود ۷۰۰ نفر از آنان در کوه آتشگاه، در نزدیکی پناه، بودند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۳). ارتش با پخش اعلامیه‌های مجدد و نام‌بردن از سران عشایری که به دولت تسلیم شده بودند و بیان مجازات سنگین کسانی که به تمرد خود ادامه بدهند سعی داشت عشایر متمرّد را ارباب کند (ساکما، ۷۷ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۶؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۴۲؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۳۵۳؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۳۵۳). هم‌چنین ارتش بسیاری از عشایر ایران همانند شیوخ بنی‌طرف (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۵)، خلف آل‌صفر (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۴۳؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۱)، هویزه (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۱) و عشایر کردستان (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۸) را ترغیب کرد تا از اقدامات جوانرودی‌ها اعلام انزجار کنند و از دولت خواست تا به آن‌ها برای سرکوب ایل جاف جوانرود اجازه بدهد. نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شورا هم از اقدامات جوانرودی‌ها که سلاح‌های خود را تحویل نداده بودند و حکومت مرکزی را به عملیات نظامی وادار کرده بودند ابراز تنفر کردند و عمل آن‌ها را تقبیح کردند (مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، نشست ۶۰، ۲۶ شهریور ۱۳۲۹). علاوه بر این، ارتش با پخش اخبار غیر واقعی کشته‌شدن بعضی از سران عشایر همانند کشته‌شدن غفاریگ، دایی وکیل جوانرود، روحیه ایل جاف جوانرود را متزلزل می‌کرد (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۲؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۳). طبق اسناد مذاکرات نمایندگان ایل جاف جوانرود با دولت در مهرماه که یکی از مذاکره‌کنندگان این ایل، غفاریگ بود (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰) و مصاحبه با بازماندگان رؤسای ایل جاف جوانرود (غفوری، مصاحبه، ۱۸/۱۰/۱۳۹۷) در طول درگیری‌ها، ارتش از این حربه برای وادار کردن عشایر به تسلیم شدن استفاده می‌کرده است. این سیاست دولت باعث تسلیم شدن تعدادی از رؤسای ایل جاف جوانرود شد که بیشتر مالک روستاهای شرق جوانرود بودند (۲۹۳/۱۷۹۹/۳۴)؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۱) ولی اکثریت این ایل از مقاومت در مقابل نیروهای ارتش دست برنداشتند. یکی دیگر از برنامه‌های دولت، برای دست برداشتن ایل جاف جوانرود از مقاومت ترغیب آنان به مذاکره بود و به همین منظور اصغرخان، رئیس ایل سنجابی و غلام‌حسین اردلان، از بزرگان اردلان، همراه با سرهنگ دولتشاهی برای مذاکره با رؤسای ایل جوانرود به منطقه رفتند (ساکما، ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۲۲۶/۲۳۰؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۲۳۰). ایل جاف جوانرود نیز، برای اینکه بتواند به‌طور مستقیم با مرکز

مذاکره کند، قادریبگ را که قبلاً ستوان سوم افتخاری بود، از طریق خاک عراق به مهاباد و از آنجا به تهران فرستاد تا دولت را در جریان اوضاع جوانرود قرار دهد (ساکما، ۱۷۹۹/۶۴؛ ۲۹۳/۶۶). از دستاوردهای این سفر اطلاع موثقی در دست نیست؛ ولی با توجه به اینکه بعد از گذشت چند هفته از این سفر، مذاکرات در منطقه به ثمر نشست، بدون نتیجه به نظر نمی‌رسد. پهلوی دوم نیز دستور داده بود تا از طریق رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، او را در جریان اوضاع خلع سلاح عشایر جوانرود قرار بدهند (ساکما، ۱۷۹۹/۵۱۰؛ ۲۹۳/۲۲۲۷). دولت این بار از نفوذ خاندان طریقت نقش‌بندیه که عشایر ایل جاف جوانرود مرید این خاندان بودند، استفاده کرد و شیخ معتصم حسامی را واسطه قرار داد تا از محبوبیت خود استفاده کند (ساکما، ۱۷۹۹/۵۴؛ ۲۹۳/۱۰). با میانجیگری او، اسیران گرفته‌شده آزاد شدند. نمایندگان این ایل نیز برای مذاکره با سران ارتش به کرمانشاه رفتند (ساکما، ۱۷۹۹/۱۰؛ ۲۹۳/۶۵؛ ۱۷۹۹/۶۵). نیروهای دولتی هم بدون حصول نتیجه و با دادن تلفاتی بی‌سابقه در جنگ‌های خلع سلاح عشایر به عقب‌نشینی دست زدند (صالحی، ۱۳۹۷، صص ۳۷۷-۳۸۰).

## ۷. موفقیت دولت در خلع سلاح عشایر جوانرود (۱۳۳۲-۱۳۳۴ ش/۱۹۵۳-۱۹۵۵ م)

در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، دولت از طریق وساطت بزرگان دینی و طوایف سعی کرد با ایلات متمرکز ارتباط برقرار کند و با آنها وارد مذاکره شود؛ ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش/۱۹ اوت ۱۹۵۳ م و سقوط دولت دکتر مصدق، شاه سیاست خلع سلاح عشایر را با قدرت بیشتری از سر گرفت؛ احکام رؤسای ایلات را لغو و برخی از آنان را تبعید کرد و با اجرای طرح‌هایی برای توسعه کشاورزی سعی کرد با یکجانشین کردن ایلات، قدرت باقی‌مانده رؤسای آنها را درهم بشکند (Tapper, 1983, p39).

با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق، این دولت تلاش کرد با عشایر جوانرود وارد مذاکره شود و با آنها به توافق برسد تا دولت بتواند این منطقه را به آغوش ایران بازگرداند. سران عشایر ایل جاف جوانرود و ایل اورامان لهنون نیز در پاره جلسه‌ای تشکیل دادند و پس از رایزنی با همدیگر، تلگرافی از طرف اهالی به جناب آقای نخست‌وزیر مخابره کرده‌اند مبنی بر اینکه: «با اوامر دولت از قبیل گماردن گارد گمرکی و دادن سرباز و استقرار پاسگاه‌های نظامی و بودن دارائی در محل موافق [اند] و فقط از دادن اسلحه خودداری می‌نمایند...» (ساکما، ۶ و ۵/۲۹۰/۶۹۳۵/۵) و پس از مذاکرات مجدد در روستای قشلاق، در نهایت، بیگ‌زادگان جوانرود و لهنون تصمیمی را که در کمیسیون گرفته بودند به افسر مزبور اعلام کردند که: «چون رؤسای عشایر مرزنشین عراقی مسلح هستند، هر وقت آنان



خلع سلاح شدند ما هم اسلحه خود را تحویل خواهیم داد؛ ولی سلاح دولتی را حاضریم در قشلاق تحویل دهیم» (ساکما، ۶ و ۲۹۰/۶۹۳۵/۵). البته بر سر این موضوع میان سران جوانرود اختلافاتی به وجود آمد و تعدادی از بزرگان ایل که مسن تر بودند از این که سران ایل به مقامات دولتی نزدیک شوند بیمناک و ناراضی بودند (ساکما، ۲۸ و ۲۹۰/۶۹۳۵/۷)؛ دلیلشان هم، بی‌اعتمادی به دولت و ترس از تکرار وقایع سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۲م بود. البته دولت نیز بر آن سعی داشت که از هرگونه اتحاد و نزدیکی طوایف مختلف با همدیگر جلوگیری کند؛ چون آن را خطری بزرگ برای خود تلقی می‌کرد (ساکما، ۲۴ و ۲۹۰/۶۹۳۵/۷). پس از این مذاکرات بود که محمدبیگ، وکیل جوانرود، نامه‌ای نوشت مبنی بر «دولت خواهی و اطاعت تام ایل وطن پرست جوانرود» و پشتیبانی از نهضت ملی تا آخرین لحظه (ساکما، ۲۰ و ۲۹۰/۷۱۸۳/۷). دولت نیز طی نامه‌هایی، افراد ایل را به توجهات و نظریات خیرخواهانه دولت امیدوار می‌ساخت (ساکما، ۸ و ۲۹۰/۷۱۸۳/۷). با روابط دوستانه‌ای که این دولت با رؤسای ایل جاف جوانرود برقرار کرد، سران عشایر منطقه به سرپرستی وکیل جوانرود، همراه با غلام حسین اردلان، استاندار استان پنجم که از رابطین ایشان با دولت بود، در تهران به دیدار نخست‌وزیر رفتند و دکتر مصدق قول داد با آنان مساعدت و همکاری کند. در غائله کودتای ۱۳۳۲، وکیل جوانرود همراه با تعدادی از پیش‌مرگان و جنگجویان خود، برای حمایت از دولت، به تهران رفتند؛ ولی باتوجه به کمبود وسایل نقلیه، این نیرو زمانی به تهران رسید که کودتاگران به پیروزی رسیده بودند و دولت سقوط کرده بود. عشایر جوانرودی پس از چند روز اقامت مخفیانه در منزل دکتر فاطمی توانستند از طریق دری مخفی از منزل خارج شوند و پس از ۴۰ روز به جوانرود بازگردند (رستمی، مصاحبه، ۱۰/۱۳۹۸/۳). تنها پیامد این اعزام نیرو این بود که حکومت پهلوی، برای خلع سلاح عشایر ایل جوانرود و درهم‌شکستن قدرت آن‌ها مصمم‌تر شد. از طرف دیگر، سران ایل که پی برده بودند به زودی دولت این عمل آن‌ها را بدون مجازات نخواهد گذاشت، با تهیه سلاح از طریق قاچاق سعی کردند خود را مجهز کنند. در سال ۱۳۳۳ش/۱۹۵۴م دولت دوباره دستور خلع سلاح عشایر جوانرود را صادر کرد. این بار عشایر اورامان لهن، باباجانی و ولدبیگی با اعزام افراد مسلح، به کمک جوانرود آمدند و دولت که به آمادگی عشایر پی برده بود از حمله منصرف شد و آن را به زمان دیگری موکول کرد.

دولت در سال ۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م از اوایل آذر حمله بزرگی به منطقه جوانرود را ساماندهی کرد و این حمله در نوزدهم بهمن، به وسیله لشکرهای سنندج، کرمانشاه و خرم‌آباد با تانک، توپ و هواپیما در سه محور، از زمین و هوا آغاز شد (اطلاعات، شماره ۸۹۳۸، ۱۲/۷/۱۳۲۴) و علاوه بر قلعه جوانرود، روستاهای «نه‌وهل»، «نوخان»، «زیران»،



«بیوند»، «روان» و «سفیدبرگ» بمباران شد و تعداد زیادی از مردم غیرمسلح که بیشتر زنان و کودکان بودند کشته شدند. ارتش تعداد این کشته‌ها را در حدود ۱۰۰ نفر اعلام کرد و از آن‌ها با عنوان عشایر مسلح یاد کرد (اطلاعات، شماره ۸۹۳۸، ۱۳۲۴/۱۲/۷). رئیس ستاد ارتش، سپهبد آریانا، اعلام کرد که فداکاری و کمک‌های مؤثر نیروی هوایی در شرایط سخت جوی منطقه عملیات، غلبه نیروی زمینی را بر اشرار تسهیل کرد. او تمام مناطق جوانرود را منطقه نظامی اعلام کرد که مقررات نظامی بر آن حکومت می‌کند و دادگاه صحرایی زمان جنگ برای محاکمه اشرار جوانرودی تشکیل خواهد شد (اطلاعات، شماره ۸۹۳۹، ۱۳۲۴/۱۲/۸). این بار مقاومت نیروهای عشایر درهم شکسته شد. آن‌ها زنان و فرزندان خود را به طرف مرز حرکت دادند؛ ولی براساس پیمان بغداد که در سال ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م بسته شده بود که یکی از بندهای آن، بستن مرزها و ممانعت از عبور هرگونه افراد به صورت قاچاق و یا پناهندگی بود، به فراریان ایل جاف جوانرود مجوز عبور داده نشد و آن‌ها بالاخره ناچار شدند تسلیم شوند و با تحویل سلاح‌های خود، خلع سلاح را بپذیرند. محمدبیگ و کیل نیز که با گروهی از همراهانش توانسته بود از مرز عبور کند، براساس پیمان بغداد به ایران مسترد شد و ایل جاف جوانرود که آخرین تبلور خودمختاری ایلی را در برابر دولت پهلوی از خود نشان داده بود شکست خورد (کینان، 1376، ص 133؛ Douglas, 1951, p85).

## ۸. نتیجه

نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیانگر آن است که یکی از ایلاتی که پس از سقوط رضاشاه و آزادی سران عشایر در شهریور ۱۳۲۰ ش/سپتامبر ۱۹۴۱ م به تجدید سازمان ایلی خود پرداخت ایل جاف جوانرود بود. سران این ایل با بازپس‌گیری چراگاه‌های سابق خود از ایلات هم‌جوار و تصرف مجدد املاک مزروعی که توسط حکومت به املاک خصوصی شاه تبدیل شده بود وارد رویارویی با حکومت مرکزی و ایلات هم‌جوار شدند و حکومت نیز تصمیم گرفت آن‌ها را خلع سلاح کند. رؤسای ایل جاف جوانرود هم‌چنین با گرفتن حق گمرکی از واردات و صادرات کالا از مرز عراق در قلمرو ایل خود درآمدی برای خود ایجاد کرده بودند و به وسیله آن امور ایل خود را اداره و تجهیزات نظامی مورد نیاز خود را تهیه می‌کردند که در نهایت به خودمختاری آن‌ها منجر شده بود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سران این ایل خلع سلاح را نمی‌پذیرفتند؛ چون به حکومت مرکزی اعتماد نداشتند. ارتش در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۱ م با نیرنگ آن‌ها را دستگیر، خلع سلاح و سپس تبعید یا زندانی کرده بود. حکومت املاک آن‌ها را به اراضی



خصوصی شاه تبدیل کرده بود و خانواده‌هایشان در این ۱۰ سال در وضعیتی اسف‌بار زندگی می‌کردند. ازسوی دیگر، بعضی از ایلات هم جوار که مورد حمایت حکومت و کنسول‌گری انگلیس بودند و در دوره پهلوی اول، پس از دستگیری سران ایل جاف جوانرود بیشتر مراتع این ایل را تصرف کرده بودند، مسلح بودند و حکومت به تجهیز بیشتر آن‌ها می‌پرداخت. ایلات مسلح عراقی نیز در همسایگی ایل جاف جوانرود قرار داشتند و دارای سابقه تجاوز و غارت در منطقه بودند و رؤسای ایل جاف جوانرود از دست‌اندازی مجدد این ایلات به قلمرو خود بیم داشتند. افزون‌براین، در این دوره دوباره هم املاک مزروعی آن‌ها، مانند دوره شاه سابق، جزو املاک خصوصی شاه ایران درآمده بود که گذشته از مالیات معمول جنسی بایستی مقدار زیادی از محصول را هم بابت بهره مالکانه املاک اختصاصی شاه، تحویل می‌دادند که پیامد آن بازگشت فقر و تنگ‌دستی دوباره به این ایل بود؛ بنابراین، این دلایل ایل جاف جوانرود حاضر نبود خلع سلاح را بپذیرد؛ ولی پس از سقوط دولت دکتر مصدق، ارتش با کمک ایلات هم جوار توانست آخرین حرکت خودمختاری ایلی را بدون فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم برای توسعه عشایر منطقه سرکوب کند.

## منبع

### اسناد منتشر نشده

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ): ۶-۴۹-۱۳۰۵؛ ۱۳-۲۲-۱۳۱۰.  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۳۱۱؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۲۳۰؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۵۲۴؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۳۵۳؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۳۴۲؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۶۰۲؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۶۴۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۲۲۶/۶ و ۶ و ۲۹۰/۶۹۳۵/۵ و ۲۸ و ۲۹۰/۶۹۳۵/۷ و ۲۹۰/۶۹۳۵/۲۴؛ ۲۹۰/۷۱۸۳/۷ و ۸ و ۲۹۰/۷۱۸۳/۲۰؛ ۲۹۰/۷۱۹۱/۱ و ۲۹۰/۷۱۹۱/۱؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۷؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۴؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۵؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۸؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۰؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۴؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۲۶؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۱؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۴؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۵؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۳۸؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۴۲؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۴۳؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۴۵؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۱؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۲؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۴؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۵۶؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۶۴؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۶۵؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۶۶؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۱؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۷ و ۷۷ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۶ و ۷۹ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۷۸ و ۸۱ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۰؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۶ و ۸۸ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۸۹ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۹۰ و ۹۸ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۹۷ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۰؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۱ و ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۳؛ ۲۹۳/۱۷۹۹/۱۰۲/۴؛ ۲۹۳/۱۸۰۲/۵؛ ۲۹۳/۱۸۰۲/۷؛ ۲۹۳/۱۸۰۲/۹ و ۲۹۳/۱۸۰۲/۱۱ و ۲۹۳/۲۱۹۴/۴؛ ۲۹۳/۲۱۹۴/۵؛ ۲۹۳/۲۱۹۴/۱۲ و ۲۹۳/۲۱۹۴/۲۰۸ و ۲۹۴/۵۵۱/۲۰۷ و ۲۹۴/۵۵۱/۴۸؛ ۲۹۶/۲۵۸/۴۸ و ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۱۷؛ ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۱۹؛ ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۲۱ و ۲۹۷/۲۳۶۱۰/۱۵.



کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۲/۱۵۶۷۲۵/۲؛ ۲/۱۵۶۷۲۵/۴؛ ۲/۱۴۶۷۵/۳۵؛ ۲۰۱ ج ۶-۷۵۲۸؛ م ۲، ک ۱۴۶۶، ج ۲/۱۵، د ۳۵.

## کتاب فارسی

آبراهامیان، پرواندا. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نشر نی.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر. (۱۳۶۸). *کوچ‌نشینی در ایران*. تهران: آگاه.

بارل، رابرت مایکل. (۱۳۹۳). *یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۳۴۴-۱۲۶۰*. (ج ۹). (افشار امیری، مترجم).

تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بدلیسی، امیرشرف‌خان. (۱۳۷۳). *شرف‌نامه؛ تاریخ مفصل کردستان*. تهران: حدیث.

بروینسن، مارتین وان. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت)*. ساختارهای اجتماعی و

سیاسی کردستان. (ابراهیم یونسی، مترجم). تهران: پانیذ.

رزم‌آرا، حاج‌علی. (۱۳۸۲). *خاطرات و اسناد*. (کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات، کوشش‌گران). تهران: شیرازه.

رزم‌آرا، حاج‌علی. (۱۳۹۵). *عملیات اورامان (پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی)*. (کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات،

کوشش‌گران). تهران: شیرازه.

سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۲). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*. (ج ۲). تهران: سها.

سنجابی، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). *ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران؛ خاطرات علی‌اکبرخان سنجابی*. تهران:

شیرازه.

سندجی، میرزاشکرالله. (۱۳۷۵). *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*. (حشمت‌الله طیبی، مصحح

و حاشیه‌نویس). تهران: امیرکبیر.

صالحی، محیی‌الدین. (۱۳۹۷). *جاف جوان‌رود*. سنندج: امام ربانی.

صفی‌زاده (بوره‌کهای)، صدیق. (۱۳۷۸). *تاریخ کرد و کردستان*. تهران: آتیه.

عبدالوحید. (۱۳۷۸). *کردها و سرزمینشان*. (صلاح‌الدین عباسی، مترجم). تهران: احسان.

فوران، جان. (۱۳۸۲). *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب*

*اسلامی*. (احمد تدین، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

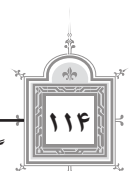
کاتم، ریچارد. (۱۳۷۱). *ناسیونالیسم در ایران*. (احمد تدین، مترجم). تهران: کویر.

کدی، نیکی. آر. (۱۳۸۵). *ریشه‌های انقلاب در ایران*. (عبدالرحیم گواهی، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی.

کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۷۹). *ایران در بحران (مهرماه ۱۳۲۰- شهریور ۱۳۲۶)*. تهران: سازمان اسناد

ملی ایران.



کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۸۲). «حکومت پهلوی و عشایر». چاپ‌شده در کتاب: **سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی**. صص ۷۸۶-۸۰۰. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

کیان، درک. (۱۳۷۶). **کردها و کردستان**. (ابراهیم یونسی، مترجم). تهران: نگاه.

گروه جامی. (۱۳۷۱). **گذشته چراغ راه آینده است**. تهران: نیلوفر.

لمبتون، ا.ک.س. (۱۳۴۵). **مالک و زارع در ایران**. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

لنچافسکی، ژرژ. (۱۳۵۱). **غرب و شوروی در ایران: سی سال رقابت ۱۹۱۸-۱۹۴۸**. (حورا یآوری، مترجم).

تهران: ابن‌سینا.

**مذاکرات مجلس**، دوره شانزدهم، نشست ۶۰، ۲۶ شهریور ۱۳۲۹.

مردوخ روحانی، بابا. (۱۳۷۱). **تاریخ مشاهیر کرد**. (ج ۳). تهران: سروش.

مک‌داول، دیوید. (۱۳۸۳). **تاریخ معاصر کرد**. (ابراهیم یونسی، مترجم). تهران: پانیند.

مؤمنی، حمید. (۱۳۵۸). **درباره مبارزات کردستان**. تهران: شباهنگ.

میراحمدی، فریدون. (۱۳۸۹). **جوان‌رود در گذر تاریخ**. سنندج: گوران.

مینورسکی، ولادیمیر فئودورویچ. (۱۳۷۱). **کرد**. (حبیب‌الله تابانی، مترجم). تهران: گستره.

نیکیتین، واسیلی. (۱۳۷۸). **کرد و کردستان**. (محمد قاضی، مترجم). تهران: کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.

وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). **حدیقه ناصریه و مرآت‌الظفر در جغرافیا و تاریخ کردستان**، تهران:

توکلی.

## کتاب کردی

جاف، خوسره‌و. (۲۰۱۳). **میژووی هوزی جاف**. هه‌ولیر: به‌درخان.

صالح، چه‌کیم. (۲۰۰۴). **هه‌له‌بجه له‌نامیزی میژوودا**. هه‌له‌بجه: مه‌ناره.

هاشمی، سه‌بید باقر؛ هه‌وراهانی، محمه‌مه‌ه‌مین. (۱۳۷۸). **دیوانی ناغا عینایه‌ت**. تهران: مؤسسه انتشاراتی

فرهنگی اباصالح.

## روزنامه

روزنامه **اطلاعات**: شماره ۷۲۱۸، ۱۳ شهریور ۱۳۲۹؛ شماره ۸۹۳۸، ۱۲/۷/۱۳۲۴.

## مصاحبه

رستمی، اسفندیاریبگ (فرزند محمدبیگ وکیل جوان‌رود)، مصاحبه ۱۳۹۸/۳/۸.

رستمی، فتحی‌بیگ (فرزند محمدبیگ وکیل جوان‌رود)، مصاحبه، ۱۳۹۸/۳/۱۰.



غفوری، احمدبیگ (از سران ایل جوانرود)، مصاحبه، ۱۳۹۷/۱۰/۱۸.  
موحد، رئوف (فرزند علامه ملامجید موحد)، مصاحبه، ۱۳۹۸/۳/۹.

### منابع انگلیسی

- Beck, Lois. (1986). *The Qashqa'I of Iran*. New Haven: Yale University Press.
- Douglas, William. (1951). *Strange lands and friendly people*. New York: Harper & Brothers.
- Garthwaite, Gene R. (1983). *Khans and Shahs: A Documentary Analysis of the Bakhtiari in Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tapper, Richard. (1983). *The conflict of Tribe and State in Iran and Afghanistan*. London: Croom Helm.

### English Translation of References

#### Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e 'Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):  
1305-49-6; 1310-22-13. [Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

28-6د ج 1ی 201؛ م 2، ک 146، ج 15/2، د 735، 2/156/25/2؛ 2/156/25/4؛ 2/146/5/35;  
[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

91/293/2226/230; 91/293/2226/311; 91/293/2226/342; 91/293/2226/353;  
91/293/2226/510; 91/293/2226/524; 91/293/2226/602; 91/293/2226/645;  
و 6 و 290/6935/7 و 28 و 290/7183/7; 290/6935/24; 290/7183/20 و 8 و 290/6935/5;  
290/7191/1; 293/1799/7; 293/1799/10; 293/1799/14; 293/1799/15; 293/1799/18;  
293/1799/20; 293/1799/24; 293/1799/26; 293/1799/31; 293/1799/34; 293/1799/35;  
293/1799/38; 293/1799/42; 293/1799/43; 293/1799/45; 293/1799/51; 293/1799/52;  
293/1799/54; 293/1799/66; 293/1799/65; 293/1799/64; 293/1799/56; 293/1799/71;





293/1799/89;293/1799/86;81 و 293/1799/80 ;79 و 293/1799/78;77 و 293/1799/76  
و 293/1799/103;293/1799/101;293/1799/100;98 و 293/1799/97;293/1799/90;88 و  
293/2194/4 ;293/1802/11 ;293/1802/9 ;293/1802/7 ;293/1802/5 ;293/1802/4  
و 297/23610/15 ;296/258/48 ;208 و 294/551/207 ;293/2194/12 ;293/2194/5  
297/23610/21 ;297/23610/19 ;297/23610/17. [Persian]

### Books

- Abdolvahid. (1378/1999). *“Kord-hā va sarzaminešān”* (Kurds and their land). Translated by Salaheddin Abbasi. Tehran: Ehsān. [Persian]
- Abrahamian, Ervand. (1377/1998). *“Irān bein-e do enqelāb: Darāmedi bar jāme’e-šenāsi-ye siāsi-ye mo’āser-e Irān”* (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Našr-e Ney. [Persian]
- Amanollahi Baharvand, Sekandar. (1368/1989). *“Kuĉ-nešini dar Irān”* (Nomadism in Iran). Tehran: Āgāh. [Persian]
- Beck, Lois. (1986). *The Qashqa’I of Iran*. New Haven: Yale University Press.
- Bedlisi, Amir Sharaf Khan. (1373/1994). *“Šaraf-nāmeḥ; Tārix-e mofassal-e Kordeštān”* (Sharafnama: The Book of Honor). Tehran: Hadis. [Persian]
- Bruinessen, Martin van. (1393/2014). *“Jāme’e-šenāsi-ye mardom-e Kord (Āqā, Šeix va Dowlat), Sāxtār-hā-ye ejtemā’ee va siyāsi-ye Kordeštān”* (Agha, Shaikh, and State: The social and political structures of Kurdistan). Translated by Ebrahim Yunesi. Tehran: Pāniz. [Persian]
- Burrell, Robert Michael. (1393/2014). *“Yāddāšt-hā-ye siyāsi-ye Irān 1260-1344”* (Iran political diaries 1881-1965) (vol. 9). Translated by Afshar Amiri. Tehran: Mo’assese-ye Farhangī Honari va Enteshārāt-e Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Cottam, Richard. (1371/1992). *“Nāsyonālism dar Irān”* (Nationalism in Iran: Updated through 1978). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Kavir. [Persian]
- Douglas, William. (1951). *Strange lands and friendly people*. New York: Harper & Brothers.



- Foran, John. (1382/2003). *“Moqāvemāt-e šekanandeh: Tāix-e tahavvolāt-e e'temā'ee-ye Irān az Safaviyeh tā sāl-hā-ye pas az enqelāb-e eslāmi”* (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Mo'assese-ye Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Garthwaite, Gene R. (1983). *Khans and Shahs: A documentary analysis of the Bakhti-yari in Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Goruh-e Jāmi. (1371/1992). *“Gozašteḥ čerāq-e rāh-e āyande ast”* (The past is the light of the future). Tehran: Nilufar. [Persian]
- Hashemi, Sayyid Baghir; & Hawramanai, Mohammad Amin. (1378/1999). *“Diwāni Āqā 'Enāyat”* (The collection of poems by Agha Enayat). Tehran: Mo'assese-ye Entesārāti Farhangi-ye Abā Sāleh. [Kurdish]
- Jaf, Khosraw. (2013). *“Mižowoy huzi Jāf”* (History of Jaff tribe). Hawlir (Erbil): Badrxān. [Kurdish]
- Keddie, Nikki. R. (1385/2006). *“Riše-hā-ye enqelāb dar Irān”* (Roots of revolution: An interpretive history of modern Iran). Translated by Abd Al-Rahim Gavahi. Tehran: Daftar-e Našr-e Farhang-e Eslāmi (Office of Islamic Culture Publication). [Persian]
- Kiani Haftlang, Kiyanoush. (1379/2000). *“Irān dar bohrān (Mehrmāh-e 1320 – Šahrivar 1326)”* (Iran in crisis (Mehr 1320 SH / October 1941 AD – Shahrivar 1326 SH / September 1947)). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Kinnane, Derk. (1376/1997). *“Kord-hā va Kordestān”* (The Kurds and Kurdistan). Translated by Ebrahim Younesi. Tehran: Negāh. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1345/1966). *“Mālek va zāre' dar Irān”* (Landlord and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration). Translated by Manouchehr Amiri. Tehran: Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb. [Persian]
- Lenczowski, George. (1351/1972). *“Qarb va Šoravi dar Irān: Si sāl reqābat 1918 – 1948”* (Russia and the west in Iran, 1918-1948: A study in big-power rivalry). Translated by Houra Yavari. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]



- Marduk Rouhani, Baba. (1371/1992). *“Tārix-e mašāhir-e Kord”* (The history of Kurd celebrities) (vol. 3). Tehran: Soruš.
- McDowall, David. (1383/2004). *“Tārix-e mo’āser-e Kord”* (A modern history of the Kurds). Translated by Ebrahim Younesi. Tehran: Pāniz. [Persian]
- Minorskii, Vladimir Fedorovich. (1371/1992). *“Kord”* (Kurd). Translated by Habibullah Tabani. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Mirahmadi, Fereydoun. (1389/2010). *“Javān-rud dar gozar-e tārix”* (Javanrud in the passage of history). Sanandaj: Gurān. [Persian]
- Momeni, Hamid. (1358/1979). *“Darbāre-ye mobārezāt-e Kordestān”* (About the struggles of Kurdistan). Tehran: Šabāhang. [Persian]
- “Mozākerāt-e Majles”* (Parliament deliberations), Term 16, Session 60, 26 Šahrivar 1329 / 17 September 1950. [Persian]
- Nikitin, Vasili. (1378/1999). *“Kord va Kordestān”* (Kurd and Kurdistan). Translated by Mohammad Ghazi. Tehran: Kānun-e Farhangi Enteshārātī-ye Derāyat. [Persian]
- Razmara, Haj Ali. (1382/2003). *“Xāterāt va asnād”* (Memories and documents). Edited by Kambiz Aramara & Kaveh Bayat. Tehran: Širāzeh. [Persian]
- Razmara, Haj Ali. (1395/2016). *“Amaliyāt-e Orāmān (Pāyiz va Zemestān-e 1310 Šamsi)”* (Oraman operation (autumn and winter 1310 SH / 1931-1932 AD)). Edited by Kambiz Aramara & Kaveh Bayat. Tehran: Širāzeh. [Persian]
- Safizadeh (Bourekei), Sedigh. (1378/1999). *“Tārix-e Kord va Kordestān”* (Kurdish history and Kurdistan). Tehran: Ātiyeh. [Persian]
- Saleh, Hakim. (2004). *“Helebja le āmizi mižwudā”* (Helebja embraced by history). Helebja: Menāreh. [Kurdish]
- Salehi, Mohyi Al-Din. (1397/2018). *“Jāf-e javān-rud”* (Jaff tribe in Javanroud). Sanandaj: Emām Rabbāni. [Persian]
- Sanandaji, Mirza Shokrollah. (1375/1996). *“Tohfe-ye Nāseri dar tārix va joqrāfiyā-ye Kordestān”* (History and geography of Kurdistan in Naser al-Din Shah era). Edited and annotated by Heshmatollah Tabibi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Sanjabi, Ali Akbar. (1380/2001). *“Il-e Sanjābi va mojāhedat-e melli-ye Irān; Xāterāt-e Ali Akbar Xān-e Sanjābi”* (Sanjabi clan and Iran’s national struggle; Memories of Ali Akbar Khan Sanjabi). Tehran: Širāzeh. [Persian]

- Soltani, Mohammadali. (1372/1993). "*Joqrāfiyā-ye tārixī va tārix-e mofassal-e Kermānšāhān*" (Historical geography and detailed history of Kermanshah) (vol. 2). Tehran: Sohā. [Persian]
- Tapper, Richard. (1983). *The conflict of Tribe and State in Iran and Afghanistan*. London: Croom Helm.
- Vaghayē<sup>2</sup>-Negar Kordestani, Ali Akbar. (1381/2002). "*Hadiqe-ye Nāseriyeh va mer'āt-oz-zafar dar joqrāfiyā va tārix-e Kordestān*" (Hadigha Naseriya and Marat Al-Zafar in the geography and history of Kurdistan). Tehran: Tavakkoli. [Persian]

#### Articles

- Kiani Haftlang, Kiyanoush. (1382/2003). "*Hokumat-e Pahlavi va 'ašāyer*" (*The Pahlavi government and nomads*). In "*Soqut: Majmu'e-maqālāt-e noxostin hamāyēš-e barresi-ye elal-e forupāši-ye saltanat-e Pahlavi*" (A collection of articles of the first conference on the causes of the collapse of the Pahlavi dynasty) (pp. 786-800). Tehran: Mo'assese-ye Motālē'āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]

#### Newspaper

- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettel'at newspaper): issue 7218, 13 Šahrivar 1329 SH / 4 September 1950 AD; issue 8938, 1324/12/7 SH / 26 February 1946 AD. [Persian]

#### Interviews

- Ghafouri, Ahmad Beig (A head of Javanroud tribe), interview date: 1397/10/18 SH / 8 January 2019. [Persian]
- Movahhed, Ra'ouf (Son of Allameh Molla Majid Movahhed), interview date: 1398/3/9 SH / 30 May 2019. [Persian]
- Rostami, Esfandiar Beig (Son of Mohammad Beig Vakil Javanroud), interview date: 1398/3/8 SH / 29 May 2019. [Persian]
- Rostami, Fathi Beig (Son of Mohammad Beig Vakil Javanroud), interview date: 1398/3/10 SH / 31 May 2019. [Persian]







# Investigating the effect and relationship of the restorers' taste and the viewer opinion on the reintegration of the Lacuna of the mono Persian Miniatur of Alexander's naval battle

Azam Soheilipour<sup>1</sup> | Samad Samanian<sup>2</sup>

## Abstract

**Purpose:** Destruction in paintings results in the loss of a portion of the work, caused by the damage resulting from its unexpected form that push the painting into background. To preserve the subject, maintain the work's integrity, and prevent further damage by reintegrating the the lacuna and restoring colors based on their expertise. Some conservators, well-versed in painting and conservation theory, aim to rectify visual damage caused by lacuna, while others may impose their personal tastes. However, subjective tastes can sometimes enhance the painting's integrity while compromising its originality. Thus, this study aims to explore the role of conservators' taste in painting conservation and how viewers perceive subject.

**Method and Research Design:** This research was conducted using an interpretive approach and qualitative methods based on existing data and documented evidence. The paintings "Askander's Naval War in the China Sea" from the Khamse Nizami collection and the Shiraz Training from the Safavid period were selected from the Hagop Kevorkian collection. Prints of these paintings were provided to conservators for color restoration according to their preferences. The restored prints were then evaluated by both specialized and general viewers to gather their perspectives on the restoration of the paintings.

**Findings and Conclusions:** Results indicated that half of the conservators focused on structural conservation, while the other half opted for reintegration in lacuna. Regarding viewer opinions on conservation approaches, a minority favored structural conservation without reintegration, with the majority preferring reintegration in lacuna. Specialist viewers exhibited less inclination towards reintegration. The data indicate the viewers' interest in understanding the subject and the integrity of the paintings.

**Keywords:** Artistic taste; Painting restoration; Strong restoration; Reintegration; lacuna; Alexander's naval battle painting.

**Citation:** Soheilipour, A., & Samanian, S. (2023). Investigating the effect and relationship of the restorers' taste and the viewer opinion on the reintegration of the Lacuna of the mono Persian Miniatur of Alexander's naval battle. *Ganjine-ye Asnad*, 33(4), 122-157 | doi: 10.30484/ganj.2023.3096

1. PhD Student in Conservation of historical and cultural objects, Art University, Tehran, Iran  
a.soheliii@gmail.com

2. Professor, Handicraft Department, University of Arts, Tehran, Iran, (Corresponding author)  
Samanian@art.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# بررسی اعمال سلیقه مرمت گران و نظر مخاطبان بر موزون سازی نواحی فقدان تک نگاره جنگ دریایی اسکندر

اعظم سهیلی پور<sup>۱</sup> | صمد سامانیان

چکیده

خدشه بصری ناشی از فقدان نگاره‌ها در اثر آسیب، موجب راندن نگاره به پس‌زمینه می‌شود. برای دریافت موضوع، تمامیت اثر و جلوگیری از روند آسیب به آن، مرمت گر نواحی فقدان را موزون‌سازی رنگی می‌کند. برخی مرمت‌گران با شناخت کافی از نگاره و رعایت اصول نظری مرمت، اقدام می‌کنند و خدشه بصری را مرتفع می‌کنند؛ ولی برخی دیگر سلیقه خاص خود را اعمال می‌کنند. گاهی سلیقه‌های به‌کاررفته نه تنها موجب بهبود و تمامیت اثر نمی‌شود، بلکه موجب از دست رفتن اصالت اثر نیز می‌شود.

**هدف:** بررسی نوع رویکرد سلیقه‌ای مرمت‌گران در مرمت نگاره‌ها و درک مخاطب از موضوع اثر مرمت‌شده.

**روش / رویکرد پژوهش:** پژوهش با رویکرد تفسیری، روش کیفی و با استناد به داده‌های موجود و اسنادی انجام شد. در این راستا، از نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین» متعلق به مکتب شیراز از کتاب *خمسۀ نظامی* و به‌جامانده از دوره صفوی از مجموعه هاپوگ کوورکیان بهره گرفته شد. پرینت‌های نگاره مذکور در اختیار مرمت‌گران قرار گرفت تا بنابه سلیقه خود، آن را مرمت کنند. سپس پرینت‌های مرمت‌شده، پیش‌روی مخاطبان خاص و عام قرار گرفت تا دیدگاه خود را از نحوه بازسازی انجام‌شده بر نگاره‌ها ارائه کنند.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** نیمی از مرمت‌گران در نواحی فقدان، مرمت استحکامی انجام دادند و نیمی دیگر در نواحی فقدان، موزون‌سازی رنگی انجام دادند. هم‌چنین در بررسی نظرات مخاطبان درباره نوع مرمت نگاره‌ها، اقلیتی از مخاطبان از هر دو گروه به مرمت استحکامی و موزون‌سازی نکردن بسنده کردند و اکثر مخاطبان به موزون‌سازی برای برطرف کردن وقفه دید در ناحیه از دست‌رفته تمایل داشتند؛ در این میان مخاطبان خاص کم‌تر از مخاطبان عام به موزون‌سازی تمایل داشتند. داده‌ها حاکی از علاقه‌مندی تمامی مخاطبان (عام و خاص) برای دریافت موضوع و تمامیت نگاره است.

**کلیدواژه‌ها:** سلیقه هنری؛ مرمت نگاره؛ مرمت استحکامی؛ موزون‌سازی رنگی نگاره؛ نواحی فقدان (نواحی از دست‌رفته)؛ نگاره جنگ دریایی اسکندر دریای چین.

**استناد:** سهیلی پور، اعظم، سامانیان، صمد. (۱۴۰۲). بررسی اعمال سلیقه مرمت‌گران و نظر مخاطبان بر موزون‌سازی نواحی فقدان تک‌نگاره جنگ دریایی اسکندر. *گنجینه اسناد* ۳۳(۴): ۱۲۲-۱۵۷ | ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۹۶ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۹۶

۱. دانشجوی دکتری مرمت اشیای تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر، تهران، ایران  
a.soheliii@gmail.com

۲. استاد، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران  
Samanian@art.ac.ir



## گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۹۶

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۱۲۲ - ۱۵۷ (۳۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱

تحقیقات آرشیوی

## ۱. مقدمه

نگاره‌های تاریخی با گذر زمان دچار آسیب‌هایی می‌شوند و بخشی از آن‌ها از دست می‌رود. برای رفع این آسیب‌ها و جلوگیری از آسیب‌های بیشتر حفاظت و مرمت انجام می‌شود. برای انجام مناسب‌ترین راهکار حفاظتی و مرمتی باید مطالعات تاریخی برای شناسایی دقیق اثر انجام شود؛ هم‌چنین باید مواد به‌کاررفته در اثر و آسیب‌شناسی اثر بررسی شود. نگاره‌ها بخش مهمی از میراث فرهنگی ما محسوب می‌شوند. با ازدست‌رفتن بخشی از آن‌ها، آسیب بصری اتفاق می‌افتد و موضوع زیبایی‌شناسی آن‌ها برجسته می‌شود. به‌همین منظور، در این مقاله عمدتاً به تأثیر سلیقه مرمت‌گر در احیای بُعد زیبایی‌شناسی نگاره‌ها پرداخته شده‌است. در برخی موارد، مرمت نگاره‌ها به‌صورت سلیقه‌ای و بدون توجه به مبانی نظری انجام می‌شود و تمامیت و اصالت اثر ازدست می‌رود. در راستای هدف پژوهش، فرایندهای سلیقه‌ای انجام‌شده در موزون‌سازی نواحی فقدان<sup>۱</sup> و ازدست‌رفته نگاره‌ها بررسی و عملکرد مرمت‌گر و تطابق مرمت انجام‌شده با مبانی نظری مرمت ارزیابی می‌شود. بی‌توجهی مرمت‌گر به اصول نظری مرمت گاهی موجب آسیب به اثر می‌شود؛ به‌نحوی که حتی مخاطب قادر نیست موضوع اثر را درک کند و از آن لذت بصری ببرد. در راستای پرسش پژوهش، یعنی «تأثیر سلیقه مرمت‌گر بر موزون‌سازی نواحی فقدان نگاره‌ها به چه میزان است؟»، تک‌نگاره واحدی بررسی شد و نوع اعمال سلیقه مرمت‌گران در عملیات موزون‌سازی نگاره منتخب و سپس دریافت مخاطب از موضوع نگاره بعد از مرمت ارزیابی شد. نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین متعلق به دوره صفوی» در اختیار مرمت‌گران قرار گرفت تا آن را مرمت کنند. بعد از مرمت، نظریه‌ها و دستورالعمل‌های مطرح در عملیات حفاظت و مرمت نگاره‌ها ارزیابی شد.

ضرورت انجام این پژوهش از این رو است که نواحی فقدان و نیازمند موزون‌سازی از این جهت اهمیت می‌یابند که بخش ازدست‌رفته اثر هنری وقفه‌ای در موضوع نگاره به حساب می‌آید و به‌صورت بخش نامنظم خالی بر زمینه اثر نمایان می‌شود. درباره قسمت خالی یا گمشده اثر هنری موضوع فقط این نیست که چه چیز از بین رفته‌است، بلکه مهم‌تر این است که چه چیز نامناسبی به جای بخش خالی قرار می‌گیرد. این جایگزین مانند مهاجمی خارجی به اثر هنری هجوم می‌آورد. با مرمت اشتباه قسمت خالی، شکل خلق‌شده جدید (که با شکل و رنگ اصیل نگاره متضاد است)، بخش اصیل نقاشی را به پس‌زمینه می‌راند. این جایگزین نامناسب، به انتخاب مرمت‌گر و مطابق با سلیقه او در بخش از بین‌رفته ایجاد می‌شود؛ بنابراین این موضوع موجب ضرورت انجام پژوهش حاضر شد.

۱. نواحی فقدان یا نواحی ازدست‌رفته، بخش‌هایی از اثر هنری است که در ابتدا وجود داشته و بعداً در اثر تخریب یا آسیب از بین رفته‌است. فقدان معادل Lack در لاتین است و نواحی فقدان یا ازدست‌رفته می‌شود lacuna. تفاوت فقدان با کمبود در این است که کمبود از همان ابتدا در اثر وجود نداشته‌است و نقص ذاتی اثر است.





## ۲. پیشینه پژوهش

در مرمت آثار به‌ویژه نگاره‌ها، نوع متریال و متود انجام اثر اهمیت به‌سزایی دارد و ازسویی ویژگی و به‌کارگیری آن‌ها موجب حساسیت در مرمت اثر می‌شود. خطیرترین بخش کار در مرمت نگاره‌ها مربوط به موزون‌سازی نواحی فقدان است که سلیقه مرمت‌گر در آن دخیل است. مرمت‌گران بنا به سبک و سیاق خود موزون‌سازی را انجام می‌دهند؛ درحالی‌که پایبندی به مبانی نظری مرمت و حفظ اصالت اثر در اولویت است. گاهی در مرمت‌های انجام‌شده، به تئوری مرمت توجه نمی‌شود و براساس حدس و گمان، موزون‌سازی انجام می‌شود. گاهی هم مرمت‌گر با پرکردن بخش خالی اثر به مرمت استحکامی بسنده می‌کند. هر کدام از این سلیقه‌های افراط‌گونه یا تفریط‌گونه مرمت‌گران موجب آسیب دیدن اثر می‌شود.

طبق نظر ارژمند و امین‌پور، در هر مرمتی حداقل دو عنصر «موضوع مورد مرمت» (ابنیه و اشیاء) و «عامل انسانی مرمت» (مرمت‌گر) را به‌خوبی می‌توان از یکدیگر تمیز داد. بدیهی است که مرمت‌گر مداخله‌گر است و نقشی تعیین‌کننده دارد (ارژمند و امین‌پور، ۱۳۹۴، ص ۹۸). هم‌چنین وطن‌دوست و همکاران معتقدند که تا قبل از شکل‌گیری مرمت با شیوه علمی، مرمت سنتی نقاشی به‌شیوه استادکارانه انجام می‌شد و کار مرمت بیشتر از جنبه زیبایی اهمیت داشت؛ به‌شکلی که استادکار بیشتر به حفظ زیبایی ظاهری اثر توجه داشت و بازسازی اثر با سلیقه استادکار نقاش انجام می‌شد و در نتیجه این رویکرد سنتی، توجه به قدمت اثر، هدف و خاستگاه نقاش خالق اثر مدنظر نبود (وطن‌دوست و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶). ولی پس از قرن بیست میلادی، مرمت سنتی جای خود را به مرمت علمی براساس تئوری مرمت داد و هر فعالیت مرمتی از جمله موزون‌سازی نواحی ازدست‌رفته با تکیه بر دستورالعمل‌های مرمتی و منشورها انجام شد.

فرهمندهم و همکاران اذعان دارند که چون نواحی فقدان به‌علت تخریب‌های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیک وارد شده به اثر و یا نگاره ایجاد شده است و موجب ازدست‌رفتن بخشی از موضوع نگاره و درک بصری معنا و مفهوم آن شده است، بنابراین نوع موزون‌سازی آن نواحی در مرمت‌های سنتی و علمی در جهت برگرداندن لذت بصری و موضوع نگاره به مخاطب، حائز اهمیت است. هم‌چنین فرهمندهم بروجنی (۱۳۹۰) از تعبیر ریچارد آفندر درباره نواحی فقدان نقاشی می‌گوید: «فقدان مانع از گردش چشم بر اثر است و دلیل اصلی اختلال در برداشت موضوع و خوانایی اثر توسط مخاطب است. از آن‌جا که مخاطب یا ناظر تمایل دارد به تمامیت اثر دستیابی داشته باشد، اولویت ارزش‌گذاری‌ها در هر اثر، در راستای درمان مناسب، اهمیت دارد و اولویت اصلی در دسته‌بندی‌های جدید ارزشی، بین ملاحظات تاریخی و زیبایی‌شناسی در گردش است» (فرهمندهم بروجنی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

ازسویی قاسم آبادی (۱۳۹۳) فقدان را وقفه‌ای در دید و تداوم فرم هنری موضوع و ریتم آن می‌داند. نظر به اینکه تمامیت موضوع ضرورت نیست، بنابراین تنها هدف مرمت باید کاهش، رفع و حذف کردن اختلال ایجاد شده با تشخیص مداخله مرمتی باشد. لذا موزون‌سازی Re-integration، با هدف اجتناب از پایداری بخش اصلی و جلوگیری از جعل یا کپی انجام می‌شود (قاسم آبادی، ۱۳۹۳، ص ۵۶). هم‌چنین ادواردز می‌گوید: «در بخش‌های گم‌شده اثر یا افتادگی‌ها، باید به هویت اصلی اثر توجه کرد؛ نه اینکه سعی کنید چیزی را اصلاح یا به اثر اضافه کنید» (یوکیهلتو، ۱۳۸۷، صص ۶۴-۶۹) و اگر مستنداتی از اثر موجود نیست، از حدس و گمان در فرایند مرمت جلوگیری کنید (Howard, 1995, p91).

راموز و هیرچی (۲۰۱۶) معتقدند که رتوش به عواملی چون میزان و نوع آسیب، تکنیک اصلی، ارزش تاریخی نقاشی، هنرمند و ... بستگی دارد و توانایی مرمت‌گر، دانش و آگاهی او از تکنیک‌های نقاشی و حساسیت شکل اثر هنری اهمیت دارد (Ramovs and Hirci, 2016, p1). هانزر (۲۰۱۱)، در جهت پرکردن بخش‌های فقدان (Lacuna)، به تئوری مرمتی برندی اعتقاد دارد و بخش‌های خالی را از دیدگاه خالی‌بودن بخشی از تاریخ نمی‌پذیرد (Hansar, 2011, pp 11-15). از دید بررسی (۲۰۰۹)، ماده استفاده شده در اثر هنری، پیام اثر را حمل می‌کند و این کار را به دو صورت انجام می‌دهد که می‌توان آن‌ها را ظاهر و سازه نامید. رویارویی ظاهر و سازه اغلب در تضاد بین مورد زیبایی‌شناسی و مورد تاریخی قرار دارد و در نهایت جایی که نتوان ظاهر و سازه را آشتی داد، ظاهر بر سازه غلبه خواهد کرد (Barassi, 2009, p3). برندی (۱۳۸۸) برای ایجاد انسجام در اثر، راه‌حل تجربی رنگ خنثی در موزون‌سازی بخش‌های از دست‌رفته را پیشنهاد داد تا اهمیت قسمت خالی با استفاده از رنگ خنثی (رنگی تا حد ممکن بدون جلوه که سبب عقب‌نشینی قسمت خالی به پس‌زمینه شود) در پیش‌زمینه کاهش یابد. بعدها روشن شد که در واقع هیچ رنگ خنثایی وجود ندارد و هر رنگی، خنثی یا غیرخنثی، بر ترکیب رنگی نقاشی تأثیر خواهد گذاشت (برندی، ۱۳۸۸، ص ۵۳). کولتا (۲۰۱۳) نیز برای زیبایی‌شناسی اثر هنری به موزون‌سازی رنگی پرداخته است (Colta, 2013, p72). سلاما و همکاران (۲۰۱۶) هم رنگ‌هایی را مدنظر دارند که پایدار، برگشت‌پذیر و قابل حذف باشند تا اطمینان لازم را برای استفاده در رتوش میسر کنند (Salama et al, 2016, p4). مک لین و همکارانش (۲۰۱۴) نیز در رتوش نقاشی مونه، برای پرکردن نواحی از دست‌رفته از آب‌رنگ با رنگی کم‌رنگ‌تر از رنگ اصلی استفاده کردند (McLean et al, 2014, p20). لاوسون (۲۰۰۰) و احمد مدنی (۲۰۰۷)، در مطالعات خود تکنیک درمان التراسونیک را برای تثبیت بخشی رنگ‌های تخریب‌شده و محوشده نگاره‌ها استفاده کردند (Ahmed Madani, 2007, p125); (Lawsom, 2000, p75).



هم‌چنین نیدی و همکارانش (۲۰۱۸) در جهت حفاظت و مرمت نقاشی‌هایی که ترک‌هایی در سطح دارند، با لایه‌های پلیمری، نقطه‌های ممتدی را بر روی نقاط ترک و یا تغییررنگ‌داده قرار می‌دهند. این لایه‌ها برای حفظ زیبایی‌شناسی و ارزش‌های تاریخی بسیار مؤثرند (Nidhi et al, 2018, p4). الین و همکاران (۲۰۰۹) در رتوش رنگی در بخش‌های فقدان نقاشی، از توده رنگی یا رنگ همگن برای موزون‌سازی استفاده کردند (Eliane et al, 2009, p118). مدر از قول د. استنیکیک (۲۰۱۱) می‌گوید: مرمت نواحی از دست‌رفته، به‌صورت همگون، با در نظر گرفتن قوانین مرمتی و تفکیک قسمت اصل از قسمت مرمتی، انجام شد (Meder, 2011, p7). آنا بیلائو (۲۰۱۰) به آزمایش‌های روان‌شناسی گشتالت<sup>۱</sup> در نواحی فقدان نقاشی معتقد است و این‌که نحوه رتوش نقاشی‌ها به شرایط کلی نقاشی بستگی دارد. نتیجه پژوهش‌ها این است که در انتخاب نوع رویکرد برای مرمت‌گران، دید مخاطب اهمیت شایانی دارد. این عوامل برای مداخلات به‌جای درمان‌های حفاظتی و مرمتی ضروری هستند (Bailao, 2010, p8)؛ بنابراین اگر قرار است اثر تکمیل شود، مرمت‌گر باید این کار را با روش‌های نامرئی، یعنی با به‌کارگیری نقاشی به‌شیوه نقطه‌چینی Pointillism، خط‌کشی Tratteggio یا راه‌راه Rigattino، با استفاده از چندین رنگ مات مشابه رنگ‌های اطراف، با قراردادن کاغذ چاپی رایانه‌ای یا صفحات پلاستیکی روی قسمت گمشده و ... انجام دهد. این گزینه‌ها در اختیار مرمت‌گر است و انتخاب آن‌ها عملکردی سلیقه‌ای محسوب می‌شود (ویناس، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹) و تصمیم قطعی درباره روند حفظ کردن آثار با رویکردی ویژه، بسیار دشوار است (Patridge, 2006, p28). مؤسسه گتی، حداقل مداخله، بازگشت‌پذیری و حفظ اصالت را از اصول بدهی حفاظت‌نویین قلمداد می‌کند (امین‌پور و هرفته، ۱۳۹۰، ص ۷۳). براجر (۲۰۰۹) هم «حفظ اصالت اثر را در بالاترین مرتبه می‌داند که شامل اصالت در فرم و طراحی، مواد، عملکرد، سنت و تکنیک‌ها، محل قرارگیری، روح و احساس است» (Brajer, 2009, p31).

براساس مطالعات بررسی‌شده می‌توان به اهمیت موزون‌سازی نواحی فقدان در نگاره‌ها پی برد و این‌که هر مرمت‌گر در این راستا مطالعات زیادی انجام داده‌است و مطابق سلیقه خود بخش از دست‌رفته را بازسازی کرده‌است؛ هرچند در مطالعات انجام‌شده، کاملاً واضح بود که از چارچوب‌های مرمتی استفاده شده‌است. این‌که مرمت‌گری از لایه پلیمری استفاده کرده‌است به رعایت اصل حفظ اصالت اثر برمی‌گردد. هم‌چنین استفاده از تکنیک پاک‌سازی با التراسونیک به اصل برگشت‌پذیری اشاره دارد. همه موارد ذکر شده راهنماهایی برای انجام مرمت‌های اصولی مطابق مبانی نظری مرمت است و هرکدام از تکنیک‌های انجام‌شده برحسب سلیقه مرمت‌گران پیشین، با روند پژوهش حاضر مشابهت

۱. پژوهش‌ها و آزمایش‌های روان‌شناسی گشتالت (Gestalt)، (واژه آلمانی به‌معنی شکل، فرم، ساختار و ترکیب) (Sabar, ۲۰۱۳، p۷) از ارزش بسیاری در کمک به تفسیر معنای قسمت‌های فقدان یا خالی اثر و یافتن راه‌هایی برای خنثی‌کردن آن‌ها برخوردار است (برندی، ۱۳۸۱، ص ۶۱).

زیادی دارد. سلیقه اعمال شده مرمت گران بر موزون سازی نواحی ازدست رفته نگاره «جنگ دریایی اسکندر» نیز کارکردی مطابق با تئوری مرمت دارد و از نظر تکنیک و اجرا به مرمت های پیشینیان شبیه است.

### ۳. روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر تفسیری؛ روش مطالعه و پژوهش، کیفی؛ و روش های گردآوری اطلاعات آن با انجام مطالعات، و مصاحبه های سازمان یافته و بررسی مدارک موجود بوده است. نگارنده، منابع مرتبط با مبانی نظری مرمت نگاره ها را گرد هم می آورد و مفاهیم اصالت، تمامیت و مرمت علمی را بررسی می کند و در راستای مرمت عملی و کاربردی، سلیقه های مرمت گران را در مرمت نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین» ارزیابی می کند. بدین ترتیب پرینت اثر در اختیار بیست مرمت گر قرار گرفت تا طبق دیدگاه های خود، به مرمت اقدام کنند. البته در نگاره اصلی، نواحی فقدان اثر مرمت شده است و خطوطی در نواحی ازدست رفته رسم شده است؛ بنابراین در جهت اجتناب از قضاوت مرمت گر، تمامی مرمت های قبلی اثر حذف شد تا او بتواند سلیقه خود را بدون پیش ذهنیتی روی اثر اعمال کند. هم چنین جامعه آماری مرمت گران به صورت هدفمند (انتخاب نمونه هدفمند موجب می شود تا مقایسه بین آنها تسهیل شود) انتخاب شد و به تدریج در فرایند گردآوری داده ها شکل گرفت. این جامعه شامل تعداد زیادی مرمت گر بود که متأسفانه تعداد معدودی پاسخ دادند و به مرمت و موزون سازی اقدام کردند. این افراد از مرمت گران ایرانی انتخاب شدند که نگارگری ایرانی را به خوبی می شناسند و به فرهنگ، جغرافیا و محل نمایش اثر نیز اشراف داشتند و باتوجه به دانش خود از فن شناسی و آسیب شناسی نگاره ها، به بازسازی رنگی اقدام کردند. سپس نگاره های مرمت شده به ترتیب مداخله کم تا مداخله زیاد در اختیار چهل مخاطب (بیست مخاطب عام و بیست مخاطب خاص) قرار گرفت تا نظراتشان را درباره نگاره منتخب خود و دلیل انتخاب آن ارائه دهند. در ادامه این نظرات بررسی شد و سپس داده ها پردازش و تحلیل شد و نتایج حاصل از آن در جامعه آماری مذکور در قالب چارت و نمودار ارائه شد.

### ۴. نتایج و یافته ها

#### ۴.۱. نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین» و علت انتخاب آن

نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین» به عنوان اثر منتخب در نظر گرفته شد. این اثر با تشعیر در هم آمیخته است و یک کشتی در مرکز آن قرار دارد که افراد زیادی روی عرشه



کشتی حضور دارند. ویژگی‌های صوری این اثر شامل خط، رنگ، حجم‌نمایی، تناسب، ژرف‌نمایی و ترکیب‌بندی است. تبارنامه این نگاره از کتاب "Persian Painting: The Arts of the Book and Portraiture" نگارش Adamova و Bayani است که از کتاب دست‌نویس خمسه نظامی (مکتب شیراز<sup>۱</sup> - دوره صفوی، ۱۴ شوال ۹۱۹ ق/ ۲۳ دسامبر ۱۵۱۳ م) استخراج شده است. در تصاویری از اقبال‌نامه - در بخش دوم اسکندرنامه - اسکندر به چین وارد می‌شود و به کمک بلیناس حکیم تصمیم می‌گیرد به کاوش دریا‌های نزدیک هم پردازد. ساختار اثر از جوهر، آب‌رنگ مات و رنگ‌دانه طلایی روی زمینه نازک کرم، تشکیل شده است. خطوط اجرا شده را - که نستعلیق مشکی در چهار ستون، سربرگ و پانویس عمدتاً طلایی و کمی سفید است - مرشدالدین محمد به رشته تحریر درآورده است. این نگاره در زمان شاه اسماعیل و احتمالاً در دوره بهزاد به تصویر درآمده است. ابعاد صفحه  $16,3 * 26,6 \text{ cm}^2$  و محدوده نگاره  $10,1 * 18,2 \text{ cm}^2$  است. این اثر به مجموعه هاپوگ کوورکیان نیویورک تعلق دارد.



### شکل ۱

جنگ دریایی اسکندر در دریای چین  
(Adamova & Bayani, ۲۰۱۶, ۳۴۲ p)

در سمت بالا قسمت چپ نگاره، اسکندر روی نشیمن‌گاه (تخت شاهی) نشسته است؛ لباس‌های آذین‌شده و تاجش نشانه تمایز او از بقیه است. در مرکز اثر فرد مُسنی با کلاه و ردای متفاوت قرار دارد که به او تشخیص و تقدسی خاص بخشیده است؛ با توجه به شعر، این فرد بلیناس فرزانه است که بر روی زمین نشسته است و در جهت مشاوره و راهنمایی در سفرها و جنگ‌ها، اسکندر را همراهی کرده است. در قسمت بالای اثر، بادبانی به شکل چادر بالای سر آن‌ها قرار گرفته است. وجود شاخک‌های قرمز در وسط کلاه‌های افراد، تعلق نگاره به دوره شاه اسماعیل صفوی را نشان می‌دهد. سیاه‌های زنگی در گوشه

۱. مکتب شیراز مکتبی پرمایه و خوش‌رنگ است؛ ولی همیشه هماهنگ نیست و نماد رنگ روشن است (یوپ، ۱۳۶۹، ص ۱۵).

راست در حال دمیدن در صور اسرافیل (اعلان ادامه موجودیت مجدد انسان) هستند که مبین نگارگری صفوی بعد از حضور بهزاد در بارگاه هرات است. در بخش پایینی و زیر سکو، پنجره‌هایی وجود دارد که سر حیوانات چهارپایی چون اسب و شترهایی از نژادهای متفاوت در آن هویدا است که حاکی از وجود این چهارپایان برای همراهی اسکندر و همراهانش است. کشتی روی دریا قرار گرفته است و پیرامون کشتی حیوانات انتزاعی، عجیب و غیرواقعی با بدن ماهی و سر دیگر حیوانات ترسیم شده است که هیبت آن‌ها بیننده را به یاد حیواناتی چون گرگ، سگ، روباه و ... می‌اندازد (Adamova & Baya- ni, 2016, p362). بخش‌هایی از این نگاره ریختگی دارد که موجب تشخیص ندادن کامل موضوع اثر شده است. علت انتخاب این اثر وجود همین فقدان‌ها با ابعاد و رنگ‌های متفاوت و همچنین وجود نواحی ازدست‌رفته در اندام‌های حساس افراد چون صورت و دست‌ها است که کار را برای مرمت‌گر سخت می‌کند تا به خوبی بتوان نوع سلیقه او را در موزون‌سازی نواحی فقدان موشکافی کرد. البته در نگاره مذکور در وضعیت فعلی، برخی نواحی از بین رفته تا حدودی جدول‌کشی شده‌اند که در شکل ۱ دیده می‌شود.

#### ۴.۲. اعمال سلیقه مرمت‌گران در مرمت نواحی فقدان نگاره منتخب

در راستای واکاوی سلیقه مرمت‌گران بر نگاره «جنگ دریایی اسکندر»، برای جلوگیری از پیش‌داوری مرمت‌گران ابتدا مرمت قبلی از نگاره حذف شد و سپس پرینت بدون مرمت نگاره در اختیار مرمت‌گران قرار گرفت تا براساس سبک و ایدئولوژی خود به مرمت یا موزون‌سازی نواحی ازدست‌رفته اقدام کنند. مرمت‌گران رویکردهای متنوعی را مطرح کردند. گروه اول ترجیح دادند که تنها به مرمت استحکامی در نواحی فقدان اقدام کنند و از دست‌بردن در اثر بپرهیزند تا اصالت و هویت اثر حفظ شود؛ هدف آن‌ها تنها حفظ ارزش‌های تاریخی نگاره بود. ولی هدف گروه دوم حفظ ارزش‌های زیبایی‌شناسی نگاره بود و آن‌ها تمایل داشتند که به موزون‌سازی و بازسازی رنگی نواحی ازدست‌رفته بپردازند تا لذت بصری را به مخاطب خود انتقال دهند.

#### ۴.۲.۱. اعمال سلیقه مرمت‌گران در مرمت استحکامی نواحی فقدان

گروه اول مرمت‌گران به مرمت استحکامی نواحی ازدست‌رفته معتقدند و پرکردن آن بخش‌ها را با تیشویی هم‌رنگ زمینه اثر کافی می‌دانند و هیچ مداخله‌ای در اثر را جایز نمی‌دانند. این‌ها هر موزون‌سازی و یا حتی ترسیمی بر نواحی فقدان را سبب از بین رفتن اصالت اثر و مخالف رعایت اصول مرمتی می‌دانند و حفظ تمامیت اثر را در اولویت



رسالت مرمت گر می‌دانند. مرمت گران این گروه معتقدند که حتی مخاطب نیز به کامل دیدن اثر نیازی ندارد و می‌تواند براساس آگاهی خود، بخش‌های از دست‌رفته را در ذهن خود تداعی و مجسم کند. بنابراین آن‌ها در جهت حفظ اثر در وضعیت موجود به مرمت استحکامی بسنده می‌کنند و دیدگاه شبه‌راسکینی<sup>۱</sup> را صحیح می‌دانند.

چنانکه میترا اعتضادی (مصاحبه، دی ۱۳۹۸) از این گروه معتقد است: «مرمت این نگاره باید به شیوه مرمت علمی یا استحکامی صورت بگیرد. او هرگونه مداخله در اثر را موجب از بین رفتن اصالت و هویت اثر می‌داند (شکل ۲). بنابراین او در مرمت، رنگی غالب از پس‌زمینه را روی نواحی فقدان قرار داد». رویکرد بهشاد حسینی (مصاحبه، دی ۱۳۹۸) چنین است: «اگر پارسپارتوی تک‌نگاره به نمایش گذاشته می‌شود، روی کاغذی هم‌رنگ زمینه انجام شود تا کم‌ترین دخالت فیزیکی و بصری صورت گیرد و حتی اگر به شکل غیرقاب‌شده، نمایش داده می‌شود، با کاغذ هم‌رنگ زمینه مرمت شود. این نگاره چون حاوی کتیبه و تصویر غیربازیابی است، هرگونه بازسازی رنگی احتمال اعمال سلیقه شخصی را هموار می‌کند». محمد حدادی (مصاحبه، دی ۱۳۹۹) «مرمت نگاره مذکور را با کاغذی هم‌ضخامت و هم‌رنگ نقاط زمینه آن صحیح می‌داند و مرمت استحکامی بدون هیچ‌گونه مداخله را مدنظر قرار می‌دهد». حمید فرهمند بروجنی (مصاحبه، آبان ۱۳۹۸) معتقد است: «در بخش‌های فقدان این نگاره، تنها مرمت استحکامی با تیشویی با رنگ مناسب و متناسب با زمینه اثر استفاده شود». یدالله رباط‌جزی (مصاحبه، اردیبهشت ۱۳۹۸) نیز با هرگونه مداخله در موزون‌سازی نواحی از دست‌رفته مخالف است و فقط به مرمت حفاظتی بدون موزون‌سازی رنگی بسنده می‌کند. هم‌چنین می‌گوید که در صورت تقاضای مالک اثر برای موزون‌سازی، آن را باید به نگارگری سپرد که شناخت، دانش و مهارت کافی داشته باشد و از نحوه مرمت و مبانی نظری مرمت مطلع باشد.



۱. John Raskin (جان راسکین اندیشمند انگلیسی) به حداقل مداخله در مرمت آثار معتقد بود.

## شکل ۲

رویکرد موزون‌سازی استحکامی  
مرمت گران





هم چنین محسن سلیمانی (مصاحبه، آذر ۱۳۹۹) «مرمت استحکامی در بخش های فقدان این نگاره را با تیشویی با رنگ مناسب زمینه اثر لازم می داند». مهدی عتیقی (مصاحبه، آبان ۱۳۹۸) «هرگونه مداخله در نواحی ازدست رفته را مردود می داند و درباره این نگاره به مرمت استحکامی بدون موزون سازی رنگی بسنده می کند. او معتقد است که در بحث مرمت نگاره ها به دو شیوه موزون سازی برمی خوریم؛ اولی مرمت موزه ای یا علمی است که مرمت گران به مرمت استحکامی اکتفا می کنند و هیچ موزون سازی رنگی را جایز نمی شمارند و این در صورتی است که اثر به مکانی موزه ای متعلق باشد. نوع دوم، اصطلاحاً مرمت بازاری است که در آن شبیه سازی نواحی فقدان براساس سلیقه مرمت گر انجام می شود و این شیوه معمولاً برای مجموعه دارها و مالکان خصوصی انجام می شود. در این موزون سازی، نواحی اصل و بدل قابل تفکیک نیستند که کاری کاملاً مخالف اصول مرمتی است.» یاسر حمزوی (مصاحبه، خرداد ۱۳۹۹) معتقد است: «باید به مرمت استحکامی نواحی فقدان با تیشویی هم رنگ زمینه بسنده کرد و ادامه خطوط کادرها، چادر و پنجره اسبها را اجرا کرد. در نواحی ازدست رفته نیز به رنگ گذاری بسیار رقیق پرداخت، هر چند به هیچ عنوان در نقوش و فیگورها مداخله جایز نیست». زهره مرادخانی (مصاحبه، بهمن ۱۳۹۸) و فهیمه نخعی (مصاحبه، خرداد ۱۳۹۸) نیز «هرگونه مداخله در موزون سازی نواحی فقدان را رد کرده اند و به مرمت استحکامی بدون موزون سازی رنگی بسنده کرده اند». این نوع مرمت به حفاظت اثر اکتفا می کند و ساده ترین تکنیک را برای حفظ نگاره در پیش می گیرد. چنانکه داندیس به نقل از کتاب «عناصر طرح» نوشته دونالد آندرسون می گوید: «تکنیک گاهی برای انتزاعی کردن و ساده کردن جزئیات پراکنده شکلی بغرنج و تبدیل آن به روابط ساده و قابل فهم اساسی ترین عامل است». بنابراین دست چین کردن برخی از طرح های تجربی و انتخاب یکی از آنها قوی ترین راه حل بصری برای بیان موضوع مدنظر است (داندیس، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱).

مطابق با یافته های ذکر شده در راستای اهداف پژوهش و مرمت نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین»، مرمت گران گروه اول به مرمت استحکامی اقدام کرده اند و عموماً به پرکردن نواحی فقدان با تیشوهای هم رنگ زمینه بسنده کرده اند. مرمت گران این گروه معتقدند فرد مرمت گر در راستای فعالیت های مرمتی، موقعیت های دینامیک بسیاری دارد و بنابه موقعیت و شرایط موجود به مرمت اقدام می کند.

#### ۴.۲.۲. اعمال سلیقه مرمت گران در موزون سازی نواحی فقدان

در این گروه، ابتدا مرمت گران به مرمت استحکامی در نواحی فقدان نگاره اقدام کردند و سپس به موزون سازی و بازسازی رنگی پرداختند. برخی به جدول کشی، ترسیم خطوط





پیش فرض و قسمت‌های تکرار شده اقدام کردند و برخی دیگر با ساخت لایه‌های پلیمری پر شده در نواحی ازدست‌رفته، ترسیم نقوش، تشعیر و بازسازی کامل اثر، با توجه به سلیقه و تکنیک خود اقدام کردند. آن‌ها در جهت رعایت دستورالعمل‌های مرمتی در موزون‌سازی بخش‌های ازدست‌رفته از مواد و روش‌های برگشت‌پذیر، رنگ آب‌رنگ و شیوه‌التراسونیک برای تثبیت بخشی استفاده کردند و عموماً با اجتناب از حدس و گمان در موزون‌سازی و براساس مستندات، به بازسازی پرداختند.

در اولین رویکرد این گروه، حسین علی جعفریان (مصاحبه، دی ۱۳۹۸) بنابه نظری متفاوت اقدام کرد (شکل ۳ الف و ۳ ب) و نواحی فقدان را بر روی فیلم عکاسی شبیه‌سازی و نقاشی کرد. او با موزون‌سازی کردن نواحی ازدست‌رفته بر روی فیلم و قراردادن آن بر روی این نواحی توانست شکل و محتوا را هم‌زمان به مخاطب منتقل کند. او علاوه بر در نظر گرفتن وضوح و گویایی نواحی فقدان و همچنین انتقال پیام تصویر، مداخله نکردن در اثر را برگزید تا راه را برای مرمت گران بعدی باز بگذارد و این پایان باز را با هوشمندی تمام ارائه کرد. هم‌چنین هایدی خمسه (مصاحبه، دی ۱۳۹۹) نیز در موزون‌سازی بخش ازدست‌رفته (شکل ۴)، جدول‌کشی‌ها را انجام داد و در بخش‌های تیره موزون‌سازی رنگی انجام داد. بازسازی با پودر مداد سیاه با حداقل مداخله انجام شد تا در صورت نیاز به اقدام اصلاحی توسط مرمت گران بعدی، قابل برگشت باشد.

### شکل ۳ الف

رویکرد موزون‌سازی حسین علی جعفریان

### شکل ۳ ب

شبیه‌سازی و نقاشی نواحی فقدان بر روی فیلم عکاسی



### شکل ۴

رویکرد موزون‌سازی هایدی خمسه



در ادامه، علی ذوالفقاری کرمانی (مصاحبه، دی ۱۳۹۸)، رویکرد خود را مطابق (شکل ۵) ارائه داد. او معتقد است: «بافت آن عنصری است که بسیاری از اوقات به جای حس لامسه ایجاد می‌شود و تنها با دیدن یا لمس کردن و یا با تلفیق این دو باز شناخته می‌شود. بافت ممکن است فقط کیفیت بصری داشته باشد و فاقد کیفیت لمسی باشد و گاهی ضمن دارا بودن کیفیت لامسه‌ای، کیفیت بصری نیز داشته باشد». بنابراین ایشان بر اساس نوع، ابعاد و موقعیت قرارگیری نگاره، بافت‌های متفاوتی را در نواحی ازدست‌رفته ایجاد کرد. جدول‌کشی‌ها ترسیم شد؛ ولی در نواحی ازدست‌رفته با پس‌زمینه روشن موزون‌سازی انجام نشد. در نواحی با مرزهای تیره، موزون‌سازی با استفاده از هاشورهای افقی، عمودی، مورب و یا ترکیبی از آن‌ها انجام شد. در ناحیه فقدان هیبت اسکندر و اسطبل اسب‌ها، هاشورهای عمودی ایجاد کرد و در ناحیه گمشده دریا با توجه به موج‌های آشکار دریا، هاشورهای عمودی و مورب ایجاد کرد تا حالت موجی و ناهمگون ایجاد کند. حمید ملکیان (مصاحبه، اسفند ۱۳۹۸) درباره رویکرد خود می‌گوید: «تأثیر گویای نقاشی بر بیننده به انتخاب هنرمند بستگی دارد که از چه عناصر و تکنیک‌هایی استفاده کرده باشد؛ ولی مرمت‌گر بر اساس تکنیک‌های موجود، راه‌حل‌های بی‌شماری برای موزون‌سازی دارد و کثرت راه‌حل‌ها موجب می‌شود تا ما نتوانیم تکنیک‌های بصری را به‌نحو قطعی و نهایی برشماریم و آن‌ها را تعریف کنیم. مرمت‌گر باید برای یافتن راه‌حل مناسب برای ایجاد شیئی زیبا و موزون، متوجه رابطه متقابل شکل و محتوای آن باشد و عملیات مختلفی را برای ترکیب‌بندی خود بیازماید. انجام وظیفه او در انتخاب فن یا تکنیک خاص در اجرا باید بسیار هوشمندانه و از روی فکر باشد». او در موزون‌سازی نگاره منتخب (شکل ۶) بخش‌های ازدست‌رفته دارای هویت مشخص را مطابق با رنگ‌های مجاور آن بازسازی کرد و جدول‌کشی‌ها را رسم کرد و از مداخله در ترسیم نقوش و حتی تشعیر بر اساس حدس و گمان پرهیز کرد.



شکل ۵

رویکرد موزون‌سازی علی ذوالفقاری

### شکل ۶

رویکرد موزون‌سازی حمید ملکیان



امیر حسن‌وند (مصاحبه، دی ۱۳۹۸)، برای قطع نشدن ارتباط مخاطب با پیام بصری نگاره، مطابق شکل ۷ نقوش نواحی فقدان را بر اساس حدس و گمان خود و بدون وجود شواهد و مستندات، اتود زد تا مخاطب بتواند فهم خود را از تصویر و درک موضوع نگاره، دریافت کند. الهام نیک‌شناس (مصاحبه، بهمن ۱۳۹۸) با رعایت اصول مبانی نظری مرمت، با ترسیم جدول‌کشی‌ها و بازسازی بخش‌های قابل حدس (که ادامه خطوط و نقوش آن‌ها موجود بود) نگاره را موزون‌سازی رنگی کرد (شکل ۸). هم‌چنین موزون‌سازی رنگی را در نواحی از دست‌رفته با رنگ تیره انجام داد و از بازسازی نواحی با رنگ روشن خودداری کرد. ضمناً با رعایت اصل مرمتی «شش اینچ و شش فوت»، برای تشخیص بخش اصیل نگاره از نواحی مرمتی، در نواحی موزون‌سازی‌شده از رنگ‌های روشن‌تر استفاده کرد.



### شکل ۷

رویکرد موزون‌سازی امیر حسن‌وند



### شکل ۸

رویکرد موزون سازی الهام نیک شناس

اکرم میرمنتهایی (مصاحبه، بهمن ۱۳۹۸) با رعایت اصول مبانی نظری مرمت، نگاره را موزون سازی رنگی کرد. او مطابق شکل ۹، جدول کشی‌ها، بخش‌های قابل حدس، ادامه خطوط و نقوش موجود را بازسازی کرد. ضمناً با رعایت اصل مرمتی برای تشخیص نواحی اصیل از نواحی مرمتی، در نواحی موزون سازی شده از رنگ‌های روشن‌تر استفاده کرد. صفورا سلجوقی (مصاحبه، دی ۱۳۹۸) نیز با رعایت اصول مبانی نظری مرمت، به موزون سازی رنگی نگاره اقدام کرد (شکل ۱۰). او ضمن ترسیم جدول کشی‌ها، بخش‌های قابل حدس، ادامه خطوط و نقوش آن‌ها را بازسازی کرد. هم‌چنین مطابق اصل مرمتی «شش اینچ و شش فوت»، برای تشخیص نواحی اصیل نگاره از نواحی مرمتی، در نواحی موزون سازی شده از رنگ‌های روشن‌تر استفاده کرد و روش محو کردن لبه‌های نواحی از دست رفته را به کار بست.



### شکل ۹

رویکرد موزون سازی اکرم میرمنتهایی

### شکل ۱۰

رویکرد موزون سازی امیر حسن وند



رویکرد مهرداد ولی‌اللهی (مصاحبه، دی ۱۳۹۸) براین اساس شکل گرفت: «محتوا مقوله‌ای است که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بیان می‌شود و خصوصیت اصلی هر خبر یا پیام است؛ هر چند در ارتباط بصری، شکل و محتوا هرگز از یکدیگر جدا نیستند». مطابق با شکل ۱۱، برای کاهش وقفه دید مخاطب، نواحی فقدان کوچک شده‌است و مرمت‌گر عملیات بازسازی رنگی را انجام داده‌است و در نواحی نقوش تکرارشونده و تشعیر (ضمن تطابق با نوع خوش‌نویسی موجود) بازسازی انجام شده‌است. نواحی از دست‌رفته هیبت اسکندر، اسطبل و امواج دریا هم با رنگ و بافت متناسب، شبیه‌سازی شده‌است؛ به‌نحوی که نواحی اصیل و مرمت‌شده قابل تفکیک باشند.

### شکل ۱۱

رویکرد موزون سازی صفورا سلجوقی





در ادامه، نظرات مرمت‌گران دربارهٔ مرمت نواحی فقدان نگارهٔ «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین» بررسی شده است. ده مرمت‌گر به مرمت استحکامی بسنده کردند و ده مرمت‌گر دیگر به موزون‌سازی نواحی از دست‌رفته پرداختند. در تصویر ۲، مرمت‌گر مرمت استحکامی انجام داده است و بازسازی رنگی مدنظرش نبوده است. در تصویر ۳، بخش‌های قابل تکرار، برای کوچک‌سازی نواحی از بین‌رفته، به‌طور مختصر موزون‌سازی رنگی شده است. در تصویر ۴، با استفاده از ورقهٔ پلیمری، نقوش قابل حدس مرمت‌گر ترسیم شده و روی نگاره قرار گرفته است؛ در این رویکرد، برگشت‌پذیری رعایت شده است. در تصاویر ۵ و ۶ نیز با بازسازی رنگی بخش‌های تکرار شده، نواحی فقدان کوچک شده است تا از خدشهٔ بصری بیشتر جلوگیری شود. در تصویر ۷ با ترسیم خطوط دورگیر، موضوع نگاره ارائه شده است. در تصویر ۸ نیز با استفاده از مدادرنگی به ترسیم موضوع و بازسازی رنگی اقدام شده است. هم‌چنین در تصاویر ۹ و ۱۰، نقوش تکرارشونده بازسازی رنگی شده‌اند. در تصویر ۱۱، بازسازی رنگی کامل انجام شده و حتی تشعیر نیز مطابق با خطوط موجود بازسازی شده است.

### ۴.۳. نظر مخاطبان دربارهٔ نگاره‌های مرمت‌شده

در راستای موضوع پژوهش، نگارهٔ «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین» که توسط مرمت‌گران مرمت شده بود در اختیار مخاطبان خاص و عام قرار گرفت تا ضمن بررسی نگاره‌ها نگارهٔ مدنظرشان را انتخاب کنند و دلیل آن را اعلام کنند. بدین ترتیب که نگاره‌ها به ترتیب کم‌کاربودن موزون‌سازی در نواحی فقدان به پرکاربودن موزون‌سازی در نواحی فقدان، در اختیار بیست مخاطب عام و بیست مخاطب خاص قرار گرفت. مخاطبان براساس دیدگاه خود، نگاره‌ها را ارزیابی کردند. ارزیابی آن‌ها به نوع نگرش، شناخت آثار و مرمت آن برمی‌گشت. براساس نتایج این پژوهش، مخاطبان شیوهٔ اجرای کار مرمت‌گران در ده نگارهٔ مرمت‌شده را واکاوی کردند و نگارهٔ قابل قبول را با ذکر دلیل انتخاب کردند. پرسش‌هایی که در این راستا بررسی شدند عبارت‌اند از: «آیا نواحی فقدان نگارهٔ مذکور به موزون‌سازی نیاز دارد؟» «علت نیاز به موزون‌سازی نواحی از دست‌رفتهٔ نگاره‌ها چیست؟» «کدام نگاره، به‌عنوان شیئی موزه‌ای، نظر شمای مخاطب را جذب می‌کند؟ یا به عبارتی شما علاقه‌مندید که این نگاره را با کدام یک از روش‌های موزون‌سازی شده، در موزه ببینید؟» ابوالقاسمی در بحث مخاطب معتقد است: «هر مخاطبی بسته به سطح فهم، فرهنگ، معرفت و آموزش زیبایی‌شناسی خود، از هر اثر هنری برداشتی [خاص] خواهد داشت و فهمی [خاص] از هر اثر کسب خواهد کرد» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰). بنابراین نظرات مخاطبان نیز بر این اساس قابل بررسی است.



### ۴.۳.۱. مخاطب عام

مخاطب عام فردی است که براساس دیدگاه هنری اش، غالباً تا حد ذهن متوسط در معرفت هنری پیش می‌رود؛ ولی به تشکیل ذهن عالی برای این معرفت نرسیده‌است و یا حداکثر، در اوان تشکیل آن متوقف می‌شود و این یعنی اینکه به شهود هنری نمی‌رسد. مقصود از مقدار کمی مخاطب عام، میزان درک فرد از اثر هنری، درقبال کل جماعت بشری در تمام طول تاریخ حیات و حضور اثر هنری است. چون مخاطبان عام بی‌شمارترین گروه مخاطب هستند، اهمیت آن‌ها قابل تأمل است. در ادامه مطابق با جدول ۱، نظرات مخاطبان عام دربارهٔ موزون‌سازی بررسی شده‌است.

ردیف	ویژگی مخاطب	نگارهٔ منتخب	علت انتخاب	توضیحات
۱	خانم، کارشناس آرشو	۲	دست نخورده بودن نگاره.	نگارهٔ ۲: حفظ اصالت اثر.
۲	آقا، کارشناس آرشو	۲	دست نخورده بودن نگاره.	نگارهٔ ۲: حفظ اصالت اثر؛ مخاطب عام می‌تواند نواحی فقدان را در ذهنش تداعی کند.
۳	آقا، کارمند	۸	انتقال موضوع؛ حس لذت نقاشی تاریخی.	نگارهٔ ۸: انتقال روح تاریخی اثر؛ شکستن و کم‌رنگ کردن نواحی فقدان.
۴	خانم، کارمند	۸	مطابقت بصری اجرا و رنگ‌ها مطابق اصل اثر	نگارهٔ ۸: مطابقت بصری از نظر اجرا و نوع رنگ با اصل اثر؛ دریافت موضوع در نواحی فقدان.
۵	آقا، نگارگر	۱۰	اجرای مناسب موزون‌سازی.	نگارهٔ ۱۰: انتقال پیام نقاشی؛ هم‌چنین انتخاب مناسب رنگ‌ها؛ در نواحی موزون‌سازی نشده، چشم در ناحیهٔ از دست‌رفته توقفی خواهد کرد و جذابیت نگاره از بین خواهد رفت.
۶	خانم کارشناس آرشو	۱۰	موزون‌سازی نواحی فقدان.	نگارهٔ ۱۰: حفظ هویت؛ درک موضوع و معنای اثر.

#### جدول ۱

بررسی تطبیقی نگارهٔ منتخب در نظر مخاطبان عام



ردیف	ویژگی مخاطب	نگارہ منتخب	علت انتخاب	توضیحات
۷	آقا، مدیر بیمارستان	۱۰	انتقال موضوع درجهت درک بصری و دریافت زیبایی اثر.	نگارہ ۱۰: موزون سازی مناسب نواحی فقدان و درک موضوع اثر؛ او معتقد است مخاطب عام، اثر را تحلیل نمی کند و اغلب به دنبال درک بصری و دریافت زیبایی از آثاری چون نقاشی است.
۸	خانم، کارشناس هنری	۱۰	کم ترین مداخله.	نگارہ ۱۰: درک ارتباط موضوع توسط مخاطب؛ کم ترین دخالت؛ انتخاب رنگ مناسب.
۹	آقا، کارمند بازنشسته	۱۰	نحوه خوب اجرا و انتخاب رنگ؛ انتقال حس نقاشی تاریخی.	نگارہ ۱۰: انتخاب رنگها و موزون سازی مناسب. در برخی نگارهها از رنگهای شارپ و معاصر بدون رنگ و بوی تاریخی استفاده کرده اند و لذت روحی حاصل از دریافت اثری تاریخی را از بین برده اند.
۱۰	خانم، هنرمند خانه دار	۱۰	انتخاب تکنیک مناسب.	نگارہ ۱۰: دریافت لذت؛ درک و فهم موضوع نگاره. نگارہ ۱۱: به علت انتخاب نامناسب رنگ و انتقال ندادن روح تاریخی اثر رد شد.
۱۱	خانم، هنرمند خانه دار	۱۰	اجرای مناسب؛ استفاده از رنگهای اصیل.	نگارہ ۱۰ و ۱۱: در این دو نگاره نواحی فقدان، به خوبی کار شده است و درک کلیت اثر در آنها قابل دستیابی است. ولی در نگارہ ۱۰ رنگها خاموش کار شده است و اجرای خوبی هم در آن دیده می شود.

### ادامه جدول ۱

بررسی تطبیقی نگارہ منتخب در نظر مخاطبان  
عام





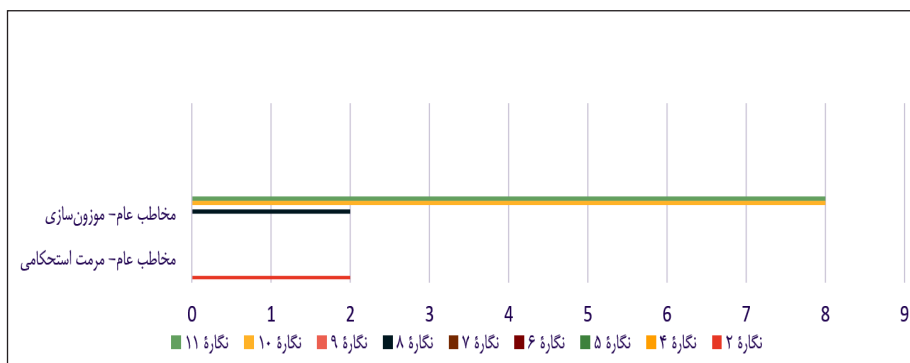
ردیف	ویژگی مخاطب	نگاره‌منتخب	علت‌انتخاب	توضیحات
۱۲	خانم، کارمند	۱۰	انتخاب رنگ‌های مناسب؛ اجرای مناسب.	نگاره ۱۰: اجرای مناسب و انتخاب درست رنگ‌ها؛ اولویت مخاطب دریافت کلیت و موضوع نقاشی است.
۱۳	خانم، کارشناس آرشیو	۱۱	تمامیت نواحی فقدان.	نگاره ۱۰: دریافت لذت بصری اثر؛ لزوم انتقال حس زیبایی‌شناسی اثر و پیام بصری.
۱۴	خانم، نقاش	۱۱	کامل بودن اثر؛ دریافت سریع موضوع اثر.	نگاره ۱۱: دست‌یافتن به ویژگی شخصیت‌ها، ماهیت و درک فیگورها و تشعیر؛ دریافت ارتباط آن‌ها برای پی‌بردن به مفاهیم و موضوع.
۱۵	خانم، هنرمند و آشپز	۱۱	خوانایی نقاشی و شعر.	نگاره ۱۱: درک خوانایی موضوع، مفهوم نقاشی و شعر توسط مخاطب.
۱۶	خانم، هنرمند خانه‌دار	۱۱	خوانایی اثر؛ تفهم موضوع.	نگاره ۱۱: بازسازی کامل نواحی فقدان نگاره و شعر؛ درک موضوع؛ دریافت فهم و خوانایی اثر.
۱۷	خانم، معلم	۱۱	کامل بودن نواحی فقدان.	نگاره ۱۱: دریافت موضوع نقاشی.
۱۸	آقا، کارمند	۱۱	کامل کردن نواحی فقدان و تشعیر.	نگاره ۱۱: درستی اجرای موزون‌سازی نواحی فقدان و دستیابی به موضوع؛ هم‌چنین بازسازی تشعیر.
۱۹	آقا، کارمند	۱۱	کامل بودن نواحی فقدان نگاره.	نگاره ۱۱: انتخاب رنگ درست؛ دریافت موضوع؛ لذت نقاشی؛ حفظ اصالت اثر.
۲۰	آقا، هنرمند کارمند	۱۱	خوانایی موضوع، درک نقاشی و شعر.	نگاره ۱۱: ایجاد خوانایی موضوع، مفهوم نقاشی و شعر؛ اهمیت پی‌بردن مخاطب به موضوع نقاشی.

### ادامه جدول ۱

بررسی تطبیقی نگاره منتخب در نظر  
مخاطبان عام



مخاطبان عام، افرادی علاقه‌مند به هنر بودند که فرهنگ مطالعه هنر را داشتند و با هوشمندی و دقت زیاد از موزه‌ها بازدید می‌کردند. در بین بیست مخاطب عامی که نگاره مذکور را بررسی کردند هشت نفر مرد و دوازده نفر زن بودند. دو مخاطب به مرمت استحکامی و حفظ نگاره در وضعیت موجود رأی دادند و هجده نفر باقی‌مانده به دلیل زیبایی‌شناسی، به موزون‌سازی نگاره علاقه‌مند بودند. اولویت آن‌ها دریافت موضوع و کلیت اثر بدون ازدست‌دادن تمامیت آن بود.



## مُودار ۱

نظر مخاطبان عام در زمینه نوع مرمت براساس نگاره منتخب

### ۴.۳.۲. مخاطب خاص

مخاطب خاص، یعنی انسانی که علاوه بر ویژگی تفکر عام، در زمینه موضوعی خاص نیز به شناخت برسد. در راستای پیش‌برد پژوهش حاضر از مرمت‌گران و موزه‌دارانی که در فعالیت‌های عملی و پژوهشی در حوزه مرمت و موزه‌داری تجربه‌های موفق داشته‌اند به‌عنوان مخاطب خاص بهره گرفته شد. در بررسی سلیقه‌های اعمال‌شده در موزون‌سازی نواحی فقدان نگاره از بیست مخاطب خاص نظرسنجی شد تا ترجیحشان از نگاره منتخبشان را با ذکر دلیل اعلام کنند. مشروح این نظرسنجی در جدول ۲ آمده است.

ردیف	نام مخاطب خاص	نگاره منتخب	علت انتخاب	توضیحات
۱	آقا، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	حفظ و اصالت اثر مهم ترین رسالت مرمت گر.	نگاره ۲: توجه به رنگ تیشوی به کاررفته در نواحی فقدان؛ رسم نکردن خطوط حتی در جدول کشی ها و اسلیمی ها بدون داشتن مستندات؛ بازسازی نکردن خوش نویسی و خطوط (هرچند محتوا و موضوع شعر شناخته شده باشد).
۲	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	حفظ اصالت اثر.	نگاره ۲: موافق مرمت استحکامی. در صورت لزوم بازسازی رنگی، این کار با فرایند نرم افزاری بر روی پرینتی با کیفیت و نه روی اصل اثر، مطابق مرمت شماره ۱۰ انجام شود.
۳	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	حفظ اصالت نگاره.	نگاره ۲: علم به مبانی نظری در حوزه نگاره ها؛ مرمت استحکامی برای حفظ ساختار اثر و جلوگیری از آسیب بیشتر؛ موزون سازی با فتوشاپ و مرمت مجازی بر اساس مستندات؛ انجام موزون سازی توسط فردی باتجربه در حوزه پژوهش هنر و نگارگری.
۴	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	مداخله نکردن در اثر؛ حفظ جنبه های تاریخی اثر	نگاره ۲: موزون سازی نکردن و تأکید بر مرمت استحکامی با اجرای تیشوی هم رنگ در پرکردن نواحی فقدان؛ توجه به بُعد تاریخی اثر.
۵	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	مداخله نکردن؛ مرمت استحکامی و حفظ اصالت.	نگاره ۲: حفظ اصالت اثر؛ مرمت استحکامی؛ انتقاد از نگاره ۱۱ به علت موجود نبودن اطلاعاتی از صورت و نوع کلاه فرد در بخش از دست رفته و پرهیز از حدس و گمان در موزون سازی، هرچند زیبایی اثر نباید خدشه دار شود.

## جدول ۲

بررسی تطبیقی نگاره منتخب مخاطبان  
خاص



ردیف	نام مخاطب خاص	نگارہ منتخب	علت انتخاب	توضیحات
۶	آقا، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	مرمت استحکامی و توجه به اصالت اثر	نگارہ ۲: استفاده از تیشویی با رنگ مناسب برای مرمت استحکامی (موزون سازی می تواند در قسمت های تکرار شونده انجام شود و از ترسیم نقوش و دورگیری با حدس و گمان خودداری شود).
۷	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۲	حداقل مداخله در اثر؛ حفظ اصالت اثر.	نگارہ ۲: مرمت استحکامی؛ بازسازی نواحی فقدان با تیشوهای هم رنگ زمینه نگاره؛ پرهیز از دورگیری، رنگ گذاری، انجام نقوش صورت و دست و بازسازی خوش نویسی.
۸	آقا، کارشناس حفاظت و مرمت	۲ و ۷	استفاده از تنالیتہ رنگی مناسب در نواحی فقدان؛ استفاده از رنگ های پخته در جهت رسیدن به پس زمینه مناسب.	نگارہ ۲ و ۷: دخالت نکردن مرمت گر در اثر قبل از شناختن اثر و ماهیت آن؛ پرهیز از حدس و گمان برای خواناسازی نگاره؛ ایجاد ته رنگ بسیار ضعیف به صورت نقطه گذاری برای حفظ ارتباط و تمامیت اثر (اکثر ضعف مرمت ها به علت تشخیص ندادن رنگ و رنگ گذاری نامناسب، نحوه اجرای نامناسب و ایجاد نقش مایه، و رعایت نکردن تناسب انسانی است).
۹	خانم، کارشناس موزه	۴	موزون سازی باتوجه به اصالت اثر	نگارہ ۴: ضرورت موزون سازی رنگی و استفاده از تیشو با رنگ مناسب؛ پرهیز از حدس و گمان در نواحی فقدان که مستندات از آن موجود نیست.
۱۰	خانم، کارشناس موزه	۴	لزوم موزون سازی؛ پرهیز از حدس و گمان.	نگارہ ۴: تصویرسازی بدون رنگ و گویا؛ کوچک شدن نواحی فقدان و اذیت نکردن چشم مخاطب. نقد تصویر ۱۱ به علت شبیه سازی کامل بدون داشتن مستندات.
۱۱	آقا، کارشناس حفاظت و مرمت	۵ و ۶	اجرای مناسب	نگاره های ۵ و ۶: اجرای تکنیک نقطه ای و موزون سازی؛ پایبندی به اصول مرمتی برای موزون سازی نواحی فقدان.

## ادامہ جدول ۲

بررسی تطبیقی نگارہ منتخب مخاطبان خاص



ردیف	نام مخاطب خاص	نگاره منتخب	علت انتخاب	توضیحات
۱۲	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۶	پایبندی به اصول مرمتی	نگاره ۶: مناسب نمایش موزه‌ای؛ درستی رنگ‌های به‌کاررفته و تشخیص ندادن بخش مرمتی از فاصله دور و امکان تشخیص از نزدیک؛ اهمیت جنبه زیبایی‌شناسی اثر.
۱۳	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۶	انتقال پیام نقاشی و لذت از آن.	نگاره ۶: هماهنگی خوب بین رنگ‌های انتخابی؛ تفکیک بین قسمت مرمتی و اصل؛ رعایت مباحث مبانی نظری؛ رعایت اصل «شش اینچ و شش فوت»؛ پایبندی به جنبه زیبایی‌شناسی اثر علاوه بر در نظر گرفتن جنبه تاریخی آن؛ مجاز نبودن موزون‌سازی نواحی‌ای چون صورت، دست‌ها و هم‌چنین مجاز نبودن بازسازی خطوط خوش‌نویسی.
۱۴	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۶ و ۹	توجه به اصول مرمتی و جنبه زیبایی‌شناسی اثر.	نگاره ۶ و ۹: آنالیز و شناخت رنگی مناسب؛ بازسازی نکردن خوش‌نویسی؛ موزون‌سازی کامل نواحی فقدان؛ تأکید بر اصالت و هویت اثر.
۱۵	آقا، کارشناس حفاظت و مرمت	۶ و ۱۰	۶: به دلیل رعایت کامل اصول مرمتی. ۱۰: اجرای قوی؛ انتقال حس زیبایی‌شناسی اثر.	نگاره ۶ و ۱۰: تعهد مرمت‌گر به اثر؛ شناخت کافی اثر؛ نیت و تکنیک هنرمند؛ شناخت فرهنگ و مکان به نمایش درآمدن اثر. (نگاره ۶ اصول نظری مرمت و بحث حداقل دخالت را رعایت کرده‌است و نگاره ۱۰ مرمت‌گر و تکنیک‌پردازی قوی داشته‌است. تلفیق کار ۶ و ۱۰، می‌تواند کار مرمتی موفقی باشد.)

## ادامه جدول ۲

بررسی تطبیقی نگاره منتخب مخاطبان  
خاص



ردیف	نام مخاطب خاص	نگارہ منتخب	علت انتخاب	توضیحات
۱۶	خانم، کارشناس موزه	۹	کوچک کردن فقدان‌ها و پرهیز از حدس و گمان	نگارہ ۹: موزون‌سازی در نواحی فقدان نگاره‌ها (در بخش‌هایی که مستندات آن موجود است با استفاده از اصل قرینه، بازسازی رنگی انجام شود)؛ نپرداختن به جزئیات.
۱۷	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۱۰	اجرای مناسب؛ توجه به خوانایی و زیبایی اثر.	نگارہ ۱۰: رعایت مبانی نظری مرمت در جهت موزون‌سازی؛ ایجاد ارتباط و درک مخاطب از نگاره؛ توجه به اصل موضوع با توجه به اهداف نقاش خالق اثر.
۱۸	خانم، کارشناس حفاظت و مرمت	۱۰	روش اجرای مناسب؛ پایبندی به مبانی نظری مرمت؛ برداشتن تحمیل نواحی فقدان بر درک معنا و فهم اثر.	نگارہ ۱۰: شناخت کامل اثر، فرهنگ و نوع مخاطب محل نمایش اثر؛ نبود لکه‌های فقدان (نگاه مخاطب ترجیح می‌دهد که نگاره، موزون‌سازی شده باشد تا معنا و موضوعش را ببیند؛ به‌ویژه برای هنرهای تزئینی که جاماندن نواحی فقدان نامناسب است. هرچند این نواحی را به‌علت ارتباط با فضا در آثار باستان‌شناسی و یا معماری می‌توان پذیرفت، ولی در اثری تخت چون نقاشی، فضا به اثر تحمیل می‌شود).
۱۹	آقا، نگارگر	۸ و ۹ و ۱۱	رعایت اصول مرمت	نگاره‌های ۸ و ۹ و ۱۱: موزون‌سازی اثر و آرایه‌های آن با رعایت اصل «شش اینچ و شش فوت»؛ درک جزئیات نگاره و موزون‌سازی مناسب برای برطرف کردن لطمه بصری به اثر.
۲۰	خانم، کارشناس موزه	۱۱	دریافت تمامیت موضوع در اثر نقاشی	نگارہ ۱۱: توجه به موضوع زیبایی‌شناسی و دریافت مفهوم اثر؛ تأکید بر موزون‌سازی کامل نگاره.

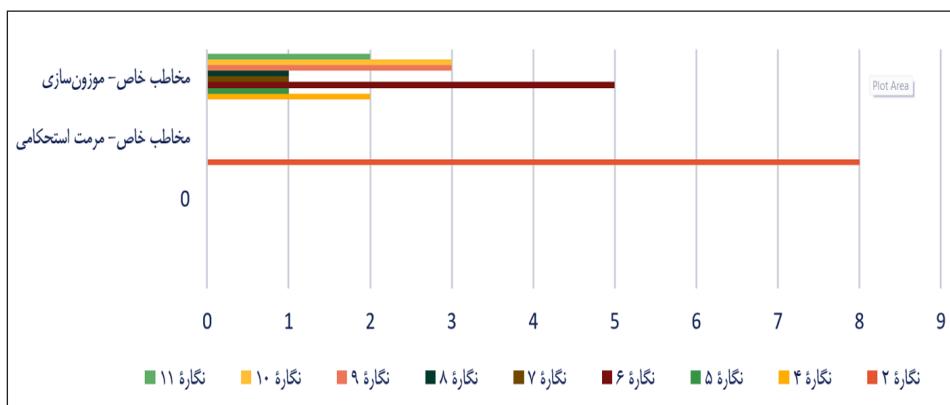
## ادامه جدول ۲

بررسی تطبیقی نگارہ منتخب مخاطبان خاص

در بیست مخاطب خاصی که نگاره‌های مذکور را بررسی کردند شش نفر مرد و چهارده نفر زن بودند. هفت مخاطب به مرمت استحکامی، و حفظ اصالت نگاره در وضعیت موجود رأی دادند و موزون‌سازی یا بازسازی رنگی را لازم ندانستند. سیزده نفر



باقی مانده، به دلیل موضوع زیبایی‌شناسی به موزون‌سازی نگاره علاقه‌مند بودند. اولویت آن‌ها دریافت موضوع و کلیت اثر بدون ازدست‌دادن تمامیت آن بود. آن‌ها موزون‌سازی را با استفاده از مستندات و رعایت مبانی نظری مرمت ضروری دانستند.



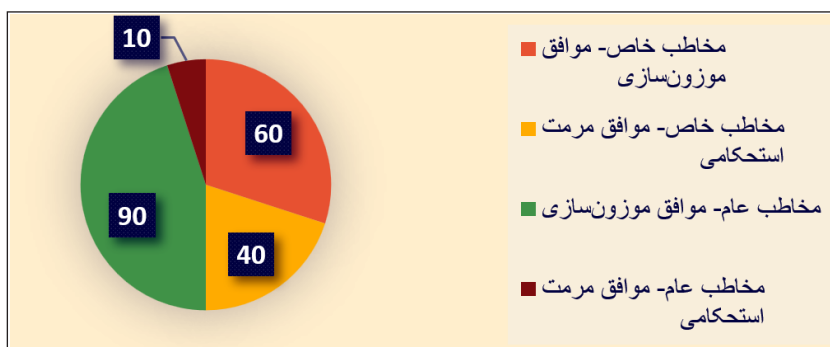
## مُودار ۲

نظر مخاطبان خاص در زمینه نوع مرمت براساس نگاره منتخب

چهل مخاطب (۲۰ مخاطب عام و ۲۰ مخاطب خاص) مرمت نواحی فقدان نگاره «جنگ دریایی اسکندر در دریای چین»، در نگاره‌های مرمت‌شده را بررسی کردند. از بین مخاطبان عام، هجده مخاطب به موزون‌سازی تمایل داشتند و دو مخاطب تمایل خود را به مرمت استحکامی اعلام کردند. از بین مخاطبان خاص، سیزده مخاطب، ترجیح خود را به موزون‌سازی و هفت مخاطب دیگر تمایلشان را به مرمت استحکامی اعلام کردند. قابل ذکر است که در رویکردهای ارائه‌شده در بازسازی نواحی فقدان در نگاره‌های مذکور، مواردی وجود دارد که حاکی از رعایت نکردن اصول نظری مرمت است و نواحی با حدس و گمان پر شده است؛ برای نمونه رسم کلاه‌های مختلف، رسم دست، رسم حیوانات در پنجره‌های میانی تصویر و... بدون داشتن مستندات انجام شده است. از دیگر سو در برخی رویکردها به مرمت استحکامی و خالی ماندن بخش‌های ازدست‌رفته اکتفا شده است که آن نواحی خالی سبب دریافت‌نشدن موضوع و ایجاد اثر سوء در دید مخاطب می‌شود. بنابراین مداخلات تاحدی مقبول است که مطابق با مبانی نظری مرمت باشد و به بخش اصیل اثر هم لطمه‌ای وارد نکند.

## مُودار ۳

نظر کل مخاطبان درباره موزون‌سازی یا مرمت استحکامی



## ۵. نتیجه گیری

در راستای هدف پژوهش، تأثیر سلیقه مرمت‌گران بر مرمت نواحی فقدان نگاره‌ها و هم‌چنین نگاره منتخب «جنگ دریایی اسکندر» بررسی شد که پنجاه درصد از مرمت‌گران بر مرمت استحکامی تأکید داشتند و پنجاه درصد دیگر، به موزون‌سازی رنگی نگاره پرداختند. مطابق داده‌های به دست آمده در بخش نتایج و یافته‌ها و بررسی نظرات مخاطبان بر رویکردهای مرمت نگاره مذکور توسط مرمت‌گران، بیست و پنج درصد از مخاطبان با مرمت استحکامی و هفتاد و پنج درصد با موزون‌سازی رنگی نواحی از دست رفته موافق‌اند. ده درصد از مخاطبان عام نیاز به مرمت استحکامی را به دلیل حفظ اصالت و جنبه تاریخی اثر در اولویت قرار دادند؛ در حالی که نود درصد آن‌ها، انجام موزون‌سازی رنگی را به علت دریافت فهم، درک موضوع، و هم‌چنین پیوستگی اجزای نگاره به ویژه فیگورها و ارتباط آن‌ها، ضروری دانستند و حتی موزون‌سازی نکردن را نقص اثر تلقی کردند. شست درصد مخاطبان خاص موزون‌سازی رنگی را ضروری دانستند و به هیچ‌عنوان، رهاشدن نواحی از دست رفته و خلأ حاصل از آن را مقبول ندانستند. اکثر این دسته از مخاطبان معتقدند که وقتی به نگاره نگاه می‌کنند به جای اینکه اثر و موضوعش را ببینند، نواحی فقدان به چشمشان می‌آید. چهل درصد دیگر از این دسته نیز به مرمت استحکامی و پرهیز از هرگونه حدس و گمان در مرمت معتقدند؛ چراکه مداخله در نگاره را موجب از دست رفتن اصالت آن می‌دانند. آن‌ها بر رعایت اصول مرمتی چون اصل بازگشت‌پذیری، اصالت، تمامیت، خوانایی و یگانگی تأکید دارند و رعایت این اصول را در اولویت فعالیت‌های مرمتی می‌دانند. هم‌چنین برخی از مخاطبان خاص نیز برای حفظ لذت بصری برای مخاطب و هم‌چنین انتقال موضوع و فهم اثر، مرمت مجازی را پیشنهاد دادند؛ بدین‌گونه که موزون‌سازی رنگی بر روی پرینتی با کیفیت انجام شود و در کنار اصل اثر قرار گیرد تا موضوع را به مخاطب ارائه دهد.

ذکر این نکته ضروری است که پیش از ارائه راهکارهای حفاظتی و مرمتی نگاره‌ها، ابتدا باید به فن‌شناسی و آسیب‌شناسی اثر پرداخت و پس از بررسی‌های کافی و مستدل، پیشنهاد حفاظتی و مرمتی ارائه داد. پژوهش حاضر هم به علت محدودیت نشر مطالب، به آنالیز مباحث پس از شناخت اثر، موزون‌سازی نواحی از دست رفته و تأثیر سلیقه مرمت‌گران بر این امر پرداخته است. طبق یافته‌های پژوهش، در صورت نیاز به بازسازی نگاره در نواحی فقدان، ابعاد زیبایی‌شناسی اثر، رعایت اصول مرمتی اعم از کم‌ترین مداخله، برگشت‌پذیری، اصل «شش اینچ و شش فوت»، پرهیز از حدس و گمان و... باید در اولویت قرار گیرد تا اصالت و هویت اثر حفظ شود. صیانت از بخش اصلی اثر از مهم‌ترین مؤلفه‌های





مرمت است و توجه به بُعد زیبایی‌شناسی توسط مرمت‌گر حاذق با تکیه بر مستندات و ادله کافی اولویت بعدی است. بنابر موارد ذکر شده، از نگاره‌های بازسازی شده توسط مرمت‌گران و سپس بررسی نظرات مخاطبان عام و خاص درباره رویکردهای مرمتی ارائه شده، می‌توان استنباط کرد که به‌کارگرفتن مرمت استحکامی به‌تنهایی و رهاکردن نگاره بدون موزون‌سازی ممکن است تأثیر منفی بر دید مخاطب بگذارد و عدم درک موضوع و لذت اثر را در پی داشته باشد. بنابراین موزون‌سازی نواحی فقدان نگاره مطابق با اصول نظری مذکور ضروری به‌نظر می‌رسد و لذت دیداری اثر را برای مخاطب فراهم می‌کند؛ هرچند که مخاطب نیز می‌تواند تاحدی بخش‌های ازدست‌رفته را تداعی کند.

## منبع

### کتاب فارسی

- برندی، چزاره. (۱۳۸۸). *تنوری مرمت*. (پیروز حناچی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. ص ۶۱.
- پوپ، آرتور. (۱۳۶۹). *آشنایی با مینیاتورهای ایران: بررسی و تحقیق در مورد ریشه هنر مینیاتور (نقاشی ایرانی) و مکتب‌های مختلف آن*. (حسین نیر، مترجم؛ عرب‌علی شروه، ویراستار). تهران: بهار. ص ۱۵.
- داندیس، دونیس. ا. (۱۳۹۶). *مبادی سواد بصری*. (مسعود سپهر، مترجم). تهران: سروش. ص ۱۵۱.
- ویناس، سالوادور. (۱۳۹۶). *مبانی نظری حفاظت و مرمت در دوران معاصر*. (کورس سامانیان، مترجم). تهران: سمت. ص ۱۱۹.
- یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۸۷). *تاریخ حفاظت معماری*. (محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، مترجمان). تهران: روزنه. صص ۶۴-۶۹.

### مقاله

- ابوالقاسمی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری نقاشی». *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۱۹(۱)، صص ۵-۱۳. DOI: 10.22059/JFAVA.2014.50292
- ارژمند، محمود؛ امین‌پور، احمد. (۱۳۹۴). «نقش مرمت‌گر در مرمت ابنیه حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی؛ تأملی بر مبانی رویکردهای مرمتی در دانش مرمت براساس عامل انسانی مرمت». *فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۳(۴)، صص ۹۸-۱۱۲. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-356-fa.html>
- امین‌پور، احمد؛ عباسی هرفته، محسن. (۱۳۹۰). «اصول حداقل مداخله، چالش پیش‌روی مداخلات حفاظتی در میراث فرهنگی، کشف و تبیین کاستی‌ها و نواقص اصل مذکور با رویکردی نظری به آرای موجود در این حوزه». *نشریه مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی و فرهنگی)*، ۱(۱)، صص ۶۹-۸۲.



فرہمند بروجنی، حمید؛ احمدی، حسین؛ قاسم آبادی، ریحانہ. (۱۳۹۰). «مروری بر نظریہ پردازی های مرمت نقاشی دیواری در اروپا». نشریہ مرمت آثار و بافت های تاریخی، فرهنگ، ۱، صص ۵۵-۶۸.

قاسم آبادی، ریحانہ. (۱۳۹۳). «مسئلہ کمبود و موزون سازی در مرمت نقاشی ها». نشریہ ریتون، ۱، صص ۵۶-۵۷.

وطن دوست، عبدالرسول؛ بهشتی، سیدمحمد؛ نیری، پرستو. (۱۳۹۲). «سیری در مبانی بازسازی و مرمت سنتی نقاشی های دیواری در ایران با نگاهی به چند نمونه آثار شاخص». نشریہ باغ نظر، ۱۰(۲۷)، صص ۷۱-۸۲.

### مصاحبه

- اعضادی، میترا. (دی ۱۳۹۸). محل جلسات ایکوم، باغ موزہ نگارستان.
- جعفریان، حسین علی. (دی ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت کتاب خانہ مجلس شورای اسلامی.
- حسن وند، امیر. (دی ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت کتاب خانہ مجلس شورای اسلامی.
- حدادی، محمد. (دی ۱۳۹۹). واحد حفاظت و مرمت مرکز اسناد ملی.
- حسینی، بهشاد. (دی ۱۳۹۸). محل جلسات ایکوم.
- حمزوی، یاسر. (خرداد ۱۳۹۹). محل جلسات ایکوم.
- خمسه، هایده. (دی ۱۳۹۹). دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- ذوالفقاری کرمانی، علی. (دی ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت کتاب خانہ مجلس شورای اسلامی.
- رباط جزی، یدالله. (اردیبهشت ۱۳۹۸). کتاب خانہ مجلس.
- سلجوقی، صفورا. (دی ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت وزارت امور خارجه.
- سلیمانی، محسن. (آذر ۱۳۹۹). مرکز اسناد.
- عتیقی، مهدی. (آبان ۱۳۹۸). بنیاد عتیقی.
- فرہمند بروجنی، حمید. (آبان ۱۳۹۸). دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان.
- مرادخانی، زهره. (بهمن ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت پژوهشکده مطالعات تاریخ.
- ملکیان، حمید. (اسفند ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت کتاب خانہ مجلس.
- میرمنتهایی، اکرم. (بهمن ۱۳۹۸). واحد مرمت پژوهشکده مطالعات تاریخ.
- نخعی، فهیمه. (خرداد ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت کتاب خانہ مجلس.
- نیک شناس، الهام. (بهمن ۱۳۹۸). واحد مرمت پژوهشکده مطالعات تاریخ.
- ولی اللہی، مہراد. (دی ۱۳۹۸). واحد حفاظت و مرمت کتاب خانہ مجلس شورای اسلامی.



### Book

- Adamova, Adel. T; Bayani, Manijeh. (2016). *Persian Painting: The Arts of the Book and Portraiture*. p362.
- McLean, Janet; connolly, Roseanne; Monschaw, Ele von; O'Salliaavn, Pearl; Goron, Jean-Jacques; Mancini, Simone. (2014). *Monet Conservation Project*. National Gallery Irland, p20.
- Meder, F. (2011). *Conservation- Restoration Works on Wall Painting of the Hvar Theatre*. Spain, Croatian Conservation Institute, 7.

### Articles

- Ahmed Madani, Zubair. (2007). "Consolidating Persian Miniature". *Sydney Symposium*, pp 125-131. Corpus ID: 210940437.
- Bailao, Ana. (2010). "Application of a methodology for retouching". [Online]. URL: [http://journals. Open edition.org/ceroart/1603](http://journals.OpenEdition.org/ceroart/1603); DOI: <https://doi.org/10.4000/ceroart.1603>.
- Barassi, Sebastiano. (2009). "Dreaming of a Universal Approach: Brandi's Theory of Restoration and the Conservation of Contemporary Art". At the Seminar- *Conservation: Principle, Dilemmas and Uncomfortable Truths*, 24 September, London, p3.
- Brajer, Isabelle. (2009). "Authenticity and restoration of wall paintings: issues of truth and beauty". In book: *Art, Conservation and Authenticities: Material, Concept, Context*, (pp 22-31).
- Colta, Ioan Paul. (2013). "The Conservation of a Painting. Case Study: Cornel Minisan, 'Landscape from Caransebes' (Oil on Convas, 20th, Century)". *Procedia Chemistry*, 8, pp 72-77. DOI:10.1016/j.proche.2013.03.010.
- Eliane, Aparecida Del Lama; Tirello, Regiana A; R D de Andrade, Fábio; Kihara, Yushiro. (2009). "Study of mural paintings by Fulvio Pennacchi in São Paulo City by mineralogical techniques". *Anais da Academia Brasileira de Ciências*, (Annals of the Brazilian Academy of Sciences). 81(1): pp 115-126. DOI: 10.1590/S0001-37652009000100012.

- Hansar, Lilian. (2011). "Helmi Üprus and the Old Town of Tallinn". *Baltic journal of Art History*, 3, pp 11-15. <https://ojs.utlib.ee>.
- Howard, Helen C. (1995). "Techniques of the Romanesque and Gothic Wall Painting in the Holy Sepulchre Chapel, Winchester Cathedral". Conservation of Wall Painting Department Courtauld Institute of Art, Somerset House Strand, London. Published in Getty Institute in the *Historical Painting Techniques, Materials and Studio Practice Book*, p91.
- Lawson, Margaret. (2000). "A Simple Method of Consolidation Using An Adult Respan Nebulizer and An Aquarium Pump". In: *AIC Printings Specialty Group, Post-prints, Philadelphia, PA, 8-13 Juni 2000*. Philadelphia, PA (AIC) 2000. S. 73-75.
- Nidhi, A; Kumar, A; Karla, P. (2018). "Digital Restoration of Old Paintings". *Indian Institute of Thechnology Dehli*, pp 1-10. Corpus ID: 16582117.
- Partridge, Wendy. (2006). "Philosophies and Tastes in Nineteenth- Century Paintings Conservation". *The Conservation Center of the Institute of Fine Arts. New York University*, 123(5231), pp 685- 695. <https://www.kressconservation.org/resources/studying-conserving-paintings-publications/publication-items/philosophies-and-tastes-in-nineteenth-century-pain>.
- Ramovs, Lucija Močnik and Hirci, Barbka Gosar. )2016(. "Retouching: How and with What? International Workshop on Retouching Oil Paintings and Wooden Polychrome Sculpture". *Varstvo spomenikov*. 44, pp 222- 227.
- Sabar, Stephanie. (2013). "What's a Gestalt". *Gestalt International Study Center*, 17(1), pp 6-36. DOI: 10.5325/gestaltreview.17.1.0006.
- Salama, Kholod; Ali, Mona; Mussa, Abubakr. (2016). "Experimental Study of the retouching Materials Applied on Mural Painting in El Sakakeny Palace". *Scientific Culture Journal*, 2(3): pp 1-4. DOI: 10.5281/zenodo.47545.

#### English Translation of References

##### Books

- Brandi, Gesare. (1388/2009). "*Teori-ye maremmat*" (Theory of restoration). Translated by Pirouz Hanachi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). p. 61. [Persian]



- Dondis, Donis A. (1396/2017). "*Mabādi-ye savād-e basari*" (A primer of visual literacy). Translated by Masoud Sepehr. Tehran: Soruš. P. 151. [Persian]
- Jokilehto, Jukka. (1387/2008). "*Tārix-e hefāzat-e me'māri*" (A history of architectural conservation). Translated by Mohammad Hasan Talebian & Khashayar Bahari. Tehran: Rowzaneh. pp. 64-69. [Persian]
- Pope, Arthur. (1369/1990). "*Āšenāyi bā miniyātor-hā-ye Irān: Barresi va tahqiq dar mored-e rise-ye honar-e miniyātor (Naqqāši-e Irāni) va maktab-hā-ye moxtalef-e ān*" (A survey of Persian art: from prehistoric times to the present: Carpets, metalwork and minor arts). Translated by Hossein Nayyer. Edited by Arabali Sharveh. Tehran: Bahār. P. 15. [Persian]
- Vinas, Salvador. (1396/2017). "*Mabāni-ye nazari-ye hefāzat va maremmat dar dōvrān-e mo'āser*" (Contemporary theory of conservation). Translated by Kouros Samanian. Tehran: SAMT (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities). p. 119. [Persian]

#### Articles

- Abolghasemi, Mohammadreza. (1393/2014). "Tahlil-e sāxtāri-ye naqd-e naqqāši" (The structural analysis of the art criticism). *Našriye-ye Honar-hā-ye Zibā: Honar-hā-ye Tajassomi* (Journal of Fine Arts: Visual Arts), 19(1), pp. 5-13. DOI: 10.22059/JFAVA.2014.50292. [Persian]
- Adamova, Adel. T; & Bayani, Manijeh. (2016). *Persian painting: The arts of the book and portraiture*. p362.
- Aminpour, Ahmad; & Abbasi Harafteh, Mohsen. (1390/2011). "Osul-e had-e aqal-e modāxeleh, Čāleš-e pišravi-ye modāxelāt-e hefvzati dar mirās-e farhangi, kašf va tabyin-e kāsti-hā va navāqes-e asl-e mazkur bā ruykardi Nazari be vrā-ye mowjud dar in howzeh" (Principles of minimal intervention, the challenge of protective interventions in cultural heritage, discovering and explaining the shortcomings and deficiencies of the mentioned principle with a theoretical approach to the opinions in this field). *Našriye-ye Maremmat va Me'māri-ye Irān (Maremmat-*



- e Āsār va Bāft-hā-ye Tārixī va Farhangī* (Maremat & Me'mari-e Iran), 1(1), pp. 69-82. [Persian]
- Arzhmand, Mahmoud; & Aminpour, Ahmad. (1394/2015). "Naqš-e maremmatgar dar maremmat-e abniye-ye howze-ye farhang va tamaddon-e eslāmi; Ta'ammoli bar mabāni-ye ruykard-hā-ye maremmati dar dāneš-e maremmat bar asās-e 'āmel-e ensāni-ye maremmat" (The role of restorer in restoring monuments of the Islamic culture and civilization: A review on principles of restoration approaches in restoration knowledge based on restoration human factor). *Fasl-nāme-ye Pažuheš-hā-ye Me'māri-ye Eslāmi* (Journal of Researches in Islamic Architecture), 3(4), pp. 98-112. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-356-fa.html>. [Persian]
- Farahmand Boroujeni, Hamid; Ahmadi, Hossein; & Ghasemabadi, Reihaneh. (1390/2011). "Moruri bar nazariye-pardāzi-hā-ye maremmat-e naqqāši-ye divāri dar Orupā" (Review of the theorizations of mural painting restoration in Europe). *Našriye-ye Maremmat-e Āsār va Bāft-hā-ye Tārixī va Farhangī* (Maremat & Me'mari-e Iran), 1, pp. 55-68. [Persian]
- Ghasemabadi, Reihaneh. (1393/2014). "Ma'sale-ye kambud va mowzun-sāzi dar maremmat-e naqqāši-hā" (The problem of scarcity and balancing in the restoration of paintings). *Našriye-ye Riton*, 1, pp. 56-57. [Persian]
- McLean, Janet; connolly, Roseanne; Monschaw, Ele von; O'Salliavn, Pearl; Goron, Jean-Jacques; & Mancini, Simone. (2014). *Monet conservation project*. National Gallery Irland, p20.
- Meder, F. (2011). *Conservation-restoration works on wall painting of the Hvar Theatre*. Spain, Croatian Conservation Institute, 7.
- Vatandoust, Abdorrasoul; Beheshti, Seyyed Mohammad; & Nayyeri, Parastou. (1392/2013). "Seiri dar mabāni-ye bāzsāzi va maremmat-e sonnati-ye naqqāši-hā-ye divāri dar Irān bā negāhi be čand nemuneh āsār-e šāxes" (A look at methods used for restoration of murals in Iran before 60s). *Našriye-ye Bāq-e Nazar* (Bagh-e Nazar, The Scientific Journal in the Field of Theoretical Studies of Art and Architecture), 10(27), pp. 71-82. [Persian]

## Interviews

- Ahmed Madani, Zubair. (2007). "Consolidating Persian miniature". *Sydney Symposium*, pp. 125-131. Corpus ID: 210940437.
- Atighi, Mehdi. (Ābān1398 / November 2019). Bonyād-e 'Atiqi. [Persian]
- Bailao, Ana. (2010). "Application of a methodology for retouching". [Online]. URL: <http://journals.OpenEdition.org/ceroart/1603>; DOI: <https://doi.org/10.4000/ceroart.1603>.
- Barassi, Sebastiano. (2009). "Dreaming of a universal approach: Brandi's theory of restoration and the conservation of contemporary art". At the Seminar- *Conservation: Principle, Dilemmas and Uncomfortable Truths*, 24 September, London, p3.
- Brajer, Isabelle. (2009). "Authenticity and restoration of wall paintings: issues of truth and beauty". In book: *Art, Conservation and Authenticities: Material, Concept, Context*, (pp. 22-31).
- Colta, Ioan Paul. (2013). "The conservation of a painting. Case study: Cornel Minisan, 'Landscape from Caransebes' (Oil on Canvas, 20th, Century)". *Procedia Chemistry*, 8, pp. 72-77. DOI:10.1016/j.proche.2013.03.010.
- Eliane, Aparecida Del Lama; Tirello, Regiana A; R D de Andrade, Fábio; & Kihara, Yushiro. (2009). "Study of mural paintings by Fulvio Pennacchi in São Paulo City by mineralogical techniques". *Anais da Academia Brasileira de Ciências*, (Annals of the Brazilian Academy of Sciences). 81(1): pp. 115-126. DOI: 10.1590/S0001-37652009000100012.
- Etezadi, Mitra. (Dey 1398 / January 2020). ICOM (International Council of Museums) meeting place, Bāq-muze-ye Negārestān (Nagaristan Museum Garden). [Persian]
- Farahmand Boroujeni, Hamid. (Ābān1398 / November 2019). Dāneškade-ye Hefāzat va Maremmat-e Dānešgāh-e Honar-e Esfahān (Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan). [Persian]
- Haddadi, Mohammad. (Dey 1399 / January 2021). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Markaz-e Asnād-e Melli (The National Library and Archives of Iran, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Hamzavi, Yaser. (Xordād 1399 / June 2020). ICOM (International Council of Museums) meeting place. [Persian]



- Hansar, Lilian. (2011). "Helmi Üprus and the old town of Tallinn". *Baltic journal of Art History*, 3, pp. 11-15. <https://ojs.utlib.ee>.
- Hasanvand, Amir. (Dey 1398 / January 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Hosseini, Behshad. (Dey 1398 / January 2020). ICOM (International Council of Museums) meeting place. [Persian]
- Howard, Helen C. (1995). "Techniques of the Romanesque and Gothic wall painting in the holy sepulchre chapel, Winchester Cathedral". Conservation of Wall Painting Department Courtauld Institute of Art, Somerset House Strand, London. Published in Getty Institute in *the Historical Painting Techniques, Materials and Studio Practice Book*, p. 91.
- Jafarian, Hosseinali. (Dey 1398 / January 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Lawson, Margaret. (2000). "A simple method of consolidation using an adult respan nebulizer and an aquarium pump". In: *AIC Printings Specialty Group, Post-prints, Philadelphia, PA, 8-13 Juni 2000*. Philadelphia, PA (AIC) 2000. S. 73-75.
- Khamseh, Hayedeh. (Dey 1399 / January 2021). Dānešgāh-e 'Olum va Tahqīqāt-e Tehrān (Islamic Azad University, Science and Research Branch). [Persian]
- Malekian, Hamid. (Esfand 1398 / March 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Ketābxāne-ye Majles (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Moradkhani, Zohreh. (Bahman 1398 / February 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Pažuheškade-ye Motāle'āt-e Tārix (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Mirmontahayi, Akram. (Bahman 1398 / February 2020). Vāhed-e Maremmat-e Pažuheškade-ye Motāle'āt-e Tārix (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies, Restoration Unit). [Persian]
- Nakhaei, Fahimeh. (Xordād 1398 / June 2019). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Ketābxāne-ye Majles (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament, Conservation and Restoration Unit). [Persian]





- Nidhi, A; Kumar, A; & Karla, P. (2018). "Digital restoration of old paintings". *Indian Institute of Thechnology Dehli*, pp. 1-10. Corpus ID: 16582117.
- Nikshenas, Elham. (Bahman 1398 / February 2020). Vāhed-e Maremmat-e Pažuheškade-ye Motāle'āt-e Tārix (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies, Restoration Unit). [Persian]
- Partridge, Wendy. (2006). "Philosophies and tastes in nineteenth- century paintings conservation". *The Conservation Center of the Institute of Fine Arts. New York University*, 123(5231), pp. 685- 695. <https://www.kressconservation.org/resources/studying-conserving-paintings-publications/publication-items/philosophies-and-tastes-in-nineteenth-century-pain>.
- Ramovs, Lucija Močnik; & Hirci, Barbka Gosar. )2016(. "Retouching: how and with what? International workshop on retouching oil paintings and wooden polychrome sculpture". *Varstvo spomenikov*. **44**, pp. 222- 227.
- Robotjazi, Yadollah. (Ordibehešt 1398 / May 2019). Ketābxāne-ye Majles (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Sabar, Stephanie. (2013). "What's a Gestalt". *Gestalt International Study Center*, 17(1), pp. 6-36. DOI: 10.5325/gestaltreview. 17.1.0006.
- Salama, Kholod; Ali, Mona; & Mussa, Abubakr. (2016). "Experimental study of the retouching materials applied on mural painting in El Sakakeny Palace". *Scientific Culture Journal*, 2(3): pp. 1-4. DOI: 10.5281/zenodo.47545.
- Saljoughi, Safoura. (Dey 1398 / January 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ministry of Foreign Affairs, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Soleimani, Mohsen. (Āzar 1399 / December 2020). Markaz-e Asnād (The National Library and Archives of Iran). [Persian]
- Valiollahi, Mehrad. (Dey 1398 / January 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament, Conservation and Restoration Unit). [Persian]
- Zolfaghari Kermani, Ali. (Dey 1398 / January 2020). Vāhed-e Hefāzat va Maremmat-e Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament, Conservation and Restoration Unit). [Persian]

# Arrangement of government textual Records based on international archival standards

Anahita Nazari<sup>1</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract

**Purpose:** The aim of this research is to establish a framework for arranging government textual records based on international archival standards.

**Method and Research Design:** The research methodology is practical and descriptive. It involves a comparative study between the ISAD-G (ICA, 2011) as the foundational standard and several other standards including Record in Context: A Conceptual Model for Archival Description (ICA, 2016), DACS: Describing Archives - A Content Standard (American Association of Archivists, 2013), MAD3: Manual of Archival Description (Procter & Cook, 2016), and RAD: Rules of Archival Description (Association of Canadian Archivists, 2008).

**Findings and Conclusion:** The study is founded on the Principle of Respect des Fonds and the hierarchical relationships of the arrangement levels. Factors such as the nature of documents, creator or provenance, language, organizational function, type and form of material, and content characteristics (topic, date, geography) are taken into account as criteria for grouping disorderly records or records with lost original order. Examples are provided to illustrate each level of arrangement.

**Keywords:** Arrangement of Archival Material; Governmental Records; Standardization.

1. PhD Student of Cultural Management and Planning, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran  
nazari.anahita@gmail.com  
Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).  
This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«132»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3097

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.4, Winter 2024 | pp: 158 - 201 (44) | Received: 12, Sep. 2023 | Accepted: 9, Dec. 2023

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# تنظیم اسناد دولتی متنی براساس استانداردهای بین‌المللی

آناهیتا نظری<sup>۱</sup>

## چکیده

**هدف:** ارائه چارچوبی برای تنظیم اسناد دولتی متنی براساس استانداردهای بین‌المللی آرشیوی.

**روش/ رویکرد پژوهش:** پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش شناختی توصیفی است که از طریق مطالعه تطبیقی بین *ایسادی-جی* (ایکا، ۲۰۱۱) به عنوان استاندارد مبنا و چند استاندارد دیگر، مدل مفهومی توصیف آرشیوی (ایکا، ۲۰۱۶-۲۰۱۹)، *داکس ۲*: استاندارد محتوایی توصیف آرشیوی (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳)، *مد ۳*: *دست‌نامه توصیف آرشیوی* (پورکتر، کووک، ۲۰۱۶) و *رد*: قواعد توصیف آرشیوی (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸) انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** اصل احترام به *سندگان* و رابطه *سلسله‌مراتبی* سطوح تنظیم، اساس مطالعه قرار گرفت و ماهیت اسناد، *پدیدآور* یا *منشأ* (خاستگاه)، زبان، *عملکرد* سازمانی (ساختاری-کارکردی)، نوع و شکل ماده، محتوا (موضوع، تاریخ، جغرافیا) به عنوان معیارهای گروه‌بندی اسناد بی‌نظم یا دستخوش درهم‌ریختگی نظم اولیه پیشنهاد شد. برای درک بیشتر هر یک از سطوح تنظیم، مثال‌هایی نیز ارائه شد.

**کلیدواژه‌ها:** تنظیم مواد آرشیوی؛ اسناد دولتی؛ سوابق متنی؛ استانداردسازی.

**استناد:** نظری، آناهیتا. (۱۴۰۲). تنظیم اسناد دولتی متنی براساس استانداردهای بین‌المللی. *گنجینه اسناد*، ۳۳(۴).

doi: 10.30484/ganj.2023.3097 | 201-158

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی  
فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم  
تحقیقات، تهران، ایران  
nazari.anahita@gmail.com



## گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.30484/GANJ.2023.3097

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۱۵۸ - ۲۰۱ (۴۴)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۸

تحقیقات آرشیوی

## ۱. مقدمه

بخش عمده‌ای از میراث مستند هر کشوری را اسناد دولتی تشکیل می‌دهد. این اسناد به‌عنوان حافظه ثبت‌شده دولت ملت‌ها اطلاعات بسیار ارزش‌مندی را در اختیار پژوهش‌گران تاریخ، جوامع فرهنگی و حوزه‌های میان‌رشته‌ای قرار می‌دهد و از حیث اسناد قانونی، مرجع اصلی حفاظت از حقوق شهروندان به‌شمار می‌آید و از نظر دانش‌محوری نقش مهمی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع دارد. حفاظت و سازمان‌دهی اسناد دولتی که طبق قانون برعهده آرشیو ملی هر کشوری است از اهمیتی به‌سزا برخوردار است (قانون اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۴۹، ص ۹)؛<sup>۱</sup> تا آنجا که «آرشیو ملی آمریکا» برای تأکید بیشتر بر اهمیت و ضرورت مدیریت و نظارت بر سوابقی که در سطح دولت تولید، نگهداری و استفاده می‌شوند و در نهایت سند آرشیوی خواهند شد، در ادامه نام سازمانی خود، «اداره سوابق»<sup>۲</sup> را نیز به‌عنوان وظیفه افزوده‌است. برای اینکه اسناد دولتی در سطح جامعه به‌درستی استفاده شود، بخشی از مدیریت آن‌ها بر هماهنگی بین فرایندهای تنظیم سوابق در بایگانی‌ها و یکپارچه‌سازی پردازش و دسترس‌پذیری محتوای اسناد در سامانه‌های آرشیوی براساس استانداردها تکیه دارد. در همین راستا شورای بین‌المللی آرشیو (ایکا) و آرشیوهای ملی جهان نزدیک دو دهه است که شیوه‌نامه‌های استاندارد برای تنظیم و توصیف اسناد تدوین کرده‌اند و در اختیار جامعه بین‌المللی مخاطب این حوزه قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایساد-جی: استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی (ایکا، ۲۰۱۲)<sup>۳</sup>، مدل مفهومی توصیف آرشیوی (ایکا، ۲۰۱۶-۲۰۲۱)<sup>۴</sup>، و استانداردهای داکس ۲: استاندارد محتوایی توصیف آرشیوی (انجمن آرشیوداران آمریکا)<sup>۵</sup>، مد ۳: دست‌نامه قواعد توصیف آرشیوی (پروکتر و کووک، ۲۰۱۶)<sup>۶</sup>، رد: قواعد توصیف آرشیوی (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸)<sup>۷</sup> که به ترتیب استانداردهای ملی کشورهای آمریکا، بریتانیا و کانادا هستند. آرشیو ملی ایران نیز به‌عنوان مرجع آرشیوها و مراکز اسنادی کشور، قریب یک دهه است که بر ترجمه و بومی‌سازی قواعد ایساد-جی و استانداردهای توصیف آرشیوی سایر کشورها همت گماشته‌است که نمونه کاربرد این استانداردها را می‌توان در تدوین جلد دوم کتاب «مجموعه قوانین، مقررات و شیوه‌نامه‌های آرشیوی: شیوه‌نامه‌ها و رویه‌های تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی (اسناد متنی کاغذی و عکس)» (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۱)، «شیوه‌نامه تنظیم و توصیف اسناد متنی در سطح ردیف/زیرردیف» (عزیزی، سلیم گندمی و نظری، ۱۳۹۹)<sup>۸</sup> و «استاندارد ملی توصیف آرشیوی- کلیات» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۹۸) مشاهده کرد. ولی چالش پیش‌روی آرشیو ملی ایران تنها به استانداردسازی سازمان‌دهی موجودی‌های خود

1. <https://www.nlai.ir/asasnameh>
2. National Archives and Records Administration (NARA). <https://www.archives.gov>
3. ISAD (G): General International Standard Archival Description. <https://www.ica.org/en/isad-general-international-standard-archival-description-second-edition>
4. RECORDS IN CONTEXTS: A CONCEPTUAL MODEL FOR ARCHIVAL DESCRIPTION. (2016). <https://www.ica.org/sites/default/files/RiC-CM-0.1.pdf>
5. DACS: Describing Archives: A Content Standard. [http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013\\_v0315.pdf](http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013_v0315.pdf)
6. MAD: Manual of Archival Description. <https://www.routledge.com/Manual-of-Archival-Description/Procter-Cook/p/book/9781138263222>
7. RAD: Rules for Archival Description. [http://www.cdncouncilarchives.ca/RAD/RADComplete\\_July2008.pdf](http://www.cdncouncilarchives.ca/RAD/RADComplete_July2008.pdf)
8. متن شیوه‌نامه توسط آقایان غلامرضا عزیزی، حمید سلیم گندمی و خانم آنهایتانظری مورد بحث و بررسی و تدوین قرار گرفت و پس از دریافت نظرات اصلاحی و تکمیلی در جلسه ۱۳۹۹/۰۳/۱۷ کارگروه تدوین شیوه‌نامه‌های آرشیو ملی ایران نهایی شد.
9. این استاندارد از سال ۱۳۹۸ و پس‌از بومی‌سازی به‌عنوان استاندارد ملی برای جامعه آرشیوی فارسی‌زبان در وبگاه سازمان ملی استاندارد ایران موجود است. <https://standard.inso.gov.ir/Search.aspx?standardnumber=&subject=%d8%aa%d9%88%d8%b5%db%8c%d9%81%20%d8%a2%d8%b1%d8%b4%db%8c%d9%88&ics=&year=&course=%d9%87%d9%85%d9%87%20%d8%b1%d8%b4-%d8%aa%d9%87%20%d9%87%d8%a7&courseid=0&statusid=1&status=%d9%85%d8%b9%d8%aa%d8%a8%d8%b1&target>



بر اساس اصول آرشیوی ختم نمی‌شود؛ بلکه شکاف و کاستی‌های حاصل از نظام بایگانی از جمله نبود شیوه‌های استاندارد برای تنظیم سوابق یا استفاده نکردن بایگان‌ها و مسوولان امور دفتری از شیوه‌های استاندارد برای تنظیم سوابق یا به هم ریختگی نظم اولیه به دلیل انتقال‌های پیاپی و غیراصولی، ناخواسته آرشیوداران را با موانعی مواجه ساخته است. از طرفی شرط ۴۰ ساله که مدت مدیدی قید تعیین تکلیف سوابق بایگانی‌ها بود باعث شده بود تا حجم انبوهی از اسناد در مخازن آرشیوی سازمان‌ها در صف انتظار انتقال به آرشیو ملی قرار بگیرد؛ بنابراین از دیگر مسائل موجود می‌توان به حجم انبوهی از اسناد کاغذی قابل انتقال در سطح دولت در مقابل ظرفیت‌هایی مانند رقی سازی، نیروی انسانی، زمان، بودجه و عدم همگامی با فناوری‌های هوشمند اطلاعاتی برای سازمان‌دهی این حجم از اسناد اشاره کرد.

باتوجه به وضع موجود، پرسش اصلی این است که چه اصول و معیارهایی را می‌توان برای تنظیم اسناد دولتی متنی کاغذی در آرشیوها به کار برد؟  
بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا بر اساس تطبیق استانداردهای بین‌المللی، چارچوب تنظیم اسناد دولتی متنی را با نمونه‌مثال‌هایی از اسناد انتقالی به آرشیو ملی ایران ارائه دهد.

## ۲. اسناد دولتی به منزله مواد آرشیوی

مواد آرشیوی<sup>۱</sup> به آن دسته از سوابق گفته می‌شود که حین انجام وظایف اداری، توسط شخص یا سازمانی خلق، انباشت<sup>۲</sup> و یا استفاده می‌شود و به دلیل دارا بودن ارزش دائمی، با عنوان سند، حفاظت و نگهداری می‌شود (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۴). شورای بین‌المللی آرشیو در مطلبی با عنوان تحلیل اصطلاحات آرشیوی برای درک تفاوت بین مفهوم سوابق، مدارک و آرشیو به این نکته اشاره کرده است که در برخی مواقع به عادت رایج در آرشیوهای سنتی، بین کاربرد اصطلاح سوابق<sup>۳</sup>، مدارک<sup>۴</sup>، آرشیو<sup>۵</sup> (مواد آرشیوی یا اسناد تاریخی) و مدیریت سوابق، تمایزی قائل نمی‌شوند که در این صورت مفهوم ارزش آرشیوی از بین می‌رود. چنانچه در فرایند ارزش‌یابی تشخیص داده شود که برخی سوابق از نظر پژوهش‌های تاریخی اهمیتی ندارند و به نگهداری دائمی آن‌ها نیازی نیست، در این صورت امحاء می‌شوند و در مقابل آن دسته از سوابقی که دارای ارزش اداری، محاسباتی، قانونی، استنادی و یا اطلاعاتی است، اسناد آرشیوی محسوب می‌شود<sup>۶</sup> (ICA, 2011, p5). مواد آرشیوی مفهومی عام است که می‌توان آن را از دو نظر طبقه‌بندی کرد و گسترش داد. برخی استانداردها مواد آرشیوی را بر اساس نوع ماده و برخی بر اساس ماهیت شکل‌گیری

1. Archival Material
2. Accumulation
3. Records
4. Documents
5. Archives
6. <https://www.ica.org/en/terminology-and-current-records>



تقسیم‌بندی کرده‌اند. برای نمونه استاندارد رد (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱) مواد آرشیوی را به ۱۲ نوع ماده عام یعنی واحدهای چندرسانه‌ای، سوابق متنی، منابع نقشه‌برداری، منابع ترسیم، نقشه‌های فنی و معماری، تصاویر متحرک، منابع شنیداری، سوابق الکترونیک، اسناد بر روی ریزفیلم، اشیاء، تمبر، و منابع مستقل طبقه‌بندی کرده و درعین حال هر نوع ماده عام را به چند نوع خاص تقسیم‌بندی کرده‌است. برای نمونه انواع هولوگرام‌ها، نسخه‌های دست‌نویس، نسخه‌های کاربنی، متون ماشینی‌نویسی‌شده، متون چاپی، نسخه‌های روگرفت<sup>۱</sup> و مهر و موم‌ها ذیل سوابق متنی قرار گرفته‌اند. انجمن آرشیوداران آمریکا مواد آرشیوی را براساس ماهیت شکل‌گیری و با اصطلاحاتی از قبیل اوراق یا اسناد (شخصی)، پیشینه یا سابقه (سازمانی) یا مجموعه (مجموعه‌سازان)، و براساس شکل در قالب‌های فیزیکی و فکری طبقه‌بندی کرده‌است و تأکید دارد که مخازن می‌بایست برای کاربرد این مفاهیم از واژگان استاندارد طبقه‌بندی‌شده استفاده کنند (Dacs, 2013, p21). آرشیو ملی ایران نیز اسناد دولتی را این‌گونه معرفی می‌کند: طبق ماده (۱) قانون اساسی نامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (۱۳۴۹) اسناد دولتی شامل تمام اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها، نوارهای ضبط‌صوت و سایر اسنادی است که در دستگاه‌های دولتی تهیه شده باشد یا به دستگاه دولتی رسیده باشد و به‌طور مداوم در تصرف دولت باشد و از لحاظ مالی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران ارزش نگهداری دائم داشته باشد. آن‌چیزی که از تعریف اخیر استنباط می‌شود این است که ضمن نادیده گرفته‌شدن ماهیت اسناد، هیچ نوع طبقه‌بندی و مرزبندی‌ای برای نوع ماده (عام به خاص) ارائه نشده‌است و تنها بر روی دولتی‌بودن اسناد تأکید شده‌است.

### ۳. تنظیم مواد آرشیوی

تنظیم یکی از مهم‌ترین فرایندهای مربوط به زمینه خلق مواد آرشیوی است. هدف از تنظیم، سازمان‌دهی ساختاری و محتوایی سوابق و مدارک موجود در نظام بایگانی‌ها و اسناد موجود در مخازن و سامانه‌های آرشیوی، مطابق با اصول پذیرفته‌شده آرشیوی است تا زمینه را برای استانداردسازی، یکپارچگی شکلی و موضوعی اسناد، توصیف سلسله‌مراتبی، دسترس‌پذیری و مدیریت بهینه اطلاعات فراهم سازد. شورای بین‌المللی آرشیو (ایکا، ۲۰۱۱) تنظیم را فرایندهای فیزیکی و فکری تجزیه و تحلیل و سازمان‌دهی مواد براساس اصول آرشیوی تعریف کرده‌است. انجمن آرشیوداران آمریکا (۲۰۱۳) نیز ضمن ارائه تعریفی مشابه، اضافه می‌کند که تنظیم، فرایند شناسایی گروه‌بندی‌های منطقی کل منابعی است که توسط پدیدآور

1. Copy



یا ایجادکننده (شخصی یا سازمانی) واحدی ایجاد شده است. تنظیم با توصیف مواد آرشیوی رابطه تنگاتنگی دارد. از دیرباز مفهوم نظم اصلی یا اولیه در اولویت کار توصیف آرشیوی بوده است و بیانگر وضعیت ترتیب و ویژگی های خاص موجود در زمینه های اسناد است. در اصل ۴ بیانیه اصول انجمن آرشیوداران آمریکا (۲۰۱۳) در این رابطه آمده است که توصیف انعکاسی از تنظیم است و با آن هماهنگی دارد؛ بنابراین تنظیم باید به گونه ای باشد تا دست مخازن آرشیوی را برای توصیف هزاران برگ سند تا یک فقره سند باز بگذارد. استانداردهای محتوایی توصیف آرشیوی به اتفاق به عنصر تنظیم به عنوان الزامی برای توصیف توجه کرده اند که نمونه آن را می توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

عنصر سطح تنظیم در استانداردهای بین المللی توصیف آرشیوی				
(DACS(2013 انجمن آرشیوداران آمریکا	(RAD(2008 انجمن آرشیوداران کانادا	(RIC(20162019 شورای بین المللی آرشیو(ایکا)	(ISAD-G(2011 شورای بین المللی آرشیو(ایکا)	(MAD3(2016 استاندارد بریتانیا
Level of 1 Description	1.0B1. Level of description	Level of description	Level of description 3.1.4	14.2D Level number

## جدول ۱

عنصر سطح تنظیم در استانداردهای  
بین المللی توصیف آرشیوی

## ۴. اصول حاکم بر تنظیم مواد آرشیوی

فرایند تنظیم و توصیف مواد آرشیوی بر اساس استاندارد ایسآد- جی (ایکا، ۲۰۰۰) و استانداردهای ملی سایر کشورها تابع اصول پذیرفته شده ای است که مهم ترین آن عبارت است از: «احترام به سندگان»<sup>۱</sup> که خود شامل دو اصل فرعی «احترام به منشأ (خاستگاه)»<sup>۲</sup> و «نظم اصلی یا اولیه»<sup>۳</sup> است. این تعابیر باهم اساس تنظیم<sup>۴</sup> و توصیف آرشیوی را شکل می دهد. احترام به منشأ (خاستگاه) بر این مفهوم دلالت دارد که اسنادی که توسط یک سازمان یا شخص خلق، انباشت، هم گذاری و یا نگهداری و استفاده شده اند، ضمن قابلیت نمایش هم زمان، باید از سوابق سایر سازمان ها یا اشخاص دیگر قابل تشخیص و تفکیک باشد. احترام به نظم اصلی (اولیه) نیز یعنی سوابقی که توسط پدیدآور یا ایجادکننده واحدی خلق شده اند باید از نظر فیزیکی و یا محتوایی با حفظ روابط و ارزش شهودی نظم بین آنها نگهداری شوند (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۳). در این راستا/ایسآد- جی (ایکا، ۲۰۰۰) برای ایجاد درکی مشترک بین آرشیوداران، الگویی را برای تنظیم به شکل رابطه سلسله مراتبی کل-جزء (عام-خاص)<sup>۵</sup>، بین ۴ سطح سندگان<sup>۶</sup> (بالاترین سطح)، ردیف<sup>۷</sup>، پرونده<sup>۸</sup> و فقره<sup>۹</sup> (پایین ترین سطح) ارائه داده است. در استانداردهای ملی سایر

### 1. Respect des fonds

۲. در استاندارد توصیف آرشیوی- کلیات (۱۳۹۸) که بومی شده ایسآد- جی (ایکا- ۲۰۰۰) است، اصطلاح خاستگاه معادل منشأ انتخاب شده است.

### 3. Respect des provenance

### 4. Original order

### 5. Arrangement

### 6. Fonds

### 7. Series

### 8. File

### 9. Item

### 10. Collection





کشورها نیز رایج‌ترین سطوح تنظیم که معادل سطوح ایکا است با نام‌های مجموعه<sup>۱</sup>، گروه سند<sup>۲</sup>، ردیف، پرونده (واحد بایگانی)<sup>۳</sup>، فقره (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۴) شناخته می‌شوند و برخی مانند استاندارد مد<sup>۳</sup> (پروکتر، کووک، ۲۰۱۶) و *مدل مفهومی توصیف آرشیوی* (ایکا، ۲۰۱۹) تا پایین‌تر از سطح فقره یعنی سطح قطعه (برای نمونه: سجع مهر یا هامش سند یا تمبر روی پاکت یا عکس شناسنامه) نیز پیش رفته‌اند.

**سطح ۱- سندگان:** کلیه سوابق بدون توجه به شکل یا رسانه آن‌ها که در جریان فعالیت‌ها و وظایف سازمان، شخص یا خانواده خاصی خلق، انباشت و/یا گردآوری و استفاده می‌شوند.

**سطح ۲- ردیف:** مجموعه سوابق و مدارکی که به لحاظ محتوای اطلاعاتی دارای وجه اشتراک است و مطابق نظام بایگانی تنظیم شده است و به دلیل انجام فعالیت مشابه، دارا بودن شکل خاص یا سایر ارتباطات ناشی از خلق، دریافت یا استفاده از آن‌ها، به شکلی واحد در کنار هم گردآوری می‌شود و تحت عنوانی خاص به آن‌ها مراجعه می‌شود؛ برای نمونه اطلاعات فهرست‌های موجودی؛ پرونده‌های پرسنلی (عزیزی، سلیم گندمی و نظری، ۱۳۹۹، ص ۱).

**سطح ۳- پرونده:** واحد سازمان‌یافته‌ای از سوابق یا مدارک که با موضوع، فعالیت یا تراکنش مشابهی سروکار دارد و به دلیل استفاده جاری پدیدآور یا ایجادکننده و یا در فرایند تنظیم بایگانی کنار هم گردآوری می‌شود. پرونده معمولاً واحد اصلی و پایه در سطح ردیف است؛ مانند پرونده پرسنلی یک شخص در بین پرونده‌های پرسنلی سازمانی واحد یا پرونده‌ای از صورت جلسات شورای شهر.

**سطح ۴- فقره:** کوچک‌ترین واحد آرشیوی غیرقابل تفکیک مانند: نامه؛ یادداشت؛ گزارش؛ عکس؛ نوار ضبط صوت؛ بروشور (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۴).

باتوجه به پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های ساختار سازمانی یا عملکردهای اداری، این امکان برای هر کدام از سطوح تنظیم وجود دارد تا به تعدادی سطح فرعی مانند زیرسندگان و زیرردیف گسترش یابد.

## ۵. بازتنظیم مواد آرشیوی

در اصل «نظم اصلی یا اولیه» توصیه می‌شود که گروه‌بندی‌های موجود حفظ شود و آرشیوداران به هیچ‌عنوان با دخالت‌های کاری خود شواهد مربوط به شیوه‌های ثبت اسناد را برهم نزنند یا باعث ابهام نشود. در واقع تغییر نظم اصلی مجموعه مواد دریافتی بدون هیچ دلیل کاربرپسندی توصیه نمی‌شود (داکس، ۲۰۱۹). ولی در مواردی دیده می‌شود که نظم اصلی یا اولیه اسناد از بین رفته است و یا از ابتدا هیچ نظمی مطابق با اصول آرشیوی وجود

1. Record group

2. Filing unit

3. piece

۴. برای اطلاعات بیشتر به کوک، (۱۳۹۴).

«مفهوم فوندهای آرشیوی در عصر پساتک». (رضا مهاجر، مترجم). مراجعه فرمایید.

[http://naq.nlai.ir/issue\\_369\\_388.html](http://naq.nlai.ir/issue_369_388.html)





نداشته است؛ در این صورت لازم است که ساختاردهی مجدد و سازمان‌دهی جدید یعنی بازتنظیم آرشیوی برای اسناد انجام شود.

از مزایای بازتنظیم اسناد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایجاد انسجام و یکپارچگی بین اسناد پراکنده؛
۲. تشکیل گروه‌بندی‌هایی با ویژگی‌های خاص و مشترک در سلسله‌مراتب کل-جزء؛
۳. ایجاد نظم فیزیکی و فکری ضروری برای توصیف؛
۴. برنامه‌ریزی و تسهیل شیوه‌های توصیف مناسب برای هر سطح از تنظیم؛
۵. امکان بررسی و درجه‌بندی اهمیت اسناد برای جلوگیری از ریزش کاذب و انباشت زائد اطلاعات حین توصیف؛
۶. ترویج تخصص‌گرایی بین آرشیوداران برای یکدستی توصیف اسناد موضوعی؛
۷. حذف فرایندهای تکراری توصیف برای پردازش اطلاعات مشترک و تسریع دسترسی به موجودی‌های آرشیو؛
۸. کاربرد محوری بر اساس جامعه آماری به وجود آمده طی فرایند گروه‌بندی‌های متنوع؛
۹. امکان تهیه بازیابگرهای راهنمای استفاده از اسناد؛
۱۰. امکان تهیه گزارش‌های آماری متنوع برای آگاهی ذی‌نفعان از موجودی‌های آرشیو؛
۱۱. کمک به گسترش اصطلاح‌نامه اداری و موضوعی آرشیو ملی ایران.

## ۶. گام‌های بازتنظیم اسناد دولتی

طبق اصل ۳ استاندارد انجمن آرشیوداران آمریکا (۲۰۱۳) در شرایطی که اسناد فاقد نظم اولیه هستند و به بازتنظیم نیاز دارند، آرشیودار می‌بایست گروه‌بندی‌های مختلفی را تا پایین‌ترین سطح ممکن قابل توصیف (حتی تا سطح یک فقره سند شخصی) شناسایی و تعیین کند. حاصل این فرایند، گروه‌بندی‌های سلسله‌مراتبی مواد آرشیوی خواهد بود و می‌توان برای هر یک از این سطوح نامی انتخاب کرد. از آنجاکه تنظیم با توصیف رابطه نزدیکی دارد، می‌توان برای گروه‌بندی اسناد از برخی مدخل‌های نقاط دسترسی توصیف استفاده کرد. این معیارها که هم جنبه فیزیکی و هم جنبه فکری (محتوایی) اسناد را دربر دارد، با عنوان گام‌های بازتنظیم اسناد در جدول ۲ دسته‌بندی شده است.

	منبع	تنظیم سلسله مراتبی اسناد دولتی متنی				معیار
		فقره	پرونده	ردیف / زیرردیف	سندگان / زیرسندگان	
	ایساد-جی (ایکا، ۲۰۰۰): داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳): مد ۳ (پروکتر، کووک، ۲۰۱۶).					
	داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳): مدل مفهومی توصیف (ایکا، ۲۰۱۹): ایساد-جی (ایکا، ۲۰۰۰): مد ۳ (پروکتر، کووک، ۲۰۱۶): رد (انجمن آرشیداران کانادا، ۲۰۰۸).	سازمانی	سازمانی	سازمانی	سازمانی	ماهیت اسناد
	ایساد-جی (ایکا، ۲۰۰۰): مدل مفهومی توصیف (ایکا، ۲۰۱۹): داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳): مد ۳ (پروکتر، کووک، ۲۰۱۶): رد (انجمن آرشیداران کانادا، ۲۰۰۸).	فارسی / لاتین / عربی	فارسی / لاتین / عربی	فارسی / لاتین / عربی	فارسی / لاتین / عربی	زبان
	ایساد-جی (ایکا، ۲۰۰۰): مدل مفهومی توصیف (ایکا، ۲۰۱۹): داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳): مد ۳ (پروکتر، کووک، ۲۰۱۶): رد (انجمن آرشیداران کانادا، ۲۰۰۸).	سازمان / شخص	سازمان / شخص	سازمان / شخص	سازمان / شخص	منشأ (خاستگاه) / پدیدآور

## جدول ۲

معیارهای تنظیم سلسله مراتبی اسناد دولتی



		منبع	تنظیم سلسله مراتبی اسناد دولتی متنی				
			ساختاری / ساختاری / ساختاری / ساختاری	کارکردی / کارکردی / کارکردی / کارکردی	فعالیت‌ها و مشاغل / فعالیت‌ها و مشاغل / فعالیت‌ها و مشاغل / فعالیت‌ها و مشاغل	عملکرد / عملکرد / عملکرد / عملکرد	
		داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳)؛ مدل مفهومی توصیف (ایکا، ۲۰۱۹).	ساختاری / کارکردی (فعالیت‌ها و مشاغل)	ساختاری / کارکردی (فعالیت‌ها و مشاغل)	ساختاری / کارکردی (فعالیت‌ها و مشاغل)	ساختاری / کارکردی (فعالیت‌ها و مشاغل)	عملکرد سازمانی
		رد (انجمن آرشیداران کانادا، ۲۰۰۸).	متنی / غیومتی	متنی / غیرمتنی	متنی / غیومتی	متنی / غیرمتنی	نوع ماده
		داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳)؛ مدل مفهومی توصیف (ایکا، ۲۰۱۹).	یک فقره گزارش	گزارش‌های عملکرد	گزارش‌ها	مکاتبات، گزارش‌ها، صورت‌جلسات، نشریات و ...	شکل سند
			موضوع خاص	موضوع خاص یا متنوع	موضوع / موضوعات مشترک	مفہیم موضوعی عام	محتوا
		داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳).	اسم خاص	اسم یا اسامی خاص (محدود)	اسامی خاص (گسترده)	اسامی خاص (شخص، سازمان / شخص، مکان / جغرافیا)	
		ایساد-جی (ایکا، ۲۰۰۰)؛ مدل مفهومی توصیف (ایکا، ۲۰۱۹)؛ داکس (انجمن آرشیداران امریکا، ۲۰۱۳)؛ مد ۳ (پروکتز، کووک، ۲۰۱۶)؛ رد (انجمن آرشیداران کانادا، ۲۰۰۸).	تک تاریخ	تک تاریخ یا پوشش تاریخی محدود	برش تاریخی	پوشش یا دوره تاریخی	تاریخ

## ادامه جدول ۲

معیارهای تنظیم سلسله مراتبی اسناد دولتی

۱. گروه بندی محتوا مشابه با ساختار سرعنوان موضوعی (پیش هم آرا) می تواند باعث یکدستی و هماهنگی در کاربرد محورهای موضوعی شود.



## ۷. ماهیت اسناد

اولین گزینه برای تنظیم سلسله‌مراتبی اسناد، مربوط به گروه‌بندی براساس زمینه خلق (اوراق یا اسناد شخصی-خانوادگی، سوابق اداری-تنالگانی یا اسناد مجموعه‌سازی شده) است.  
مثال:

- اسناد شخصی
- اسناد خانوادگی
- اسناد دولتی

## ۸. زبان

معمولاً اسناد هر کشوری به زبان رایج و ملی آن کشور است. چنانچه در بین اسناد زبان‌های دیگری نیز وجود داشته باشد، بسته به حجم موجود و نوع زبان می‌توان آن‌ها را گروه‌بندی کرد.  
مثال:

- فارسی
- عربی
- فرانسه
- انگلیسی
- لاتین

## ۹. پدیدآور یا منشأ (خاستگاه) اسناد

شخص، خانواده (خاندان) و تنالگان، سه موجودیت اصلی برای شکل‌گیری اسناد هستند. تنالگان<sup>۱</sup> به هر نوع سازمان، نهاد حاکمیتی، مؤسسه غیرانتفاعی، تشکیلات حزبی و هر نهادی گفته می‌شود که ذیل نامی مشخص فعالیت می‌کند و دارای تشکیلاتی واحد و جایگاه حقوقی است. سازمان یا خود سوابق را تولید، نگهداری، و استفاده می‌کند و یا به آرشیو ملی انتقال می‌دهد که در این صورت سازمان به منزله پدیدآور و منشأ (خاستگاه) است و چنانچه محتوای اسناد درباره سازمان مطلبی داشته باشد، در این صورت سازمان به منزله موضوع است. شخص هم فردی است که در جریان انجام وظایف اداری خود در سازمان، نهادهای حاکمیتی یا غیرانتفاعی، تشکیلات حزبی یا هر تشکیلات دیگری فعالیت می‌کند. شخص در اینجا یا خود خالق اسناد است (مثل نویسنده نامه یا گزارش) که در این صورت پدیدآور محسوب می‌شود یا شخص محور محتوای اسناد است که در این صورت شخص به منزله موضوع است. گروه‌بندی براساس پدیدآور بیشتر برای سطح

۱. Corporate Body

۲. سازمان مفهومی عام است که به سه گروه وزارت خانه، سازمان و شرکت دولتی تقسیم و نام‌گذاری می‌شود.



سندگان و زیرسندگان مفید است. چارت سازمانی و تطبیق با اصطلاحنامه‌های اداری و فهرست کارکنان، مبنای خوبی برای کسب اطلاعات و داده‌های مربوطه است.

مثال ۱:

- سندگان: شورای انقلاب فرهنگی
- زیرسندگان: شورای فرهنگ عمومی

مثال ۲:

- سندگان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- زیرسندگان: اداره کل تبلیغات استان تهران

### ۱۰. عملکرد سازمانی

عملکرد به هر نوع فعالیت، تراکنش و فرایندهای مربوط به مشاغل سازمانی گفته می‌شود (Dacs, 2013, p.xxiv). هنگام تنظیم اسناد سازمانی خاص، مادامی که آن سازمان وجود دارد و به فعالیت خود ادامه می‌دهد، نمونه‌های تنظیم موجود در سامانه‌های نگهداری سوابق اداری، واحدهای بایگانی و ردیف‌های جاری آن (مانند اطلاعات دفاتر ثبت و فهرست‌های بایگانی) و صورت جلسه انتقال آرشیو مبنای خوبی برای تطبیق گروه‌بندی آن بخش از اسنادی است که به آرشیو منتقل می‌شود. در صورتی که چنین امکانی وجود نداشت، می‌توان اسناد را به دو گروه ساختاری و کارکردی رده‌بندی کرد.

یادداشت ۱: ساختار، انعکاسی از عملکرد درون سازمانی است. اسناد گروه ساختاری را می‌توان بر اساس شاخه‌های اداری موجود در چارت سازمانی یا نظام رده‌بندی مانند اصطلاحنامه اداری طبقه‌بندی کرد. حاصل این فرایند تولید زیرسندگانها و ردیف‌سازی بر اساس فعالیت‌ها و مشاغل سازمانی است.

یادداشت ۲: کارکرد، انعکاسی از عملکردها و فعالیت‌های برون سازمانی و در راستای اهداف و مأموریت سازمان است. کارکرد را می‌توان بر اساس نظام موضوعی موجود در بایگانی مربوطه یا طرح رده‌بندی موضوعی مانند اصطلاحنامه آرشیو ملی ایران، به شکل سلسله‌مراتبی از ردیف/زیرردیف (عام-خاص) تا پرونده و فقره رده‌بندی کرد.

مثال ۱:

ساختار: اداری

- زیرسندگان: اداره منابع انسانی
- ردیف ۱- پرونده‌های پرسنلی
- ردیف ۲- بخشنامه‌های اداری

زیرردیف: بخشنامه‌های استخدامی

مثال ۲:

کارکرد: فرهنگی

سندگان: اداره کل میراث فرهنگی - زنجان

ردیف ۱- گردشگری

زیرردیف- غار کتله خور

ردیف ۲- بناهای تاریخی

زیرردیف- گنبد سلطانیه

## ۱۱. نوع ماده

طبقه‌بندی نوع ماده مبحثی است که برای استانداردسازی اصطلاحات و تدوین خط‌مشی در آرشیو ملی ایران، لازم است به آن توجه شود.

مثال ۱: سند متنی

مثال ۲: مواد صوتی

مثال ۳: مواد جغرافیایی

مثال ۴: مواد معماری

مثال ۵: تصاویر متحرک

## ۱۲. شکل سند

شکل سند<sup>۱</sup> براساس ویژگی‌های محتوایی اسناد مانند روزنامه‌ها، گزارش‌ها و... تعیین می‌شود (Dacs, 2013, p.xxiv). کاربرد این گروه‌بندی نیز همانند نوع ماده مبحثی برای استانداردسازی اصطلاحات مدنظر در خط‌مشی آرشیو ملی ایران است.

مثال ۱:

ردیف ۱: اسناد متنی (نام عام ماده) - مکاتبات - ۱۳۶۰-۱۳۸۰

ردیف ۲: اسناد متنی - گزارش‌ها (مجلد)

ردیف ۳: اسناد متنی - نشریات

ردیف ۴: اسناد دیداری - عکس

مثال ۲:

سندگان: مجلس شورای اسلامی

نوع ماده: اسناد متنی

1. Document form



ردیف ۱: لوایح - ۱۳۷۰-۱۳۸۰

زیرردیف: لوایح بین‌المللی

زیرزیرردیف ۱: موافقت‌نامه‌های بین‌المللی حمل و نقل هوایی ایران و سایر کشورها

زیرزیرردیف ۲: موافقت‌نامه‌های بین‌المللی کشتیرانی ایران با سایر کشورها

پرونده: موافقت‌نامه حمل و نقل دریایی ایران و آذربایجان

ردیف ۲: قراردادها - ۱۳۷۰

زیرردیف ۱: قراردادهای بیمانکاری راه‌آهن - ۱۳۷۰-۱۳۷۵

زیرردیف ۲: قراردادهای بیمانکاری راه‌سازی

ردیف ۳: گزارش‌ها - ۱۳۶۰-۱۳۷۰

زیرردیف ۱: صنایع خودروسازی

زیرردیف ۲: بانک‌ها

زیرزیرردیف ۱: بانک کشاورزی

زیرزیرردیف ۲: بانک ملی - ۱۳۶۰-۱۳۷۰

پرونده: گزارش عملکرد بانک ملی - ۱۳۷۰

### ۱۳. محتوا

محتوای اسناد معمولاً یک یا چند محور موضوعی درباره اشخاص، سازمان‌ها، مکان‌ها، جغرافیا و رخدادهای تاریخی را انعکاس می‌دهد. برای گروه‌بندی اسناد براساس محتوا می‌توان یک طرح رده‌بندی و اصطلاح‌نامه آرشیوی را به‌کار برد و برای آن خط‌مشی تدوین کرد. بسته به میزان اشتراکات محتوایی موجود بین اسناد، می‌توان از چند عنصر زیر برای گروه‌بندی موضوعی استفاده کرد:

a. موضوع - تاریخ

b. موضوع - جغرافیا - تاریخ

c. موضوع - اسم خاص (شخص، خانواده یا تنالگان - جغرافیا) - تاریخ

یادداشت ۱: برای تعیین روابط سلسله‌مراتبی (کل - جزء) می‌توان به شیوه تعیین روابط اصطلاح‌نامه آرشیو (رأس، اعم و اخص) عمل کرد.

یادداشت ۲: در این نوع گروه‌بندی، جغرافیا می‌تواند هم به‌منزله موضوع باشد هم

زمینه خلق اسناد

یادداشت ۳: در این نوع گروه‌بندی، شخص، خانواده یا سازمان به‌منزله موضوع است

نه زمینه خلق یا پدیدآور اسناد



یادداشت ۴: تک تاریخ (برش یک‌ساله برای پرونده و فقره)، پوشش تاریخی (مانند برش‌های دهه یا سده برای ردیف و زیرردیف) یا اصطلاحی که بیانگر دوره تاریخی است و بسته به انواع سند، مقاطع فرعی (برای نمونه: دوره قاجار - ناصرالدین‌شاه، دوره پهلوی - پهلوی دوم و دوره جمهوری اسلامی - دولت نهم برای سطح سندگان و ردیف) را می‌توان به کار برد. اصطلاحات کنترل‌شده برای تاریخ، مبحث خط‌مشی آرشیو ملی ایران است.

مثال ۱: موضوع - تاریخ:

سندگان: وزارت کشور

زیرسندگان: روابط عمومی

ردیف: مناسبت‌ها - ۱۳۶۰-۱۳۷۰

زیرردیف: دهه فجر - ۱۳۶۵

مثال ۲: موضوع - جغرافیا - تاریخ:

سندگان: وزارت کشور

ردیف: طرح‌های عمرانی - تهران - ۱۳۶۰-۱۳۷۰

زیرردیف ۱: آب‌رسانی - تهران - ۱۳۶۰

زیرردیف ۲: مسکن - تهران - ۱۳۶۰

زیرردیف ۳: راه‌سازی - تهران - ۱۳۶۰

مثال ۳: موضوع - شخص یا خانواده و یا سازمان - جغرافیا - تاریخ

سندگان: شهرداری تهران

ردیف ۱: بودجه - ۱۳۶۰-۱۳۸۰

زیرردیف: اعتبارات - آسفالت - منطقه ۵ - ۱۳۶۰

ردیف ۲: انتصابات - دوره جمهوری اسلامی

پرونده: انتصاب شهرداران تهران - ۱۳۶۰-۱۳۸۰

## ۱۴. تاریخ

بسته به حجم اسناد، می‌توان آن‌ها را براساس پوشش یا دوره تاریخی (مانند دهه، پنج سال یا دو سال متوالی) و تک تاریخ (یک سال) تنظیم کرد. بهتر است این کار در ترکیب با موضوعات عام و خاص (همانند مثال‌های مندرج در محتوا) انجام شود.

مثال:

سندگان: دوره پهلوی / ۱۳۰۴-۱۳۵۷.

ردیف ۱: ۱۳۰۴-۱۳۱۰.





ردیف ۲: ۱۳۱۱-۱۳۲۰.

ردیف ۳: ۱۳۲۱-۱۳۳۰.

ردیف ۴: ۱۳۳۱-۱۳۴۰.

ردیف ۵: ۱۳۴۱-۱۳۵۰.

ردیف ۶: ۱۳۵۱-۱۳۵۷.

### ۱۵. مثال‌های کامل تنظیم و بازتنظیم اسناد دولتی

برای درک بیشتر گام‌های تنظیم و بازتنظیم اسناد دولتی مثال‌های کاملی بر اساس مصادیق موجود در آرشیو ملی ارائه شده است. مثال‌ها قابل استفاده نیستند؛ بلکه برای روشن شدن نحوه پیاده‌سازی بازتنظیم ارائه شده‌اند.

منشأ (خاستگاه): دفتر وزیر آموزش و پرورش

نوع ماده: سند متنی

حجم و گستره: ۱۶۹ کارتن حاوی ۱۳۸ زونکن مکاتبات و ۱۵۰ عنوان طرح و نشریه

پوشش تاریخی: ۱۳۸۷

نظم ردیفی این اسناد به دلیل انتقال‌های پیاپی به هم ریخته است بنابراین ابتدا اسناد از نظر نوع ماده و شکل تفکیک شدند. سپس زونکن‌ها بر اساس عملکرد سازمانی به دو دسته کارکردی (برون‌سازمانی) و ساختاری (درون‌سازمانی) طبقه‌بندی شدند و در ۱۱۰ ردیف و زیرردیف موضوعی بازتنظیم شدند. نمونه‌معیارهای این تنظیم در جدول ۳، ۴ و ۵ آمده و خروجی کل تنظیم در جدول ۶ آمده است.

مثال ۱: تنظیم سطح ردیف

تنظیم سلسه مراتبی اسناد وزارت آموزش و پرورش				ماهیت: سازمان
سطوح تنظیم				گروه بندی
فقره	پرونده	ردیف	سندگن	
یونسکو یا سازمان ملل متحد	یونسکو یا سازمان ملل متحد	دفتر همکاری های بین الملل	وزارت آموزش و پرورش (تنالگان- سازمانی)	منشأ (خاستگاه)
سندمتنی	سندمتنی	سندمتنی	سندمتنی	نوع ماده
نامه یا گزارش	مکاتبات (نامه و گزارش)	مکاتبات (نامه و گزارش)	مکاتبات (نامه، گزارش)، طرح، نشریه	شکل سند
کارکردی	کارکردی	کارکردی	کارکردی	عملکرد سازمانی
<p>۱. نمایشگاه آموزش ایران در صحن یونسکو؛</p> <p>۲. چارچوب راهبرد فعالیت های سوادآموزی ملل متحد (۲۰۰۹-۲۰۱۳)؛</p> <p>۳. محور برنامه های آموزشی توسعه پایدار.</p>	آموزش؛ نمایشگاه؛ جشنواره.	همکاری با یونسکو و سازمان ملل متحد	همکاری های بین المللی؛ همکاری با نهادها، وزارت خانه ها و سازمان های دولتی، معاونت ها و ادارات کل تابعه وزارت آموزش و پرورش و ...	محتوا
۱۳۸۷	۱۳۸۷	۱۳۸۵-۱۳۹۰	دوره جمهوری اسلامی	تاریخ

جدول ۳

تنظیم دفتر همکاری های بین الملل وزارت آموزش و پرورش



مثال ۲: تنظیم سطح ردیف

تنظیم سلسه مراتبی اسناد وزارت آموزش و پرورش				ماهیت: سازمان
سطوح تنظیم				گروه بندی
فقره	پرونده	ردیف	سندگان	
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	وزارت آموزش و پرورش (تالگان-سازمانی)	منشأ (خاستگاه)
سندمتنی	سندمتنی	سندمتنی	سندمتنی	نوع ماده
نامه یا گزارش	مکاتبات (نامه و گزارش)	مکاتبات (نامه و گزارش)	مکاتبات (نامه و گزارش)	شکل سند
کارکردی	کارکردی	کارکردی	کارکردی	عملکرد سازمانی
۱. آموزش زبان دانشگاه کمبریج ۲. اجلاس جهانی رسانه های جوان: ۳. جشنواره پویانمایی (انیمیشن): ۴. طرح کانون مدرسه; ۵. گزارش سفر و بازدید از کتابخانه مرکزی و کودک اسلو.	آموزش، اجلاس ها، جشنواره ها، طرح ها، سفرها	همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	همکاری های بین المللی؛ همکاری با نهادها، وزارت خانه ها و سازمان های دولتی، معاونت ها و ادارات کل تابعه وزارت آموزش و پرورش و ...	محتوا
۱۳۸۷	۱۳۸۷	۱۳۸۰-۱۳۹۰	دوره جمهوری اسلامی	تاریخ

جدول ۴

تنظیم سطح ردیف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



مثال ۳: تنظیم سطح ردیف

تنظیم سلسه مراتبی اسناد وزارت آموزش و پرورش				ماهیت: سازمان
سطوح تنظیم				گروه بندی
فقره	پرونده	ردیف	سندگان	
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	وزارت آموزش و پرورش (تنالگان-سازمانی)	منشأ (خاستگاه)
سندمتنی	سندمتنی	سندمتنی	سندمتنی	نوع ماده
نامه یا گزارش	مکاتبات (نامه و گزارش)	مکاتبات (نامه و گزارش)	مکاتبات (نامه و گزارش)	شکل سند
کارکردی	کارکردی	کارکردی	کارکردی	عملکرد سازمانی
۱. آموزش زبان دانشگاه کمبریج؛ ۲. اجلاس جهانی رسانه های جوان؛ ۳. جشنواره پویانمایی (انیمیشن)؛ ۴. طرح کانون مدرسه؛ ۵. گزارش سفر و بازدید از کتابخانه مرکزی و کودک اسلو.	آموزش، اجلاس ها، جشنواره ها، طرح ها، سفرها	همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	همکاری های بین المللی؛ همکاری با نهادها، وزارت خانه ها و سازمان های دولتی، معاونت ها و ادارات کل تابعه وزارت آموزش و پرورش و ...	محتوا
۱۳۸۷	۱۳۸۷	۱۳۸۰-۱۳۹۰	دوره جمهوری اسلامی	تاریخ

جدول ۵

تنظیم سطح ردیف ریاست جمهوری



مثال ۴: تنظیم سطح ردیف/ زیرردیف

فهرست موضوعی جدول شماره ۶ خروجی حاصل از تنظیم ۱۱۰ ردیف و زیرردیف مربوط به ۱۳۸ زونکن اسناد وزارت آموزش و پرورش را ذیل گروه ساختاری و کارکردی نشان می‌دهد. در این گروه‌بندی سعی شده است تا موضوعات همگن و مرتبط کنار هم قرار بگیرد. با وجود آنکه هر زونکن خود شامل چندین پرونده بود و می‌توانست تا سطح پرونده نیز تنظیم شود، ولی بنابر فوریت در دستور کار، به توصیف تا سطح ردیف/ زیرردیف اکتفا شد. این جدول یکی از انواع بازبایگرها و راهنماهای عمل آرشیو داران است که می‌توان بر اساس آن از حجم و محورهای موضوعی اسناد مطلع شد و برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای توصیف و مستندسازی اسناد داشت.

تعداد/زونکن	موضوع ردیف/ زیرردیف	گروه	
۱۰	دفتر امور مجلس	خارج سازمانی	کارکردی
۳	دفتر مقام معظم رهبری		
۱	مجمع تشخیص مصلحت نظام		
۱۴	ریاست جمهوری		
۱	وزارت کشور		
۱	وزارت علوم		
۱	کمیسیون اقتصادی (هیئت دولت)		
	کمیسیون اجتماعی (هیئت دولت)		
	کمیسیون فرهنگی (هیئت دولت)		
۲	کمیسیون زیربنایی، صنعت و محیط (هیئت دولت)		
۱	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزی		
۲	شورای عالی انقلاب فرهنگی- فرهنگ عمومی		
۱	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان		
۱	سازمان نهضت سوادآموزی		
۱	فناوری اطلاعات		
۱	سازمان صداوسیما		
	بنیاد شهید		
۱	سازمان مدیریت و سرمایه انسانی- ریاست جمهوری		
۱	پژوهش‌کده		
	هلال احمر		
۱	اداره کل تعاون		
۱	سازمان مدیریت		
	تعاون		

جدول ۶

فهرست موضوعات کارکردی و ساختاری  
وزارت آموزش و پرورش



تعداد/زونکن	موضوع ردیف/ زیرردیف	گروه																	
۱	بانکها	خارج سازمانی																	
	مشاوران جوان																		
۱	ایثارگران		کارکردی																
	معاون آموزش																		
۱	وزارت راه و ترابری			خارج سازمانی															
	وزارت کار و امور اجتماعی																		
۱	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی				کارکردی														
	وزارت بازرگانی																		
	وزارت دادگستری																		
۱	وزارت امور خارجه (همکاری‌های آموزشی و مدارس خارج)					خارج سازمانی													
۱	وزارت دارایی						کارکردی												
	سازمان بهزیستی																		
۱	رفاه							خارج سازمانی											
	بازرسی								کارکردی										
	پیام‌تلفنی																		
۱	مسکن									خارج سازمانی									
	پست										کارکردی								
	نیرو																		
۱	نفت											خارج سازمانی							
	انتظامی												کارکردی						
	سپاه																		
۱	اطلاعات													خارج سازمانی					
	گواهی														کارکردی				
	یونسکو																		
۱	حراست															خارج سازمانی			
	محیط زیست																کارکردی		
	پرستش مهر																		
۱	امربه معروف	خارج سازمانی																	
	آیسکو		کارکردی																
۱	اوقاف																	خارج سازمانی	
	دانشگاه آزاد			کارکردی															
	تسلیت																		
۳	دانشگاهها				خارج سازمانی														
	اسناد و اوراق زائد																		کارکردی
۲	شرکتها																		

ادامه جدول ۶

فهرست موضوعات کارکردی و ساختاری وزارت آموزش و پرورش



تعداد/زونکن	موضوع ردیف/ زیرردیف	گروه
۱	دعوت‌ها	داخل سازمانی کارکردی
۳	سفرها	
۵	ملاقات‌ها	
۲	گردهمایی و همایش‌ها	
۱	جلسات	
۳	روابط عمومی	
۱	بهداشت مدارس و متفرقه	
۱	مأموریت خارج	
۱	نشان‌های دولتی	
	اقامه نماز	
۱	شورای عالی اداری	
	ثبت نام دانش آموزی	
	مذاهب اسلامی	
	بهره‌وری	
۱	دین و قرآن	
	دانشگاه شهید رجایی	
۱	اقلیت‌های دینی	
	تبلیغات	
	خیرین مدرسه‌ساز	
۱	دهه فجر	
	جراید	
۱	تقدیر و تشویق	
۱	تقدیر و تشکر وزیر	
۱	دفتر همکاری‌های بین‌الملل	
۲	مشاوران	
۲	معاونت پرورشی و تربیت بدنی	
۲	معاونت آموزش عمومی	
۵	معاونت پشتیبانی	
۱	انتقال	
۱	مرخصی	
	کشیک	
	کمیسیون سیاسی	
۱	کمیته مستندسازی	
۱	صندوق ذخیره فرهنگیان	

### ادامه جدول ۶

فهرست موضوعات کارکردی و ساختاری  
وزارت آموزش و پرورش



تعداد/زونکن	موضوع ردیف/ زیرردیف	گروه			
۱	تعاونی مصرف فرهنگیان	داخل سازمانی	کارکردی		
۱	گزینش				
۱	بازرسی شکایات				
	بازرسی				
	همه‌نگی				
۱	گزارش‌ها				
۲	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی				
۵	سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس				
۱	سازمان دانش‌آموزی				
۱	سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان				
۱	مجلس دانش‌آموزی				
۱	شرکت پژوهش و نوآوری صنایع آموزشی				
۲	مرکز برنامه‌ریزی، نظارت راهبردی و تحول بنیادین				
۱	استعدادهای درخشان				
	امور بانوان				
۱۳	ادارات استانی آموزش و پرورش				
۱	مدارس عالی فنی و حرفه‌ای				
۴	مدارس غیرانتفاعی				
۱۳۸ زونکن	جمع: ۱۱۰ ردیف و زیرردیف				

ادامهٔ جدول ۶

فهرست موضوعات کارکردی و ساختاری وزارت آموزش و پرورش





مثال ۵: منشأ (خواستگاه): فرمانداری خدابنده

جدول شماره ۷ وضعیت جاری تنظیم بخشی از اسناد فرمانداری خدابنده موجود در آرشیو ملی ایران را نشان می‌دهد. حجم نمونه، ۴ کارتن پشت سرهم و با تعداد ۳۷ پرونده انتخاب شده است. از آنجاکه داخل کل پرونده‌ها دیده نشد، بنابراین موضوعات کلی - که اولین شاخص برای سطح ردیف و پرونده است - از عنوان اسناد استخراج شد.

ملحیت		سازمانی						
نوع ماده		سند متنی کاغذی						
سطح تنظیم	عنوان	عملکرد سازمانی		شکل سند	محتوای موضوعی			تاریخ
		ساختار	کارکرد		موضوع	شخص/سازمان	جغرافیا	
کارتن ۱	شماره جای‌ها: - ۹۹ ۲۹۳/۱۶۸۰۸۹	شاخه	رده					
پرونده ۱	مجوز نانوایی‌های شهرستان خدابنده	-	بازرگانی- مواد غذایی	نامه و صورت جلسه	آرد و نان			۱۳۸۲
پرونده ۲	امور آرد و غله و نان شهرستان خدابنده	-	بازرگانی- مواد غذایی	نامه و صورت جلسه	آرد و نان			۱۳۸۲
پرونده ۳	امور آرد و غله و نان شهرستان خدابنده	-	بازرگانی- مواد غذایی	نامه و صورت جلسه	آرد و نان			۱۳۸۲
پرونده ۴	شکوائیه‌های روستاهای خدابنده	-	حقوقی	نامه	شکوائیه	نصرالله افشار	تخت (قیدار)	۱۳۵۸
پرونده ۵	هزینه‌های فرمانداری خدابنده	اداری- مالی	-	نامه	تأمین اعتبار	فرمانداری		۱۳۷۸
پرونده ۶	گزارش‌های ژاندارمری	-	انتظامی	نامه	وقایع روزانه			۱۳۵۴-۱۳۵۳

جدول ۷

تنظیم اسناد فرمانداری خدابنده



سازمانی								ملهیت
سند متنی کاغذی								نوع ماده
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		عنوان	سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکرد	ساختار		
۱۳۵۷			طرح عمرانی	نلمه	عمران و شهرسازی	-	اعتبارات طرح‌های عمرانی خداینده	پرونده ۷
۱۳۵۸			گوشت	نلمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	تعیین قیمت گوشت قرمز	پرونده ۸
۱۳۶۱				نلمه	عمران	-	اعتبار طرح‌های عمرانی خداینده	پرونده ۹
۱۳۶۴	خداینده	فرمانداری	کارکنان	نلمه	-	اداری	اجرای قانون عثله مندی کارکنان	پرونده ۱۰
۱۳۶۹			شکایت	نلمه	حقوقی	-	شکایت اهالی قیدار خداینده	پرونده ۱۱
							شماره جای نما: ۱۰۷- ۳۹۳/۱۶۸۱۰۰	کارتن ۲
۱۳۸۲			آرد و نان	نلمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	امور غله و نان	پرونده ۱۲
۱۳۸۳			آرد و نان	نلمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	امور غله و نان	پرونده ۱۳
۱۳۶۰		فرمانداری	هزینه‌ها	نلمه	-	اداری- مالی	هزینه‌های فرمانداری	پرونده ۱۴
۱۳۷۶			محیط زیست	نلمه	-	-	حفاظت محیط زیست	پرونده ۱۵
۱۳۶۱		فرمانداری	کارکنان- جبهه	نلمه	-	اداری	کارکنان داوطلب جبهه	پرونده ۱۶
۱۳۸۳			آرد و نان	نلمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	تعمیرات آرد و نان	پرونده ۱۷

### ادامه جدول ۷

تنظیم اسناد فرمانداری خداینده



سازمانی							ملحیت
سند متنی کاغذی							نوع ماده
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص / سازمان	موضوع		کارکرد	ساختار	
۱۳۶۸			خودروسازی	نمه	بازرگانی- صنایع	-	پرونده ۱۸ متقاضیان مجوز نمایندگی خودرو
۱۳۶۸			طرح عمرانی	نمه	عمران	-	پرونده ۱۹ طرح‌های عمرانی خدابنده
							کارتن ۳ شماره جای نما: -۱۱۸ ۲۹۳/۱۶۸۱۰۸
۱۳۶۷			شکایت	نمه	حقوقی	-	پرونده ۲۰ شکایت یکی از اهالی...
۱۳۵۹، ۱۳۵۷		فرمانداری	طرح عمرانی	نمه	عمران و شهرسازی	-	پرونده ۲۱ اعتبار طرح‌های عمرانی
۱۳۸۵			اتباع	نامه- فرم	امور خارجه	-	پرونده ۲۲ امور اتباع خارجی
۱۳۸۶				نمه	کار و اجتماعی	-	پرونده ۲۳ امور ایثارگران
۱۳۶۸			زغال	نمه	بازرگانی- صنایع	-	پرونده ۲۴ توزیع سهمیه زغال
۱۳۶۸			ملهی	نمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	پرونده ۲۵ توزیع ماهی...
۱۳۷۰-۱۳۶۹			لوازم خانگی	نمه	بازرگانی- کالاهای خفگی	-	پرونده ۲۶ حواله لوازم خانگی
۱۳۶۴			نظام‌وظیفه	نمه	انتظامی	-	پرونده ۲۷ اسامی مشمطین نظام‌وظیفه
۱۳۵۵			عوارض	نمه	شهرداری	-	پرونده ۲۸ وصول عوارض شهرداری

ادامه جدول ۷

تنظیم اسناد فرمانداری خدابنده



سازمانی								مهمیت
سند متنی کاغذی								نوع ماده
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		عنوان	سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص / سازمان	موضوع		کارکرد	ساختار		
۱۳۵۵			۲۱ آذر	نلمه	مناسبت‌ها	-	بزرگداشت ۲۱ آذر	پرونده ۲۹
۱۳۶۴			شوراهای اسلامی	نلمه	شوراها	-	امور شوراهای اسلامی	پرونده ۳۰
							شماره جای نما: ۱۲۵- ۲۹۳/۱۶۸۱۱۹	کارتن ۴
۱۳۶۹-۱۳۶۵			تیرآهن	نلمه	بازرگانی- مصلح ساختمانی	-	توزیع تیرآهن...	پرونده ۳۱
۱۳۶-۱۳۵۹			گوشت	نلمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	توزیع مرغ و گوشت	پرونده ۳۲
۱۳۶۳			شوراهای اسلامی	قرارداد	شوراها	-	قطعنامه سمینر شوراهای اسلامی	پرونده ۳۳
۱۳۶۴			شوراهای اسلامی	صورت جلسه	شوراها	-	صورت جلسات شوراهای اسلامی	پرونده ۳۴
۱۳۸۲		فرمانداری	فرمانداری	صورت جلسه	-	کمیسیون‌ها	صورت جلسات کمیسیون...	پرونده ۳۵
۱۳۸۲			آرد و نان	نلمه	بازرگانی- مواد غذایی	-	امور آرد و نان	پرونده ۳۶
۱۳۸۲		فرمانداری	مسکن	نلمه	-	رفاهی	واگذاری زمین به کارکنان	پرونده ۳۷

### ادامه جدول ۷

تنظیم اسناد فرمانداری خداپنده



همان‌گونه که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد معیارهای سلسله‌مراتبی تنظیم بر اساس استانداردهای بین‌المللی در کم‌ترین حد ممکن یعنی «تفکیک فیزیکی» قرار دارد و از لحاظ محتوایی یعنی گروه‌بندی منطقی سلسله‌مراتبی و ذیل آن، ردیف‌هایی با ویژگی‌های محورهای موضوعی مشترک و تاریخی، تنظیم نشده‌است و در نتیجه اسناد دارای پراکندگی شده‌است. برای نمونه بین ۳۷ پرونده، ۹ عدد مربوط به موضوع بازرگانی - مواد غذایی است که این تعداد بین ۴ کارتن پراکنده شده‌است. در گروه‌بندی ساختاری نیز این موضوع مصداق دارد. بر اساس معیارهای تنظیم می‌بایست ابتدا اسناد کارکردی از اسناد ساختاری جداسازی می‌شد که در این صورت ۶ پرونده ساختاری موجود در بین این ۴ کارتن نیز در جای خودشان قرار می‌گرفتند. علاوه بر معیار سازمانی، تنظیم بر اساس دوره تاریخی نیز انجام نشده‌است. آن‌چنان‌که در کارتن اول مشاهده می‌شود اسناد دوره پهلوی با جمهوری اسلامی کنار هم قرار گرفته‌است که این موضوع در حین توصیف بیشترین تأثیر متناقض را بر فضای فکری آرشیوداران می‌گذارد.

مثال ۶: منشأ (خاستگاه): فرمانداری خدابنده

جدول شماره ۸ نمونه دیگری از وضعیت تنظیم بخشی از اسناد فرمانداری خدابنده (مشابه تنظیم جدول ۷) را در آرشیو ملی ایران نشان می‌دهد. حجم نمونه، ۴ کارتن پشت سرهم انتخاب شده‌است. از آنجاکه داخل کل پرونده‌ها دیده نشد، بنابراین موضوعات کلی - که اولین شاخص برای سطح ردیف و پرونده است - از عنوان سند استخراج شدند.

سازمانی							ملهیت	
سند متنی کاغذی							نوع ماده	
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		عنوان	سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکردی	ساختاری		
					رده	شاخه	جای ۶؛ ۷۶- ۲۹۳/۱۶۸۳۷۱	کارتن ۱
۱۳۸۲			بهره‌برداری-شن و ماسه	نلمه	بازرگانی- معدن	-	متقلبی دریافت شن و ماسه در شهرستان خدابنده	پرونده ۱

## جدول ۸

تنظیم اسناد فرمانداری خدابنده



سازمانی							مهریت	
سندِ متنی کاغذی							نوع ماده	
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		عنوان	سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکردی	ساختاری		
۱۳۸۲	خداپنده		طرح عمرانی- راه سازی	نلمه	عمران و شهرسازی	-	طرح‌های راه‌سازی شهرستان خداپنده	پرونده ۲
۱۳۷۱			آزادگان	نلمه	تأمین اجتماعی	-	امور آزادگان شهرستان خداپنده	پرونده ۳
۱۳۷۱			مناسبت‌ها- دهه فجر	نلمه	فهنگی	عمومی	برنامه‌های دهه فجر شهرستان خداپنده	پرونده ۴
۱۳۸۲		فرمانداری	تأمین اعتبار	نلمه	عمرانی	-	آب‌رسانی روستاهای خداپنده	پرونده ۵
۱۳۸۵			روستائیان- بیمه	نلمه	تأمین اجتماعی	-	بیمه روستائیان توابع شهرستان خداپنده	پرونده ۶
							جای‌ها: -۸۷ ۲۹۳/۱۶۸۳۷۷	کارتن ۲
۱۳۶۸- ۱۳۷۰			نانوایی- مجوز	نلمه	خدمات شهری	-	متقاضیان مجوز نانوایی در شهرستان خداپنده	پرونده ۷

ادامه جدول ۸

تنظیم اسناد فرمانداری خداپنده



سازمانی								ملهیت
سندِ متنی کاغذی								نوع ماده
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		عنوان	سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکردی	ساختاری		
۱۳۷۱			نانوایی-مجوز	نلمه	خدمات شهری	-	مقتضیات مجوز نانوایی در شهرستان خدابنده	پرونده ۸
۱۳۵۶- ۱۳۵۸		فرمانداری	بودجه	نلمه	بودجه	مالی	اعتبارات بودجه فرمانداری خدابنده	پرونده ۹
۱۳۵۲- ۱۳۵۷			مناسبت‌ها	نلمه	فهنگی	عمومی	برگزاری مناسبت‌های رسمی در شهرستان خدابنده	پرونده ۱۰
۱۳۵۱- ۱۳۵۳			مطبوعات	نلمه	فهنگی	-	فعالیت‌های مطبوعاتی شهرستان خدابنده	پرونده ۱۱
۱۳۵۹			اختلافات ملکی	نلمه	شکلیت	-	اختلافات ملکی اهالی روستاهای خدابنده	پرونده ۱۲
۱۳۶۶		فرمانداری	کارکنان	نلمه	مقررات اداری	اداری	امور اداری و پرسنلی فرمانداری خدابنده	پرونده ۱۳

### ادامه جدول ۸

تنظیم اسناد فرمانداری خدابنده



سازمانی							مهریت
سندِ ممتنی کاغذی							نوع ماده
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکردی	ساختاری	
۱۳۶۵		بانک مسکن	خدمات	نمہ	بانکداری	-	پروندہ ۱۴ افتتاح شعبہ بانک مسکن شہرستان خدابندہ
۱۳۶۲			طرح عمرانی- آب رسانی	نمہ	عمران و شہر سازی		پروندہ ۱۵ آب رسانی بہ روستا ہای تابعہ خدابندہ
۱۳۶۶			توزیع	نمہ	بازرگانی		پروندہ ۱۶ توزیع تیر آہن
۱۳۶۶			عمران روستایی	نمہ	شہر سازی		پروندہ ۱۷ صورت مصالح ساختمانی
							کارتن ۳ جای نما: -۹۷ ۲۹۳/۱۶۸۳۸۸
۱۳۵۹- ۱۳۶۰			ساختمان سازی	نمہ	عمران و شہر سازی	-	پروندہ ۱۸ واگذاری زمین برای احداث اماکن مختلف و ساختمان های اداری در خدابندہ
۱۳۶۳- ۱۳۶۴			لبنیک	نمہ	بازرگانی- مواد غذایی	-	پروندہ ۱۹ توزیع لبنیات سہمیہ ای بین اہالی شہرستان خدابندہ

### ادامہ جدول ۸

تنظیم اسناد فرمانداری خدابندہ





سازمانی								ملحیت
سند متنی کاغذی								نوع ماده
تاریخ	محتوای موضوعی			شکل سند	عملکرد سازمانی		عنوان	سطح تنظیم
	جغرافیا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکردی	ساختاری		
۱۳۶۳			سربازی	نامه- فرم	نظالموظیفه	-	نظالموظیفه گرماب	پرونده ۲۰
۱۳۶۲			آرد	نامه	بازگانی- اصناف	-	توزیع سهمیه آرد در شهرستان خدابنده	پرونده ۲۱
۱۳۵۸- ۱۳۶۰		فرمانداری	خانه‌های سازمانی	نامه	مقررات اداری	اداری	استفاده از خانه‌های سازمانی	پرونده ۲۲
۱۳۶۱			آرد و گندم	نامه	بازرگانی- اصناف	-	توزیع سهمیه آرد و گندم در شهرستان خدابنده	پرونده ۲۳
۱۳۷۰			نانوایی‌ها	نامه	اصناف	-	رسیدگی به وضعیت نانوایی‌ها و سهمیه آرد و گندم ...	پرونده ۲۴
۱۳۵۴- ۱۳۵۷			طرح عمرانی- راه‌سازی	نامه	عمران و شهرسازی	-	گزارش پیشرفت راه قیدار-بهر	پرونده ۲۵
۱۳۵۵			طرح عمرانی- راه‌سازی	نامه	عمران و شهرسازی	-	قرارداد حفر چاه و راه روستاهای خدابنده	پرونده ۲۶
۱۳۵۵			انجمن شهر	نامه	شهرداری- شوراهای	-	انتخابات انجمن شهرستان خدابنده	پرونده ۲۷

### ادامه جدول ۸

تنظیم اسناد فرمانداری خدابنده



سازماني							ملهيت
سندِ منتهي كاغذي							نوع ماده
تاريخ	محتواي موضوعي			شكل سند	عملکرد سازمانی		سطح تنظيم
	جغرافيا	شخص/ سازمان	موضوع		کارکردی	ساختاری	
						شماره جاي نما: ۳۹۹- ۳۹۳/۱۶۸۳۹۸	کارتن ۴
۱۳۶۹- ۱۳۷۲			نماینده خودرو	نمه	بازرگانی- خودروسازی	- خودرو	پرونده ۲۸
۱۳۷۲		فرمانداری	حملونقل	نمه	حملونقل	اداری مینی پوس فرمانداری	پرونده ۲۹

### ادامه جدول ۸

تنظیم اسناد فرمانداری خدابنده

در جدول شماره ۸ (همانند جدول شماره ۷) نیز تنظیمی براساس معیارهای سازمانی (کارکردی - ساختاری)، طبقه بندی موضوعی و حتی برش های تاریخی (دوره پهلوی - جمهوری اسلامی یا دهه ۵۰/۶۰/۷۰/۸۰) انجام نشده است. بین ۴ کارتن ۱۰ پرونده ساختاری وجود دارد که می توانست از اسناد کارکردی جدا شود و در یک کارتن کنار هم قرار بگیرد.

### ۱۶. پیشنهاد تنظیم

مثال: منشأ (خاستگاه): فرمانداری خدابنده

جدول شماره ۹ نمونه پیشنهاد شده برای باز تنظیم بخشی از پرونده های فرمانداری خدابنده در آرشیو ملی ایران را نشان می دهد که ابتدا اسناد کارکردی از اسناد ساختاری تفکیک شد. سپس اسناد کارکردی براساس ۹ رده کلی و ذیل هر رده نیز موضوعات پیشنهادی عام (ردیفی) به خاص (پرونده) به شکل سلسله مراتبی گروه بندی شد. از آنجاکه حجم نمونه حدود ۵۰۰ کارتن انتخاب شد، بنابراین تمام موضوعات قابل استخراج نبود و به همین دلیل برخی ستون ها خالی است. مثال های جدول مصوب نیست و برای درک نحوه پیاده سازی باز تنظیم براساس معیارهای آرشیوی تهیه شده است.



طبقه‌بندی کارکردی - سلسله‌مراتبی									
تزییب	رده کلی مکاتبات	زیرسندگان - موضوع رأس	ردیف - موضوع عام	زیرردیف - موضوع عام	پرونده				
۱	اجتماعی - فرهنگی	۱- وزارت آموزش و پرورش ۲- نهضت سوادآموزی ۳- صداوسیما ۴- میراث فرهنگی و گردشگری	۱- گردشگری	۱- استخدام اسم شخص	۱- استخدام‌های معلمان (۸ پرونده)				
				۱- غار کته خور (۹) پرونده ۲- گنبد سلطانیه (۲) پرونده	جاذبه‌های طبیعی				
				۱- مرمت اشیاء ۳- صنایع دستی	۲- موزه‌ها موزه ایران باستان (۲) پرونده				
				۱- نمایشگاه‌ها	۳- صنایع دستی				
				۱	اجتماعی - فرهنگی	۵- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶- کلنون پرورش فکری ۷- امور بانوان ۸- اوقاف و امور خیریه ۹- تبلیغات اسلامی	۱- برنامه‌های فرهنگی ۲- کتاب‌خانه‌ها ۳- اوقات فراغت ۴- شورای جوانان	۱- برنامه‌های فرهنگی	۱- نمایشگاه‌ها
								۲- کتاب‌خانه‌ها	۲- موزه‌ها
								۳- اوقات فراغت	۳- صنایع دستی
								۴- شورای جوانان	۴- نمایشگاه‌ها
								۶- کلنون پرورش فکری	۱- امریه معروف و نهی‌افکنگر
								۷- امور بانوان	۲- زکات
۸- اوقاف و امور خیریه	۳- نماز								
۹- تبلیغات اسلامی	۴- امام‌جمعه ۵- مساجد								

### جدول ۹

بازتنظیم سلسله‌مراتبی اسناد کارکردی  
فرمانداری خدابنده



طبقه‌بندی کارکردی-سلسله‌مراتبی						
پرونده	زیرردیف-موضوع عام	ردیف- موضوع عام	زیرسندگان- موضوع رأس		رده کلی مکاتبات	تقیب
		۱- تیریک و تسلیت	جمهوری اسلامی	۱۰- مناسبت‌ها		
		۲- ارتحال امام خمینی (پانزده خرداد)				
		۳- هفته بسیج				
		۴- دهه فجر				
		۵- روز دانش آموز (سیزده آبان)				
		۶- دفاع مقدس				
		۷- هفته دولت				
		۸- جشن‌های شهنشاهی				
			پهلوی		اجتماعی- فرهنگی	۱
		۱- بنیاد شهید		۱۱- بنیادها و امور جنگ		
		۲- بنیاد ایثارگران و جانبازان				
		۳- بازسازی مناطق جنگی				
		۴- جبهه‌ها و پناهگاه‌ها				
		۵- مهاجران و پناهندگان عراقی				
		۶- کمیته امداد امام خمینی				
		شورای ورزش	۱۲- تربیت بدنی			

ادامه جدول ۹

بازتنظیم سلسله‌مراتبی اسناد کارکردی فرمانداری خدابنده



طبقه بندی کارکردی - سلسله مراتبی					
ترتیب	رده کلی مکاتبات	زیرسندگان- موضوع رأس	ردیف- موضوع عام	زیرردیف- موضوع عام	پرونده
۲	بهداشتی- درمانی	۱- بهداری			
		۲- بهزیستی			
		۳- بیماری‌ها			
		۴- مراکز درمانی	۱- بیمارستان		
		۲- درمانگاه			
		۳- داروخانه			
		۵- پزشکی قانونی			
۶- دامپزشکی					
۷- هلال احمر					
۳	محیط زیست و جغرافیا	۱- محیط زیست			
		۲- منابع طبیعی			
		۳- هواشناسی			
		۴- نقشه برداری			
		۵- تقسیمات کشوری			
		۶- سرشماری و نفوس			
		۷- حوادث طبیعی			
۴	عمران شهری و روستایی	۱- اداره تعاون			
		۲- سازمان تعاون روستایی			
		۳- معاونت امور عمرانی			
		۴- سازمان برنامه و بودجه			
		۵- اعتبارات عمرانی			

### ادامه جدول ۹

بازتنظیم سلسله مراتبی اسناد کارکردی  
فرمانداری خدابنده



طبقه‌بندی کارکردی-سلسله‌مراتبی					
پرونده	زیرردیف-موضوع عام	ردیف-موضوع عام	زیرسندگان-موضوع رأس	رده کلی مکاتبات	تاریخ
		۱- آب‌رسانی	۶- طرح‌های عمرانی	عمران شهری و روستایی	۴
		۲- برق‌رسانی			
		۳- گازرسانی			
		۴- مخابرات			
		۵- راه و ترابری			
		۶- احداث و نوسازی مدارس			
		۷- احداث مراکز آموزش عالی			
		۸- احداث حمام			
		۹- احداث مساجد			
		۱۰- احداث خانه‌های فرهنگ			
		۱۱- احداث سینما			
		۱۲- احداث کتابخانه			
		۱۳- احداث چاپخانه			
		۱۴- احداث بازارچه سنتی			
		۱۵- احداث انبار			
		۱۶- احداث کارخانه			

ادامه جدول ۹

بازتنظیم سلسله‌مراتبی اسناد کارکردی فرمانداری خدابنده



طبقه‌بندی کارکردی-سلسله‌مراتبی					
تزیب	رده کلی مکاتبات	زیرسندگان- موضوع رأس	ردیف- موضوع عام	زیرردیف- موضوع عام	پرونده
۴	عمران شهری و روستایی	۷- کشاورزی ۲- بانک کشاورزی ۳- خشک‌سالی ۴- ادوات کشاورزی ۸- دام و طیور ۲- مرغداری ۹- عرایض و درخواست‌های روستایی ۱۰- مناطق محروم ۱۱- جهاد سازندگی ۱۲- مسکن ۱۳- شهرداری ۱۴- دهرداری ۱۵- کدخدایی ۱- ریاست جمهوری ۲- مجلس شورای اسلامی ۳- شوراها ۴- انجمن ده	۱- مدیریت کشاورزی		
			۱- کشتارگاه		
۵	انتخابات		۱- بنیاد مسکن شهرسازی		
			۲- خانه‌های سازمانی		
			۳- بانک مسکن		
			۴- شهرک‌های صنعتی		
			۵- واگذاری زمین		

### ادامه جدول ۹

بازتنظیم سلسله‌مراتبی اسناد کارکردی  
فرمانداری خدابنده



طبقه بندی کارکردی-سلسله مراتبی					
رتبه کلی مکاتبات	رتبه کلی	زیرسندگان- موضوع رأس	ردیف- موضوع عام	زیرردیف- موضوع عام	پرونده
۶	اقتصاد- دارایی	۱- بازرگانی	۱- نظارت و بازرسی		
			۲- صنایع سنگین		
			۳- معادن		
			۴- جواز کسب		
			۵- اتحادیه های صنفی		
			۶- عوارض اصناف		
			۷- تعزیرات حکومتی		
	۲- درخواست و توزیع کالا	۲- مواد غذایی	۱- کوپن		
			۱- غله و آرد (۷۰ پرونده)		
			۲- قند و شکر (۵۵ پرونده)		
			۳- شیر و لبنی (۱۲ پرونده)		
			۴- روغن (۳ پرونده)		
			۵- چای (۵ پرونده)		
			۳- پوشاک و نساجی		
۴- لوازم تحریر و کاغذ					
۵- مصالح ساختمانی					
۶- لوازم یدکی خودرو					
۷- خودروهای سبک و سنگین					
۳- نفت	۱- وزارت نفت	۱- وزارت نفت			
		۲- ستاد سوخت			
		۳- احداث پمپ بنزین			
۴- بانکها	۱- شورای بانکها	۱- شورای بانکها			
		۲- بانک ملی			
		۳- سایر بانکها			

**ادامه جدول ۹**

بازتنظیم سلسله مراتبی اسناد کارکردی فرمانداری خدابنده





طبقه بندی کارکردی-سلسله مراتبی					
تزیب	رده کلی مکاتبات	زیرسندگان- موضوع رأس	ردیف- موضوع عام	زیرردیف-موضوع عام	پرونده
۷	ادارات دولتی	۵- پست			
		۶- ثبت اسناد			
		۷- ثبت احوال			
		۸- کار و تأمین اجتماعی			
		۹- امور خارجه			
		۱۰- هیئت وزیران			
		۱۲- مدیریت دولتی			
۸	انتظامی-سیسی	۱- نیروی انتظامی	۱- پاسگاه‌ها		
			۲- گزارش‌های وقایع روزانه		
			۳- مبارزه با مواد مخدر		
			۴- خدمت نظم و وظیفه		
			۲- سپاه پاسداران		
			۳- راهنمایی رانندگی	۱- عوارض / جرائم	
۹	قضایی	۱- دادگاه صلح	۲- صدور گواهینامه		
			۱- شکایات‌ها		
جمع				۲- خانه‌های انصاف	

### ادامه جدول ۹

بازتنظیم سلسله مراتبی اسناد کارکردی  
فرمانداری خدابنده



## ۱۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

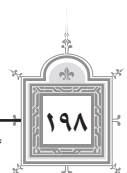
در نتیجه بررسی و تطبیق بین استانداردهای تنظیم و توصیف شورای بین‌المللی آرشیو (ایکا، ۲۰۰۰)، انجمن آرشیوداران امریکا (۲۰۱۳) و کانادا (۲۰۰۸) و استاندارد مد ۳ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶)، در اصول اولیه حاکم بر تنظیم و توصیف یعنی احترام به سندگان و دو اصل فرعی احترام به خاستگاه و نظم اصلی اولیه اتفاق نظر وجود دارد؛ مگر در صورت نبود نظم اولیه یا به هم ریختگی نظم اسناد که می‌توان آن‌ها را باز تنظیم کرد. معیارهایی که از تطبیق استانداردها برای تنظیم سلسله‌مراتبی کل - جزء به دست آمده است به عنوان گام‌های باز تنظیم پیشنهاد می‌شوند. این معیارها که هر دو جنبه فیزیکی و فکری (محتوایی) اسناد را دربر دارند عبارت‌اند از: ۱- ماهیت اسناد؛ ۲- منشأ (خاستگاه) و پدید آور (ایجادکننده)؛ ۳- زبان (ها)؛ ۴- عملکرد سازمانی (ساختاری - کارکردی)؛ ۵- نوع ماده؛ ۶- شکل سند؛ ۷- محتوا (محورهای موضوعی، اسامی خاص و تاریخ)؛ ۸- تاریخ. از آنجا که توصیه شده است تا نظم اصلی یا اولیه اسناد حفظ شود و آرشیودار بدون هیچ توجیه کاربرپسندی در تغییر نظم دخالتی نداشته باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که گروه‌بندی‌های اسناد دولتی زمانی انجام شود که: ۱- اسناد رقمی زاد نباشد؛ ۲- امکان رقمی‌سازی اسناد کاغذی پیش از توصیف وجود نداشته باشد؛ که در این صورت آرشیوداران می‌توانند برای ایجاد ارزش افزوده در توصیف و کشف ظرفیت‌های کاربرمحوری، اسناد را باز تنظیم کنند. با توجه به وضع موجود در آرشیو ملی ایران که نمونه‌مثالی از آن ارائه شد، چنانچه برای حجم انبوهی از اسناد متنی که نظم اولیه ردیف و پرونده‌ای آن‌ها به هم ریخته است تنظیم سلسله‌مراتبی و رده‌بندی ساختارمندی به وجود نیاید، امکان اولویت‌بندی برای سطح‌بندی توصیف اسناد بر اساس ارزش اطلاعاتی امکان‌پذیر نخواهد شد و به دلیل پراکندگی اسناد هنگام توزیع بین متخصصان آرشیو امکان یکدستی توصیف‌های اسناد مشابه از بین خواهد رفت.

### منابع

#### منابع فارسی

##### کتاب

- عزیزی، غلام‌رضا و دیگران. (۱۳۹۱). *مجموعه قوانین، مقررات و شیوه‌نامه‌های آرشیوی: شیوه‌نامه‌ها و رویه‌های تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی (اسناد متنی کاغذی و عکس)*. (ج ۲). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، معاونت اسناد ملی.
- عزیزی، غلام‌رضا؛ سلیم گندمی، حمید؛ نظری، آناهیتا. (۱۳۹۹). *شیوه‌نامه توصیف ردیف/زیرردیف اسناد متنی*. تهران: آرشیو ملی ایران.



## مقاله

کوک، تری. (۱۳۹۴). «مفهوم فوندهای آرشیوی در عصر پسا- تملک: فرضیه، چالش‌ها و راه‌حل‌ها». (رضا مهاجر، مترجم). فصل‌نامه آرشیو ملی، س ۱، ش ۲، صص ۳۸-۵۵.

## منابع اینترنتی

اساس‌نامه سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران: <https://www.nlai.ir/asasnameh>  
سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران. (اوپک): <http://opac.nlai.ir/opac-prod/in-dex1.jsp>

## استاندارد

«استاندارد ملی توصیف آرشیوی- کلیات». (۱۳۹۸). سازمان ملی استاندارد ایران با همکاری سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران. شماره ۲۲۷۵۴.

[yun.ir/vq4ola](http://yun.ir/vq4ola)

## Latin Resources

Association of Canadian Archivists. (2008). *RAD: Rules for Archival Description*. Canada.

[https://archivescanada.ca/wp-content/uploads/2022/08/RADComplete\\_July2008.pdf](https://archivescanada.ca/wp-content/uploads/2022/08/RADComplete_July2008.pdf)

ICA. (2011). *ISAD(G): General International Standard Archival Description*. ICA: International Council on Archives. Committee on Best Practices and Standards. <https://www.ica.org/en/isadg-general-international-standard-archival-description-second-edition>

ICA. (2011). Terminology and current records. <https://www.ica.org/en/terminology-and-current-records>

ICA. (2016). *RIC: Record In Context*. Conceptual model. Draft 1

ICA. (2019). *RIC: Record In Context*. Conceptual model. Draft 2

ICA. (2021). *RIC: Record In Context*. Conceptual model. Draft 3

[https://www.ica.org/sites/default/files/ric-cm-02\\_july2021\\_0.pdf](https://www.ica.org/sites/default/files/ric-cm-02_july2021_0.pdf)

Procter, Margaret; Cook, Michael. (2016). *MAD 3: Manual of Archival Description*. (3rd ed). New York. Rutledge.

Society of American Archivist. (2013). *DACS: Describing Archives: A Content*



*Standard. SECOND EDITION.* Chicago. [http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013\\_v0315.pdf](http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013_v0315.pdf)

## English Translation of References

### Books

- Association of Canadian Archivists. (2008). *RAD: Rules for Archival Description*. Canada. Retrieved from [https://archivescanada.ca/wp-content/uploads/2022/08/RADComplete\\_July2008.pdf](https://archivescanada.ca/wp-content/uploads/2022/08/RADComplete_July2008.pdf).
- Azizi, Gholamreza et al. (1391/2012). “*Majmu’e qavānin, moqrrarāt va šive-nāme-hā-ye āršivi: Šive-nāme-hā va raviye-hā-ye tanzim va towsif-e asnād-e āršivi (Asnād-e matni-ye kāqazi va ‘ax)*” (Collection of archival rules, regulations and guidelines). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Azizi, Gholamreza; Salim Gandomi, Hamid; & Nazari, Anahita. (1399/2020). “*Šive-nāme-ye towsif-e radif/zir-radif-e asnād-e matni*” (Methodology for describing the row/sub-row of textual documents). Tehran: āršiv-e Melli-ye Irān (The National Library and Archives of Iran). [Persian]
- ICA. (2011). *ISAD(G): General International Standard Archival Description*. ICA: International council On Archives. Committee on Best Practices and Standards. Retrieved from <https://www.ica.org/en/isadg-general-international-standard-archival-description-second-edition>.
- ICA. (2011). *Terminology and current records*. Retrieved from <https://www.ica.org/en/terminology-and-current-records>.
- ICA. (2016). *RIC: Record In Context*. Conceptual model. Draft 1.
- ICA. (2019). *RIC: Record In Context*. Conceptual model. Draft 2.
- ICA. (2021). *RIC: Record In Context*. Conceptual model. Draft 3. retrieved from [https://www.ica.org/sites/default/files/ric-cm-02\\_july2021\\_0.pdf](https://www.ica.org/sites/default/files/ric-cm-02_july2021_0.pdf)
- Procter, Margaret; & Cook, Michael. (2016). *MAD 3: Manual of Archival Description*. (3rd ed). New York. Rutledge.



Society of American Archivist. (2013). *DACS: Describing Archives: A content standard* (2nd ed.). Chicago. Retrieved from [http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013\\_v0315.pdf](http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013_v0315.pdf).

### Articles

Cook, Terry. (1394/2015). "Mafhum-e fond-hā-ye āršivi dar 'asr-e pasā-tamallok: Farziyeh, āleš-hā va rāh-e hal-hā" (The concept of the archival fonds in the post-custodial era: Theory, problems and solutions). Translated by Reza Mohajer. *Faslnāme-ye āršiv-e Melli* (National Archives Quarterly), 1(2), pp. 38-55. [Persian]

### Online sources

Asās-nāme-ye Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (Constitution of the National Library and Archives Organization of Iran): <https://www.nlai.ir/asasnameh>. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). (Opac): <http://opac.nlai.ir/opac-prod/index1.jsp>. [Persian]

### Standard

"Estāndārd-e melli-ye towsif-e āršivi-kolliyāt" (National standard of archival description - Generals). (1398/2019). Sāzmān-e Melli-ye Estāndārd-e Irān (Institute of Standards and Industrial Research of Iran) in partnership with Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). Issue 22754. [Persian]

[yun.ir/vq4ola](http://yun.ir/vq4ola). [Persian]





## Table of contents

*Ganjineh-Ye Asnad*

(Peer-reviewed Journal)

Vol.33, No.4, (Winter 2024)

Ser.No: 132

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

### Historical Research

---

Hussein Rauf Bey's Ittihad Islamic Army and the occupation of Kermanshah in the First World War\ **Sabah Khosravizadeh, Sabah Ghanbari** 6-31(26)

Analysis of the Deportation of the Opponents of the triple Politics of the Conscription, the Unity of Clothes and the Unveiling in the first Pahlavi era\ **Seyyed Mohammad Sadat Bidgoli, Reza Bigdeloo** 32-54(23)

Zel al-Sultan Military Formations and Barracks in Isfahan\  
**Somaye Bakhtiyari** 56-94(39)

Analyzing and investigating the disarmament of Javanrud'sjaf tribes (1941-1955)\ **Kayomarth Mirzaei, Morteza Dehghannezhad, Morteza Nouraei** 96-120(25)

### Archival Studies

---

Investigating the effect and relationship of the restorers' taste and the viewer opinion on the reintegration of the Lacuna of the mono Persian Miniatur of Alexander's naval battle\ **Azam Sohelipour, Samad Samanian** 122-157(36)

Arrangement of government textual Records based on international archival standards\ **Anahita Nazari** 158-201(44)

English Abstracts \ **Sanaz Baghestani**



# Ganjine-ye Asnad

## Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.33, No4, (Winter 2024)  
(132)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the  
Islamic Republic of Iran

**Editor-in-Chief:**

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

**Managing Editor:**

Golamreza Azizi, PhD greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

**Editorial Board:**

Terry Eastwood, Professor, University  
of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip  
Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor,  
University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor,  
Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor,  
Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University  
of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of  
Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor,  
University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor,  
National library and Archives of Iran,  
Iran.

Narges Neshat, Professor,  
National library and Archives of Iran,  
Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate  
Professor, University of Isfahan, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

